



پژوهش‌های جامعه‌شناختی

سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

مدیر مسئول: دکتر سهیلا علیرضا نژاد

سر دبیر: دکتر سید محمد صادق مهدوی

مدیر داخلی: دکتر سروش فتحی

نظارت: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

اعضای هیأت تحریریه:

دکتر باقر ساروخانی

دکتر علی اکبر فرهنگی

دکتر مهرداد نوابخش

دکتر علیرضا کلدی

دکتر خدیجه سفیری

دکتر سید محمد صادق مهدوی

دکتر منصور وثوقی

دکتر علیرضا محسنی تبریزی

دکتر سهیلا علیرضا نژاد

دکتر طاهره میرساردو

دکتر سروش فتحی

همکاران علمی این شماره:

دکتر مصطفی ازکیا، دکتر محمد رضا رشیدی، دکتر فروزنده جعفرزاده پور، دکتر هوشنگ ظهیری، دکتر حبیب‌اله کریمیان،

دکتر مهدی مختارپور، دکتر رضا علی محسنی، دکتر سعید معدنی، دکتر فاطمه پاکرو، دکتر الهام رحمت‌آبادی

نشانی دفتر مجله و مرکز پخش: گرمسار- صندوق پستی ۱۴۴-۳۵۸۱۵ تلفن: ۰۲۳۲-۴۲۲۵۰۰۹-۱۲ داخلی ۲۵۱

ناشر: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی

پژوهش نامه علوم اجتماعی گرمسار به استناد شانزدهمین جلسه کمیسیون بررسی و تایید نشریات علمی دانشگاه آزاد اسلامی به شماره مجوز ۸۷/۱۶۲۳۴۲ مورخ ۱۳۸۳/۹/۱ سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی به صورت فصلنامه منتشر و بر اساس رای پنجاه و نهمین جلسه کمیسیون مذکور مورخ ۱۳۸۸/۸/۴ از درجه علمی پژوهشی برخوردار است. و بر اساس نامه وزارت علوم تحقیقات و فن آوری به شماره ۳/۱۸/۲۲۵۷۸۶ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۹ عنوان مجله به پژوهش‌های جامعه‌شناختی تغییر یافت.

Website: journals.iau-garmsar.ac.ir

E-mail: sociological-research@iau-garmsar.ac.ir

مقالات این مجله به پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC وارد می‌شود.

مقالات این مجله در پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID نمایه می‌شود.

الف) شرایط پذیرش مقاله

- ✓ مقاله ارسالی برای چاپ در فصلنامه دارای محتوای علمی و آکادمیک بوده، فقط جنبه پژوهشی داشته باشد و حاصل مطالعات و تحقیقات نویسنده باشد.
- ✓ دفتر فصلنامه، مقالاتی را در دستور کار برای بررسی و نشر قرار خواهد داد که قبلاً در هیچ یک از نشریات داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و تحت بررسی برای چاپ نیز نباشد. اگر نویسنده به هر دلیلی نسبت به چاپ مقاله ارسالی در دوشنبه اقدام نماید مسئولیت و عواقب ناشی از آن به عهده نویسنده بوده و هیچ گونه مسئولیتی در این باره بر عهده مجله نخواهد بود. این مجله مقالات در موضوعات تخصصی علوم اجتماعی، جامعه شناسی و مسائل اجتماعی و فرهنگی را به چاپ می‌رساند. لازم است مقالات ارائه شده در عین علمی و تحقیقی بودن، ساده و روان بوده و قواعد نگارشی فصلنامه نیز در آن رعایت شده و فاقد غلط املائی باشند.
- ✓ مقاله‌هایی در اولویت چاپ قرار خواهند گرفت که در آنها به مقاله‌های چاپ شده در شمارگان قبلی فصلنامه پژوهش‌های جامعه شناختی استناد شده باشد.
- ✓ مسئولیت محتوای مقالات بر عهده نویسنده/ نویسندگان است.
- ✓ کلیه مقالات ارسالی (در صورت تأیید یا رد مقاله) در آرشیو مجله نگهداری خواهد شد.
- ✓ آراء و نظرات مندرج در مقالات لزوماً مبین نظرات و آراء مجله نیست.
- ✓ هیأت تحریریه حق قبول یا رد، ویرایش، تلخیص و تنظیم مقالات را دارد.
- ✓ ترتیب تقدم و تأخر چاپ مقالات به ارزش علمی و یا شخصیت نویسندگان ارتباطی ندارد.
- ✓ محتوای مقاله باید با اهداف مجله متناسب باشد (تشخیص این مورد با هیأت تحریریه است).
- ✓ با توجه به سیاست‌های هیأت تحریریه، مجله از بررسی و چاپ مقالات ترجمه شده معذور است.

ج) راهنمای نگارش مقاله

- ✓ مقاله در ابعاد A4 فراهم شود. تعداد صفحات هر مقاله بین ۲۲-۱۵ صفحه در قطع وزیری با (فونت ۱۲ B) Zar و (فونت 10 Time New Roman برای متن انگلیسی) در نرم افزار ورد ۲۰۰۳ تایپ شود و از طریق سایت مجله ارسال گردد.
- ✓ در تایپ متن مقالات فاصله بین کلمات «ها»، «می» و ضمائر از فعل و غیره از هم جدا شوند (مثل: می‌شود، شماره‌ها و رفته‌ایم) و همچنین کلماتی که از دو قسمت تشکیل شده‌اند (مثل: صاحب نظران و...) رعایت شود. لازم است نویسندگان محترم به آیین نگارش فارسی توجه کافی داشته باشند. تمامی زیرنویس‌ها به ترتیب شماره درج شود. همچنین منابع ارجاع داده شده در داخل متن (استناد درون متنی) منابع در آخر مقاله

و بر اساس APA به صورت الفبایی و بدون شماره گذاری یا علامت در کنار منبع با فونت B zar 10 درج شود.

✓ ارجاع به مقالات مرتبط و منتشر شده در شماره های چاپ شده مجله تشویق مدنظر قرار گیرد.

✓ صفحه عنوان: در صفحه اول، عنوان کامل مقاله؛ نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، مرتبه علمی و گروه آموزشی دانشگاه هم به فارسی و هم به انگلیسی زیر عنوان آورده شود. مسئولیت صحت اسامی نویسندگان به انگلیسی به عهده نویسنده / نویسندگان است. چنانچه نویسندگان بیش از دو نفر باشند فرد پاسخگوی مکاتبات مقاله (نویسنده مسئول) و پست الکترونیک وی باید در زیر نویس مشخص گردد. اعلام رشته تحصیلی نویسنده یا نویسندگان و سمتهای آکادمیک آنها در قسمت نویسندگان در سامانه فصلنامه الزامی است. لازم است شماره ORCID نویسندگان در صفحه مشخصات و همچنین در فایل های ارسالی در فایل نویسندگان درج شود.

✓ چکیده مقاله: چکیده مقاله باید حداکثر در ۳۰۰ کلمه به دو زبان انگلیسی و فارسی تهیه شود. چکیده لازم است معرف مناسبی برای مقاله بوده و همچنین واژه گان کلیدی در پایان آن درج شود.

✓ متن: چارچوب مقاله باید شامل چکیده (در صفحه اول مقاله)، مقدمه (طرح مساله، اهمیت و ضرورت مساله و هدف، ادبیات تحقیق و چهارچوب نظری) روش شناسی، یافته ها، بحث و نتیجه گیری و منابع باشد.

✓ عنوان جدول در بالا و عنوان شکل در زیر آن نوشته شود. از عنوان هایی مثل نمودار، عکس و نقشه استفاده نشود و فقط از کلمه شکل استفاده نمایید. همه اعداد، واحدها و مقیاس ها در تمام قسمت های مقاله باید به فارسی باشد.

✓ فایل هر شکل، علاوه بر آمدن در متن به صورت جداگانه و با پسوند JPG و با کیفیت حداقل 300 dpi به همراه مقاله در سامانه فصلنامه بارگذاری شوند. برای چاپ ممکن است شکل ها کوچکتر شوند، لذا نوشته ها و اعداد روی شکل ها درشت و کاملاً خوانا باشند.

✓ نحوه ترتیب و ویرایش منابع طبق دستور زیر اعمال گردد:

- الف) ارجاعات داخل متن با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار : شماره صفحه و در داخل پرانتز آورده شوند. به طور مثال: (ووثوقی، ۱۳۸۴: ۳۵) و (Giddens, 2003: 143).
- ب) اطلاعات کتاب شناسی به ترتیب حروف الفبا و با رعایت نکات زیر به فارسی یا زبان دیگر آورده می شوند.

- کتاب با یک نویسنده: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. عنوان. محل نشر: ناشر.
- کتاب با بیش از یک نویسنده: نام خانوادگی، نام و نام و نام خانوادگی همکار(ان). سال انتشار. عنوان. محل نشر: ناشر.
- ترجمه کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام. سال انتشار. عنوان. نام و نام خانوادگی مترجم. محل نشر: ناشر.

- مقاله با یک نویسنده: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. "عنوان." نام نشریه، دوره، شماره: صفحه شروع و پایان مقاله.
- مقاله با بیش از یک نویسنده: نام خانوادگی، نام و نام و نام خانوادگی همکار(ان). سال انتشار. "عنوان." نام نشریه، دوره، شماره: صفحه شروع و پایان مقاله.
- مقاله در مجموعه مقالات: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. "عنوان مقاله." صفحه شروع و پایان مقاله در نام مجموعه مقالات، نام و نام خانوادگی گردآورنده(گان). محل نشر: ناشر.
- چکیده مقاله: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. "عنوان." نام نشریه. محل نشر: ناشر.
- گزارش: نام مؤسسه. سال انتشار. عنوان. نام تهیه کننده. محل نشر: ناشر.
- پایان نامه: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. عنوان. پایان نامه دکتری / کارشناسی ارشد. نام دانشگاه.
- روزنامه، خبرنامه: نام خانوادگی، نام. سال، ماه و روز انتشار. "عنوان." نام روزنامه / خبرنامه. محل نشر.
- پایگاه اطلاعاتی اینترنت: نام خانوادگی، نام. سال، ماه. عنوان. آدرس پایگاه اطلاعاتی اینترنت.
- منابع بدون شماره یا علامت و بدون بلد شدن به ترتیب حروف الفبا آورده شوند.

سایر شرایط ساختاری نگارش مقاله در فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشهای جامعه شناختی

توضیحات	شرایط		عناوین
	Font Size	Font	
	۱۲	B Zar	اندازه و فونت متن
	۹	B Zar	اندازه و فونت ارجاعات(رفرنس) داخل متن
	۱۲	B Zar Bold	اندازه و فونت تیتر عنوان مقاله
	۱۰	Bkoodak	نام و نام خانوادگی و سمت آکادمیک نویسندگان
	۱۲	B Zar Bold	اندازه و فونت سر تیتر های مقاله
	۱۰	B Zar Bold	اندازه و فونت متن چکیده
	۹	B Zar	عناوین جداول
	۸	B Zar	متن و داده های داخل جداول بصورت فارسی باشد
	۱۰	B Zar	منابع
	۱۰	Times New Roman	کلیه اصطلاحات و متن انگلیسی
	۱۰	Times New Roman Bold	عنوان مقاله به انگلیسی
	۱۰	Times New Roman	متن چکیده انگلیسی

فهرست مطالب

- ترسیم الگوی راهبردی برای تحقق توسعه پایدار روستایی (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان خلخال) ۱
 بهراد عزیزی، ولی‌اله رستمعلی زاده*، نادر مطیع حق شناس
- تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی
 و مهدی بازرگان ۳۰
- کاظم مرادی، مهرداد نوابخش*، سروش فتحی
- مطالعه جامعه‌شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز ۶۷
 احمد پالیزدان، سعید معدنی*، ایرج ساعی ارسى
- تبیین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری در شهر صنعتی عسلویه ۹۹
 حسین احمدی، غلامرضا جعفری نیا*، علی شمس‌الدینی
- آسیب‌شناسی مدیریت بحران تصادفات جاده‌ای در استان خراسان رضوی ۱۲۶
 علیرضا صنعت‌خواه*، عباس بابایی نژاد
- عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در کمک به بهزیستی استان خوزستان ۱۵۶
 فاطمه دوستی ایرانی، رضا اسماعیلی، اصغر محمدی

DOI: [10.71854/soc.2025-1207235](https://doi.org/10.71854/soc.2025-1207235)

Designing a strategic model for sustainable rural development (Case of study: Villages of Khalkhal city)

Behrad Azizi [0009-0009-1710-1645](#) 

Ph.D. Candidate in Sociology, Department of Sociology, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkha, Iran

Valiollah Rostamalizadeh¹ [0000-0001-5688-1941](#) 

Associate Professor of Development Sociology, National Institute for Population Research, Iran.

Nader Motie Haqshenas [0000-0002-3646-5745](#) 

Assistant Professor of Demography, National Institute for Population Research, Iran

Abstract

Despite implementing various rural development models for half a century, poverty still casts a shadow over rural communities in Iran. This research aims to provide a strategic model for achieving sustainable rural development in Khalkhal County in 2024. The research method is grounded theory. The sample was selected purposefully, meaning individuals with information on the subject were chosen. We implemented snowball sampling to clear the size of the samples. Data was collected through semi-structured interviews with 12 experts until theoretical saturation was reached, and the process of coding the collected data was done using MAXQDA software. According to the findings, 249 incidents were identified in open coding, and in axial coding, similar cases were merged and organized around 63 subcategories and five major categories. The elements of the sustainable rural development paradigm include causal conditions (economic, social, environmental, institutional, and physical issues), contexts (distance from the village to the city center and the village's geographical location), intervening conditions (urbanization, migration, and disregard for the village's capabilities), actions and strategies (educational, supportive, encouraging, and developmental), and outcomes (reducing class differences, creating jobs, sustainable lifestyle, optimal water management, infrastructure development, and sustainable protection of biological resources).

Keywords: rural development issues, sustainable development, strategic model, Deprivation.

¹. Corresponding author: v.rostamalizadeh@gmail.com

ترسیم الگوی راهبردی برای تحقق توسعه پایدار روستایی....

ترسیم الگوی راهبردی برای تحقق توسعه پایدار روستایی (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان خلخال)

بهراد عزیزی

دانشجوی دکتری تخصصی، گروه علوم اجتماعی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

ولی اله رستمعلی زاده^۱

دانشیار جامعه شناسی توسعه، مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران.

نادر مطیع حق شناس

استادیار جمعیت شناسی، مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور، ایران.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳-۱۱-۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

چکیده

با گذشت نیم قرن از به کارگیری مدل‌های مختلف توسعه روستایی، همچنان بختک فقر بر پیکره جوامع روستایی ایران سایه افکنده است. این پژوهش با هدف ارائه الگوی راهبردی برای تحقق توسعه پایدار روستایی در شهرستان خلخال در سال ۱۴۰۳ انجام شده است. روش این پژوهش از نوع کیفی و از تکنیک نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. برای انتخاب نمونه آماری از روش هدفمند استفاده شد، به عبارتی آن دسته از افرادی که اطلاعاتی در زمینه موضوع این پژوهش داشتند (شوراهای روستایی، دهیارها، بخشدار، کارشناسان بنیاد مسکن، جهاد کشاورزی و غیره) انتخاب و سپس بر مبنای روش نمونه‌گیری گلوله برفی تعداد نمونه‌ها مشخص شد. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۲ نفر صاحب نظر تا رسیدن به اشباع نظری استفاده شد و فرایند کدگذاری داده‌های جمع‌آوری شده با نرم‌افزار مکس-کیودا، انجام شد. بنابر یافته‌ها، در کدگذاری باز تعداد ۲۴۹ رویداد شناسایی و در مرحله کدگذاری محوری، در سطحی انتزاعی تر موارد مشابه با توجه به مشابهت‌شان در محتوا ادغام و حول ۶۳ مقوله فرعی و پنج مقوله عمده سازماندهی شدند. عناصر الگوی پارادایمی توسعه پایدار روستایی عبارتند از: شرایط علی (مسائل اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، نهادی و فیزیکی)، زمینه‌ها (فاصله روستا تا مرکز شهر و موقعیت جغرافیایی روستا)، شرایط مداخله‌گر (شهرگرایی، مهاجرت و بی‌توجهی به قابلیت روستا)، اقدامات و راهبردها (آموزشی، حمایتی، تشویقی و توسعه‌ای)، پیامدها (کاهش فاصله طبقاتی، ایجاد اشتغال، سبک زندگی پایدار، مدیریت بهینه آب، توسعه زیرساخت‌ها و حفاظت پایدار منابع زیستی).

کلمات کلیدی: توسعه پایدار، الگوی راهبردی، محرومیت، مسائل توسعه روستایی.

^۱. نویسنده مسئول: v.rostamalizadeh@gmail.com

مقدمه

برنامه‌ریزی و تعیین اهداف و سیاست‌ها برای توسعه پایدار روستاها، یکی از مهم‌ترین پیشران‌های اساسی در توسعه و رشد جوامع روستایی تلقی می‌شود. نگاه آینده‌نگر به مناطق روستایی به چند دلیل حائز اهمیت است. نخست اینکه، طبق اعلام بانک جهانی، بیش از ۴۶ درصد جمعیت جهان (۳.۹ میلیارد نفر) در مناطق روستایی زندگی می‌کنند (بانک جهانی، ۲۰۲۱). دوم، توزیع نامناسب ثروت بین نقاط شهری و روستایی، مردم روستاها را با آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی زیادی مواجه ساخته است (علوانی و سواری، ۱۴۰۱: ۱۵۹) که امروزه مهاجرت به شهر، فقر، بیکاری، طلاق و مانند آن، نمونه‌ای از این مسائل است (عزیزی، رستمعلی‌زاده و مطیع‌حق شناس، ۱۴۰۲). همچنین طبق آمار بانک جهانی، (۳۷.۷ درصد) زمین‌های زراعی جهان در مناطق روستایی واقع شده است که عامل توسعه بخش صنعت و کشاورزی کشورها است (بانک جهانی، ۲۰۱۹). بنابراین ایجاد اشتغال، توزیع بهینه امکانات، توزیع مناسب درآمد، بهره‌برداری بهینه از منابع، نقش مهمی در توسعه روستایی دارد (لی^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). به همین خاطر، امروزه توسعه روستاها در کانون طیفی از ابتکارات، تلاش‌ها و برنامه‌ها در سطح محلی و ملی قرار گرفته است (دوآن^۲، ۲۰۲۲: ۲) که مستلزم تدوین الگوها و سیاست‌ها است.

در ایران نیز علی‌رغم سکونت بخش عمده‌ای از جمعیت کشور (۲۶ درصد ۲۰ میلیون و ۷۳۰ هزار نفر) در روستاها، (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) وضعیت روستاهای کشور مناسب نبوده و بعضی از روستاها، محروم از توسعه می‌باشند که باعث روستاگریزی و مهاجرت‌های روستائیان به شهرها شده و شرایط نامطلوب حاشیه‌نشینی در اطراف شهرها و ناهنجاری‌های ناشی از آن را به دنبال آورده‌است (حیدرپور و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۹). از سوی دیگر توسعه روستایی ضرورتی بنیادین برای توسعه ملی است، حتی نقش و جایگاه توسعه روستایی بر توسعه شهری تقدم دارد (ازکیا، ۱۳۸۴: ۳۳). ضرورت تقدم به دلیل این است که راه‌حل‌های نهایی مسأله بیکاری شهری و تراکم جمعیت، بهبود محیط روستایی است (تودارو^۳، ۱۳۶۴: ۳۴)، ولی هنوز برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی - شهری به شکل کاملاً مجزا و «دیدگاه بخشی» صورت می‌گیرد (شفیعی ثابت و میرواحدی، ۱۳۹۹: ۱۸۵). و در برنامه‌های کشور ما با گذشت نیم قرن از به کارگیری مدل‌های مختلف توسعه روستایی، همچنان

Li-¹

Doan-²

Micheal Twodaro³

ترسیم الگوی راهبردی برای تحقق توسعه پایدار روستایی....

بخشک فقر بر پیکره جوامع روستایی کشور سایه افکنده است و مشکلاتی همچون کمبود امکانات اجتماعی از جمله خدمات بهداشتی و آموزشی، کمبود درآمد و نیز مهاجرت بی‌رویه به شهرها کاملاً مشهود است (مسیبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۰).

روستاهای شهرستان خلخال نیز مثل اکثر روستاهای ایران، متأثر از همین برنامه‌ها است. در دهه‌های اخیر، علیرغم اینکه چهره روستاهای شهرستان خلخال با ورود برق، گاز، تلفن، کشاورزی با استفاده از تراکتور و بازسازی سکونتگاه‌های روستایی و اجرای طرح‌های هادی تغییراتی داشته است، اما مسائل و مشکلات اساسی در حوزه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی همچنان پابرجا است؛ به‌طوری‌که براساس داده‌های مرکز آمار ایران در طول پنج سال (۱۳۹۵-۱۳۹۰)، از مجموع ۸۶۷۳۱ نفر از جمعیت شهرستان خلخال تعداد ۱۰۲۹۰ نفر مهاجرت نموده‌اند. همچنین طبق اطلاعات به‌دست آمده از اداره ثبت احوال شهرستان خلخال، در سال ۱۴۰۱ تعداد واقعه طلاق ثبت شده ۱۸۷ مورد بوده که نسبت به سال گذشته (۵.۳ درصد) افزایش داشته‌است. نیز مقایسه آمار ازدواج و طلاق شهرستان خلخال نشان می‌دهد که از هر ۱۰ ازدواج در این شهرستان، (۳.۴) مورد منجر به طلاق شده است (عزیزی، رستمعلی‌زاده و مطیع‌حق شناس، ۱۴۰۲). که نشان می‌دهد استراتژی جامع برای پیشرفت و توسعه پایدار بلند مدت نبوده‌است.

بنابر مطالب بیان شده، برای رهایی از وضعیت موجود و توسعه پایدار روستاها در آینده لازم است که روستاهای کشور از یک اقتصاد راکد به یک اقتصاد پویا و در حوزه اجتماعی نیز به سطح مطلوبی از زندگی باکیفیت و رفاه اجتماعی دست یابند. لازمه این امر، دستیابی به چشم انداز توسعه پایدار روستایی با تدوین و طراحی الگوی جامع راهبردی برای تحقق آن است. پرداختن به این نوع از الگوها ضمن توسعه آینده نگر روستایی در کشور کاهش فقر و نابرابری برای کشور به ارمغان می‌آورد.

براساس هدف مطرح شده، مسأله اصلی این پژوهش این است که الگوی راهبردی برای تحقق توسعه پایدار روستایی کدام است؟

پیشینه پژوهش

در چند دهه اخیر با توجه به اهمیت امر توسعه اجتماعی به‌ویژه با رویکرد محلی و ناحیه‌ای، موجب شده پژوهش‌ها و مطالعات مختلفی چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور صورت گیرد که در ادامه به مواردی پرداخته می‌شود:

مبارکی و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان "بررسی وضعیت توسعه اجتماعی در استان های کشور" با مقایسه شاخص های توسعه اجتماعی در استان های سراسر کشور نتیجه گرفتند که امکانات و خدمات بصورت عادلانه توزیع نشده و ۱۹ استان کشور از میانگین کشور در سطح پایین تری قرار دارند.

امینی و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی به طراحی "مدل توسعه پایدار اجتماعی براساس موانع اجتماعی در شهرستان بشاگرد" پرداختند. براساس یافته‌ها، خروجی آزمون تی نشان داد که در سطح معناداری ۹۵ درصد فرضیه پژوهش تأیید شد که بدین مفهوم است که عوامل اجتماعی بر توسعه نیافتگی شهرستان بشاگرد مؤثر بوده است. همچنین براساس نتایج آزمون فرضیه‌ها، شهرستان بشاگرد از نظر ابعاد پایداری اجتماعی شرایط چندان مطلوبی ندارد.

برندک و حسینی (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان "توسعه و ابعاد مختلف آن در استان اردبیل" نتیجه گرفتند، وضعیت توسعه‌مندی شهرستان های اردبیل نامتعادل است و این وضعیت در بخش های مختلف توسعه (بهداشتی - درمانی، زیرساختی، فرهنگی و اقتصادی) مشهود است. در بین شاخص های توسعه، شاخص بهداشتی - درمانی در سطح استان اردبیل توزیع مناسب تری داشته است.

شجاعی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان "طراحی الگوی توسعه پایدار مبتنی بر خط مشی های فرهنگی سازمان های دولتی در راستای تامین حقوق شهروندی" نتیجه گرفتند، بین خط مشی های فرهنگی و مؤلفه های آن (پیوستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، امنیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، کیفیت زندگی و محیط زیست) با توسعه پایدار و حقوق شهروندی در سازمان های دولتی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین توسعه پایدار و مؤلفه های آن (توسعه فرهنگی، توسعه گردشگری و توسعه حمل و نقل و مسکن) با حقوق شهروندی در سازمان های دولتی رابطه معنادار وجود دارد.

میکالینا^۱ و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهشی برای طراحی مدل توسعه پایدار، چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و نهادی شناسایی کردند. در این بعد اجتماعی پایداری، شامل هشت مقوله اصلی است که عبارتند از: آموزش، بهداشت، ایمنی و امنیت، برابری (اجتماعی و اقتصادی)، زیرساخت های اجتماعی، فضای سبز و فرهنگ است.

استورالک و لیماک^۱ (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان "طراحی مدل توسعه پایدار اجتماعی در حوزه حمل و نقل شهری" به طراحی مدل توسعه پایدار اجتماعی پرداختند. در این پژوهش مفهوم حمل و نقل شهری توسط مجموعه‌ای از شاخص‌های زیست محیطی برای توسعه پایدار حمل و نقل شهری نشان داده شده است. مدل شبیه سازی به عنوان یک نتیجه از پویایی سیستم توسعه یافته است که امکان ادغام شاخص‌های بی‌شماری از توسعه پایدار حمل و نقل شهری (کمی و کیفی) برآورد همزمان آن‌ها با یک رویکرد پویا را فراهم کرده است. علاوه بر این، می‌تواند نتایج را به شکلی از شاخص‌های توسعه پایدار یکپارچه تولید کند.

با توجه به آنچه در بخش پیشینه پژوهش به آن اشاره شد، در این پژوهش‌ها و مقالات بر اهمیت مطالعه توسعه اجتماعی و لزوم مدل‌سازی توسعه اجتماعی تأکید شده است. در این پژوهش‌ها، برای تعریف مفهوم «توسعه» از شاخص‌های مختلفی استفاده شده است که اغلب برگرفته از شاخص‌های مؤسسه «لگاتوم» است مثل پژوهش‌هایی که (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱؛ فلاحتی و کفاشی، ۱۳۹۷؛ شجاعی و همکاران ۱۴۰۱) انجام دادند. نکته دیگری که در این پژوهش‌ها قابل مشاهده است نگاه اثبات گرایانه به موضوع است و با رویکرد تفسیر گرایانه (امیک^۲) به موضوع پرداخته نشده است.

چارچوب مفهومی

در میان مباحث متعدد چند دهه اخیر، مفهوم توسعه یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم در رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی بوده و به صورت یکی از مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین مسائل و چالش‌ها در میان کشورهای جهان و به خصوص کشورهای در حال توسعه مطرح شده است (ایمانی و حمیدننه کران، ۱۴۰۲؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۹). جامعه شناسان توسعه، مقوله‌ی توسعه را در برابر مقوله رشد قرار می‌دهند. مفهوم رشد به پیشرفت و ترقی جامعه در ابعاد مادی و عینی به ویژه تولید اقتصادی اشاره دارد، در حالی که مفهوم توسعه دربردارنده پیشرفت و ترقی جامعه در تمامی ابعاد زندگی است. از این رو در ادبیات مربوط به توسعه از توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و توسعه انسانی سخن به میان می‌آید (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸: ۲۴).

مفهوم توسعه پس از جنگ جهانی دوم و در طول سال‌های شکل‌گیری آن به صورت یک رشته مستقل، دچار تحولات فراوانی شده است. به نظر نسل اول اندیشمندان توسعه و در چارچوب

Strulak & Lemke-¹
Emic-²

مکانیکی پارادایم نئوکلاسیک، غایت توسعه افزایش درآمد سرانه واقعی و به تبع آن قدرت خرید از طریق رشد تولید ناخالص ملی بود نسل دوم اندیشمندان توسعه، به طور دقیق‌تر الزامات تحول اقتصادی و توسعه را مورد بررسی قرار دادند و به تدریج به مسائلی فراتر از تولید ناخالص ملی، چون توانایی‌های فردی، بهداشت و آموزش توجه کردند. نگرش سوم توسعه، در حوزه‌های علمی و در سطح سیاستگذاری و عملیاتی شکل گرفته است که در آن نهادها و ترتیبات اجتماعی که مدت‌ها از آن‌ها غفلت شده بود و تحت عنوان کلی مفروضات، با شرایط ثابت از آن‌ها یاد می‌شد، مورد توجه قرار گرفتند (زبیری، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۰).

در ادبیات جامعه‌شناسی شاهد تعریف توسعه با شاخص‌های گوناگونی هستیم و این تنوع را باید در پیچیدگی و چند بعدی بودن موضوع دانست. جامعه‌شناسان کلاسیک، توسعه یافتگی جوامع را در قالب نظریه‌های کلان دگرگونی اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند. دورکیم^۱ جامعه‌شناس فرانسوی در اثر معروف خود به نام «تقسیم کار اجتماعی»، توسعه یافتگی را از میان رفتن پیوندهای کهنه مبتنی بر انسجام مکانیکی و ظهور پیوندهای ارگانیکی می‌داند (از کیا، ۱۳۸۸: ۱۳۶)، ماکس وبر^۲ آلمانی؛ با تأکید بر عقلانیت در تطور جوامع، تبلور نظام دیوان‌سالاری و سازمان‌های رسمی برآمده از عقلانیت را نشانه توسعه یافتگی جوامع می‌داند (کوزر، ۱۴۰۰: ۶۸). موضوع توسعه در نزد جامعه‌شناسان متأخر نیز مورد توجه قرار گرفته است و هر کدام از جامعه‌شناسان معاصر روی برخی از شاخص‌های توسعه اجتماعی تأکید کرده‌اند. پارسونز^۳ (اجتماع جامعه‌ای)، کلمن^۴ (سرمایه اجتماعی)، بوردیو^۵ (کنش اجتماعی) هابرماس^۶ (گستره همگانی و ارتباطات اجتماعی و عقلانیت ارتباطی)، گیدنز^۷ (هویت شخصی و سرمایه اجتماعی)، جنکینز^۸ (هویت اجتماعی) و بورک^۹ (اعتماد، تعهد و عزت نفس). (عبداللهی، ۱۳۸۴: ۱۴).

قلمرو جغرافیایی پژوهش

-
- Durkheim -¹
Max Weber -²
Parsons -³
Coleman -⁴
Bourdieu -⁵
Habermas -⁶
Giddens -⁷
Jenkins -⁸
Burke -⁹

ترسیم الگوی راهبردی برای تحقق توسعه پایدار روستایی....

شهرستان خلخال به مرکزیت شهر خلخال (هرو)، شامل سه بخش مرکزی شامل (دهستان خاندبیل شرقی، دهستان خاندبیل غربی و دهستان سنجبد شرقی)، بخش خورش رستم به مرکزیت شهر هسجین شامل (دهستان خورش رستم شمالی و دهستان خورش رستم جنوبی) و بخش شاهرود به مرکزیت شهر کلور شامل (دهستان پلنگا، دهستان شال و دهستان شاهرود) در جنوب استان اردبیل واقع است. زبان اصلی مردم شهرستان خلخال آذری است اما در بخش شاهرود بیشتر اهالی به زبان تاتی و در دهستان سنجبد شرقی به مرکزیت دهستان لنبر، زبان کردی کرمانجی رایج است. در آبان ماه ۱۳۹۵، جمعیت شهرستان ۸۶۷۳۱ نفر بوده است که از این تعداد ۵۵ درصد در نقاط شهری و ۴۵ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته و بقیه غیر ساکن بوده اند. سهم جمعیت شهرستان خلخال از جمعیت کل استان در سال ۱۳۹۵ برابر ۸/۶ درصد و سهم جمعیت شهری و روستایی این شهرستان از جمعیت شهری و روستایی کل استان به ترتیب برابر ۷/۲ درصد و ۱۱/۴ درصد بوده است. شاخص های جمعیتی شهرستان بر اساس آمار فرمانداری شهرستان خلخال در سال ۱۴۰۱ به این شرح است:

جدول ۱. شاخص های جمعیتی شهرستان خلخال					
جمعیت شهرستان		تعداد خانوار		تعداد روستا	
شهری	روستایی	شهری	روستایی	دارای سکنه	خالی از سکنه
۴۷۳۷۶	۳۹۳۵۵	۱۴۰۶۰	۱۲۷۱۹	۱۴۲	۸

روش پژوهش

باتوجه به اینکه هدف محقق مطالعه عمیق و جامع موضوع بوده و در پیشینه پژوهش این خلاء مشاهده شد که در اکثر پژوهش ها فقط از روش پیمایش استفاده شده و فهم مشارکت کنندگان از موضوع مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین برای رفع این خلاء مناسب ترین روش، پژوهش کیفی مبتنی بر نظریه زمینه ای است. نظریه زمینه ای یک روش پژوهش استقرایی است که به پژوهشگران در حوزه های موضوعی گوناگون امکان می دهد تا به جای اتکاء به نظریه های موجود، خود به تدوین نظریه از طریق تجزیه و تحلیل مقایسه ای مشاهدات اقدام کنند (صبوری کزج، ۱۳۹۸: ۲۵). در این پژوهش به منظور طراحی مدل پارادایمی تحقق توسعه پایدار روستایی، از نظریه زمینه ای با بهره گیری از نظرات صاحب نظران و افراد مطلع از مسائل روستا استفاده شد.

برای انتخاب نمونه آماری از روش هدفمند استفاده شده، به گونه ای که آن دسته از افرادی که اطلاعاتی در زمینه موضوع این پژوهش داشتند (شوراهای روستایی، ده یارها، بخشدار، کارشناسان بنیاد مسکن، جهاد کشاورزی و غیره)، انتخاب شدند. سپس بر مبنای روش نمونه گیری گلوله برفی،

از هریک از افراد مصاحبه شونده خواسته شد تا افراد دیگری را که می‌توانند در پاسخ به سوالات این پژوهش اطلاعاتی ارائه دهند معرفی کنند. تعداد نمونه‌ها برای مصاحبه براساس اصل اشباع در نظر گرفته شد. به عبارتی محقق با انجام (۱۲) مصاحبه به این نتیجه رسید که مفاهیم و مقوله‌های جدیدی در یافته‌ها وجود نداشته و پاسخ‌های داده شده به سوال‌های پژوهش یکسان هستند. در جدول شماره ۲، مشخصات مشارکت کنندگان آورده می‌شود:

جدول ۲. مشخصات مشارکت کنندگان

ردیف	شغل	مدرک تحصیلی	سن	جنسیت
۱	رییس شورای روستا	لیسانس	۴۵	مرد
۲	دهیار	لیسانس	۴۷	مرد
۳	مسئول پایگاه مقاومت بسیج روستا	فوق لیسانس	۴۴	مرد
۴	بخشدار	فوق لیسانس	۴۲	مرد
۵	معاون فرماندار	فوق لیسانس	۴۸	مرد
۶	جامعه شناس	دکتر	۴۲	مرد
۷	جامعه شناس	دکتر	۴۰	زن
۸	ریش سفید روستا	سیکل	۶۶	مرد
۹	بخشدار	فوق لیسانس	۳۹	مرد
۱۰	عضو شورای روستا	دیپلم	۴۷	مرد
۱۱	رییس بنیاد مسکن	فوق لیسانس	۴۴	مرد
۱۲	کارشناس جهاد کشاورزی	لیسانس	۴۱	مرد

ملاک‌های ارزیابی نظریه و اعتباریابی آن

کوبرین و اشتراوس (۲۰۰۸)، معیارهایی را برای ارزیابی نظریه زمینه‌ای بیان می‌دارند که عبارتند از: **ملاک اول، سازگاری روش شناختی:** به این معنا که اگر محقق مدعی است که از روش خاصی استفاده کرده، لازم است کلیه رویه‌های متناسب با آن روش‌شناسی را مدّ نظر قرار دهد (فیلک، ۱۹۹۸). در این پژوهش از ابتدای کار بنیان فلسفی و پارادایم تعیین شده، تفسیری بوده و فرض را بر این لحاظ نموده که واقعیت‌های اجتماعی از جمله توسعه پایدار روستایی و عوامل مرتبط با آن بر ساخته شده و از استقرای تحلیلی برای رسیدن به نظریه استفاده نموده است.

ملاک دوم، روشن بودن هدف پژوهش: در این پژوهش با توجه به ذهنیتی بودن امر توسعه، و تفسیرهای متفاوت از جانب پژوهشگران و صاحب‌نظران که در پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون آن مشخص است، هدف اتخاذ روش کیفی، استخراج مدل نظری بوده که با پیوند مقوله‌های زمینه‌ای، شرایط علی، مداخله گر، راهبردها و پیامدها استخراج گردید.

ملاک سوم، انطباق داده‌های خام با مقوله‌ها: درخصوص چگونگی ارتباط و اتصال معرف‌های شناسایی شده و مقوله‌های فرعی و اصلی مدل بصری در هر کدام از تحلیل سوالات ارائه گردید و در نهایت تصویر کلی در شکل شماره (۱) ارائه شد.

ملاک چهارم، اعتباریابی: برای بررسی قابلیت اعتبار^۱ ابزار سنجش، از روش کنترل یا اعتباریابی توسط اعضاء که بلور^۲ (۱۹۸۳) ارائه نموده استفاده می‌شود. بلور یادآور می‌شود که در تحقیقات کیفی از طریق نشان دادن تطابق توصیف محقق و توصیف‌های اعضای وابسته به جمع مورد بررسی اعتبار تحلیل اثبات می‌شود (سیلورمن^۳، ۱۳۹۳: ۸۲). به عبارتی برای تعیین صحت کدگذاری مصاحبه‌ها، از بازنگری شرکت‌کنندگان استفاده گردید. یعنی متن مصاحبه به شرکت‌کنندگان بازگردانده شد تا از صحت کدها و تفاسیر اطمینان حاصل شود. همچنین مقوله‌های نامگذاری شده و شیوه اتصال آن‌ها با دو تن از جامعه شناسان در میان گذاشته شد و با آزمون کاپا^۴ میزان توافق آن‌ها مورد سنجش قرار گرفت که ضریب توافق (۸۵ درصد) به دست آمده، نشان‌دهنده توافق بالای داوران بود.

شیوه تحلیل داده‌ها با ورود داده‌های متنی به نرم افزار مکس کیودا براساس طرح نظام‌دار (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸: ۵۵) در سه مرحله انجام شد که عبارتند از: ۱- کدگذاری باز^۵، ۲- کدگذاری محوری^۶، ۳- کدگذاری گزینشی^۷. در مرحله کدگذاری باز، برای مفهوم‌بندی و تلخیص عبارات (واحد تحلیل) با ملاحظه تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها، تعداد ۲۴۹ رویداد از مصاحبه‌ها استخراج و برچسبی به رویدادها زده شد. در مرحله دوم، کدگذاری محوری انجام شد. به این نحو که با صورت‌بندی و فراهم شدن مفاهیم اولیه، در این مرحله در سطحی انتزاعی تر موارد مشابه با توجه به شباهت شان در محتوا ادغام و حول ۶۳ مقوله فرعی و ۵ مقوله عمده سازماندهی شدند. برخی از این مقوله‌ها به عنوان پیامدهای توسعه پایدار روستایی عبارتند از: «کاهش فاصله طبقاتی، ایجاد اشتغال، سبک زندگی پایدار، مدیریت بهینه آب، توسعه زیرساخت‌ها و حفاظت از منابع طبیعی»، برخی در نقش عوامل تأثیرگذار (اعم از شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر) ارائه شدند.

Validity-¹

Bloor-²

Silverman-³

Kappa test -⁴

Open Coding -⁵

Axial Coding -⁶

Selective Coding -⁷

مدل پارادایمی در روش نظریه زمینه‌ای، در برگیرنده شش مؤلفه است که عبارتند از: ۱- شرایط علی ۲- مقوله اصلی ۳- شرایط زمینه‌ای ۴- شرایط مداخله‌گر ۵- راهبردها ۶- پیامدها (صبوری کرج، ۱۳۹۸: ۲۸).

کدگذاری انتخابی یا گزینشی به عنوان سومین و آخرین مرحله از فرآیند کدگذاری است. در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله‌های عمده در قالب مدل پارادایمی حول مقوله هسته‌ای به یکدیگر مرتبط می‌شوند. در واقع مدل ترسیم شده، به توصیف صوری مقوله می‌پردازد (محمدپور، ۱۳۹۷: ۳۰۱). در این پژوهش، مقوله‌های «توسعه پایدار روستایی» به عنوان مقوله اصلی انتخاب و سایر مقوله‌های دیگر مدل پارادایمی نظریه زمینه‌ای، به آن ارتباط داده شدند. پس از این فرایند، مدل پارادایمی توسعه پایدار روستایی، مطابق با مدل پارادایمی استراوس و کوربین (۱۹۹۰) براساس عناصر ششگانه مطابق شکل ۱. (شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، مقوله هسته‌ای، راهبردها، پیامدها) ارائه شده‌است. در تحلیل مصاحبه‌ها، جهت سهولت در کدگذاری و تقلیل داده‌ها از نرم افزار (مکس کیو دا) استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

تدوین نظریه زمینه‌ای

شرایط علی

شرایط علی (اثربخش)، به شرایطی گفته می‌شود که عامل اصلی به وجود آورنده پیامدهای توسعه پایدار روستایی است.

از دیدگاه مشارکت کنندگان، شرط پیدایش توسعه پایدار روستایی توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه به پنج مقوله «مسائل اقتصادی»، «مسائل اجتماعی»، «مسائل زیست محیطی»، «مسائل فیزیکی» و «مسائل نهادی» است که حول مقوله عمده «شرایط علی» متمرکز شده‌اند.

مشارکت کنندگان، یکی از شرایط مهم توسعه یافتگی روستاهای شهرستان خلخال را متأثر از بی‌توجهی به «مسائل اقتصادی»، در این روستاها دانسته‌اند. عدم تأمین نیازهای اساسی زندگی یا گسترده فقر و بیکاری و آسیب‌پذیری شدید منابع تولید و درآمد روستاییان، که از آن به مقوله «مسئله اقتصادی» یاد می‌شود، از دیدگاه مشارکت کنندگان، با ۱۶ مؤلفه (بیکاری، ضایعات محصولات کشاورزی، سلف خری، عدم مشوق برای کارآفرینی، الگوی نامناسب کشت، عدم پوشش بیمه محصول، بروکراسی در پرداخت تسهیلات بانکی، عدم وجود صنایع تبدیلی، محدودیت دسترسی به بازار فروش، نیروی کار غیرمتخصص در فعالیت اقتصادی، بی‌انگیزگی به فعالیت

ترسیم الگوی راهبردی برای تحقق توسعه پایدار روستایی....

اقتصادی در روستا، خرد شدن اراضی کشاورزی، عدم جبران خسارات ناشی از خشکسالی، نابرابری فزاینده درآمد بین شهر روستا، نبود امکانات لازم برای کشاورزی مکانیزه، ضعف آگاهی نسبت به عوامل توسعه) تعریف شده است.

یکی از دیگر از شرایط مؤثر در دستیابی به توسعه پایدار روستایی، «توجه به مسائل اجتماعی» است. براساس گفته‌های مشارکت کنندگان، «مسائل اجتماعی» متعدد در روستاها، عاملی تعیین کننده در فرایند توسعه یافتگی روستاهای خلخال است. این مقوله با 11 مؤلفه (پیری نیروی کار، طلاق، دوری سرپرست خانواده از روستا، امنیت پایین روستا، نبود مراکز آموزشی- تفریحی، فردگرایی، نابرابری‌های اجتماعی، احساس محرومیت، نبود تشکلهای غیردولتی، عدم دسترسی به مراکز بهداشتی- درمانی، اعتیاد و عدم دسترسی به اینترنت) به عنوان مهم ترین مسائل اجتماعی در روستاهای خلخال بیان شد. در واقع، برای تحقق توسعه پایدار روستاها، همبستگی اجتماعی، توجه به عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی و توجه به استحکام خانواده‌ها مدنظر قرار گیرد.

مقوله مهم دیگری که در توسعه یافتگی پایدار روستاها نقش داشته، «توجه به مساله زیست محیطی» است. از دیدگاه مشارکت کنندگان ارتقاء استانداردهای زیستی در فضای روستایی از طریق ایجاد امکانات لازم برای ترکیب بهینه فعالیت‌های زیست محیطی بر مبنای قابلیت‌ها و محدودیت‌ها باید اهداف برنامه‌ریزی توسعه روستایی باشد. برپایه نظرات مشارکت کنندگان مساله زیست محیطی در این پژوهش با ۱۱ مؤلفه (شیوه نامناسب کشت اراضی، آلودگی آب، بهره برداری بی‌رویه از منابع آب زیر زمینی، عدم برخورداری از جایگاه دفن زباله، تغییر کاربری اراضی کشاورزی به مسکونی، استفاده از آفت کش‌ها، آتش سوزی مراتع، برداشت بی‌رویه از درختان و منابع مرتع، امحاء نامناسب زباله‌ها، کمبود آب و الگوی نامناسب آبیاری) تعریف شده است.

شرایط علی دیگر کشف شده از مصاحبه‌های صورت گرفته، مقوله «مساله نهادی» است. مساله نهادی بیانگر نحوه مشارکت مردم روستا در برنامه‌ریزی‌ها و اجرای پروژه‌های عمرانی و توسعه‌ای است. در واقع، این مقوله به میزان اعتماد متقابل دولت و برنامه‌ریزان با مردم روستا و نحوه مدیریت روستا اشاره دارد. از دیدگاه مشارکت کنندگان مقوله «مساله نهادی» با مؤلفه‌های (مشارکت پایین مردم در انجام پروژه‌های روستایی، ناهماهنگی ادارات در انجام طرح‌های زیربنایی، نگاه تک بعدی به توسعه روستایی، بی‌توجهی به پتانسیل منابع انسانی روستا در امر مدیریت روستا، فقدان تشکلهای زراعی، بی‌توجهی به قابلیت روستاها در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای) تعریف شد.

مساله مهم دیگری که به عنوان زیر مقوله شرایط علی در توسعه یافتگی روستاها نقش بارزی دارد «توجه به مساله فیزیکی» است. از نظر مشارکت کنندگان، بهبود زیرساخت‌های روستایی از جمله جاده‌ها، سکونت‌گاه‌ها و توجه و نگهداری از اماکن عمومی، شرایطی را برای توسعه پایدار ایجاد می‌کند. مؤلفه‌های مسئله فیزیکی عبارتند از: (وضعیت نامناسب جاده‌ها، بهره‌برداری بی‌رویه از معادن سنگ، عدم مقاوم‌سازی سکونتگاه‌های روستائی، عدم بهسازی معابر و اماکن عمومی روستا).

عوامل زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای، نشانگر سلسله خصوصیات ویژه‌ای است که در آن راهبردهای کنش متقابل برای اداره، مدیریت و پاسخ به پدیده/مقوله اصلی صورت می‌گیرد. (محمدی، ۱۳۸۵، ۱۰۲). در برداشت مشارکت کنندگان، زمینه و بستری که توسعه یافتگی پایدار روستاها باتوجه به آن‌ها اتفاق می‌افتد دو مقوله «فاصله روستا از شهر خلخال» و «موقعیت جغرافیایی روستا» است.

فاصله روستاها تا مرکز شهرستان (شهر خلخال) و موقعیت سکونت‌گاه‌های روستایی عوامل زمینه‌ای جهت توسعه پایدار روستاها هستند که از مصاحبه‌ها استخراج شد. در واقع، هرچه فاصله بین روستا تا شهر بیشتر باشد، سطح پیوند و ارتباط کاهش یافته و مسائل مطرح شده از جمله (مسائل اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، نهادی و فیزیکی) بیشتر می‌شود. همچنین موقعیت قرار گرفتن روستا نیز از این حیث که در نزدیکی رودخانه‌ها، معادن، جاده اصلی، سدهای معیشتی، دسترسی به ییلاقات و غیره باشد، زمینه‌های لازم را برای توسعه یافتگی پایدار روستاها فراهم می‌سازد.

شرایط مداخله‌گر

«شرایط واسطه‌ای» شرایط کلی و وسیعی هستند که بر چگونگی کنش متقابل و راهبردهای پیشنهادی اثر می‌گذارند (محمدی، ۱۳۸۵، ۱۰۴). بر اساس مصاحبه‌های انجام شده، شرایط مداخله-گر در توسعه پایدار روستاهای خلخال عبارتند از:

شهرگرایی

مقوله «شهرگرایی» یکی از مقوله‌هایی است که به انتخاب سبک جدیدی از زندگی اجتماعی اشاره دارد. این مفهوم که برخاسته از ارزش‌های شهرنشینی است، گویای تمرکز نمودها و شیوه‌های خاصی از زندگی است که به موازات رشد شهرها صورت می‌گیرد و سرانجام تغییراتی در شیوه زندگی اجتماعی مردم روی می‌دهد. در فرایند شهرگرایی، تمایل به مصرف‌گرایی در مقابل تولیدگرایی، ترجیح فراغت‌های لذت‌جویانه و حذف سنن پیشین، سبب پیدایش الگویی از زندگی در بین افراد روستا می‌شود. این مقوله با مؤلفه‌های (مصرف متظاهران، فردگرایی و اجتناب از پرداختن به کارهای

ترسیم الگوی راهبردی برای تحقق توسعه پایدار روستایی....

تولیدی) تعریف شده است. از دیدگاه مشارکت کنندگان، منظور از مصرف متظاهرانه یعنی استفاده از کالاهای تجملی، اسراف و ولخرجی و چشم و هم چشمی برای نشان دادن اینکه از طبقه مرفه جامعه هستند. منظور از فردگرایی یعنی، عدم احساس مسئولیت در برابر سرنوشت جامعه و عدم مشارکت در بهبود شرایط محیط زندگی است. همچنین دوری از کار تولیدی یعنی، ترجیح اشتغال در مشاغل خدماتی در روستا از جمله آرایشگری، مغازه داری و غیره، به جای فعالیت های کشاورزی و دامداری و غیره است.

مهاجرت از روستا

مقوله «مهاجرت از روستا»، یکی دیگر از مقوله هایی است که بر توسعه پایدار روستایی، شرایط واسطه ای را فراهم می سازد. مهاجرت از روستا از دیدگاه مشارکت کنندگان به این معنی است که فرد روستایی در روستا، توان لازم برای پاسخ نهائی به محرومیت های نسبی را ندارد و منابع لازم برای محرومیت هایش را در روستا نمی تواند به دست آورد، بنابراین ناگزیر به ترک محل زندگی اش می شود.

بی توجهی به قابلیت های روستا

به منظور تحقق توسعه پایدار روستاهای خلخال، در برنامه ریزی ها و اجرای طرح های عمرانی و هادی در روستاها، توانمندی و قابلیت های روستا اعم از نیروی انسانی، منابع محیطی و سایر منابع اکولوژیکی ضروری است مورد شناسایی و ارزیابی قرار گیرد که در صورت غفلت از این مهم، امر توسعه با مشکل روبرو می شود.

راهبردها

راهبردهای مورد نظر در نظریه زمینه ای، به راه حل هایی برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه اشاره دارد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). در این مطالعه، راهبردهای چندگانه ای جهت تغییر وضعیت موجود و برون رفت از مسائل شناسایی شده، به شرح زیر از سوی مشارکت کنندگان پیشنهاد شد:

راهبردهای آموزشی

با شناسایی مقوله های مسائل توسعه پایدار روستایی مشخص شد که «ضعف آگاهی نسبت به عوامل تولیدی» و «نبود مراکز آموزشی- تفریحی»، «طلاق»، «اعتیاد»، «سطح پایین مشارکت مردم»، «استفاده از الگوی نامناسب آبیاری»، «شیوه نامناسب کشت اراضی» و «بهره برداری بی رویه از منابع آب زیر زمینی»، از مؤلفه های تعیین کننده مسائل توسعه روستاها هستند که مخرج مشترک همه این معضلات در ناآگاهی و مهارت پایین نسبت به برخورد با مسائل و عدم آشنایی با فناوری های نوین دارد. بنابراین برای اتخاذ راهبردی اثربخش جهت کاهش و یا حذف این مسائل از سر راه توسعه پایدار

روستاهای شهرستان خلخال، تمهیداتی از سوی مشارکت‌کنندگان در راستای ارتقاء سطح آگاهی و دانش روستاییان با دو نوع مؤلفه ۱- بهره‌وری^۱ و ۲- قابلیت^۲ می‌بایست صورت گیرد.

الف) مؤلفه بهره‌وری: در مؤلفه بهره‌وری، آموزش‌ها باهدف استفاده بهینه از نیروی کار، ارتقاء توان، برای افزایش درآمد و بهره‌وری روستاییان مد نظر است. به همین منظور با برگزاری کلاس‌های ترویجی و دانش‌افزایی در زمینه الگوهای مطلوب کشت، سیستم آبیاری نوین، کارآفرینی، بهره‌وری زمین، استفاده از مصالح ساختمانی کم هزینه بومی، آشنایی با شیوه‌های کاربرد ماشین‌آلات و فناوری‌های نوین، سعی در افزایش درآمد و کاهش هزینه‌ها می‌شود.

ب) مؤلفه قابلیت: مؤلفه قابلیت آموزش، سیاستی چند بعدی است و تنها به افزایش درآمد روستاییان اکتفا نمی‌کند، بلکه ارزش آموزش با افزایش دسترسی به آزادی، رفاه اجتماعی و افزایش کیفیت زندگی سنجیده می‌شود. در این مؤلفه روستاییان با حضور در کلاس‌های مهارت‌های زندگی، آموزش و ترویج کشاورزی، می‌توانند با تقویت مهارت‌های ارتباطی، سازگاری با دیگران و محیط زندگی، رشد و توسعه روحیه مشارکت و همکاری‌های اجتماعی، تعلق خاطر و تعصب به روستا و نیز یادگیری بهترین عکس‌العمل‌ها در مواجهه با مشکلات، آموزش شیوه‌های کاهش تنش در روستا، آموزش حفاظت از درختان و منابع مرتع، امحاء مناسب زباله‌ها، آموزش شیوه‌های راه-اندازی تشکلهای تعاونی‌ها، آشنایی با مدیریت نوین روستا، ایجاد انگیزه جهت حضور فعال در طرح‌های توسعه‌ای روستا، به سطح قابل قبولی از رفاه و کیفیت زندگی برسند.

راهبردهای حمایتی

از نظر مشارکت‌کنندگان، راهبردهای گوناگونی به‌منظور دستیابی به اهداف حمایت‌گرایانه از روستاییان می‌توان اتخاذ کرد که از آن جمله:

الف) پشتیبانی مالی و فنی از کشاورزان و تولیدکنندگان در روستا: اعطای تسهیلات در قالب وام-های بلاعوض یا بازپرداخت طولانی‌مدت برای حمایت از صنعت بوم‌گردی و گردشگری، بازاریابی برای محصولات تولیدی روستاییان، حمایت از سرمایه‌گذاران و افراد کارآفرین در روستا، تأمین مسکن ارزان قیمت در روستا، ایجاد بازارهای روزانه و هفتگی صنایع دستی و تولیدات کشاورزی، ایجاد شهرک‌های گلخانه‌ای، خرید تضمینی محصولات تولیدی، تجهیز زیرساخت‌های رفاهی،

Productive Approach-¹
Capability Approach-²

ترسیم الگوی راهبردی برای تحقق توسعه پایدار روستایی....

حمایت دولت از بخش خصوصی برای احداث پل معلق ازناو در روستای خوجین، تل کابین تفرجگاه روستای اندبیل و پل معلق پیرتقی بر روی رودخانه قزل اوزن.

ب) حمایت از روستاییان جهت تحقق عدالت اجتماعی با گسترش بیمه تأمین اجتماعی روستاییان به ویژه زنان خانه دار، رعایت عدالت جنسیتی، دسترسی به خدمات حقوقی و شفافیت در تصمیم گیری های مربوط به توسعه روستایی، می تواند به عدالت اجتماعی و پایداری آن در این مناطق کمک کند.

ج) حمایت از حفظ محیط زیست و منابع طبیعی با جلوگیری از آلودگی رودخانه ها از جمله رودخانه های قزل اوزن، کندرق، شاهرود، کیوی چایی، گل بندر، جلوگیری از ماهیگیری بی رویه در رودخانه قزل اوزن، حمایت از اجرای طرح های خاک ورزی حفاظتی در جهت بهبود و تقویت خاک، جلوگیری از آتش سوزی مراتع و جنگل ها، حفاظت از درختان جنگلی منطقه بیلدیر، کندرق و دربند مشکول، جلوگیری از انتقال آب سد کیوی به خارج از شهرستان کوثر و حفاظت از خاک برگ های جنگل بیلدیر.

د) حمایت از مرمت و نوسازی بافت روستا با سبک های معماری تاریخی - بومی، مقاوم سازی بناها، تعریض کوچه ها.

راهبردهای تشویقی

راهبردهای تشویقی در واقع ارائه مشوق ها و تنبیهاتی است که به منظور رسیدن به رفتار مطلوب صورت می گیرد. یا اتخاذ سیاست تهدید و تحبیب است برای توسعه پایدار روستاها. بنابراین برای رسیدن به توسعه پایدار در روستاهای خلخال، راهبردهای تشویقی پیشنهاد شده عبارتند از: تشویق سرمایه گذاری در صنایع محلی، کارگاه ها و کسب و کارهای روستایی با کمک های فنی و اعتباری و تسهیلات اعتباری ارزان قیمت، تشویق زنان و جوانان برای راه اندازی مشاغل خانگی، تشویق روستاییان به نگهداشت رسوم و سنت های بومی با برگزاری جشنواره های بومی - محلی، تشویق به مهاجرت معکوس (از شهر به روستا)، تشویق به فرزندآوری در روستاها، تشویق کشاورزان و باغداران به تجهیز اراضی زراعی و باغی به سیستم های آبیاری نوین، تشویق روستاییان به احیای مراتع و جنگل ها، تشویق به استفاده از الگوی مطلوب کشت با دریافت یارانه نهاده ها و عوامل تولید، تخفیف بیمه ای تشویق روستاییان برندق، مزرعه، نمهیل، اندبیل، خوجین و شال برای آبیاری پروری صورت گیرد.

راهبردهای توسعه ای

راهبردهای توسعه‌ای یکی دیگر از مقولاتی است که برای توسعه پایدار روستاهای شهرستان خلخال، باید اتخاذ گردد. این راهبردها عبارتند از:

الف) تسهیل دسترسی به زیرساخت‌ها: سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اساسی مانند جاده‌ها، به‌ویژه تسریع در راه‌اندازی راه‌آهن اردبیل-میانه، تونل گردنه الماس، جاده خلخال-درام، شبکه‌های آب و برق، ارتباطات و اینترنت، مدارس و درمانگاه‌ها، توسعه و تکمیل سدهای معیشتی منطقه (سد شهید پستی، سد بفراجرد، سد روستای نسا)، هماهنگی و وحدت رویه ادارات و نهادها در انجام طرح‌های زیربنایی، احداث جاده‌های ایمن بین مزارع و باغات، می‌تواند به بهبود وضعیت زندگی روستاییان و استقرار پایدار آن‌ها در روستا کمک کند.

ب) ارتقاء مشارکت اجتماعی: یکی از عمده‌معضلات روستاهای خلخال بحث مسائل نهادی روستاها است. به عبارتی در توسعه روستاها با غفلت از مهارت‌ها و ارزش‌های ذهنی روستاییان فقط دولت متولی امر عمران و توسعه شده و از توانمندی روستاییان و نخبگان روستا که در شهرهای دیگر ساکنند استفاده نمی‌شود. بنابراین با مشارکت نخبگان و صاحبان سرمایه روستاییان ساکن در شهر، تقویت مشارکت بخش خصوصی در توسعه صنایع روستایی، ایجاد تشکلهای روستایی برای مشارکت در حل مسائل اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و نهادی، توسعه تعاونی‌های روستایی، سیاست‌های توسعه‌ای است که در برنامه‌ریزی‌ها بایستی مدنظر قرار گیرد.

ج) نظارت بر تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی، باغات و مراتع، مدیریت منابع طبیعی و معدنی به‌ویژه معادن سنگ روستای پروچ و لمعه دشت، نظارت بر خرد نشدن اراضی کشاورزی، نظارت بر تصمیمات شوراها و دهیاران روستا، تقویت نظام پاسخگویی و افزایش رضایت‌مندی از تصمیم‌گیران محلی، نظارت بر نحوه هزینه‌کرد وام‌های تخصیصی و اتخاذ تمهیدات لازم برای امنیت پایدار روستاها با ایجاد پاسگاه انتظامی در خورش‌رستم جنوبی، اختصاص عایدات عوارض معادن به توسعه روستاها.

پیامدها

کنش‌ها و واکنش‌هایی که برای مقابله یا مدیریت کردن پدیده صورت می‌گیرد، پیامدهایی را در پی خواهد داشت (استراوس و کوربین، 1990). در ادامه پیامدهای انجام توسعه پایدار روستایی ارائه می‌شود:

کاهش فاصله طبقاتی

ترسیم الگوی راهبردی برای تحقق توسعه پایدار روستایی....

تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد، شکاف طبقاتی شهر و روستا سبب می‌شود دلبستگی به سکونت در روستا کاهش یافته و به دنبال آن آسیب‌های مختلفی در جامعه شکل گیرد. فقر و وجود شکاف طبقاتی نه تنها بر کردار و رفتار افراد روستایی تأثیر منفی دارد، بلکه بنیان‌های فکری و اعتقادی آنان را نیز مضطرب و لرزان می‌سازد. به دست آوردن درجات بالای فرهنگی، ورزشی، اقتصادی و غیره، نیازمند حضور در طبقات بالا و یا متوسط رو به بالای جامعه است که در محیط روستایی توسعه نیافته امکان‌پذیر نیست.

اثرات شکاف طبقاتی مختص جامعه روستایی نیست، بلکه با گسترش فاصله طبقاتی شهر و روستا، حاشیه‌نشینی در جوامع شهری پدیدار می‌شود که با خود مشکلات بسیاری از نظر امنیت، مسائل فرهنگی و اجتماعی به بار می‌آورد. متأسفانه حاشیه‌نشینی همواره پایگاهی برای تولید آسیب‌های اجتماعی مانند قاچاق، دزدی و مانند آن، به حساب می‌آید. به عقیده خبرگان در این پژوهش، حاشیه‌نشینی انسجام و کنترل اجتماعی جوامع شهری را به مخاطره می‌اندازد. برخلاف آن، در جامعه‌ای که تجانس فرهنگی قوی باشد، اگر افراد جامعه نسبت به یکدیگر شناخت داشته باشند و در آن محل رشد پیدا کرده باشند، میزان وقوع جرم کمتر خواهد بود. همچنین در افراد مهاجر از روستا به حاشیه شهر، به دلیل جذب نشدن به مراکز اصلی شهر، ایجاد سرخوردگی‌های روحی، روانی و اجتماعی می‌شود.

بنابراین، لازم است، برنامه‌ریزان توسعه پایدار روستایی برای برون رفت از این مساله و در راستای تحقق عدالت اجتماعی، از محل مالیاتی که طبقات بالا می‌پردازند به طبقات پایین، به‌ویژه روستاییان، کمک کنند. نیز برای کاهش شکاف درآمدی ضروری است، پرداخت یارانه معیشتی به قشر آسیب‌پذیر روستایی مورد توجه قرار گیرد. همچنین از آنجا که مهاجرت از روستا موجب گسترش شکاف درآمدی و فعالیت مهاجرین در بخش‌های غیرمولد می‌شود، لازم است دولت تدابیری اتخاذ نماید تا شرایط برای کاهش نابرابری‌ها اقتصادی و شکاف طبقاتی، هم در واقعیت و هم در ادراک افراد فراهم آید.

ایجاد اشتغال

یکی دیگر از پیامدهای توسعه پایدار روستایی، کارآفرینی و ایجاد اشتغال پایدار در روستاها است. دسترسی آسان جوانان روستا به تسهیلات و امکانات، برای راه‌اندازی مشاغل زودبازده، ایجاد امنیت شغلی برای جوانان روستا، حمایت از مدرنیزاسیون تدریجی کشاورزی، گسترش بازار محصولات

کشاورزی، توجه به صنعت بوم‌گردی و گردشگری از مؤلفه‌هایی است که برای رونق اشتغال و کار آفرینی بر آن تأکید شده‌است.

به عقیده خبرگان در این پژوهش، ایجاد اشتغال و فرصت کارآفرینی در روستاها، علاوه بر کمک به حل معضل بیکاری، مهاجرت، طلاق، فقر و سایر مسائل اقتصادی و اجتماعی روستاییان، موجب رونق بازار در سطح کلان و ملی می‌شود. همچنین اشتغال‌زایی سبب می‌شود که جوان روستایی از محرومیت نسبی فاصله گرفته و خود را دارای منزلتی بداند که استحقاقش را دارد. در واقع با کارآفرینی در روستاها، سرعت رشد انتظارها و توقعات، برابر با سرعت بهبود واقعی زندگی قرار می‌گیرد که، در نتیجه این روند، حالت رضایت‌مندی در افراد بروز می‌یابد.

سبک زندگی پایدار

منظور از سبک زندگی که به نوع زندگی مربوط است، چگونگی جریان حیات و شیوه زندگی انسان‌ها به صورت فردی و گروهی و نحوه استفاده از درآمد، طول زمان کار، شیوه لباس پوشیدن، تغذیه، نحوه آرایش، محل سکونت، رفتارهای دینی و فرهنگی و امثال آن است (بیرو، ۱۳۷۵). بررسی رابطه نقش توسعه پایدار روستاها با تحولات سبک زندگی روستاییان در مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد، در اغلب روستاها رویه‌های حاکم بر خانواده‌های روستایی که مبتنی بر سنت‌ها، خودکفایی، صرفه‌جویی، پس‌انداز، اشتغال پایدار، تعاملات اجتماعی، اعتماد و مشارکت‌های کاری بود، دستخوش تغییراتی شده‌است. امروزه با تأسی از ارزش‌های حاکم بر جوامع شهری، گرایش به زندگی مصرف‌گرایانه و تجملی و نیز گرایش به ارزش‌های فردی و مادی‌گرایانه بیش از پیش در روستاها رونق گرفته‌است. سخت‌کوشی، ریاضت و فعالیت در مشاغل کشاورزی و تولیدی جای خود را به مشاغلی داده که در آن عطش فرد به دنبال کسب ارزش، شأن و قضاوت دیگران است. بنابراین ایجاد توسعه پایدار روستایی موجب تغییر در سبک زندگی روستاییان شده به گونه‌ای که تغییر در عادت‌واره‌های آن‌ها (به تعبیر بوردیو)، الگوهای رفتاری و عملی خانواده‌ها به سمت تحول در ارزش‌های تولیدی، پس‌انداز، سخت‌کوشی و مشارکت‌طلبی گرایش پیدا خواهد کرد.

مدیریت بهینه منابع آب

هربرتسون^۱ مدیریت منابع آب را مجموعه‌ای از تمهیدات فنی، اداری و قانونی می‌داند که هدف آن برقراری تعادل و توازن میان تقاضا برای آب از یک سو و تأمین آن از سوی دیگر است (خراسانی، ۱۳۹۰: ۳۵). بانک جهانی مدیریت منابع آب را، مفهومی تلفیقی می‌داند، به گونه‌ای که بهره‌گیری از

¹ Herbertson-

ترسیم الگوی راهبردی برای تحقق توسعه پایدار روستایی....

چشم‌انداز یکپارچه در خصوص منابع آب، ضامن توجه به ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و فنی در مدیریت و توسعه آب‌های سطحی (رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و تالاب‌ها) و زیرزمینی است (عباسی، ۱۳۹۲: ۳۳).

مقوله مدیریت بهینه منابع آب و تداوم استفاده درست از آن، یکی از پیامدهای مهم توسعه یافتگی پایدار روستاها است. ضرورت توجه به مدیریت منابع آب در روستاها از الزامات اساسی در زمان حاضر محسوب می‌شود، چراکه آب اصلی‌ترین توان محیطی برای توسعه بخش کشاورزی و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشاورزان است. واقعیت این است که توجه به مدیریت بهینه منابع آب در سال‌های اخیر از این حیث در شهرستان خلخال حائز اهمیت است که انتقال آب از سدهای گیوی، بفراجرد، به شهر گیوی و خلخال، نیز پمپاژ آب قزل اوزون به هشجین و روستاهای بخش خورش‌رستم هزینه بر بوده و بر سر حق‌آبه رودخانه قزل اوزن کشاکشی بین مدیران و مسئولان ارشد اردبیل با خلخال و کوثر در جریان است. بنابراین با آگاه‌سازی مردم نسبت به مدیریت منابع آبی و استفاده بهینه آن در مزارع و باغات، از طریق توجه به (زیرساخت‌ها، استفاده از فناوری و نهادی) گامی مهم در افزایش راندمان تولیدات کشاورزی، اشتغال و جلوگیری از تنش‌ها بر سر آب برداشت.

توسعه زیرساخت‌ها

زیرساخت‌های روستایی به مجموعه امکانات رفاهی و خدماتی اطلاق می‌شود که نشان‌دهنده نسبت روستاهای برخوردار از خدمات عمرانی از جمله بهره‌مندی از آب آشامیدنی، برق‌رسانی، بهسازی، ایجاد و مرمت راه‌های روستایی، مراکز بهداشتی درمانی، دفترهای پست، مخابرات و ICT، صندوق پستی و غیره هستند (بدخشان و همکاران، ۱۳۹۷: ۲).

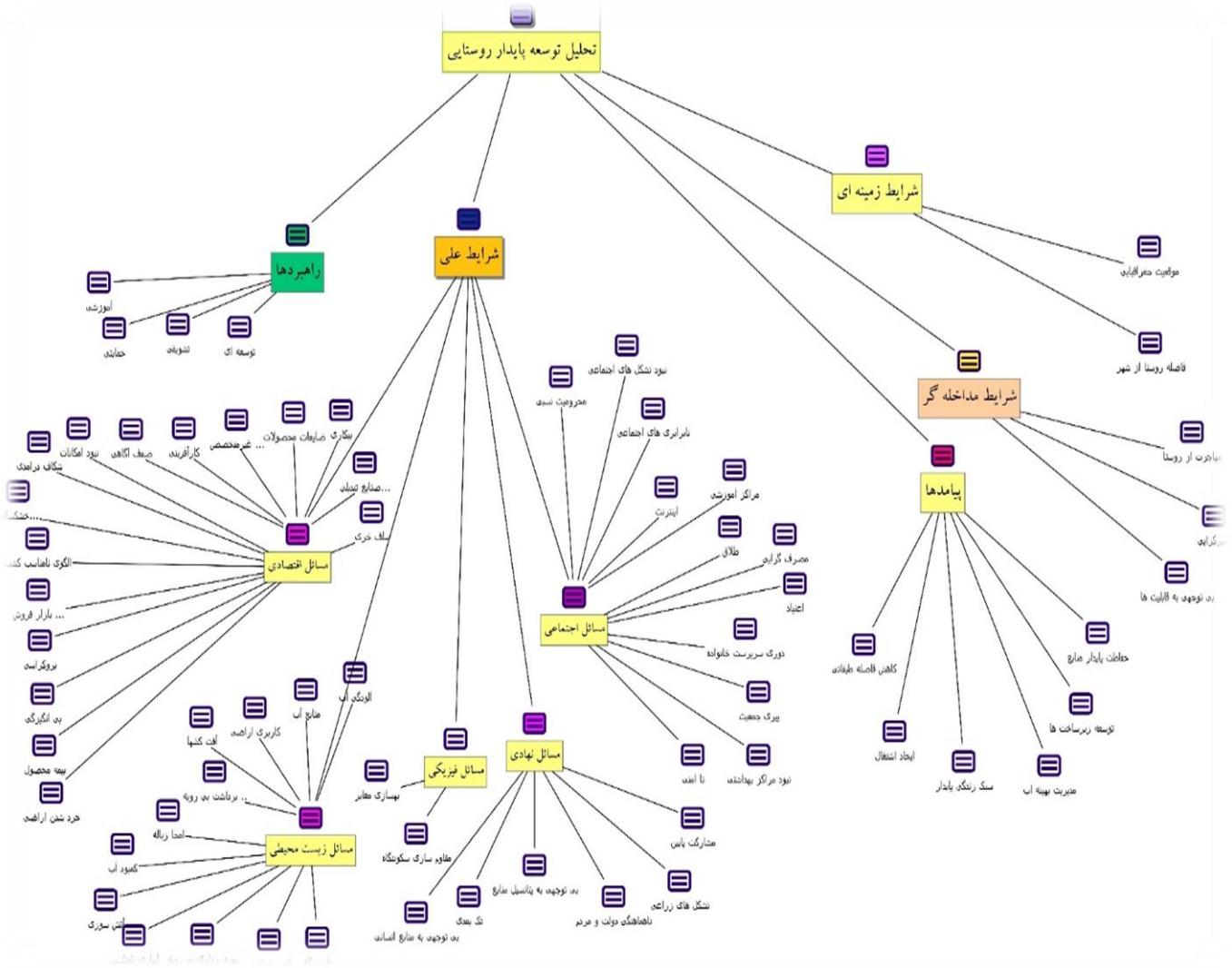
براساس نظرات مشارکت‌کنندگان، رونق احداث زیرساخت‌ها علاوه بر اینکه پیامد توسعه-یافتگی روستاهاست، در عین حال از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پیشرفت و تعالی روستاها قلمداد می‌شود. به‌عنوان مثال گسترش ICT، به مثابه پیامد توسعه یافتگی روستاها سبب می‌شود، روستاییان از طریق موبایل برای آگاهی از قیمت محصولات، نحوه ارائه خدمات حمل و نقل برای فروش محصول، افزایش سطح اطلاعات در مورد نحوه کاشت، داشت و برداشت محصولات بهره‌برداری کنند. امروزه با وارد شدن ICT، به اکثر روستاهای شهرستان خلخال، جوانان روستا از طریق آن، فرصت شغلی به‌دست آورده‌اند و این امر دلبستگی به روستا، ارتقاء سطح کیفی زندگی و کاهش هزینه‌های جاری خانوار از جمله هزینه رفت و آمد به شهر انجامیده‌است.

حفاظت پایدار منابع زیستی

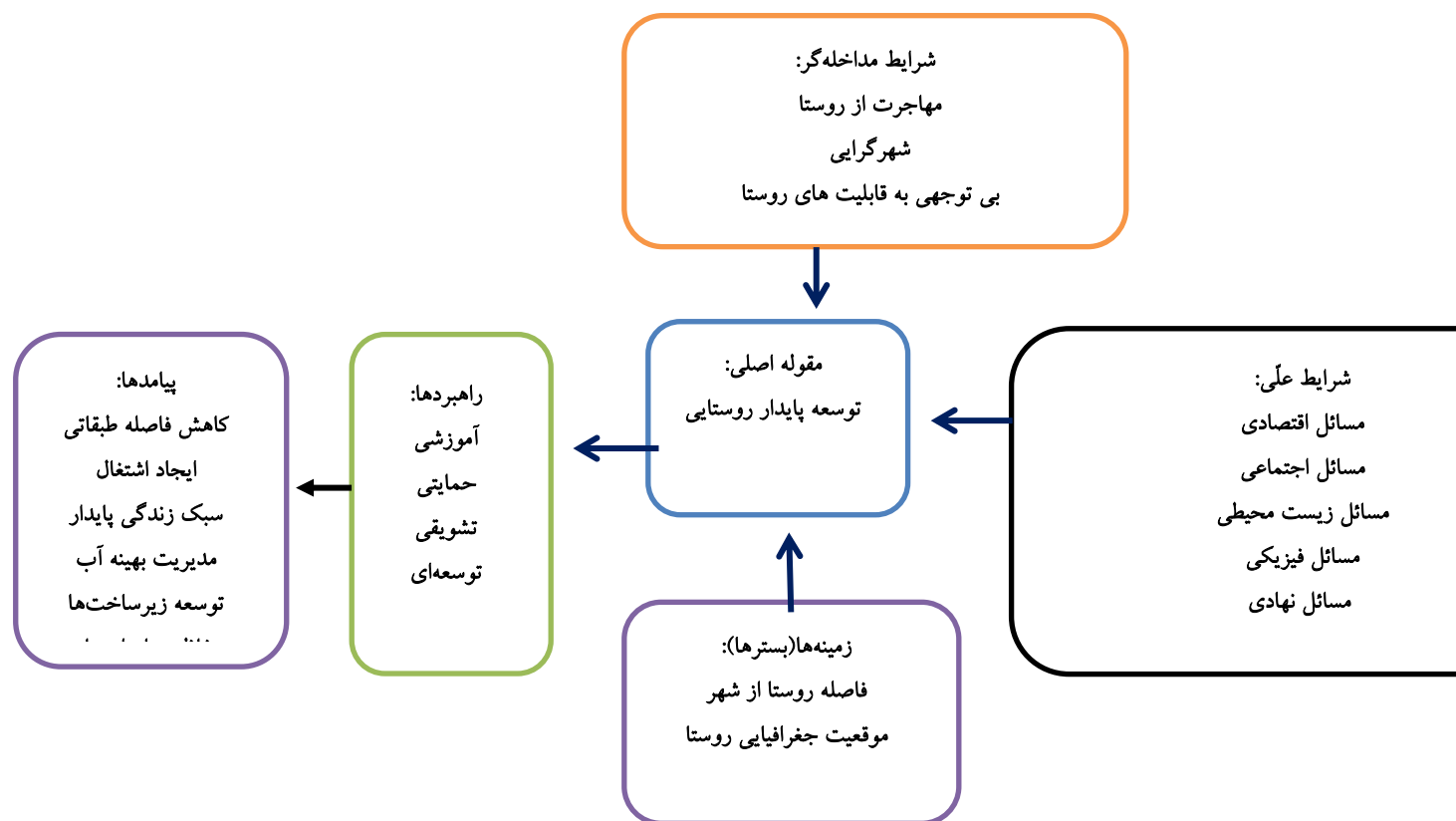
امروزه به دلیل الگوی نامناسب استفاده از سرزمین و تغییرات شدید آن، منجر به پیدایش بحران‌های زیست محیطی شده است. افزایش مداخله‌گری‌های انسانی در بوم نظام و بهره‌برداری‌های نامحدود از منابع موجود، موجب افزایش تخریب‌ها و بحران‌های زیست محیطی گردیده است. به همین منظور توجه به آمایش سرزمین و بهره‌گیری خردمندانه از منابع طبیعی جهت پیشگیری از بحران‌های محیط زیست و هم‌چنین استفاده صحیح و پایدار از تمامی امکانات پهنه‌ی سرزمین، پیامد دیگری از توسعه پایدار روستاها است.

شهرستان خلخال با داشتن بزرگترین زیستگاه‌ها (منطقه آق داغ و دربند مشکول) و معادن (معدن سنگ تراورتن در پروچ، آهن کهل دشت، شن و ماسه)، تفرجگاه‌ها (اندبیل، ازناو) و حوضه‌های آبریز (قزل‌اوزن، هروچایی، شاهرود چایی) توجه دولت‌ها و به‌خصوص سازمان مدیریت و حفاظت از محیط زیست را می‌طلبد. برای روشن‌تر شدن نحوه ارتباط مقوله‌های فرعی و کشف مقوله‌های هسته‌ای، با استفاده از نرم افزار مکس کیو دا دیاگرام «توسعه پایدار روستایی» مشاهده می‌شود:

ترسیم الگوی راهبردی برای تحقق توسعه پایدار روستایی....



شکل ۱. خروجی نرم افزار مکس کیو دا دیاگرام « توسعه پایدار روستایی »



شکل ۲. مدل پارادایمی تحلیل توسعه پایدار روستایی براساس نظریه زمینه ای

بحث و نتیجه‌گیری

براساس مطالب بیان شده، توسعه پایدار روستایی نیازمند توجه به همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و نهادی است. باوجود اینکه پژوهش‌های مختلفی در زمینه شناسایی مسائل و چالش‌های توسعه پایدار روستایی انجام شده، ولی تاکنون پژوهش محلی با رویکرد کیفی نسبت به ترسیم الگوی راهبردی

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

برای توسعه پایدار روستایی در شهرستان خلخال صورت نگرفته است. بنابراین این پژوهش با نگاه تفهیمی به پدیده توسعه پایدار روستایی با استفاده از روش تحلیل نظریه زمینه‌ای پرداخت تا با شناسایی مقوله‌های توسعه پایدار روستایی به ارائه مدل پارادایمی برای تحقق توسعه پایدار روستایی در شهرستان خلخال بپردازد.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که براساس نظرات مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، توسعه پایدار روستایی در شهرستان خلخال امری دست‌یافتنی است که در صورت تحقق آن پیامدهایی از قبیل (کاهش فاصله طبقاتی، ایجاد اشتغال، سبک زندگی پایدار، مدیریت بهینه آب، توسعه زیرساخت‌ها و حفاظت پایدار منابع زیستی) را به دنبال دارد.

در دسترسی به پیامدهای توسعه پایدار روستاهای شهرستان خلخال، باید سایر عناصر مدل پارادایمی (شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها) مورد توجه قرار گیرد. همانطور که در تحلیل مصاحبه‌ها ملاحظه شد، شرایط علی که در مقابل توسعه یافتگی روستاها قرار گرفته عبارتند از؛ مسائل اقتصادی (بیکاری، بی‌انگیزگی به فعالیت‌های اقتصادی و ضعف آگاهی نسبت به عوامل تولید و غیره)، مسائل اجتماعی (اعتیاد، نابرابری اجتماعی، طلاق و غیره)، مسائل زیست محیطی (برداشت بی‌رویه از درختان و منابع مرتع، آتش سوزی مراتع، مصرف بی‌رویه منابع آبی، بروز خشک‌سالی و غیره)، مسائل نهادی (بی‌تفاوتی مردم روستا در مقابل مسائل توسعه‌ای، بی‌اعتمادی نهادها به توان منابع انسانی روستاییان در برنامه‌ریزی‌ها و انجام طرح‌ها، مسئله تشکلهای زراعی و غیره) و مسائل فیزیکی (وضعیت نامناسب جاده‌ها، استحکام پایین سکونت‌گاه‌های روستایی و غیره). مطابقت یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش فعلی و همکاران (۱۳۹۸)، علیایی و عزیزی (۱۳۹۷)، مروج الاحکامی (۱۳۹۶)، پورطاهری و نعمتی (۱۳۹۱)، بیک محمدی و آزادی (۱۳۹۱) مبنی بر مساله‌ساز بودن موارد یاد شده با روند توسعه پایدار روستاها همسویی دارد.

براساس یافته‌های به دست آمده، دو شرط زمینه‌ای (فاصله روستا تا شهر خلخال و موقعیت جغرافیایی روستا)، در روند توسعه یافتگی پایدار روستاها، شرایطی را ایجاد می‌کند که با دورافتادگی روستا از مرکز شهرستان و قرار نگرفتن در نزدیکی جاده‌های اصلی و رودخانه‌ها، عملاً از پیشرفت و توسعه پایدار

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمدمود
طالقانی و مهدی بازرگان

عقب مانده و رفته رفته به روستاهای خالی از سکنه تبدیل شوند. مطابقت یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش فاضل‌نیا و نسیمی (۱۴۰۰)، عزمی و نوری (۱۳۹۸)، مبنی بر نقش فاصله روستا از شهر در کیفیت زندگی روستاییان، همسویی دارد.

فرایند تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد، در سبک زندگی روستاییان با ظهور ارزش‌های مادی و فردگرایانه، تمایل به همبستگی اجتماعی، گرایش به فعالیت‌های مولد، حساسیت نسبت به اتفاقات پیرامون کاهش یافته است که باتوجه به این ویژگی‌ها و با عاریت گرفتن از تئوری شهرگرایی زیمل^{۲۸} (۱۹۷۱)، مقوله «شهرگرایی» به عنوان یکی از مقوله‌های مداخله‌گر کشف شد. در واقع متأثر از ارزش‌های شهرنشینی بواسطه ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، در روستاها امروزه پیوندهای اجتماعی و تعهدات جمعی کمتر شده و افراد روستایی نیز دقت حساب‌گرایانه در زندگی عملی و روزمره تجربه می‌کنند که این پدیده به مثابه عاملی مداخله‌گر در روند توسعه پایدار روستاها است. مطابقت یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش فاضل‌نیا و نسیمی (۱۴۰۰)، مبنی بر نقش شهرگرایی در روستاهای پیراشهری، همسویی دارد.

مقوله «مهاجرت از روستا» و کاهش تراکم جمعیت در روستاها، دومین مقوله مداخله‌گر در توسعه پایدار روستاهاست. مهاجرت از روستا به هر دلیلی، باعث مرگ روستا می‌شود. توسعه‌یافتگی برای روستاهایی که توان نگهداشت مردمش را ندارد و باگذر زمان به مکان بی‌سکنه تبدیل می‌شود، امری بی‌معنی است. مطابقت یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش لطیفیان و مولوی (۱۳۹۴)، دستورپور و همکاران (۱۳۹۴)، مبنی بر نقش مهاجرت بر توسعه نیافتگی روستاها، همسویی دارد.

یکی دیگر از مقوله‌های مداخله‌گر شناسایی شده در امر توسعه پایدار، مقوله «بی‌توجهی به قابلیت‌های روستا» است. در دهه‌های اخیر، روند بهره‌گیری از توان‌ها و پتانسیل‌های محیطی به سبب الگوی مدیریتی نادرست در روستاها طی نشده‌است و این مسئله روند اجرای برنامه‌های تدوین شده را با مشکل مواجه ساخته است. بنابراین تازمانی که ارزیابی و بهره‌گیری درستی از منابع محیطی و توانمندی‌های منابع انسانی،

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

صورت‌نگیرد، توسعه پایدار در روستاها تحقق‌ناپذیر است. مطابقت یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش علیایی و عزیزی (۱۳۹۷)، مبنی بر تأثیر توان‌های محیطی در نواحی روستایی، همسویی دارد. بر مبنای مدل پارادیمی پژوهش حاضر، برای برون رفت از مسائل شناسایی شده و رسیدن به پیامدهای توسعه پایدار روستایی در شهرستان خلخال، چهار راهبرد شناسایی شد که عبارتند از: (آموزشی، حمایتی، تشویقی، توسعه‌ای).

تدوین، برنامه‌ریزی و استفاده از این استراتژی‌ها با رویکرد آینده‌نگر توسعه پایدار روستایی، می‌تواند ضمن تحرک پیشران توسعه روستاهای خلخال، زمینه بهبود توسعه یافتگی در جنوب استان اردبیل را فراهم سازد. بنابراین براساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود، پژوهشگران علاقمند به توسعه روستایی، کار تحقیقاتی خود را در رابطه با توسعه کارآفرینی، ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری در روستاها، مهارت‌های زندگی، توجه به توانمندی‌های محیطی، جلب مشارکت نخبگان در طرح‌های روستایی، توسعه زیرساخت‌ها، آگاهی بخشی نسبت به حفاظت از محیط زیست روستا و مهاجرت معکوس انجام دهند.

منابع

- ازکیا، مصطفی، (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی. تهران: نشر اطلاعات
- آزادی، یونس، بیگ محمدی، حسن. (۱۳۹۱). تحلیل و طبقه‌بندی سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان‌های استان ایلام. برنامه ریزی فضایی. ۲(۲)، ۴۵-۲۰
- بدخشان، زینب؛ مهرابی، حسین؛ میرزایی، حمیدرضا. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر توسعه زیرساخت‌ها بر توسعه روستایی ایران. مجله اقتصاد کشاورزی، ۱۲(۴)، ۱۴-۱
- پورطاهری، مهدی، نعمتی، رضا (۱۳۹۱). اولویت‌بندی مسائل توسعه روستایی با تأکید بر دیدگاه روستاییان، مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان خرم‌آباد، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۷(۲)، ۳۹-۲۲.
- تودارو، مایکل. (۱۳۶۴). توسعه اقتصادی در جهان سوم، جلد اول، ترجمه غلامعلی فرجادی. تهران: سازمان برنامه و بودجه.

تحلیل جامعه شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود
طالقانی و مهدی بازرگان

- خراسانی، محمدامین، خراسانی، منوچهر. (۱۳۹۰). نگرشی بر مدیریت منابع آب روستایی، رشد آموزش جغرافیا، ۲۵، (۹۵)، ۳-۳۲
- دستورپور، مریم، بسطامی نیا، امیر. امیدپور، کورش. (۱۳۹۴). بررسی علل و پیامدهای مهاجرت به شهر یاسوج، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، ترکیه، استانبول.
- صبوری کرج، پرویز. (۱۳۹۸). گونه شناسی ادراک عدالت جنسیتی با تأکید بر عامل قومیت. فصلنامه زن در فرهنگ و هنر. ۱۱(۳)، ۴۵۷-۴۳۳.
- عباسی، حسن (۱۳۹۲). تحلیلی بر اثرات اجرای طرحهای مهار آب؛ مطالعه موردی: دهستانهای درام و چورزق شهرستان طارم، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه زنجان به راهنمایی دکتر بهروز محمدی یگانه.
- عزمی، آئیژ؛ نوری، مجتبی. (۱۳۹۸). بررسی نقش فاصله روستا از شهر در کیفیت زندگی روستاییان. فصلنامه برنامه ریزی رفاه توسعه اجتماعی، ۱۱ (۴۱)، ۲۹۴-۲۵۳.
- علوانی، ناصر؛ سواری، مسلم. (۱۴۰۱). راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار روستایی با در نظر گرفتن روابط شهری و روستایی در استان خوزستان. جغرافیا و روابط انسانی، ۵، (۱).
- علیاری، محمدصادق؛ عزیزی، سمیه. (۱۳۹۷). بررسی و ارزیابی توانهای محیطی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان وکیل آباد شهرستان بافت استان کرمان). فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات برنامه ریزی سکونتگاههای انسانی، ۱۳، (۴)، ۹۳۳-۹۱۳.
- فاضل نیا، غریب؛ نسیمی، حمیدرضا (۱۴۰۰). ارزیابی وضعیت شهرگرایی در روستاهای پیراشهری. دوفصلنامه جغرافیای شهری، ۸ (۱)، ۱۹۲-۱۷۳.
- فعلی، سعید؛ صدیقی، حسن؛ پزشکی راد، غلامرضا؛ میرزایی، آرزو. (۱۳۹۸). چالش های جوامع روستایی ایران برای دستیابی به توسعه پایدار روستا و توسعه، ۱۳ (۴)، ۹۴-۱۲۰.
- فلیک، اووه. (1399). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی.

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

- کرسول، جان دبلیو. (۱۳۹۷). طرح پژوهش: رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی. ترجمه علیرضا کیامنش، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبائی.
- کورین، جولیت؛ استراوس، انسلم. (۱۳۹۵). مبانی پژوهش کیفی. تهران: نشر نی.
- لطیفیان، احمد؛ مولوی، هما. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مهاجرت بر توسعه نیافتگی روستایی، اولین همایش بین‌المللی علوم مدیریت پیشرفت‌ها، نوآوری‌ها و چالش‌ها، مؤسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی، شیراز، ایران.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۷). روش تحقیق کیفی ضد روش (منطق و طرح در روش شناسی کیفی). تهران: جامعه‌شناسان.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سالنامه آماری استان اردبیل.
- مروج الاحکامی، فائزه. (۱۳۹۶). اولویت بندی مسائل توسعه روستایی از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی: دهستان آشیان، شهرستان لنجان استان اصفهان). دانشگاه پیام نور: مرکز پیام نور تهران شرق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- Doan, K. H. (2022). Bibliometric Analysis of Indigenous Entrepreneurship. Ecoforum, 11(1), 1 - 12.
- Li, T., Feng, C., Xi, H., & Guo, Y. (2022). Peer Effects in Housing Size in Rural China. Land, 11(2), 172.
- World Bank, (2019). Rising Global Interest in Farmland: Can it yield sustainable and equitable benefits? <http://www.donorplatform.org/content/view/457/2687>, 09.09.2019 .

Sociological analysis of religious neo-thinking discourse in Iran: Case of study; Ali Shariati, Seid Mahmood Taleghani, and Mehdi Mehdi Bazargan

Kazem Moradi 0009-0003-6116-325X 

PhD student in Cultural Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mehrdad Navabakhsh¹ 0000-0002-3028-7458 

Professor of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Soroush Fathi 0000-0002-4673-9594 

Associate Professor of Sociology, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract This article analyzes the discourse of religious neo-thought during the final two decades of Mohammad Reza Pahlavi's reign, relying on the views of Ali Shariati, Taleghani, and Bazargan. The research method was the discourse analysis method of Laclau and Mouffe. Analytical texts were selected from innovative thinkers' written works and speeches and analyzed in a judgmental and purposeful manner. The results showed that the multiplicity of intellectual currents characterizes this period and sub-discourses against the established order based on the authoritarian and retrospective developmental discourse. They encountered the hegemony of the established archaic discourse that sought to de-religious social life and a range of Marxist, nationalist, and liberal ideas. These competing discourses were popular among the urban and educated middle classes and even the industrial working class, a product of increasing development due to abundant oil revenues. In such a situation, the dominant aspect of their neo-thinking is strategic new-thinking. Although we can recognize examples of rethinking in religious knowledge, such as the category of *ijtihad* and *shura* in the thought of Ali Shariati and Seid Mahmood Taleghani, examples of invoking religious figures and concepts to alienate and mythologize a discourse that placed living, dynamic, and militant Islam in the center of his discourse configuration is more prominent in their works. Considering the multiplicity of competing intellectual currents, the religious neo-thinkers in this period paid less attention to epistemological effort, and most of their intellectual effort was spent on strategic thinking to compete in such an environment. In addition to othering the established system and competing over empty signifiers such as justice and freedom with powerful Marxist and liberal discourses and trying to stabilize them in their discourse order, they othered the traditional reading of Islam.

Keywords: discourse, critical discourse analysis, religious neo-thinking, Islamic revolution, strategic neo-thinking, epistemic neo-thinking

¹ Corresponding Author: navabakhsh@srbiau.ac.ir

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان

کاظم مرادی

دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مهرداد نوابخش^۲

استاد جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سروش فتحی

دانشیار جامعه‌شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۹/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

چکیده

در این مقاله با اتکا به آرای علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان تلاش شده‌است؛ گفتمان نواندیشی دینی در این دوره مورد تحلیل جامعه‌شناختی قرار گیرد. تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و با روش اسنادی بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه آثار به جا مانده از این سه نواندیش بود. متون تحلیل از میان آثار متنی و سخنرانی‌های آنان انتخاب شد. نتایج نشان داد که آن‌ها نه فقط با هژمونی گفتمان باستان‌گرای مستقر، که در پی دین‌زدایی از عرصه حیات اجتماعی بود، بلکه با طیفی از اندیشه‌های مارکسیستی، ناسیونالیستی و لیبرال مواجه بودند. این گفتمان‌های رقیب، در میان طبقات متوسط شهری و تحصیل‌کردگان و حتی جامعه کارگر صنعتی که محصول توسعه فزاینده در نتیجه‌ی درآمدهای سرشار نفتی بود؛ از اقبال برخوردار بودند. در چنین شرایطی وجه غالب نواندیشی آنان؛ نواندیشی راهبرد اندیشانه است و اگر چه می‌توان نمونه‌هایی از بازاندیشی در معرفت دینی همچون مقوله اجتهاد و شورا را در اندیشه علی شریعتی و طالقانی بازشناخت، با این حال مصادیق فراخوانی شخصیت‌ها و مفاهیم دینی به منظور غیریت‌سازی و اسطوره‌سازی از گفتمانی، که اسلام زنده و پویا و مبارز را در مرکزیت صورت‌بندی گفتمانی خود قرار داده بود؛ در آثار آن‌ها برجسته‌تر است. در شرایط رقابت گفتمانی و تعدد جریان‌های فکری، نواندیشان دینی در این دوره از کوشش معرفت‌اندیشانه در دین به سمت راهبرداندیشی برای رقابت بر سر استقرار نظام دانایی دین و معرفت دینی میل کرده‌اند و ضمن غیریت‌سازی از نظام مستقر و رقابت بر سر دال‌های تهی همچون عدالت و آزادی با خرده‌گفتمان‌های قدرتمند مارکسیستی و لیبرالیستی و تلاش برای تثبیت آن‌ها در نظم گفتمانی خود، به غیریت‌سازی از قرائت سنتی از اسلام پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی، نواندیشی دینی، انقلاب اسلامی، نواندیشی راهبرداندیش، نواندیشی معرفت‌اندیش

^۲ نویسنده مسئول: Email: navabakhsh@srbiau.ac.ir

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

مقدمه

دو دهه پایانی منجر به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، از حیث نزاع اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در ایران، بسیار در خور توجه است. به‌ویژه این که این نزاع در ساحت اندیشه به خوبی نشان دهنده غلیان اجتماعی است که به رخداد انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ انجامید. یکی از جریان‌های فکری که شاید بتوان در این دوران، آن را یک سنت فکری نیز نام‌گذاری کرد؛ نواندیشی دینی است. چهره‌های برجسته‌ای همچون علی شریعتی، سیدمحمد طالقانی و مهدی بازرگان از جمله نواندیشان دینی بودند که همچون اسلاف خود، نقش مهمی هم در ساحت اندیشه و هم در کنش اجتماعی و سیاسی بازی کردند. دغدغه بازخوانی معرفت دینی، همچنان هدف و پروژه فکری مهمی است که توسط نواندیشان دینی دنبال می‌شود. حیث دیگر قابل توجه این دوره از حیات فکری ایرانیان، تنوع گفتمان‌های فکری و عمدتاً سیاسی است که در کنار کشمکش با یکدیگر، حیات پویای اجتماعی دارند. همچنین تعدد اندیشمندان با گرایش‌های فکری مختلف که بنا دارند، مرزبندی‌های فکری و اجتماعی و البته سیاسی روشنی برقرار کنند و نسبت خود را با دیگران از گذر درآمیختن با گفتمان‌های رقیب و دفاع از مکتب فکری خود روشن سازند، قابل توجه است. این تکرر در سپهر اندیشه، زمینه را برای یکی از پر منازعه‌ترین دوران‌های فکری جامعه ایران فراهم کرده است و نواندیشی دینی نیز در این دوره، یکی از مهم‌ترین جریان‌ها است و نواندیشان دینی از جمله فعال‌ترین چهره‌های عرصه حیات فکری جامعه ایران به‌شمار می‌روند. هدف از این مقاله تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی علی شریعتی، سیدمحمد طالقانی و مهدی بازرگان، به عنوان سه چهره شاخص هم در عرصه نظر ورزی و هم کنش سیاسی در دو دهه پایانی منجر به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ است.

بیان مسئله

تا پیش از وقوع انقلاب مشروطه، جامعه ایران در همگونی و یکدستی به سر می‌برد و فاقد تنوع و مبتنی بر معیار مشابهت بود. در چنین جامعه‌ای نظام دانایی مبتنی بر یک منبع واحد، مورد وثوق همگان بود. دین به عنوان مرجع و رکن اساسی نظام اندیشه مطرح بود و عمدتاً در انحصار قشر روحانیت قرار داشت. این وضعیت اما با ظهور مشروطه دچار دگرگونی شد و دو تحول در این وضعیت رخ داد: «یکی آن که

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان

تفسیر دین متناسب با متن جامعه ارائه شد و پدیده دوم تکثر در مرجع تفسیر و نفی انحصار آن بود. این دو پدیده، زمینه بروز تحولات در برداشت‌های نو از دین را فراهم کرد. بنابراین از انقلاب مشروطه به بعد به تدریج تفسیر دین و مسایل دینی از انحصار گروهی خاص خارج شد و پایگاه‌هایی جدا از سنت پدید آمدند که اجازه یافتند تا برداشت خود را از دین ارائه کنند» (مایلی و مهاجرانی، ۱۳۹۵: ۴۰). این تفاسیر جدید، یا از بین افرادی از نهاد روحانیت و یا خارج از آن مطرح می‌شد که ضرورت بازخوانی و یا بازاندیشی قرائت سنتی از دین را مطرح می‌کردند. آن‌ها به این شکل نه فقط اقتدار تفاسیر سنت گرایان از دین را به چالش کشیدند، بلکه نقش مهمی نیز در تحولات سیاسی و اجتماعی ایفا کردند و قرائت‌هایی نو از دین را به متن حیات سیاسی، تاریخی و اجتماعی بازگرداندند. چنین کنش معرفتی که با اصلاح جویی اجتماعی و سیاسی گره خورده بود، به ظهور نواندیشان دینی انجامید که در کنار سایر جریان‌ها به حیات فکری آتی جامعه ایران شکل داده و سهمی در آن داشتند که تا به امروز نیز ادامه داشته است.

نواندیشی دینی جریانی یکپارچه نیست و شاید به ازای هر کدام از نواندیشان دینی تنوع رای و نظر وجود دارد و این تنوع در درون خود همچنین نشان دهنده نوعی تحول است. چرا که از سید جمال‌الدین اسدآبادی و آخوند خراسانی و میرزای نائینی تا مجتهد شبستری و ملکیان و سروش راه زیادی پیموده شده است و به اقتضای زمینه تاریخی و اجتماعی که این نواندیشان به آن واکنش نشان داده‌اند، در صورتبندی معرفتی و کنشگری فکری آنان نیز تحول حادث شده است. این تکثر و پراکندگی در آرای اهل نظر البته دور از انتظار نیست و در هر سیستم فکری و مکتبی و اعتقاد دیگری نیز می‌توان از آن نشان گرفت. فراتر از این، به نظر حتی اختلاف رای بخشی از تکاپوی معنایی نظام‌های دانایی است. و اگر چه به بیان مولانا در سر آغاز دفتر اول مثنوی معنوی، شاید بتوان گفت:

«هر کسی از ظن خود شد یار من / و از درون من نجست اسرار من»

این نکته نیز حائز اهمیت است که اختلاف نظر در فهم دین، می‌تواند به عنوان یکی از نشانه‌های پویایی معرفتی در آن به شمار آید. ممکن است در برهه‌ای خاص، یک قرائت از دین، به ویژه اسلام، غالب و هژمون شده و آثار و تبعات منفی آن ملموس باشد. به نظر می‌رسد اوج بالندگی تمدنی مسلمانان

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

در دوره‌ای بوده که اختلاف در رأی و نظر نه تنها مذموم نشده، بلکه تأمل و تفکر در دین از منظرهای مختلف فقهی، فلسفی، کلامی و عرفانی به قوت خود باقی بوده است. در این زمان ممکن است یک قرائت خاص هژمونی بیشتری یافته باشد، اما به طور کلی، عرصه‌ی اندیشه‌ورزی مهار نشده و تنوع اندیشه برای اهل نظر مجاز بوده است.

در دوره مورد بررسی این تحقیق، یعنی دهه ۱۳۴۰، نواندیشی دینی با فعالیت‌های مهدی بازرگان شکلی جدید پیدا کرد و همچنین اندیشه‌های محمد تقی شریعتی و افرادی مانند محمد نخشب نیز قبل از این تاریخ قابل ذکر است. «هم و غم نواندیشی دینی؛ دینداری در بستر اجتماعی مدرن بود. مسائل نواندیشان دینی شامل صور و معانی مرتبط با نحوه تفکر و زیست مدرن و همچنین باورها و اعمال دینی است خواه این مسائل، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، روان‌شناسانه، فلسفی یا اخلاقی باشند» (فرهنگ قهفرخی و قدرت الهی، ۱۳۹۸: ۱۵۱). این مسیر البته با تلاش‌های علی شریعتی و طالقانی ادامه یافت و در این دوران برخی از مهم‌ترین چهره‌های نواندیشی دینی ظهور کردند که تا به امروز نیز تأثیر زیادی هم بر جامعه ایران و هم بر جریان نواندیشی دینی داشته‌اند. در تحقیقات انجام شده پیشین آرا و اندیشه‌های این نواندیشان دینی در قالب کتاب‌ها و مقالات مورد بررسی قرار گرفته‌است که در بخش پیشینه تحقیقات، به برخی از آن‌ها پرداخته شده‌است. با این حال عمده این تحقیقات یا با روشی تاریخی انجام شده و یا شرحی بر اندیشه‌های این نواندیشان دینی بوده‌است و در مواردی نیز تحقیقات، ماهیت مقایسه‌ای داشته و به تحلیل مقایسه‌ای اندیشه‌های این نواندیشان دینی با دیگر متفکران اسلامی پرداخته‌اند. انجام مطالعه پیرامون اندیشه‌های این نواندیشان دینی با رویکردهای روش‌شناختی، همچون تحلیل گفتمان، بسیار محدود است. ضمن این که وجوه جامعه‌شناختی اندیشه این نواندیشان کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است. این در حالی است که تحلیل جامعه‌شناختی گفتمانی نواندیشی دینی، شناسایی زمینه‌های اجتماعی برآمدن آن، نقاط افتراق و اشتراک این جریان که در درون خود حامل گفتمان‌های دیگری است و نیز بازخوانی آرای نواندیشان دینی نیز هست. «تأثیرگذاری این شخصیت‌ها در خیلی از موارد مثبت بوده‌است. خوانش مجدد دوره زندگی، اندیشه و کنشگری آن‌ها صرفاً به این دلیل صورت نمی‌گیرد که به گذشته تعلق دارند، بلکه به دلیل استمرار تأثیرگذاری متفاوت آنان است» (محمودی، ۱۳۹۵: ۲۴). اگرچه

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان

مطالعه حاضر یک پژوهش تاریخی نیست و در پی تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی است، اما شخصیت‌های نواندیش و روشنفکری دینی بخشی از این گفتمان به حساب می‌آیند و ضرورت دارد به آن‌ها پرداخته شود. بررسی این شخصیت‌ها از نظر نقش آن‌ها در دوره تاریخی که در آن زندگی کرده‌اند و نیز تأثیرات آثار آن‌ها بر گفتمان نواندیشی دینی و پیامدهای درازمدت زندگی و اندیشه‌شان در حیات اجتماعی، حائز اهمیت است.

این تحقیق به‌طور خاص به دوره‌ای پرالتهاب و کلیدی از نظر حیات فکری نواندیشان دینی پرداخته و به تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشان دینی در این دوره می‌پردازد. فرض بنیادی این تحقیق این است که فراتر از تفاوت‌های مفهومی در اندیشه نواندیشان دینی، آن‌ها متعلق به یک رویکرد گفتمانی کلی‌تر هستند که در زمینه‌سازی غیریت‌سازی‌ها، ایجاد فضای تخصیص گفتمانی و جهت‌گیری‌های زمانی و مکانی، اشتراکات بنیادی دارند.

سؤال اصلی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است، این است که گفتمان نواندیشی دینی پیش از انقلاب ۱۳۵۷ در اندیشه علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان چه ویژگی‌هایی دارد؟

سوالات تحقیق:

سوال اصلی:

- گفتمان نواندیشی دینی پیش از انقلاب ۱۳۵۷ در اندیشه علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان چه ویژگی‌هایی دارد؟

سوالات فرعی:

1. بر ساخت تخصیص گفتمانی در گفتمان نواندیشی دینی علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان چگونه است؟
2. فرآیند غیریت‌سازی در گفتمان نواندیشی دینی علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان، چگونه است؟

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

3. گفتمان نواندیشی دینی علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان، چه جهت‌گیری‌های معرفتی و زمانی دارد؟

4. تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان، چه ویژگی‌های اصلی را آشکار می‌کند؟

پیشینه پژوهش

تحقیقات زیادی در رابطه با آرا و اندیشه‌های علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان انجام شده است. بخش زیادی از این تحقیقات مدخل‌های مختلف موضوعی به آثار آن‌ها گشوده‌اند و از زوایای مختلف به نقد و بررسی و یا شرح اندیشه‌های آنان پرداخته‌اند. احصای همه این تحقیقات در این تحقیق نمی‌گنجد با این وصف باید تاکید داشت که کمتر مطالعه‌ای با رویکرد تحلیل گفتمان، به بررسی آرا و اندیشه‌های این سه متفکر پرداخته است، لذا این تحقیق از این حیث نوآورانه است. در ادامه به مرور برخی از تحقیقات و مطالعات انجام شده مرتبط پرداخته شده است.

غلام‌عباس توسلی (۱۳۷۹) در کتابی که با عنوان «روشنفکری و اندیشه دینی» تدوین کرده است و با عنوان فرعی «رهیافتی جامعه‌شناختی به آثار و اندیشه علی شریعتی» عرضه شده است، مجموعه‌ای از مقالات حول روشنفکری و اندیشه دینی در سه بخش به رشته تحریر و تدوین درآورده است. در بخش نخست از این کتاب به‌طور ویژه به علی شریعتی پرداخته شده است و ضمن طرح زندگی فکری ایشان، تأثیرات او بر جنبش و جریان‌های اجتماعی و نیز روش‌شناسی ویژه او بررسی شده است. مباحثی همچون فلسفه تاریخ از دیدگاه جامعه‌شناسی، جهان‌بینی، ساخت فکری و نگرش توحیدی، تحلیل جامعه‌شناختی دین، جایگاه علی شریعتی در تاریخ معاصر ایران و در نهایت، بحثی پیرامون فارابی به عنوان نظریه پرداز یوتوپیا مطرح کرده است. غلام‌عباس توسلی با استناد و ارجاع به اندیشه علی شریعتی و سید جمال، ضرورت نواندیشی دینی و مسائلی همچون رابطه دین و دولت، هویت ملی، دین ایدئولوژیک را بررسی و تشریح کرده است.

موسوی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «نواندیشی دینی در تفکر علی شریعتی» انجام داده است. محقق ضمن بیان مؤلفه‌ها و پیش فرض‌های نواندیشی دینی علی شریعتی از جمله جامعه‌شناسی، پروتستانیتسم

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان

اسلامی، الیناسیون فرهنگی، بازگشت به خویشتن به طرح تأثیرات اجتماعی و سیاسی نواندیشی شریعتی پرداخته است. از جمله این تأثیرات، نقش وی در انقلاب اسلامی ایران و جذب جوانان به سمت انقلاب و امام، احیای اسلام و شخصیت‌های اسلامی است. محقق همچنین به برخی از جنبه‌های فکری علی شریعتی همچون قرائت ایدئولوژیک از دین، پرداختن به مسأله جایگاه زن و جایگاهش، توجه به عقب ماندگی و رکود جامعه اسلامی، احیای تفکر اسلامی در عصر حاضر، رویکرد معتدل به مدرنیته و غیره پرداخته است.

خان محمدی و جعفری (۱۳۹۷) در مقاله خود به بررسی جایگاه شورا در حکومت اسلامی از دیدگاه محمد رشیدرضا و سیدمحمود طالقانی پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داده است که طالقانی در پرداختن به مفهوم شورا و جایگاه آن در حکومت اسلامی بر توده‌های مردم تکیه دارد و برخلاف رویکرد رشیدرضا، نخبه‌گرایانه نیست. طالقانی در مسأله شورا بر این باور است که اجرای شورا ادامه مسیر انبیا و معصومین است و در عصر غیبت آن را تنها راه درست برای ولایت مردم بر خود می‌شمارد. نظام شورایی در اندیشه طالقانی بسیار فراگیرتر از اندیشه‌ی محمد رشیدرضا است و در آن عامه مردم تشکیل دهنده اهل شورا هستند و نظرات شورا از مراتب و مقیاس‌های کوچک‌تر به مراتب بالای حکومت انتقال می‌یابد. آرمین و مهدوری‌راد (۱۳۸۶) در مقاله خود به مسأله آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در نزد طالقانی پرداخته و اشاره کرده‌اند: اندیشه سیاسی طالقانی تلفیقی آشکار از آرا مودودی و ندوی با نظریه سیاسی سنتی شیعی و دیدگاه اعتدالی علامه نایینی است. اما وجوه این تلفیق در مبانی چندان با یکدیگر سازگار نیستند. شاید یکی از علل وجوه تناقضات غیر قابل حل در دیدگاه طالقانی نسبت به مقوله آزادی‌های سیاسی و اجتماعی علاوه بر ضرورت‌ها و واقعیات اجتناب‌ناپذیر، ناشی از تلفیق میان عناصر ناسازگار باشد. مجموعاً عوامل و مبانی متعارض مذکور موجب شده است در برخی موارد طالقانی تقریباً تمامی حقوق و آزادی‌های سیاسی، مدنی و اجتماعی مصرح در اعلامیه حقوق بشر از قبیل آزادی بیان، عقیده، آزادی انجمن و سازمان پیوندی و آزادی مشارکت در اداره امور جامعه را برای پیروان مکتب مارکسیسم

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

به رسمیت بشناسد و در مواردی دیگر پیروان ادیان و اهل ذمه را از بسیاری از حقوق و آزادی‌ها محروم بداند.

نصیری مبارکه (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی مقایسه‌ای گفتمان روشنفکری دینی مهدی بازرگان و علی شریعتی پرداخته است. محقق نتیجه گرفته است که دال مرکزی در خرده گفتمان بازرگان، اسلام علمی- تجربی و در خرده گفتمان شریعتی، اسلام اجتماعی-انقلابی است و این موضوع بر ابعاد مختلف اندیشه آنان در باب روش حکومت‌داری مطلوب، حاکمیت، رهبری جامعه و شیوه تعیین آن، کار ویژه دولت و نوع نگاه آن‌ها به غرب و غیره تأثیر می‌گذارد. تفسیر علمی بازرگان از اسلام و زمینه و زمانه وی، سبب برتری دال مرکزی اسلام علمی- تجربی در اندیشه‌های او شده است. روش حکومت‌داری مطلوب بازرگان، لیبرال دموکراسی است. در خرده گفتمان تجربه محور بازرگان، حاکمیت از آن مردم و حق رهبری با فرد منتخب مردم است و شیوه تعیین آن نیز انتخاب از جانب مردم است، که کار ویژه آن فضا سازی برای هدایت افراد انسانی است.

فتحی (۱۳۹۲) در پژوهش خود به بررسی دیدگاه روشنفکران دینی معاصر در زمینه مؤلفه‌های جامعه شیعی پرداخته است. روشنفکران دینی در پژوهش فتحی بدین قرار بوده‌اند: بازرگان، امام خمینی، سروش، شریعتی، مصباح یزدی و مطهری که رویکردشان به ولایت، عدالت، انتظار، اصالت فرد و جامعه و همگنی دین و سیاست، تحلیل و مقایسه شده است. محقق نتیجه گرفته است، بازرگان به همگنی دین و سیاست رویکردی منفی داشته است. در مورد آمیختگی دین و سیاست هم روشنفکران دینی معتقد بودند که یکی از مؤلفه‌های جامعه شیعی است و در همگن دانستن این دو، اشتراک داشتند. با این حال بازرگان، هدف پیامبران را آخرت و خدا معرفی می‌کند و اداره امور دنیایی را هدف آنان نمی‌داند و بین دین و سیاست مرز قائل است.

چارچوب نظری

«غلبه‌ی تدریجی تجددخواهی در جهان، از چند سده گذشته، موجب حذف فرقه‌گرایی در ادیان و در عوض، ایجاد دو جریان اصلی «تجددگرایی» و «بنیادگرایی» شده است که متعاقب آن، جریان‌های بینابینی نظیر «نواندیشی دینی» و «سنت‌گرایی» نیز، پدیدار گشته‌اند» (فرهنگ قهفرخی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۶).

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان

نواندیشان دینی در دوران جدید از اواخر زمامداری دودمان قاجار در ایران، با مشاهده استبداد، استعمار و عقب ماندگی، به تکاپوی فکری و کنش‌گری اجتماعی و سیاسی برخاستند. در آن روزگار، وضع دیگر کشورهای مسلمان‌نشین نیز کم و بیش مشابه ایران بود. از همین رو می‌توان دید که چگونه در کشورهای مسلمان چهره‌ها و شخصیت‌های مختلف فکری در پی بازخوانی دین و تعیین نسبت عقلانیت و قانون و دموکراسی با معرفت دینی برآمدند و تلاش کردند تا با حفظ اصول و مبنای معرفتی دین، راه‌هایی در جهت ارائه قرائتی روزآمد شده از دین فراهم کنند. مفاهیم و اصطلاحات مختلفی برای توصیف راه میانه‌ای استفاده شده است که قائلان به آن، در پی باز گذاشتن امکان خوانش سنت و بالاخص سنت دینی برای پاسخ گفتن به نیازهای نوشونده و در حال تحول انسان و جوامع هستند. از اصلاح دینی، روشنفکری دینی، احیای دینی و اخیراً نواندیشی دینی برای توصیف راه این کنشگران استفاده شده است و «در ادبیات اهل فرهنگ و سیاست پس از پیروزی انقلاب اسلامی دو اصطلاح روشنفکر دینی و نواندیش دینی شایع و پرکاربرد است» (مسعودی، ۱۳۸۸: ۱۵۰). از حیث لغوی، نواندیشی به معنای از نو درباره مسائل فکر کردن است اما از حیث اصطلاحی زمانی که از نواندیشی دینی صحبت می‌شود، تنوع مفهومی چشمگیری وجود دارد. مطابق با یک تعریف، «نواندیشی دینی به معنای بازاندیشی در افکار و اندیشه‌های دیگران به منظور دستیابی به نتایج جدید در حوزه دین و معارف دینی است» (یزدی و عابدینی، ۱۳۸۸: ۱۳) و مطابق با تعریفی دیگر «طرح فکری‌ای است که به بازخوانی انتقادی سنت اسلامی با عنایت به فراورده‌های معرفتی جهان جدید در روزگار کنونی، با هدف حل دشواری‌ها یا اصلاح وضعیت موجود، توجه دارد» (علیجانی، ۱۳۷۹: ۲۲۱). همچنین از حیث کار ویژه‌ای که برای نواندیشان تعریف می‌شود: «باورمندان به نواندیشی دینی برخلاف سنت‌گرایان و بنیادگرایان دینی دستاوردهای معرفتی جهان جدید را جدی انگاشته و به آن‌ها توجه می‌کنند» (دباغ، ۱۳۹۴: ۶۵).

بیان نسبت روشنفکری دینی و نواندیشی دینی، کم و بیش دشوار است. صاحب نظران در بیان نسبت، راه‌های گوناگونی را پیموده‌اند و در بیان شاخصه‌ها و مؤلفه‌های ساختاری و کارکردی این واژگان یکسان نظر نداده‌اند و هر فرد نحله و گروه فکری، تصویر ویژه‌ای از هر یک از مقوله‌های یاد شده دارد.

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

«در نگاه شماری از اهل فکر و نظر روشنفکری دینی و نواندیشی دینی به یک معنی پنداشته شده و رهیافت یکسانی از هر دو دارند. گروه دیگر، برعکس روشنفکر دینی را مفهومی متنافی الاجزاء و پارادوکسیکال دانسته اما درباره نواندیشی دینی بر این نظرند که پارادوکس به آن سرایت نمی‌کند. دشواری دیگر این است که نواندیشی دینی در درون خود، نحله‌های فکری فراوانی را جای داده‌است» (حاجی وثوق و داودی، ۱۳۹۷: ۱۱) به گونه‌ای که هم از حیث مفهومی و هم از حیث اجتماعی و حتی سیاسی یکی از مباحث مناقشه‌آمیز است و در جهان اسلام جریان‌های متنوعی را شامل می‌شود.

نواندیشی دینی، مرزهایی مشترک با مفهوم روشنفکری دارد. روشنفکر ایرانی به خاطر تعاملی که با محیط خود برقرار ساخته و به خاطر واکنشی که به شکل طبیعی به مقولات غیر قابل انکار بومی‌اش نشان داده، با مقوله سنت هم مواجهه داشته‌است. برخلاف غرب که روشنفکری در آن نوعی موقعیت بومی و برآمده از تجربه مدرنیته است، در ایران روشنفکری نوعی تجربه به عاریت گرفته شده از غرب است که در اولین قدم ناچار است نسبت خود را با سنت تعیین کند. در یک جمع‌بندی، با وجود این که مرزهای مفهومی روشنفکری و نواندیشی دینی چندان واضح نیستند، به نظر می‌رسد نواندیشی دینی به بازخوانی انتقادی ساحت دین می‌پردازد، به گونه‌ای که به مرزهای معرفتی آن وفادار می‌ماند. در مقابل، روشنفکری دینی لزوماً خود را مقید به وفاداری به این مرزهای معرفتی نمی‌داند. هرچند هم روشنفکران و هم نواندیشان دینی به نظام معرفتی دین توجه دارند، نواندیشان به دنبال بازسازی سیستم معرفتی دین برای پاسخگویی به نوگرایی تاریخی نظام اجتماعی هستند. در حالی که روشنفکران دینی می‌کوشند ما به ازایی معرفتی از این نوگرایی در دین پیدا کنند. اگرچه هر دو گروه دغدغه معرفت دینی دارند، نواندیشان دینی به شیوه‌ای درون‌گفتمانی به مسائل مربوط به دین می‌اندیشند.

روش پژوهش

این تحقیق یک مطالعه نظری و از حیث هدف تحقیقی بنیادی از نوع مطالعات اسنادی با رویکرد تحلیل گفتمان است. فلسفه تحقیق از نوع مطالعات خردگرایانه^۳ و بر پایه قدرت تفکر و تحلیل استوار است و

^۳ Rationalistic philosophies

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود
طالقانی و مهدی بازرگان

فرض بنیادی آن است که عقل قادر به شناخت همه پدیده‌ها می‌باشد. همچنین از حیث استراتژی، مطالعه حاضر یک پژوهش توصیفی-تحلیلی است. نیز از حیث ماهیت داده‌های تحقیق، یک مطالعه کیفی است که به شیوه کتابخانه‌ای-اسنادی انجام شد. شیوه گردآوری داده‌ها اسنادی و ابزار گردآوری داده‌ها نیز فیش برداری از متون بود. در نهایت از حیث تکنیک پژوهشی مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در زمره مطالعات تحلیل گفتمان است. «روش تحلیل گفتمان به طور بالقوه یکی از مهم‌ترین تکنیک‌های پژوهشی در علوم اجتماعی است» (منصوری‌رضی، ۱۴۰۳: ۱۱). در این تحقیق به طور مشخص از رهیافت تحلیل گفتمان انتقادی^۴ لاکلاو و موفه استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه متون بر جای مانده از سه نواندیش مورد بررسی شامل کتاب‌ها، مقالات و سخنرانی‌ها بود. با در نظر گرفتن حجم وسیعی از داده‌های متنی به جای مانده از سه نواندیش مورد بررسی، نمونه‌گیری هدفمند انجام شد و متونی که برجستگی بیشتری در ارتباط با موضوع پژوهش داشتند برای تحلیل انتخاب شدند. اعتبار و روایی تحقیق از طریق در دسترس بودن فرآیند تحلیل برای سایر محققان و اعتبار انسجام و سودمندی (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۵: ۱۲۴) تأمین شد که روش‌هایی برای تعیین اعتبار نتایج تحقیقات تحلیل گفتمانی هستند.

رهیافت تحلیل گفتمان انتقادی لاکلاو و موفه

اصطلاح «گفتمان» در رشته‌های گوناگونی از جمله نظریه انتقادی، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، و بسیاری از زمینه‌های دیگر رایج شده است» (مک‌لئود و همکاران، ۲۰۲۴: ۱). «تحلیل گفتمان مطالعه و تحلیل کاربردهای زبان است» (هوج، ۲۰۱۷: ۵۴۴). تجزیه و تحلیل گفتمان یک زمینه تحقیقاتی است که از چندین رویکرد ناهمگن و عمدتاً کیفی برای مطالعه روابط بین زبان مورد استفاده و جهان اجتماعی تشکیل شده است. محققان در این زمینه، معمولاً زبان را به عنوان شکلی از عملکرد اجتماعی می‌بینند که بر دنیای اجتماعی تأثیر می‌گذارد و بالعکس. «بسیاری از انواع تحلیل گفتمان معاصر، به طور صریح یا ضمنی، تحت تأثیر نظریه‌های میشل فوکو در رابطه با قدرت، دانش و گفتمان قرار گرفته‌اند» (جانسون و مک‌لین، ۲۰۲۰: ۳۷۸). «تحلیل گفتمان از دو سرچشمه نظری بهره‌مند

^۴ Critical discourse analysis

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

است که منبعث از نظریه‌های دریدا و میشل فوکو است» (مک‌لئود و همکاران، ۲۰۲۴: ۲). «دریدا و پیروانش بر تحلیل گفتمان زبانی تمرکز می‌کنند و فوکو و پیروانش بر تحلیل‌های نظری جامعه‌شناختی و انتقادی تمرکز می‌کنند» (هندفورد و جی، ۲۰۲۳: ۴۵). به عنوان نمونه‌ای از دیدگاه دریدایی، کولتارد بر اهمیت زمینه، ساختار و پویایی‌های تعاملی در درک گفتمان و تمایز بین «گفتار گفتاری و متن نوشتاری» تأکید می‌کند. از این منظر «گفتمان در مورد تعاملات بین گویندگان است و معانی را باید بین واحدهای تعامل و همچنین درون واحدهای تعامل یافت» (کولتارد و کوندین، ۲۰۱۴: ۱۳۶). از سوی دیگر بر مبنای رویکرد فوکو بر بررسی راه‌هایی تمرکز می‌شود که قدرت از طریق شیوه‌های گفتامانی اعمال می‌کند. به عنوان مثال: «رویکرد فرکلاف^۵ به تحلیل گفتمان انتقادی^۶ بر تحلیل رابطه پیچیده بین زبان، قدرت و ایدئولوژی در زمینه‌های اجتماعی متمرکز است» (فرکلاف، ۲۰۱۳: ۱۹). در رویکرد پس‌ساختارگرایی به گفتمان، معنا از شبکه‌ای از مراجع از طریق یک لحظه تعلیق ساخته می‌شود. «معنا و هویت، بر این مبنا چیزهایی هستند که توسط دیگران «تشکیل» شده و حتی فراتر از آن، واقعیت چیزی نیست جز محصول یک مکانیسم تعویق-تمایز درون گفتامانی» (سوریاجابا، ۲۰۱۲: ۷؛ هاردیمان، ۲۰۰۷: ۱۶۶).

از دیدگاه لاکلا و موفه، گفتمان، جهان اجتماعی را در قالب معنا می‌سازد. «این ساختن از طریق زبان که ماهیتی بی‌ثبات دارد انجام می‌شود. زبان، هم در ایجاد واقعیت و هم در بازنمایی آن نقش اساسی دارد» (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۳). زبان ابزاری برای تبادل اطلاعات و انعکاس واقعیت‌ها است که، در شکل-گیری اعتقادات و نظام فکری افراد نقش مؤثری ایفا می‌کند (گرجیان، ۱۴۰۳: ۱۰۱). در این رهیافت از عناصر مختلفی همچون شناسایی فضای تخصیص، دال شناور، دال تهی، دال مرکزی، مفصل‌بندی، تعیین زمان و مکان، عناصر و وقته‌ها، حوزه گفتمان‌گونگی و برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی و هژمونی برای تحلیل استفاده می‌شود. در درجه نخست، مفهوم دال که در رهیافت لاکلا و موفه به تحلیل گفتمان انواع مختلفی همچون دال مرکزی، شناور و تهی دارد، به معنای هر آن چیزی می‌باشد که با بیان آن معنا و مفهوم ویژه‌ای تداعی شود و از این نظر هر امر انتزاعی و عینی می‌تواند به عنوان یک دال فهم شود. «آنچه که

^۵ Fairclough

^۶ critical discourse analysis

دال به آن ارجاع دارد یعنی آنچه که دال آن را تداعی می‌کند؛ مدلول است» (مک‌دانیل، ۱۳۸۰: ۱۲۵). به عنوان مثال یک رد پا مثالی عینی از یک دال است. رد پا بر این که کسی از مسیر گذشته است، دلالت دارد و لذا مدلول رد پا، وجود شخصی عابر و رهگذر است. دال مرکزی در نظریه لاکلاو و موفه به معنای دالی است که نقطه اتکای سایر دال‌ها است به عنوان مثال دال «عدالت» می‌تواند یک دال مرکزی در گفتمان سیاسی دولت‌های چپگرا باشد. «دال شناور به عنوان یکی دیگر از مفاهیم مورد استفاده لاکلاو و موفه در رهیافت خود به تحلیل گفتمان، به معنای دالی است که مدلول متغیری دارد و گفتمان می‌کوشد آن را تحت نظام معنایی خود درآورده و در پیرامون دال مرکزی خود تثبیت کند» (لاکلاو و موفه، ۲۰۱۴: ۱۱۲).

ارتباط میان دال‌های شناور و دال مرکزی از طریق مفصل‌بندی اتفاق می‌افتد. مفصل‌بندی بیانگر این واقعیت است که گفتمان (به عبارت دیگر، امر اجتماعی) همیشه به صورت رابطه‌ای شکل می‌گیرد، همیشه در حال ساخت است و در معرض انقطاع است. مفصل‌بندی عبارت است از تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می‌یابند. از این رو، هویت یک گفتمان، بر اثر رابطه‌ای که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون پدید می‌آید (هویت ارتباطی)، شکل می‌گیرد. مفصل‌بندی اساس هژمونی^۷ است. این مفهوم ناظر به این است که در ساحت سیاست و اجتماع چه کسی برتر است. به عبارت دیگر، کدام نیروی سیاسی درباره شکل‌های مسلط رفتاری در جامعه تصمیم خواهد گرفت. اگر افکار عمومی معنایی را برای یک دال هر چند موقت بپذیرند، در آن صورت آن دال هژمونیک می‌شود. هژمونیک شدن دال‌های دیگر به معنای هژمونیک شدن کل نظام معنایی و نهایتاً گفتمان و هویت آن می‌شود. به دال‌هایی که معانی تا حدی ثابت در یک گفتمان پیدا کرده‌اند نیز وقته گفته می‌شود. در نقطه مقابل دال‌هایی که معانی آنها طرد می‌شود در عرصه گفتمان‌گونگی قرار می‌گیرند و به آنها عنصر گفته می‌شود. لذا گفتمان‌ها به شکل مداوم در حال بازسازی خود از طریق ساخت وقته‌ها و عناصر هستند.

⁷ hegemony

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

«مفهوم برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی نیز که با مفهوم تخصم و غیریت‌سازی ارتباط دارد؛ مفهوم دیگری در نظریه لاکلائو و موفه است» (جیسوپ، ۲۰۱۹: ۹). در مناظرات گفتگویی هر گفتمان با برجسته کردن نقاط قوت خود و نقاط ضعف رقیب و با به حاشیه راندن نقاط ضعف خود و نقاط قوت رقیب، سعی در کشیدن هاله‌ای از قدرت دست نیافتنی به اطراف خود است. «برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت و دوام هژمونیک گفتمان است» (مقدمی، ۱۳۹۰، ۱۰۳-۹۹). در ادامه بر اساس عناصری که لاکلائو و موفه در نظریه تحلیل گفتمان خود برای تحلیل از آن‌ها استفاده کرده‌اند به تحلیل آرای سه نواندیش دینی پرداخته شده است.

یافته‌ها

تعیین فضای تخصم می‌تواند در درجه نخست کمک کند که زمینه تاریخی و اجتماعی گفتمان نواندیشی دینی و بستر کنش فکری نواندیشان دینی مورد بحث بهتر شناخته شود. همچنین تعیین این فضا یکی از مهم‌ترین وجوه و از ارکان تحلیل گفتمان با رویکرد لاکلائو و موفه نیز هست. لذا پیش از هر چیز در ادامه به تعیین فضای تخصم بین گفتمان‌ها در دو دهه پیش از انقلاب اسلامی ایران پرداخته شد و سپس ضمن ارائه تعریفی برای نواندیشی معرفت‌اندیشانه و راهبرد اندیشانه، به تحلیل متنی آرا و اندیشه‌های سه نواندیش مورد بحث پرداخته شد.

عرصه اجتماعی تخصم گفتمانی

از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا رخداد انقلاب ۱۳۵۷ جامعه ایران یکی از پرتلاطم‌ترین دوران تاریخی خود از نظر تنوع در آرا و اندیشه‌ها را از سر گذرانده است. در یک نگرش جامعه‌شناختی شاید بتوان این تنوع در فکر را نتیجه بلافصل تغییرات گسترده نظام اجتماعی و اقتصادی دانست که سیمای جامعه ایران را از کشوری که از حیث فرهنگی و اقتصادی تا حدی همگن بود، به ساختی ناهمگن تبدیل کرد. حکومت محمدرضا شاه پهلوی، اقدامات گسترده‌ای برای تکمیل روند نوسازی ایران به ویژه از سال ۱۳۴۰ به بعد انجام داد که مهم‌ترین آن‌ها اصلاحات کشاورزی و اقداماتی جهت صنعتی نمودن کشور بود. در نتیجه تحولات و نوسازی اجتماعی و اقتصادی، میزان قابل ملاحظه‌ای نارضایتی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بین بخش‌های سنتی جامعه پدید آمد که هم ناشی از واکنش به اصلاحات و هم به شیوه‌ی آن

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود
طالقانی و مهدی بازرگان

بود. «طبقات جدید، عمدتاً با شیوه اصلاحات و خصلت مطلقه دربار پهلوی و بی‌اعتنایی آن به قانون اساسی و پارلمانتاریسم، مواجه و از این روند ناراضی بودند، در حالی که جامعه سنتی نسبت به محتوای اصلاحات غرب‌گرایانه مخالفت می‌ورزید. در نتیجه‌ی این اصلاحات، جامعه‌ی مزبور، شئون اجتماعی و استیلای فکری و موقعیت ممتاز قدیم خود را از دست داد و با رشد روابط سرمایه‌داری و گسترش الگارش‌های تجاری و صنعتی جدید، شیوه زندگی سنتی رو به افول نهاد» (بشیریه، ۱۳۸۶: ۷۲۳). تجددگرایی و توسعه آمرانه‌ی پهلوی دوم با طرح گفتمانی باستان‌گرا، نوعی ضدیت با ارزش‌های دینی داشت و هویت ایرانی را در چارچوب نوعی عظمت‌طلبی گذشته‌نگر که ریشه در ایران باستان داشت، خلاصه می‌کرد و به نوعی، دین را در نقطه مقابل چنین تصویری از هویت انسان ایرانی می‌دید به گونه‌ای که «در دوران پهلوی، تلاش می‌شد تا افکار و اعتقادات شیعی به بهانه‌ی وارداتی و عربی بودن، تغییر کند» (لک‌زایی، ۱۳۹۱: ۳۰۸). این در حالی بود که ارزش‌های دینی و مذهبی عمیقاً در تار و پود هویتی انسان ایرانی در هم آمیخته و در نتیجه‌ی چنین سوپرداشتی از هویت انسان ایرانی مشروعیت نظام سیاسی نیز از دست رفت.

در سوی دیگر، از حیث زمینه‌ی اقتصادی در این سال‌ها؛ به برکت درآمد سرشار نفتی که در اوایل دهه ۱۳۵۰ چندبرابر شد، تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه ایرانیان به شدت افزایش یافت و شاخص‌های اقتصادی، رشدهای خارق‌العاده‌ای را نشان می‌داد. «در پرتو گسترش شهرنشینی، برنامه تحصیلات رایگان و توسعه دانشگاه‌ها و نشریات و کتاب‌های زیادی که منتشر می‌شد، در کنار شبکه‌های رادیو و تلویزیون دولتی و جلوه‌های هنر و سینما، فضای کشور در مجموع به فضایی نوگرا و غربی تبدیل شده بود» (سمیعی، ۱۳۹۶: ۱۳). طبقات اجتماعی جدیدی شکل گرفتند که شکل‌گیری و نسبت آنها با یکدیگر از جمله مباحث عمده‌ی جامعه‌ی ایرانی عصر پهلوی است و «آنچه بیش از هر چیز در طبقات اجتماعی ایران عصر پهلوی به چشم می‌آید، مقوله‌ی اختلاف طبقاتی است» (درودی، ۱۳۹۴: ۹۱). همین موضوع یکی از دلایل قدرت گرفتن گفتمان چپ در ایران بود. در چنین زمینه اجتماعی، گفتمان‌های سیاسی مختلف مبتنی بر ناسیونالیسم، سوسیالیسم و اسلام‌گرایی ظهور کرد و البته بافت دیندارانه جامعه به شکلی

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

بود که اقبال زیادی نسبت به بازخوانی دین وجود داشت. به گونه‌ای که چنین قرائتی هم بتواند بر نتایج اقتصادی و اختلاف طبقاتی در نتیجه‌ی توسعه‌ی نامتوازن و آمرانه پهلوی دوم غلبه کند و هم این‌که تناسب بیشتری با باورهای فرهنگی و دینی ایرانیان داشته باشد. شکلی از نوسازی که توجهی به بافت مذهبی جامعه و نقش تاریخی روحانیت نداشت و سبب به حاشیه رانده شدن گفتمان دینی شده بود. به طور خاص سبب ایجاد نوعی مقاومت در بین نیروهای اجتماعی و البته قوت گرفتن گفتمان‌های دینی شد. رقابت نه فقط در عرصه سیاسی و اجتماعی بلکه به شکل جدی‌تری در ساحت فکری در جریان بود و هر کدام از این سه گفتمان می‌کوشیدند، در این منازعه به خلق هژمونی بپردازند. در چنین شرایطی است که نواندیشان دینی همچون علی شریعتی، مهدی بازرگان و سید محمود طالقانی، به ادامه راه نواندیشان دینی پیش از خود، همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد نخبش، آیت الله نائینی و محمدتقی شریعتی می‌پردازند.

نواندیشی معرفت‌اندیشانه و راهبرد اندیشانه

نواندیشی معرفت‌اندیشانه و راهبرداندیشانه، ناظر بر دو شکل از صورتبندی گفتمانی در بین نواندیشان دینی هستند. ادعای مقاله حاضر این است که نواندیشی دینی در دوره مورد بحث، اگر چه از سویه‌های معرفت‌اندیشانه به هیچ عنوان خالی نیست با این حال وجه بارز نواندیشی دینی در این دوره به مقتضای زمینه تاریخی و اجتماعی، که نواندیشان دینی با آن روبرو هستند، اساساً وجهی «راهبرد اندیش» دارد. نواندیشی راهبرد اندیش در این گفتار برای اشاره به شکلی از نواندیشی دینی به کار گرفته شده است که در برابر بازاندیشی، بر فراخوانی و در برابر جهت‌گیری درونی و درون معرفتی، جهت‌گیری بیرونی دارد و به دلیل همین نوع جهت‌گیری، چه بسا به نارسایی‌های نظری منجر شود. ضمن این‌که از حیث زمانی همچون گفتمان مستقری که با آن در تعارض است، جهت‌گیری گذشته‌نگری را ارائه می‌کند و مخاطبش بیش از آن‌که جریان سنت‌گرا باشد، مردم هستند چرا که در پی تجهیز فکری و عملی مسلمانان برای حضور در عرصه سیاسی و اجتماعی است.

در این مقاله نواندیشی معرفت‌اندیش به شکلی از کنش نواندیشانه فکری اشاره دارد که جهت‌گیری درونی دارد به این معنا که از حیث انتخاب دال‌ها و مدلول‌ها، انتخاب فضای تخصیص و

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان

مکانیزم‌های غیریت‌سازی با نواندیشی راهبرداندیش تفاوت دارد. نواندیشان دینی معرفت‌اندیش از درون گفتمان دینی؛ ایجاد قرائت جدید در معرفت‌شناسی دینی را در اولویت اصلی اندیشه‌ورزی خود قرار می‌دهند. بر همین اساس نیز آنها در درجه اول از قرائت سنتی از دین غیریت‌سازی می‌کنند و اندیشه آنها وجه آینده‌نگرانه غالب‌تری دارد. مخاطب آنها نیز عمدتاً از میان علمای دین است و آنها گفت‌وگوی خود را با نهاد دین شکل می‌دهند. نواندیشی راهبرداندیش اما صورت‌بندی دیگری دارد و تلاش بیشتری برای بهره‌گرفتن از عناصر مدرن در گفتمان خود و تثبیت دال‌های شناور در فضای اجتماعی حول دال مرکزی خود دارد. در ادامه نمونه‌های بیشتری از این مصادیق و همچنین خصلت‌های غالب نواندیشی راهبرداندیشانه بر اساس تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در آثار علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان ارائه شده است. اگر چه وجه راهبرداندیشانه در نواندیشان دینی این دوره برجسته است با این حال در همین دوران نیز وجوه معرفت‌اندیشانه در بین نواندیشان دینی قابل توجه است و در ادامه با تحلیل یافته‌ها تلاش شده است این دو گانه‌های برشمرده شده که به نوعی همسو با رویکرد روش‌شناختی تحقیق به منظور برجسته‌سازی غیریت‌ها و تخصیص گفتمان‌ها و به شکلی آگاهانه اتخاذ شده است، تشریح شوند.

جهت‌گیری درون معرفتی و برون معرفتی

جهت‌گیری درونی و بیرونی به معنای رویکردی است که هر یک از دو گفتمان نواندیشی دینی در رابطه با نهاد دین و معرفت دینی اتخاذ می‌کنند. در این معنا که، شکلی از صورت‌بندی گفتمان نواندیشی دینی، برای ارائه گفتمانی جدید، رجوع به معرفت دینی و شکل دیگر رجوع به گفتمان مدرن را در اولویت خود قرار می‌دهد. کنش نخست جهت‌گیری درونی و دومی جهت‌گیری بیرونی را برای نواندیشی دینی انتخاب می‌کند. تفاوت عمده‌ای میان آن دسته از کنش‌های نواندیشانه دینی که با ارجاع درون معرفتی به دین، درصدد ایجاد قرائت‌های سازگار میان دین و دنیای مدرن هستند با کنش‌های نواندیشانه دینی وجود دارد و منابع معرفتی خود را برای ایجاد این سازگاری از زمینه‌های معرفتی مختلف و حتی گاه متعارضی انتخاب می‌کنند. علی شریعتی یکی از بارزترین چهره‌ها در میان نواندیشان دینی است که جهت‌گیری

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

برون معرفتی دارد و نظام‌های فکری مختلف را در جست‌وجوی ایجاد منظومه فکری خود می‌کاود. اگر چه محور و مبنای این کاوش، معرفت دینی است. به شکل برجسته‌تری نواندیشی دینی شریعتی به خوبی نشان دهنده هژمونی گفتمان جهانی چپ است و آشکارا راهبردی بودن نواندیشی دینی او را نشان می‌دهد. یکی از بارزترین کنش‌های فکری شریعتی تصویر سازی (ایماژهایی) از شخصیت‌های تاریخی اسلام در قالب اندیشه چپ است. آنچه شریعتی در قالب ابوذر می‌جوید آشکارا جستجوی نمونه‌ای از انسان فراتاریخی دیندار سوسیالیست است و به بیان آبراهامیان (۱۳۹۹): «داستان کتاب ابوذر ارائه الگویی برای حرکت، اقدام انقلابی و عمل در راستای اصلاح جامعه بود. داستان یکی از اصحاب پیامبر که پس از درگذشت او با خلیفه به مخالفت برخاست، از علی حمایت کرد و در دوره خانه نشینی او به صحرا رفت تا زندگی ساده‌ای پیشه کند و سنت اسلامی طرفداری از فقرا را در برابر توانگران حریص زنده بدارد. به تعبیر علی شریعتی، ابوذر نخستین سوسیالیست مسلمانی بود که به وظیفه انقلابی خود عمل نمود» (آبراهامیان، ۱۳۹۹: ۴۲۷). جذابیت ارائه چنین ایماژهایی، از سوی دیگر استراتژی فکری شریعتی برای گفتمان‌سازی از دین است. به شکلی که بتواند با هژمونی ایدئولوژی چپ در میدان فکری و اجتماعی هم‌وردی کند.

علی شریعتی تفسیری دنیایی، غایت‌گرایانه و راهبردی از دین را در معرض دید مخاطبان خویش قرار می‌دهد تا بتواند برای دین در عصری که بیش از هر زمان دچار تشتت آرا و اندیشه‌های فکری مختلف است، جایگاه اجتماعی بیابد و خلق گفتمان کند. او این کار خطیر را با ایجاد نوعی پروتستانتسم اسلامی انجام می‌دهد و به باور سروش (۱۳۸۴): «شریعتی حرکت خود را نوعی پروتستانتسم می‌شمرد» (سروش، ۱۳۸۴: ۳۸). شریعتی چنین موضعی را اتخاذ می‌کند چرا که در مذهب تشیع، نوعی پتانسیل نهضت‌سازی می‌بیند و به اقتضای زمانه و هدفی که دنبال می‌کند به دنبال ارائه خوانشی راهبردی از دین اسلام و بالاخص مذهب تشیع برای ایجاد شکلی از جنبش اجتماعی است و البته در این راه منابع معرفتی و گفتمان نواندیشی او جهت‌گیری برون‌معرفتی دارد. همچنان که به‌عنوان نوعی الگو به پروتستانتسم نگاه می‌کند. جهت‌گیری برون‌معرفتی شریعتی به معنای تهی بودن نواندیشی دینی او از جهت‌گیری درون‌معرفتی نیست و به بارزترین شکل ممکن این جهت‌گیری درونی در صورتبندی که او از مقوله اجتهاد ارائه

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود
طالقانی و مهدی بازرگان

می‌کند، تبلور یافته است. به نظر شریعتی هر سنتی که پیامبر(ص) به انجام آن تشویق نموده از روح برخوردار بوده و واجد سه ویژگی است: عمومیت، جاودانگی و حساسیت. این ظواهر چیزی جز فرم‌ها و شکل‌هایی نیست که در زمان‌های متغیر، متفاوت است. مجتهد باید آن روح را کشف نماید و از قشر به باطن دست یابد. بنابراین، تحلیل ظواهر فقه و سنت اهمیتی ندارد و عمل به آن‌ها تنها به دلیل آداب و رسوم است قابل توجه است و ترک آن هیچ زیانی به همراه ندارد. این نکته‌ای است که به نفی ظاهرگرایی سنت‌گرایانه و غیرپویا در شریعت و فقه برمی‌گردد. پایه دیگر اجتهاد، در روش رایج استفاده از «عقل و اجماع» است. چیزی که شریعتی بدیل‌های دیگری برای آن‌ها می‌جوید: «به جای دو اصل «عقل» و «اجماع»، «علم» و «زمان» را پیشنهاد می‌کنم» (شریعتی، ۱۳۵۸: ۲۰). بر اساس تعریف شریعتی از اجتهاد، معرفت دینی، ارزش ثابت و مقدسی فراسوی تغییرات و تحولات فردی و اجتماعی وجود ندارد. ارزشی که بتواند، در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، اصول و پایه‌های نظام اجتماعی و فردی واحدی را سامان بخشد. تمام ابعاد اجتهاد و معرفت دینی از شناخت بشری متأثر و با تحول آن متحول و دگرگون می‌گردد (شریعتی، ۱۳۵۶: ۲۰). بر اساس این منطق، آشنایی فقه با علوم جدید به درک بهتر دین کمک می‌کند و معنای تبدیل اجماع به زمان نیز این است که فهم هر فرد از دین در زمان خودش حجت است و ممکن است در آینده، برای افراد دیگر از هیچ ارزشی برخوردار نباشد. یک مساله ممکن است در یک زمان به‌طور کامل غلط فهمیده شود و سپس تصحیح گردد. بنابراین، الزام انسان‌ها در تمام زمان‌ها به تقلید از آنچه گذشتگان بدان حکم داده‌اند و تصویب کرده‌اند، نوعی جمود و ارتجاع به حساب می‌آید و آنچه باید به منزله یک اصل اساسی در اجتهاد و استنباط مورد توجه قرار گیرد، «زمان» است نه چیز دیگر (شریعتی، ۱۳۵۸: ۲۰) یعنی «اجتهاد عصری از دین» (فصیحی، ۱۳۸۶: ۳۸) است. می‌توان دید که شریعتی از اجتهاد صورت‌بندی دیگری ارائه می‌کند که ریشه در معرفت دینی دارد و این دال‌شناور را در صورت‌بندی گفتمانی خود به شکلی تثبیت می‌کند که ظرفیت‌های جدیدی برای آن ایجاد می‌کند. به گونه‌ای که بتواند پاسخ‌گوی نیاز اجتماعی انسان مسلمان در عصر مدرن باشد.

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

گفتمان علم گرایانه بازرگان نیز به خوبی نشان دهنده وجوه برون معرفتی نواندیشی دینی اوست. بازرگان علاقه زیادی به علم مدرن داشت و در جهاتی نیز می‌کوشید با عطف به روش‌شناسی علمی به بررسی قرآن کریم بپردازد. همچنان که در «سیر تحولی موضوعی قرآن» این گرایش برجسته است. وی با تحلیل تماتیک و محتوایی آیات قرآن تلاش می‌کند روندهای موضوعی در قرآن کریم را مورد شناخت قرار دهد. فراتر از این استفاده روش شناختی، او تلاش می‌کند برخی از وجوه معرفتی دین را با اصطلاحات علمی توضیح دهد و می‌نویسد: «خداوند همواره در طبیعت جهان ماده می‌دمد تا حیات برقرار باشد. در غیر این صورت طبق دانش ترمودینامیک، اصل کهولت (آنتروپی) سبب زوال و نابودی هستی می‌شود» (بازرگان، ۱۳۷۷: ۵۵۴). این شکل از پرداختن به معرفت دینی و تلاش برای ارائه شرحی علمی بر آن، جهت‌گیری برون معرفتی نواندیشی دینی بازرگان را به خوبی نشان می‌دهد. اندیشه طالقانی اما در میانه نگاه برون و درون معرفتی به دین سیر می‌کند و هیچ کدام از این دو رویکرد به اندیشه او غلبه ندارد. شاید یکی از دلایل این موضوع نیز روحانی بودن او است که او را در جایگاه نزدیک‌تری نسبت به شریعتی و بازرگان در رابطه با دین و قرائت دینی از جهان قرار می‌دهد. طالقانی از یک سو با نگاهی درون معرفتی مفهوم شورا را از معرفت دینی اخذ می‌کند و از سوی دیگر دموکراسی را از گفتمان مدرن و می‌کوشد میان این عناصر پیوند برقرار کند.

بازاندیشی و فراخوانی

یک نگاه نسبت به نواندیشی دینی این است که نواندیشان دینی از آن حیث به دین رجوع می‌کنند که، تحولات در نظام فکری مدرن را برای جامعه ترجمه پذیر کنند. با این معنا که «آموزه‌های منورالفکری به معنای مطلق کلمه، در ایران و سایر جوامع دینی، امکان نفوذ و نشو و نما نمی‌یابد و مادامی که مردم به آموزه‌های دینی باور دارند، هر نوع تقریر تازه اعتقادی که با بنیان‌های فکری موجود در تقابل باشد، فراگیر نمی‌شود! لذا باید با استمداد از گفتمان، ادبیات و زبان دینی یا جامعه و در جامعه دینی سخن گفت» (خان‌محمدی، ۱۳۹۲: ۸۰). این نقش ترجمه‌پذیری اگرچه به تمامی نادرست نمی‌نماید با این حال نخست این که، این وجه از کنش نواندیشانه بیشتر به نواندیشی راهبرد اندیشانه دینی نزدیک است تا به معرفت‌اندیشانه و دیگر این که، نمی‌توان کل کنش‌های زبانی نواندیشان را به چنین کار ویژه ای

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود
طالقانی و مهدی بازرگان

فروکاست. با این حال این وجه در بین نواندیشان مورد بحث در این دوره غالب است. فراخوانی دال‌های مهم و مناقشه‌آمیزی همچون آزادی از سوی نواندیشان راهبرد اندیشی همچون علی شریعتی و تلاش برای ارائه صورتبندی جدیدی از آن، به گونه‌ای که با معرفت دینی سازگار باشد، نمونه‌ای از این کنش نواندیشانه است. این فراخوان نتیجه خصلت گذشته‌گرایانه‌ی گفتمان نواندیشی دینی در این دوره است. چرا که اساطیر گفتمانی خود را در گذشته‌ای تاریخی جستجو کرده و آن را در برابر شکل دیگر گذشته‌گرایی باستانی گفتمان مستقر برجسته‌سازی می‌کند.

شاید برجسته‌ترین شیوه تثبیت مفاهیم و دال‌ها که شریعتی در گفتمان‌سازی خود از «تشیع علوی» و غیریت‌سازی از آن در برابر «تشیع صفوی» به کار می‌گیرد و آن را ابزار قدرتمندی برای روایت دیگرگونه‌ای از دین می‌کند که وجوهی مادی و غایت‌اندیشانه دارد، پرداختن اساطیری و جان‌بخشی دیگرگونه به شخصیت‌های اسلامی است. به گونه‌ای که گویی آن‌ها انسان معاصر امروز و یا مجاهدین معاصری هستند که علیه سرمایه‌داری در مبارزه‌اند. خلق ایماژهایی حماسی و امروزین از حضرت علی (ع)، فاطمه (س)، زینب (س) و ابوذر، نمونه این تلاش فکری است که، از قضا بسیار مؤثر عمل می‌کند. او بالاخص در متن قصص دینی و روایات به فراخوانی می‌پردازد: «راه ابراهیم راهی است که هنوز روندگان باید به راهش بروند و نهضتش، نهضت زندگی است؛ و شرکی که با او و با آن مبارزه می‌کرد، امروز بیشتر از زمان او بر جهان حکومت می‌کند و بدتر و خشن‌تر، اما پنهانی!» (شریعتی، ۱۳۷۸: ۱۱۵). در این بیان دال «نهضت» و مدلول آن «ادیان ابراهیمی» و غیریت‌سازی از «شرک» و ایجاد تخاصم گفتمانی میان «جهان اسلام» و «جهان استکبار» صورت گرفته است. و یا می‌نویسد: «ابولهب، مرد شرور و بدکینه و پستی که همه چیز را فدای تجارت می‌کند. حتی بت‌ها را فقط به خاطر آن می‌پرستد که مکه را امنیت داده‌اند و امنیت را به خاطر آن می‌خواهد که تجارتش را رونق بخشیده است. دین او و مقدسات او همه در امنیت خلاصه می‌شود. او چگونه در برابر دینی که در اولین قدم چنین امنیتی را قربانی خواهد ساخت و همه چیز را دستخوش انقلاب و واژگونی خواهد کرد، آرام می‌نشیند؟» (شریعتی، ۱۳۹۳: ۴۹۴). در اینجا تناظر

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

جالبی میان «ابولهب» و «تجارت» برقرار می‌شود که آشکارا نوعی غیریت‌سازی از سرمایه‌داری با گذاشتن آن در کنار کفر و لجاجتی است که با ابولهب، در ذهن انسان دیندار ایرانی شناخته می‌شود. همچنین، شریعتی «امنیت‌جویی» ابولهب را در نقطه مقابل «انقلاب» قرار می‌دهد که مدلول آن اسلام و وجوه دگرگون‌کننده اجتماعی و سیاسی آن است. همان اسلامی که شریعتی قرائتی مبارزه‌جویانه از آن دارد. «اسلامی که تحت تأثیر اندیشه‌های چپ جهانی و در تخصم با آن در فضای گفتمانی جامعه ایران پیش از انقلاب، در صدد برقراری عدالت و ایجاد جامعه بی طبقه توحیدی بود. از منظر آن‌ها اسلام نه تنها برای خوشبختی و سعادت اخروی بلکه برای تعالی و اداره زندگی دنیوی افراد، دین جامعی بود. از منظر آن‌ها دین پاسخ همه سوالات این جهانی بشر را در خود داشت» (سعیدی نژاد و ویسی، ۱۳۹۶: ۹۹).

تفکر طالقانی وجوه معرفت‌اندیشانه پررنگ‌تری دارد. طالقانی در مفهوم شورا بازانندیشی می‌کند و نواندیشی دینی او در پیوند دو اندیشه بنیادین شکل می‌گیرد. آزادی و استقلال، در کنار این دو، دوشادوش توحید و یگانگی خدا، قسط، مساوات، برابری، عدالت و شورا را نتیجه می‌دهند. از دیگر دال‌های مرکزی در گفتمان نواندیشی دینی سیدمحمود طالقانی، مدارا است. شاید کمتر نواندیش دینی در دوره سوم تا این اندازه بر آزادی و مدارا تأکید داشته‌است و این موضوع یکی از نتایج وضعیتی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسائل اصلی جامعه ایران را شکل می‌دهد. درگیری بین گروه‌ها و گفتمان‌های مختلف و جایگاهی که او در شناخت و تعامل با این گروه‌ها دارد، سبب شده‌است که، چهره درخشان و جایگاه رفیعی در دفاع از آزادی اندیشه داشته باشد. این مسأله امروز نیز از طالقانی چهره‌ای قابل احترام می‌سازد. دال مرکزی «شورا» که یک مفهوم دینی برخاسته از نص صریح قرآن است، به نوعی بیان‌کننده ابعاد مدارا جویانه و آزادی خواهانه اندیشه طالقانی است.

مادامی که از برجستگی فراخوانی در نواندیشی علی شریعتی و یا بازرگان و حتی طالقانی یاد می‌شود، به این معنا نیست که اندیشه آن‌ها تهی از بازانندیشی است. همچنان که در کنار دال آزادی که توسط علی شریعتی فراخوانی می‌شود و وجهه‌ای مدرن دارد و بخشی از گفتمان مدرن سیاسی است، دال اجتهاد با رویکردی درون معرفتی نیز بازانندیشی می‌شود. یا در اندیشه طالقانی شورا بازانندیشی شده و کارکردهای مدرن برای جامعه معاصر می‌یابد. طالقانی برخی از مفاهیم دینی را، مانند شورا، از نص صریح قرآن به کار

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان

می‌گیرد تا به تحقق حکومت مردم کمک کند. موضوع شورا بالاخص در ساحت اندیشه طالقانی در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی نمود بسیار بارزی دارد: «این شورا فقط به عده ای که در کارهای عمومی مملکت و سطوح بالا باید دور هم جمع بشوند و با هم در مورد صلح، اقتصاد، وضع کشاورزی و اقتصادی و نظام سیاسی، نظر و رأی بدهند، اختصاص ندارد، بلکه از نظر قرآن و از نظر اسلام، هر خانه‌ای باید یک مرکز شورایی باشد. هر دهکده و هر گروهی باید در کارشان یک شورایی داشته باشند».^۸ طالقانی در مفهوم شورا نه فقط از حیث درون معرفتی دینی، بازاندیشی کرده و آن را به متن زندگی مدرن انسان ایرانی می‌آورد بلکه از آن فراتر رفته و در معنای شورا در حیث انجمن‌های مدرنی که امروزه می‌توان دید نیز، وارد می‌شود و در این زمینه به یک اصل عقلی رجوع می‌کند که جمیع عقول بر عقل منفرد برتری و رجحان دارد. اما همزمان به فراخوانی نیز دست می‌زند و شورا در رای او به شکل یک دال خالی برای پاسخ‌گویی به تقاضای اجتماعی که برای آزادی عقیده و رای همگان وجود دارد، مطرح می‌شود و اعتبار آن را با عطف به «الگوهای جاودان دین» یعنی پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) توضیح می‌دهد: «فرد فرد شما مسئولیت به من بگویید که اینجا اشتباه کردی؛ اینجا سخن ناب‌جا بوده. مسلمان‌های صدر اسلام مگر این طور نبودند؟ مگر علی نمی‌گوید دائماً به من تذکر بدهید. خیال نکنید شما پست‌ترید از تذکر دادن و من بالاتر از شنیدن تذکرات شما. این مسأله است که در اسلام و قرآن، مسأله شورا اهمیت داده شده است. در قرآن یک سوره به اسم «شوری» است. قرآن در امر خانوادگی و شیر دادن بچه می‌گوید «باید همراه با مشورت باشد»، چه رسد به اداره یک دهکده اداره یک روستا اداره یک شهری یا کشوری. پنج نفر، یعنی پنج عقل. پنج نور که با هم جمع شد، مسلماً شعاع و پرتوش بیشتر از یک نور است».^۹

بازرگان نیز در آثار خود بارها از فراخوانی‌ها استفاده می‌کند. بازرگان عاشورا را فراخوانی می‌کند تا همچون یکی از تنها انواع هویت طلبی جامعه ایرانی که منجر به شوق و فداکاری در انسان ایرانی می‌شود،

^۸ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۶/۲۴

^۹ جهان اسلام، ۱۳۷۱/۹/۲

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

آن را در برابر نمادگان هویت ملی قرار دهد. اگر چه بر این باور است که ایران و اسلام پیوندهایی وثیق دارند و خدمات این دو به هم چشم پوشی ناپذیر است، اما می‌نویسد: «عامل نجات دهنده و نگاهداراننده و ارزش دهنده برای ایرانی، همیشه خدا و دین است. ایرانی نسبت به سوابق باستانی و آثار و هنرها و ارزش‌ها هیچ‌گاه به خودی خود و به لحاظ نفس آن‌ها شوق و رغبت و فداکاری نشان نداده است ولی بالعکس هر جا پای دین و خدا پیش آمده حساسیت، علاقه و حتی فداکاری ابراز داشته‌است» (بازرگان، ۱۳۸۸: ۴۹). در اینجا بازرگان از ناسیونالیسم غیریت‌سازی می‌کند و در سخنرانی در رابطه با عاشورا، آن را یکی از عناصر برانگیزاننده روح انسان ایرانی می‌شمارد. در واقع عاشورا به عنوان سنت آیینی فراخوانی می‌شود تا عناصر گفتمان ناسیونالیستی مورد حمایت و مبنای حاکمیت مستقر را به فضا گفتمان گونگی (هر گفتمانی می‌کوشد از لغزش معنایی نشانه‌ها جلوگیری کند و آن‌ها را در یک نظام معنایی یک‌دست به دام بیندازد. معانی احتمالی نشانه‌ها را که از گفتمان طرد می‌شوند حوزه گفتمان گونگی^{۱۰} می‌نامند) کشیده و از آن سلب اعتبار کند.

غیریت‌سازی و تخصیص گفتمانی دوگانه علم و دین

تعیین رابطه میان علم و دین یکی از مهم‌ترین نسبت‌هایی است که نواندیشان دینی به آن اهتمام داشته‌اند. از این جهت که علم، نظام دانایی مسلط بر گفتمان مدرن است، و آن‌ها مشروعیت علم را پذیرفته‌اند و تلاش می‌کنند به نوعی میان علم و دین آشتی برقرار کنند. بدین سبب، آن‌ها را از اسلام‌گرایان سنتی جدا می‌کنند. به شکل برجسته‌ای در اندیشه مهدی بازرگان تلاش برای قرائتی علمی از دین مشاهده می‌شود. در قرائت علم‌گرایانه بازرگان که بعد «عقلانی و منطقی» دین را مورد توجه و اهتمام قرار داده بود، توجه عمده بر «توانا سازی» دین است. همچنان که شریعتی نیز می‌کوشد قرائتی از دین به زبان علم مدرن به دست دهد و با لحنی پدیدارشناختی به دین می‌نویسد: «آیه یک واقعیت در بینش توحیدی، یک نمود است و در بینش علمی امروز یک پدیده، یک پدیدار، فنومن» (شریعتی، ۱۳۹۳: ۱۳۵) و یا «آیه فنومن است. نومن به معنای جوهر و ذات است که می‌گویند در جهان یک نومن بیشتر نیست و بقیه همه فنومن

¹⁰ field of discursivity

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمد
طالبانی و مهدی بازرگان

هستند. یعنی نمودهای آن بود است. بنابراین هستی فقط خداوند است و تمام اشیاء نمودهای او هستند و همین تعبیر آیه است» (شریعتی، ۱۳۹۶: ۲۳۱). نقش بازرگان در ارائه قرائتی علمی از دین برجسته‌تر است و در این میان به غیریت‌سازی از قرائت اسلام سنتی و همچنین متجددین در فهم گوهر دین می‌پردازد و حتی مادیون را از اسلام گرایان سنتی در فهم دین کامیاب‌تر می‌داند: «دسته افراطی دوم که پیشرو آنها مادیون علمی می‌باشند، در جاده‌ای افتاده‌اند که سر منزل آن خدا و آخرت دین است. شاید اینها به درک حقیقت مبدا و معاد نزدیک‌تر باشند تا بسیاری از مقدسین خرافی مسلک» (بازرگان، ۱۳۷۷: ۲۳).

دوگانه دینداری آگاهانه و کورکورانه

در گفتمان نواندیشی دینی، از همان زمانه سید جمال الدین اسدآبادی تا به امروز، یکی از مهم‌ترین مسائل معرفت‌شناختی این گفتمان، دوگانه و غیریت‌سازی بوده است که، از سوی اسلام سنتی و بنیادگرا میان علم و دین ایجاد و دنبال شده است. شریعتی یکی از نواندیشان دینی است که یکی از وجوه پررنگ اندیشه او، تلاش برای قرائتی عالمانه از دین است و در این راستا با غیریت‌سازی از دینداری گذشته‌گرا و دینداری معاصر، دینداری اصیل و دینداری منفعت‌جویانه، تلاش می‌کند نشان دهد که علم و دین با همدیگر در تباین و تضاد نیستند. جالب این که شریعتی از نوعی حرکت و استراتژی فکری جالب برای این کار استفاده می‌کند. او همچون یک بنیادگرا به سلف صالح بر می‌گردد اما مراد او از این رجوع به کلی با بنیادگرایان دینی متفاوت است. او به تشیع علوی در برابر تشیع صفوی باز می‌گردد و این یکی از صورتبندی‌های گفتمانی علی شریعتی است. شریعتی در تاریخ معاصر ایران یکی از چالش‌برانگیزترین نواندیشان دینی است و این موضوع شاید ریشه در این دارد که او یکی از زبردست‌ترین چهره‌های گفتمان ساز نواندیشی دینی نیز هست. او با مهارتی مثال‌زدنی یک صورتبندی شگفت‌انگیز خلق می‌کند که در آن دال‌های اسلام سنتی و حتی اسلام بنیادگرا در کنار دال‌ها و مفاهیم بنیادی نظریه مارکسیستی در هم تنیده می‌شوند. در این یک جمله از علی شریعتی در «مذهب علیه مذهب» نمونه بسیار روشنی از این حرکت همزمان به گذشته و در درون این حرکت، استدلال به پیش روی در آینده دیده می‌شود: «از دینی

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

سخن نمی‌گوییم که در گذشته تحقق داشته و در جامعه حاکم بوده‌است، بلکه از دینی سخن می‌گوییم که پیغمبرانش برای نابودی اشکال گوناگون دین شرک، قیام کردند» (شریعتی، 1378: 28).

بازرگان نیز با غیریت‌سازی از گفتمان‌های رقیب، دین‌شناسی خود را قرائتی نو از اسلام معرفی می‌کند که «اسلامی زنده، پویا و متحرک» است و نشانی از خمودگی افراطی‌ها در آن نیست. همچنان که نشانه‌ای از سطحی‌نگری روشنفکرانه نیز نمی‌توان در آن سراغ گرفت. او هم بنیادگرایان و اسلام سنتی و هم روشنفکران مدرن اندیشی که دین را به طور کلی رد می‌کنند، در کانون توجه خود قرار می‌دهد تا آن‌ها را به حاشیه براند. وی بر عقل، علم و تجربه علمی تأکید می‌کند. بازرگان با لحنی تجربه‌گرایانه که ناشی از زمینه علمی تحصیلات اوست می‌نویسد: «وضع دینداران ما قابل تشبیه به یک تل مصالحی است که روی هم ریخته شده، جزء به جزء آن‌ها خوب و مرغوب می‌باشد، ولی ارتباط و التیام ما بین آن‌ها وجود نداشته، طبق نقشه و نظم صحیحی پهلوی هم قرار داده نشده و یک خانه یا ساختمان مرکب و مرتبی تشکیل نداده باشد (بازرگان، 1353: 56). بازرگان همچنین این دو گفتمان رقیب، یعنی اسلام سنتی و مادیون تجددگرا، را که از آن‌ها در برابر اسلامی زنده و پویا غیریت‌سازی کرده است، با دو نیروی اجتماعی متناظر می‌کند: «روزی خواهد آمد که این دو جریان به هم خواهند پیوست. یکی جریان آن دسته از اکثریت مردم که حرارت و فعالیت دارند و تحول و تکامل می‌یابند، از روی عواطف و منافع زندگی می‌کنند، ولی عقیده و هدف ندارند (یا اگر دارند سطحی و جزئی است). دیگر جریان آن دسته که منحصراً ایمان به خدا و آخرت دارند. خدا را می‌خوانند (دعا می‌کنند) و آخرت را می‌خواهند (آرزو می‌کنند)؛ ولی عمل نمی‌کنند و در زندگی شرکت ندارند (یا آن را پست می‌شمرند و از دین جدا می‌دانند). فقط اهل فکر و ذکرند. هر دو دسته اجزا ناقص از یک پیکر کامل می‌باشند و به جایی نمی‌رسند» (بازرگان، 1377: 24). ضمن اینکه بازرگان به این موضوع آگاهی دارد که دین و دینداری بیش از هر چیز در میان جوانان با ارتجاع و انحطاط تداعی می‌شود و در مقاله «آئین زندگان» خود می‌نویسد: «یک نوع اغراض پیش می‌آید تصور می‌نمایند دینداری، کهنه پرستی و برگشت به دوران‌های بی‌سواد و مرادف با خموشی، خفتگی و عقب افتادگی و بیچارگی است! به هیچ وجه چنین نیست، خداپرستی و خدادوستی یعنی پرواز دادن خود در تمام وسعت جهان خلقت به اوج بلندترین ارتفاعات و ایده آل‌ها و

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان

کمالات! (بازرگان، 1393: 53). در اینجا بازرگان از دو نوع نگرش به دین دوگانه‌سازی کرده و قرائتی از دین را با بی‌سوادی، خموشی و خفتگی و عقب‌افتادگی و بیچارگی هم‌آیند ساخته و در نقطه مقابل دینداری مطلوب خود را بیان می‌کند. در اینجا غیریت‌سازی از دینداری سنتی انجام می‌شود و عناصری همچون بی‌سوادی و خموشی و خفتگی و بیچارگی به فضای گفتمان‌گونگی این نوع قرائت از دین پرتاب می‌شود و بازرگان می‌کوشد نوع دینداری دلیل‌خواهانه خود را از چنین عناصری پاک کند. طالقانی نیز قائل به دو صورت‌بندی از دین و البته در کنش فکری خود در مواجهه‌ای آشکار با شکلی از دیانت است که می‌توان آن را قرائت سنتی از دین در نظر گرفت و در مقدمه بر کتاب نائینی می‌نویسد: «با این روش فریبده به نام غمخواری دین و نگهداری آیین خیل الشیطان را بر سر عموم می‌گسترانند و در زیر این سایه شوم جهل و ذلت، مردم را نگاه می‌دارند» (در مقدمه بر نائینی، ۱۳۷۸: ۱۵۴) و از این نیز فراتر رفته بر این باور است که دفع خطر این نوع قرائت از دین بسیار دشوار است چرا که آبای آن با عواطف پاک خداجویی انسان سر و کار دارند و در پشت دین سنگر گرفته‌اند.

جهت‌گیری زمانی

جهت‌گیری زمانی به این معناست که در شیوه صورت‌بندی گفتمانی و تلاش برای استقرار دال‌های شناوری همچون قانون، استبداد، پیشرفت، حق و عدالت هر کدام از این دو گفتمان را به چه دوره یا زمانی از تاریخ ارجاع می‌دهند. به یک معنا با در نظر گرفتن این که این صورت‌بندی‌های گفتمانی چه غیریت‌سازی‌هایی از چه گروه‌هایی انجام می‌دهند و فضای تخاصم را چگونه تعریف می‌کنند، حاملان آن‌ها به نظام‌های دانایی، نمادها و عناصر مختلفی ارجاع می‌دهند که مربوط به دوره معینی از تاریخ است. در اندیشه علی شریعتی، نواندیشی دینی پیوندهایی وثیق با احیاءگری اسلامی می‌یابد. اگر چه احیاءگری دینی و نواندیشی دینی یکی نیستند با این حال نواندیشی دینی در نزد علی شریعتی تمایل دارد از برخی میراث احیاءگری دینی، یعنی استفاده از ظرفیت‌های مثبت گذشته و تجربه و تراش پیشینیان، استفاده کند و با توجه به تبار و تاریخ تجربه‌های اسلام، حرکت معرفتی خود را از نقطه صفر آغاز نکند. این موضوع یکی از ظرفیت‌های بالقوه بازسازی حیات دینی در نزد نواندیشی چون علی شریعتی است. تا جایی که

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

گویی مکاتب امروزی نه چیزی نو و بدیع از حیث فکری بلکه، بازخوانی امروزی شده‌ای از تاریخ اسلام هستند و دال طبقه اجتماعی پیش از آن که نوعی وضعیت مساله‌آمیز عصر سرمایه‌داری باشد، یک سنت دینی است که بر اثر بی توجهی آباء دین به مسائل اجتماعی و سیاسی فراموش شده‌است. از این حیث گفتمان نواندیشی دینی شریعتی عمدتاً وجوه گذشته‌گرایانه دارد. او به دنبال احضار روح تاریخ است تا آن را در زمانه خود با بینشی جدید بازآرایی کند.

همچنان که این وجه گذشته‌گرایی را می‌توان در نزد طالقانی نیز دید. وی در مقدمه‌ای بر تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله می‌نویسد: «پیمبران عظام که کاخ‌های استبداد را ویران کردند و برای نمونه برای چندی عدالت اجتماعی پدید آوردند، تنها از طریق موعظه و نصیحت نبود، مردمی را تربیت کردند و قدرت به دستشان دادند تا با قدرت شمشیر عدالت و خداپرستی، قدرت استبداد و شاه‌پرستی را برانداختند. آن مقاومت و انقلاب و خونریزی، امروز به قانون و آرای عمومی تبدیل شده‌است. امروز اوراق انتخاب به جای شمشیر و تیر و کمان انقلاب دیروز است. این یگانه چاره‌کننده ریشه شاه‌پرستی و خودپرستی و از مصادیق بارز امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد که از ستون‌ها و ارکان اسلام است» (در مقدمه بر نائینی، 1378: 154). در این بیان به دال‌هایی همچون استبداد، عدالت اجتماعی، خداپرستی، قانون و امر به معروف و نهی از منکر اشاره شده‌است. ضمن این که طالقانی، کنش پیامبران را فراخوانی می‌کند و آن را به گونه‌ای به کار می‌گیرد که تداعی کننده کنش سیاسی و اجتماعی مبارزین برای برانداختن نظام شاهنشاهی است. با غیریت‌سازی از شاهنشاه و برجسته‌سازی کنش پیامبران، به شکلی ضمنی حکومت شاه را با کفر و انقلابی‌گری را با مبارزه با کفر پیامبران متناظر می‌کند. اما در کنار همه این موارد، مهمترین وجه این بیان، جهت‌گیری زمانی آن است. طالقانی کنش پیامبران در گذشته را به گونه‌ای صورت‌بندی می‌کند که گویی آنچه در معاصر ما می‌گذرد نیز نه امری جدید و یکسر متفاوت با آن، بلکه نوعی تداوم و انقلابی‌گری انقلابیون شکلی از بازسازی کنش پیامبرانه است و حتی قانون و آرای عمومی را نیز نوعی تبدیل شدن معرفی می‌کند. نواندیشی دینی طالقانی نیز وجوه پررنگ گذشته‌گرایانه دارد. در مورد دال آزادی که یکی از مهم‌ترین دال‌های نواندیشی دینی طالقانی در کنار شورا است، طالقانی بر این باور است که نه فقط آزادی با دین اسلام منافاتی ندارد بلکه اساساً آزادی محصول عصر جدید نیست و

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان

مفهومی نیست که گفتمان مدرن آن را مطرح کرده باشد بلکه: «اگر می‌گویید محتوای اسلام آزادی مردم را تأمین نمی‌کند، ما می‌گوییم اسلام تأمین کرده است. قرآن تأمین کرده است. سنت پیامبر تأمین کرده - است و کسی هم حق ندارد از آن حدود خارج شود» (طالقانی، ۱۳۵۹: ۴۳).

اندیشه بازرگان نیز فرض می‌گیرد که باید گذشته تاریخی را برای اصلاح وضعیت موجود کنونی احضار کرد و از این حیث به گذشته‌گرایی دامن می‌زند. بازرگان نیز به شکل دیگری بر این باور است که حواله تاریخی مدرن و ارزش‌های آن موضوع جدیدی نیستند بلکه تنها از منظری جدید دیده می‌شوند: «فرض شناسائی کل حقیقت با جزء حقیقت، باز در این است که امروزه مردم حس کرده‌اند اگر با هم برادر و متساوی الحقوق نباشند، کار پیش نمی‌رود. به این جهت مرام سوسیالیستی و کمونیستی پیدا شد. اما قدیم، فلان صاحب‌دل یا پیغمبر که مردم را به اخوت دعوت می‌کرد، علت آن احساس ضرورت برای پیشرفت دنیا نبود بلکه به واسطه ایمانی که به کل حقیقت داشته و حق را دوست می‌داشت، می‌گفت نباید زیر دست را ذلیل و پست شمرد» (بازرگان، ۱۳۸۷: ۲۷).

تحلیل جامعه‌شناختی آرا

استعمار و استبدادستیزی که در دوره مشروطه حوزه گفتمان‌گونگی، دو گفتمان برجسته‌ی تجددخواه و نواندیش دینی، است در این دوران رقیبان بیشتری دارد و خرده گفتمان‌های بسیاری به قلمرو نزاع اندیشه جامعه ایرانی وارد شده‌اند که، در منازعه گفتمانی بر سر هژمونیک کردن خود می‌کوشند. همچنین در این دوران، سیمای جامعه ایران نیز بسیار متنوع‌تر شده است. طبقه متوسط شهری و طبقات کارگری که در نتیجه توسعه‌ی صنعتی و آموزش شکل گرفته‌اند، روشنفکران خود را یافته‌اند و نظام‌های معنایی دیگری را جستجو می‌کنند. به یک معنا جامعه ایران به سمت جامعه‌ای با تمایزات وسیع فکری و طبقاتی تحول یافته‌است و اگر در یک قرن پیش روشنفکر ایرانی در کنار رجوع به مکاتب فکری مدرن همواره گوشه چشمی به سنت دینی داشته است، در این دوران دین به عنوان نظام دانایی، معارضانی جدی در قلمرو اجتماعی یافته است. متدینین این خطر را احساس کرده‌اند و چنان که بازرگان می‌نویسد: «متدینین دیده بودند که اگر به نحوی وارد حکومت و سیاست نشوند، کلاهشان پس معرکه است و رفته رفته

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

خودشان و دینداری، تضعیف و خرد می‌شوند» (بازرگان، ۱۳۹۷: ۱۸). در چنین شرایطی است که نواندیشی راهبردان‌دیشانه دینی بر جریان نواندیشی دینی غلبه می‌یابد و از منظر تعرض میان گفت‌وگوهای مختلف فکری، نواندیشان دینی خطر را احساس می‌کنند و بالاخص در این زمینه، تخاصم با مارکسیسم برجسته است و بازرگان در همین زمینه می‌نویسد: «حزب توده و کمونیسم نیز که با سلاح ایدئولوژی و جهان‌بینی وارد میدان شد، نشان داد که مبارزه و فعالیت سیاسی باید ناشی از ایدئولوژی باشد. مسلمان‌ها به فکر افتادند که آن‌ها نیز ایدئولوژی دارند و چرا از مبدأ ایدئولوژی، اطاعت و با استفاده از آن، حرکت نکنند و در صورت لزوم ایدئولوژی به اسلام بدهند و اسلام و دین را وسیله برای حرکت و قیام خودشان و دیگران نکنند» (بازرگان، ۱۳۹۷: ۱۸). این بیان آشکارا نشان می‌دهد که دغدغه ناظر بر کار نواندیشان دینی راهبرد اندیش که در این دوره از تاریخ نواندیشی دینی غلبه‌ی تام دارد، مبتنی بر نوعی رقابت گفت‌وگویی است که بتواند در عرصه اجتماعی در منازعه با دیگر گفت‌وگوهای رقیب از دین صیانت کند.

به همین دلیل نواندیشی دینی اگر چه هرگز جریانی بیگانه با وضعیت سیاسی و اجتماعی در تاریخ ایران نبوده است و همواره بخشی از تلاش‌های فکری نواندیشان دینی معطوف به اصلاح سیاسی و اجتماعی بوده است. شاید در هیچ دورانی به این اندازه درگیر کنش سیاسی و اجتماعی نبوده است تا جایی که وجوه راهبرد اندیشانه نواندیشی دینی در این دوران، بر وجوه معرفت‌اندیشانه غلبه بارزی دارد. سپهر معرفتی و کنش‌ورزی عقیدتی در این دوره پر مخاطره از تاریخ ایران به گونه‌ای است که جریان‌های فکری مختلفی رشد و فرصت ظهور و بروز یافته‌اند و نواندیشان دینی نیز به عنوان بخشی از کنشگران فکری در این دوران، نقش پررنگ و قابل توجهی دارند، که بخش زیادی از آن معطوف باز پس‌گیری قلمرو اجتماعی از گفت‌وگوهای فکری همچون لیبرالیسم، ملی‌گرایی و بالاخص مارکسیسم است.

ماکس وبر تمایزی میان انتلکثوئل^{۱۱} و اینتلیجنتسیا^{۱۲} برقرار می‌کند. از منظر وبر این مفاهیم، دو گونه نواندیشی را از هم متمایز ساخته است که مبتنی بر گونه‌های مختلفی از خرد هستند و جایگاه‌های اجتماعی متفاوتی را خلق می‌کنند. «انتلکثوئل دارای خرد نظری یا فکر است که در قبال معنا، وظیفه تولید اندیشه

^{۱۱} intellectuel

^{۱۲} intelligentsia

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان

و بازتفسیر ایده‌ها در قبال مردم، وظیفه اصلاح طلبی را بر عهده دارد. اینتلیجنتسیا از خرد عملی یا هوش برخوردار است و تعهدش به معنا را با به‌کارگیری و ترویج ایده‌ها، و تعهدش به مردم را با سازماندهی آشوب‌ها و کنش سیاسی، تصدی مشاغل اداری و رسانه‌ای و نیز معلمی، ادا می‌کند» (هاشمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴). از این نظر حدیث نواندیشی دینی، نواندیشانی همچون علی شریعتی تا حدودی، مهدی بازرگان و طالقانی ذیل مفهوم اینتلیجنتسیا قابل جمع است و باید این نکته را نیز متذکر شد که با وصف این که این تمایز گذاری مفهومی می‌تواند راهگشا باشد، اما باید دقت داشت که نباید به شکل نوعی چارچوب صلب نظری برای فهم نواندیشان دینی راهبرد گذار و معرفت‌اندیش نگریسته شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از مطالعه حاضر این بود که با رویکردی جامعه‌شناختی به این سوال پاسخ داده شود که، ویژگی‌های گفتمان نواندیشی دینی در دوره پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ چه بوده است؟ نتایج نشان داد که نواندیشی دینی در این دوره گفتمانی، برون‌معرفی داشته است. نواندیشان دینی در این دوره اعم از شریعتی، بازرگان و طالقانی، تعبیری بسیط از دین داشتند. از نگاه آنان دین اسلام راه حل تمامی مشکلات اجتماعی و سیاسی جامعه ایران بود. به تعبیر آنان دین اسلام می‌توانست از طریق تأسیس حکومت دینی موجبات بسط عدالت را در جامعه ایران فراهم آورد. همچنین آن‌ها به شکلی گذشته‌گرایانه، در حالی که مخاطب خود را عمدتاً توده مردم قرار می‌دادند، بر این باور بودند که بسیاری از مظاهر مدرنیته که در گفتمان‌های رقیب آن‌ها همچون گفتمان مارکسیستی و لیبرال در قالب دال‌های عدالت و آزادی تثبیت شده‌است، اساساً در اسلام و در زمانه‌ای بسیار پیشتر از دوره مدرن مطرح بوده‌است. غلبه نواندیشی راهبردان‌دیشانه بر جریان نواندیشی دینی در این دوران، حاصل این واقعیت است که اگرچه منازعه‌ای جدی با گفتمان مدرنیست مطلقه شاه دوم پهلوی، که ناسیونالیسم باستان‌گرا بر آن حاکم است، در بین همه خرده گفتمان‌های رقیب جریان دارد، اما این منازعه همچنین جدالی گفتمانی میان خرده گفتمان‌هایی است که می‌کوشند صورت‌بندی خود از مسائل اجتماعی و سیاسی را ارائه کرده و نظام دانایی را زیر سپهر معرفتی خود بکشانند. به بیان ساده، نواندیش دینی در این دوران با چیزی بیش از یک حاکمیت مستبد و یا خطر

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

استعمار، آنچنان که اسلاف او روبه‌رو بودند، مواجه است. نواندیش دینی در این دوران با واگرایی عمیق فکری روبه‌رو است که گمان می‌رود نوعی پلورالیسم فکری و مکتبی را جایگزین دین و سپهر معرفتی کند که دست کم تا دوره مشروطه عمومیت و سیطره داشته‌است و با وقوع مشروطه در استیلای آن خدشه افتاده‌است. اگر چه نواندیش دینی همراه با آن سنت‌گرایی نیست، اما جریان‌هایی که می‌روند تا به کل در برابر معرفت دینی بایستند را نیز تاب نمی‌آورد و به بارزترین شکل ممکن، غایت‌کنشگری فکری خود را بازخوانی دین به مثابه یک سیستم معرفتی بدیل برای مکاتب فکری مدرن می‌سازد. به عنوان مثال آبراهامیان بر این باور است که «شریعتی رابطه‌ای مهرآگین با مارکسیسم داشت و اگرچه مارکسیسم را نظرگاهی مناسب برای درک و فهم تحولات اجتماعی عصر خود می‌دانست با این حال بر این باور بود که مبارزه نه بر سر ابزار تولید مادی بلکه بر سر قدرت سیاسی است و «از زمان هایل و قابیل، بشر به دو جناح متضاد مظلومان (مردم) و ظالمان (حاکمان) تقسیم شده‌است» (آبراهامیان، ۱۳۹۹: ۵۷۵). شریعتی از این حیث بسیار وامدار نواندیشان دینی پیش از خود همچون پدرش؛ محمد تقی شریعتی، سوسیالیست‌های خداپرست و نخب‌بود.

کنش این نواندیشان دینی در نهایت ناظر به طرح انداختن نوعی مکتب فکری است که در عصر ایدئولوژی‌های بزرگ، برای دین توان هم‌اوردی با این ایدئولوژی‌ها را فراهم کند. در زمانه‌ای که در میان جوانان تحصیل‌کرده ایدئولوژی مارکسیسم با اقبال روبرو است، آن‌ها در تلاش هستند خوانشی مکتبی از دین ایجاد کنند که بتواند با چنین اقبالی از در رقابت برآید و نیروهای اجتماعی، بالخصوص جوانان و طبقه متوسط شهری و روشنفکران، را به دین جذب کند. تداوم جریان نواندیشی دینی در میانه قرائت‌های سنتی و رادیکال از دین، از حیث معرفتی و دانشی بنیادهای مستحکم‌تری برای توسعه اجتماعی در عصر مدرن ایجاد می‌کند. باید توجه داشت که دین، یکی از عناصر و اجزای فرهنگی و تاریخی مهم جوامع اسلامی است و هیچ برنامه توسعه‌ای را بدون در نظر داشتن این بنیان و سنت فرهنگی نمی‌توان متصور شد. لذا قرائت نواندیشانه دینی که قرابت بیشتری با توسعه دارد، می‌تواند یک زمینه مهم معرفتی برای توسعه این جوامع باشد. نتایج تحقیق حاضر در مقایسه با تحقیقات انجام شده پیشین دو تفاوت بنیادین دارد: نخست این که در این تحقیق، آرای سه نواندیش دینی برجسته در یک دوره تاریخی بررسی

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان

شد و همین موضوع امکان نشان دادن یک جهت‌گیری کلی معرفتی را در این دوره زمانی با وصف تفاوت‌های فکری بین سه نواندیش بررسی شده، فراهم کرده‌است. در تحقیقات پیشین به نظر تمرکز بر یک نواندیش و یا مقایسه آرای نواندیشان دینی از قلمروهای زمانی یا مکانی مختلف، امکان شناسایی یک جریان کلی در نواندیشی دینی را دشوار کرده و یا اساساً هدف تحقیقات دیگر نبوده است که چنین رویکرد کلی را فارغ از جنبه‌های جزئی آرا شناسایی کنند. دیگر این که در این تحقیق تفاوت‌های جزئی شناسایی شده در غیریت‌سازی‌ها و بر ساخت‌های دال و مدلول گفتمان، هر نواندیش دینی در کنار دیگری بررسی شده‌است و امکان مقایسه آرای سه اندیشمند را با یکدیگر فراهم می‌آورد. اگرچه یافته‌های تحقیق مؤید این نکته است که شباهت در خطوط کلی گفتمانی آرای این سه نواندیش دینی بسیار بیشتر از تفاوت‌ها است.

منابع

- آرمین. محسن؛ مهدوی‌راد. محمدعلی. ۱۳۸۶. "طالقانی و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی". مجله علوم انسانی. ۱۴ (۲).
- آبراهامیان. یرواند. ۱۳۹۹. ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی ولی لایی. چاپ بیست و نهم. تهران: نشر نی.
- بشیریه. حسین. ۱۳۸۶. جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی. تهران: نشر نی.
- بازرگان. مهدی. ۱۳۷۷. مجموعه آثار؛ جلد اول مباحث بنیادین. تهران: انتشارات قلم.
- بازرگان. مهدی. ۱۳۵۳. احتیاج روز، مجموعه مذهب در اروپا. به کوشش سیدهادی خسروشاهی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بازرگان. مهدی. ۱۳۹۷. مجموعه آثار؛ جلد ۳۲ دو قرن همکاری دین و وطن در برابر تهاجم. تمدن و فرهنگ غرب. به کوشش خدیجه امیدوند. بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.
- بازرگان. مهدی. ۱۳۹۳. مجموعه آثار؛ جلد ۲۲ انقلاب اسلامی ایران. به کوشش خدیجه امیدوند. بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.
- بازرگان. مهدی. ۱۳۸۷. مجموعه آثار؛ جلد ۱۶ مباحث اعتقادی و اجتماعی. به کوشش خدیجه امیدوند. بنیاد فرهنگی مهدی بازرگان.
- بازرگان. مهدی. ۱۳۸۸. مجموعه آثار؛ جلد ۱۱ مباحث اعتقادی و اجتماعی. به کوشش خدیجه امیدوند. بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

- توسلی. غلامعباس. ۱۳۷۹. روشنفکری و اندیشه دینی: رهیافتی جامعه‌شناختی به آثار و اندیشه دکتر علی شریعتی (مجموعه مقالات). شرکت انتشارات قلم.
- حاجی وثوق. ندا و علی اصغر داودی. ۱۳۹۷. "چارچوب‌های معرفتی-روشی نواندیشی اسلامی در نگرش به حقوق سیاسی و اجتماعی زنان؛ مطالعه موردی محسن کدیور و محمد مجتهد شبستری". پژوهشنامه علوم سیاسی. ۳ (۱۴).
- خان محمدی. یوسف. ۱۳۹۲. تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- خان محمدی. یوسف؛ جعفری. سید نادر. ۱۳۹۷. "جایگاه شورا در حکومت اسلامی از دیدگاه محمد رشیدرضا و سید محمود طالقانی". سیاست متعالیه. شماره ۲۲.
- دباغ. سروش. (۱۳۹۴/۱۰/۵). رفرم دینی و فرایند دموکراتیزاسیون. سایت رادیو زمانه: <https://www.radiozamaneh.com>
- درودی. ریحانه. ۱۳۹۴. ۵۳ سال عصر پهلوی به روایت دربار (چاپ ششم). مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روحانی. سیدحمید. ۱۳۹۷. شریعتی در دادگاه تاریخ. تهران. بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.
- سروش. عبدالکریم. ۱۳۸۴. "شریعتی و پروتستان‌تسم". فصلنامه مدرسه. ۱.
- سعیدی نژاد. حمیدرضا؛ ویسی. زینب. ۱۳۹۶. جهانی شدن و تحول گفتمان روشنفکری دینی ایران ۱۳۹۶-۱۳۴۲. انتشارات قانون یار.
- سمیعی. محمد. ۱۳۹۶. نبرد قدرت در ایران: چرا و چگونه روحانیت برنده شد؟. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
- شریعتی. علی. ۱۳۵۸. اجتهاد و نظریه انقلاب دائمی. قم: نشر نذیر. ج اول.
- شریعتی. علی. ۱۳۷۸. مذهب علیه مذهب. شرکت چاپخش سهامی خاص.
- شریعتی. علی. ۱۳۹۳. تحلیلی از مناسک حج. انتشارات سپیده باوران.
- شریعتی. علی. ۱۳۹۶. جهان بینی و ایدئولوژی. نشر موسسه بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی.
- علیجانی. رضا. ۱۳۷۹. نوگرایی دینی: نگاهی از درون. تهران: یادآوران.
- فتحی. علی. ۱۳۹۲. بررسی دیدگاه روشنفکران دینی معاصر در زمینه مولفه‌های جامعه شیعی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم.
- فرهنگ قهرخی. علیرضا؛ قدرت الهی. احسان. ۱۳۹۸. "ساحت فرهنگی دین از منظر سنت گرایان و نواندیشان دینی معاصر ایران". دو فصلنامه پژوهشنامه ادیان. 13 (25).
- فرهنگ قهرخی. علیرضا؛ قدرت الهی. احسان؛ بنای مطلق. سعید. ۱۳۹۴. "ساحت وحیانی دین از منظر سنت گرایان و نواندیشان دینی معاصر ایران". فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز. ۱۵ (۲).
- فصیحی. امان الله. ۱۳۸۶. "روشنفکران دینی و عرفی شدن در سپهر دین". فصلنامه علوم سیاسی. دانشگاه باقرالعلوم. ۳۷.

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان نواندیشی دینی در ایران: مطالعه موردی؛ علی شریعتی، سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان

- گرجیان. بهمن. ۱۴۰۳. ارتباط تعامل گفتمانی با شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان. فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناختی. ۱۸ (۱). صص ۱۰۱-۱۲۲.
- لک زایی. نجف. ۱۳۹۱. تحولات سیاسی-اجتماعی ایران معاصر. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مایلی. محمدرضا و شباهنگ مهاجرانی. ۱۳۹۵. "بررسی مفهوم روشنفکری دینی و نواندیشی دینی در ایران معاصر؛ با تأکید بر دیدگاه‌های علی شریعتی و مرتضی مطهری". فصلنامه مطالعات سیاسی. ۹ (۳۴).
- محمودی. سید علی. ۱۳۹۵. نواندیشان دینی. چاپ چهارم. تهران: نشر نی.
- مسعودی. جهانگیر. ۱۳۸۸. "مطهری و نواندیشی دینی". مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام. ۴۱ (۲). صص ۱۷۲-۱۴۹.
- مقدمی. محمد تقی. ۱۳۹۰. "نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موف و نقد آن". فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی. ۲ (۲).
- مک دانیل. دایان. ۱۳۸۰. مقدمه‌ای بر نظریه گفتمان. ترجمه حسینعلی نوذری. تهران: فرهنگ گفتمان.
- منصوری‌رضی. مرادعلی؛ یازرلو. رضا؛ امینیان. صدیقه؛ اسماعیلی. علیرضا. ۱۴۰۳. "تحلیل گفتمان توسعه اجتماعی در ادوار مجلس شورای اسلامی ایران". مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. ۱۶ (۲).
- موسوی. فاطمه سادات. ۱۳۹۵. نواندیشی دینی در تفکر دکتر علی شریعتی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه. پژوهشکده علوم اسلامی.
- نایینی. محمد حسین. ۱۳۷۸. تنبیه الامه و تنزیه المله. مقدمه و حاشیه مرحوم طالقانی. قم: شرکت سهامی انتشار. چاپ نهم.
- نصیری مبارکه. مهرداد. ۱۳۹۳. بررسی مقایسه‌ای گفتمان روشنفکری دینی مهدی بازرگان و علی شریعتی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران.
- هاشمی. سید احمد؛ پورابراهیم. ناصر؛ عدالت نژاد. سعید؛ حدادعادل. غلامعلی. ۱۴۰۰. روشنفکری و روشنفکران در جهان اسلام. نشر کتاب مرجع.
- یزدی. مصباح؛ عابدینی. جواد. ۱۳۸۸. "نواندیشی دینی و روش‌شناسی آن". نشریه پژوهش. ۱ (۲). صص ۳۷-۷.
- یورگنسن. ماریانه؛ فیلیس. لوئیز. ۱۳۹۵. نظریه و روش در تحلیل گفتمان. هادی جلیلی. چاپ ششم. تهران: نشر نی.
- Coulthard, M., & Condlin, C. N. 2014. *An introduction to discourse analysis*. Routledge.
- Hodge, B. 2017. Discourse analysis. In *The Routledge handbook of systemic functional linguistics*. pp. 544-556. Routledge.
- Hardiman, F. B., Fragmentaris, F., & Deskripsi, K. 2007. dan Dekonstruksi. Yogyakarta: Kanisius.
- Handford, M., & Gee, J. P. (Eds.). 2023. *The Routledge handbook of discourse analysis*. routledge.
- Fairclough, N. 2013. *Critical discourse analysis: The critical study of language*. Routledge.
- Jessop, B. 2019. Critical discourse analysis in Laclau and Mouffe's post-Marxism. *Simbiótica. Revista Eletrônica*, 6(2), 08-30.

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

- Johnson, M. N., & McLean, E. 2020. Discourse analysis. *International Encyclopedia of Human Geography* .pp. 377-383
- Lacson, R. C., Barzilay, R., & Long, W. J. 2006. Automatic analysis of medical dialogue in the home hemodialysis domain: structure induction and summarization. *Journal of biomedical informatics*, 39(5), 541-555.
- Laclau, E. 1994. *The making of political identities*. Verso Books.
- Laclau, E. 2005. *On populist reason*. Verso Books.
- Laclau, E. 2007. *Emancipation(s)*. Verso Books.
- Laclau, E., & Mouffe, C. 2001. *Hegemony and socialist strategy: Towards a radical democratic politics*. Verso Books.
- MacLeod, A., Ellaway, R. H., & Cleland, J. 2024. A meta-study analysing the discourses of discourse analysis in health professions education. *Medical Education*. <https://doi.org/10.1111/medu.15309>.
- Narwaya, S. T. G. 2021. Discourse analysis in the perspective of Ernesto Laclau and Chantal Mouffe. *Journal Communication Spectrum: Capturing New Perspectives in Communication*, 11(1), 1-11.
- Suryajaya, M. 2012. *Materialisme dialektis: Kajian tentang Marxisme dan filsafat kontemporer*. Resist Book.

A Sociological Study of Social Acceptance of Afghan Refugees (Case Study: Citizens of Shiraz)

Ahmad Palizdan 000900003690187X 

PhD Candidate Of Sociology, Department of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Saeed Maadani¹ 0009-0001-5071-0970 

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Iraj Saei Arasi 0009-0009-9929-522 

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran

Abstract

The presence of Afghan immigrants in Iran, the largest immigrant population in Iran, requires further studies in social and cultural dimensions. Therefore, this study aims to investigate the social acceptance of citizens of Shiraz towards Afghan immigrants. This research was conducted to investigate the sociological study of citizens' social acceptance of Afghan immigrants in Shiraz. This research is a survey type. The present study's statistical population consists of all Shiraz citizens, numbering 1955500 people in 1403. Three hundred forty-eight citizens of Shiraz were selected using the Cochran formula as the sample size using the available sampling method. The data collection tool in this study was a researcher-made questionnaire with 26 questions. Cronbach's alpha method was used to determine the reliability of this questionnaire. Carnbach's alpha was 0.76. The research findings indicate a significant relationship between the variables of literacy level, religion, economic status, existing crimes and social harms, sense of security, and the social acceptance of Shirazi citizens towards Afghan immigrants. The results of the regression table also indicate a good correlation between the set of independent variables and the dependent variable. In this article, the results of a sociological study of the social acceptance of citizens (high and low) towards Afghan immigrants in the city of Shiraz have shown that literacy level, religion, economic status, existing crimes and social harms, and sense of security affect the social acceptance (high and low) of Shiraz citizens towards Afghan immigrants.

Keywords : Immigrants, Social Acceptance, Crimes and Social Harms, Afghans

¹Corresponding Author: Maadani25@yahoo.com

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

مطالعه جامعه‌شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه

شهروندان شهر شیراز

احمد پالیزدان

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

سعید معدنی^۲

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

ایرج ساعی ارسی

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

چکیده

حضور مهاجران افغانستانی در ایران به عنوان بزرگ‌ترین جمعیت مهاجران ایران، نیازمند بررسی‌های بیشتر در ابعاد اجتماعی و فرهنگی است. لذا در این مطالعه، بررسی نحوه پذیرش اجتماعی شهروندان شهر شیراز نسبت به مهاجران افغانستانی مد نظر می‌باشد. این پژوهش با هدف بررسی مطالعه جامعه‌شناختی پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی در شهر شیراز انجام شده است. این تحقیق از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق حاضر را تمامی شهروندان شهر شیراز به تعداد ۱۹۵۵۵۰ نفر در سال ۱۴۰۳ تشکیل داده‌اند. به روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۳۴۸ نفر از شهروندان شهر شیراز با استفاده از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعه پرسشنامه محقق ساخته ۲۶ سوالی بود. برای تعیین پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به دست آمد. نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق حاکی از آن است، که بین متغیرهای سطح سواد، نوع مذهب، وضعیت اقتصادی، جرایم و آسیب‌های اجتماعی موجود، احساس امنیت و متغیر پذیرش اجتماعی شهروندان شیرازی نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج جدول رگرسیون نیز نشان دهنده همبستگی مناسبی بین مجموعه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته می‌باشد. در این مقاله، نتایج مطالعه جامعه‌شناختی پذیرش اجتماعی شهروندان (بالا یا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی در شهر شیراز، نشان داده است، که سطح سواد، نوع مذهب، وضعیت اقتصادی، جرایم و آسیب‌های اجتماعی موجود و احساس امنیت بر پذیرش اجتماعی (بالا یا پایین)، شهروندان شهر شیراز نسبت به مهاجران افغانستانی تاثیر گذار است.

کلید واژه‌ها: مهاجران، پذیرش اجتماعی، جرایم و آسیب‌های اجتماعی، افغانستانی.

^۲ نویسنده مسئول: Maadani25@yahoo.com

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

مقدمه و طرح مساله

مهاجرت به عنوان یک پدیده اجتماعی دارای تأثیرات و نفوذ قابل ملاحظه‌ای در ابعاد فرهنگی و زوایای اجتماعی جوامع مختلف است. مهاجرت با تأثیر پذیری مهاجران از جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از محیط جدید، آثار مهمی بر سیمای ظاهری و همچنین زندگی روزمره افراد دارد که در قالب تغییرات و دگرگونی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و امنیتی نمود می‌یابد. افراد مهاجر با شناختی که از محیط جدید پیدا می‌کنند، عکس العمل‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند، تغییراتی که در راستای انطباق و سازگاری با شرایط موجود می‌تواند، زمینه‌های رفتن یا ماندن مهاجران را در کشور میزبان تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین پرداختن به پیامدهای این جابه‌جایی‌های بزرگ بر روی مهاجران می‌تواند زوایای اصلی این واقعیت را مشخص سازد (محرابی شاتوری، ۱۳۹۳: ۶۷).

بی‌گمان هر مقوله اجتماعی و یا حرکت فرارونده‌ای که در یک جامعه رخ می‌دهد، به دنبال خود دارای پیامدهای مثبت و احیاناً معایبی منفی است. مهاجرت نیز به عنوان یک پدیده اجتماعی، نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد. از دیدگاه اجتماعی، نکته مورد اهمیت در تمام مهاجرت‌ها، یکسان نبودن فرهنگ جامعه مبدأ و مقصد است. تفاوت‌های فرهنگی، قومی و مذهبی میان جامعه مبدأ و مقصد می‌تواند منشأ مسائل و مشکلاتی برای مهاجران باشد (محرابی شاتوری، ۱۳۹۳: ۶۷). فراوانی میزان ناهنجاری‌های اجتماعی از نمونه‌های بارز این گونه مشکلات در جوامع است. پدیده حاشیه نشینی و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی نیز از عوارض این گونه مهاجرت‌ها است. مهاجران وارد شده به یک کشور، یکی از گروه‌های اجتماعی مهمی به شمار می‌روند که درک پذیرش اجتماعی (بالا یا پایین)، آن‌ها از سوی جامعه میزبان، از دیدگاه سیاست‌گذاری اجتماعی و کسب شناخت جامعه‌شناسی (در بررسی تأثیر سطح سواد، نوع مذهب، وضعیت اقتصادی، جرایم و آسیب‌های اجتماعی موجود، احساس امنیت شهروندان)، موضوعی جذاب و حائز اهمیت است.

پذیرش اجتماعی، یکی از شاخص‌های فراگیر در حوزه علوم اجتماعی است (عسکری، ۱۳۹۰: ۲). پذیرش اجتماعی شامل پذیرش دیگران، اعتماد به خوب بودن دیگران و نگاه مثبت به ماهیت انسان‌ها

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

است، که همگی آن‌ها باعث می‌شوند فرد در کنار سایر اعضای جامعه انسانی، احساس راحتی کند (نور بخش و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴۱). در پذیرش اجتماعی، افراد یکدیگر را با همه نقص‌ها و جنبه‌های مثبت و منفی باور دارند و می‌پذیرند (ذالی آراللو و علایی، ۱۳۹۴: ۱۲۷). کلیه مهاجران از هر گروه سنی و جنسی و یا هر طبقه اجتماعی، به نحوی مشمول تبعیض‌های مناطق پذیرنده می‌باشند. مهاجران به مجرد ورود به کشور مقصد، با انواع واکنش‌ها و برخوردهای مثبت و یا منفی اجتماعی از طرف ساکنان جامعه میزبان مواجه می‌شوند و اغلب در معرض خشم و بی‌اعتباری مردمی و در برخی موارد تحت تحریم قانونی از سوی کشور میزبان قرار می‌گیرند (محرابی شاتوری، ۱۳۹۳: ۶۷). در شرایطی که بین گروه‌های مهاجر و جامعه میزبان این احساس غالب باشد که فاصله اجتماعی آن‌ها با همدیگر کم است و تفاوت چندانی ندارد. آن‌ها به راحتی یکدیگر را می‌پذیرند و در نتیجه، فرآیند پذیرش اجتماعی بالای مهاجران در جامعه میزبان به سهولت رخ می‌دهد. برعکس، زمانی که احساس دوری اجتماعی یا فاصله اجتماعی زیادی وجود داشته باشد، پذیرش اجتماعی و ادغام اجتماعی و فرهنگی مهاجران در جامعه میزبان با موانعی دشوار و پیچیده روبه‌رو می‌شود. چرا که ورود و اقامت مهاجران در هر جامعه‌ای، فرصت‌ها و چالش‌هایی را توأماً به همراه خواهد داشت (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۳-۸۴). حضور اتباع بیگانه در کشور میزبان، دارای پیامدها و بازتاب‌های مختلف زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی می‌باشد. اتباع بیگانه با مهاجرت‌های غیر قانونی دارای بازتاب‌ها و پیامدهای مختلف امنیتی می‌باشند. اگرچه قوانین داخلی کشورهای مختلف در مورد پذیرش مهاجرین روز به روز در حال سخت‌تر شدن می‌باشد. اما تقاضا برای مهاجرت به کشورهایی که از لحاظ توسعه اجتماعی و اقتصادی در وضعیت مناسب‌تری قرار دارند، رو به افزایش است (محرابی شاتوری، ۱۳۹۳: ۶۷). کشور ما نیز مهاجرین زیادی را از خارج کشور در خود جای داده که عمده‌ترین این مهاجران خارجی، افغانستانی‌ها می‌باشند. سابقه سه دهه‌ای حضور چشمگیر مهاجران افغانستانی در کشور ایران دلایل محکمی را برای مطالعه جنبه‌های مختلف زندگی آن‌ها در ایران مهیا می‌کند. حضور این مهاجران پیامدهایی را بر جای گذاشته است و در طی سال‌های اقامت خود، تأثیرات مثبت و منفی فراوانی از بعد

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

اجتماعی و فرهنگی بر جای گذاشته‌اند و ضرورت دارد این بازتاب‌ها و تأثیرات مورد بررسی و سنجش قرار گیرند (عزیزی، ۱۳۹۷: ۱-۳).

پدیده مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه، به‌ویژه ایران، یکی از شکل‌های مهاجرت بین‌المللی است که در دهه‌های اخیر روند صعودی داشته‌است. کشور ایران طی چند دهه اخیر پذیرای جمعیت بزرگی از مهاجران افغانستانی بوده‌است که، از اواخر دهه پنجاه شمسی به بعد، به سبب ناآرامی‌های سیاسی و متعاقباً وضعیت جنگی در افغانستان و نیز نظر به همسایگی، هم‌زبانی و اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی، راهی نواحی گوناگون ایران شده‌اند. کشور ایران به دلایل اقتصادی و مذهبی (داشتن عتبات عالیات، برای اهل تشیع و زیارت پیروان و عارفان صوفی و اهل تسنن) همواره مقصد مهاجرت‌های فصلی و دایم اقوام افغانستانی بوده‌است. ورود انبوه مهاجرین افغانستانی به ایران، هم‌زمان با بروز بحران‌های سیاسی، جنگ داخلی کشورشان و دیگر آشوب‌ها، بروز خشکسالی‌های پی‌در پی و اقتصاد در هم شکسته کشور افغانستان، افزایش چشم‌گیر یافته‌است. این امر نشان از این دارد که مهاجرین، اغلب به صورت آواره، پناهنده و در شرایط اضطرار و اجبار به ایران مهاجرت نموده‌اند. طبیعی است که چنین مهاجرانی نمی‌توانند بازتاب‌های مثبتی در کیفیت زندگی اقتصاد و امنیت کشور میزبان داشته باشند (عزیزی، ۱۳۹۷: ۱-۳). سیاست دولت ایران در قبال مهاجران افغانستانی در طول زمان، شاهد دگرگونی‌های زیادی بوده‌است. در هر صورت، بسیاری از مهاجران افغانستانی اکنون سال‌ها است که در ایران زندگی می‌کنند. این امر منجر به حضور طیف گسترده‌ای از فرهنگ‌ها، زبان‌ها و خاستگاه‌ها و نابسامانی خدمات، تقاضای روزافزون برای مسکن و اشتغال و تشدید فاصله طبقاتی و تنش‌های اجتماعی شده‌است. از سوی دیگر این وضعیت مجموعه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها را برای این مهاجران، به‌وجود آورده‌است. تفاوت‌های اجتماعی ممکن است مهاجرانی را که در اقلیت قرار دارند، به حاشیه براند و حتی حس امتناع از همانند‌گردی را در میان‌شان تقویت و آنان را بیشتر از جامعه جدا کند (علاءالدینی و میزایی، ۱۳۹۷: ۲).

حضور مهاجران افغانستانی در ایران، به‌عنوان بزرگ‌ترین جمعیت مهاجران ایران، نیازمند بررسی‌های بیشتر در ابعاد اجتماعی و فرهنگی است. لذا در این مطالعه، بررسی نحوه پذیرش اجتماعی شهروندان

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

شهر شیراز نسبت به مهاجران افغانستانی مد نظر می‌باشد. استان فارس و به‌ویژه شهر شیراز امروزه یکی از کانون‌های جذب مهاجرین چه داخلی و چه خارجی است و یکی از مهاجر پذیرترین مناطق ایران به حساب می‌آید. شهر شیراز در این سه دهه، به‌دلیل اینکه یکی از امن‌ترین شهرهای ایران به‌شمار می‌رفت و به‌ویژه شرایط بهتر کسب و کار نسبت به سایر شهرها داشت، به یکی از مراکز مهم جذب مهاجرین داخلی و خارجی تبدیل شد. امروزه بر اساس گزارش‌ها بیش از ۵۰۰ هزار نفر تبعه افغانستانی به صورت مجاز و غیر مجاز در شهر شیراز زندگی می‌کنند و این حجم جمعیت اثرات و پیامدهای متفاوتی را در بردارد که نیازمند تحقیق است. بررسی این پیامدها و شناخت تأثیرات سکونت افغانستانی‌ها در شهر شیراز، می‌تواند برای جلوگیری از اثرات این مهاجرت‌ها مؤثر واقع شود (شاطریان و گنجی‌پور، ۱۳۹۰ : ۸۵). حضور سه دهه‌ای مهاجرین افغانستانی در شهر شیراز، کارکردهای مثبت و منفی بر جای گذاشته است که این خود، موجب نارضایتی بیشتر مردم شیراز شده‌است. لذا در میان مسایل مختلف مربوط به مهاجرت، شناخت افکار عمومی و نحوه پذیرش اجتماعی شهروندان شهر شیراز (بالا یا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی دارای اهمیت است. لذا با توجه به کمبود تحقیقات انجام شده در این زمینه، انجام مطالعات جامعه‌شناختی پذیرش اجتماعی شهروندان شیرازی نسبت به مهاجران افغانستانی در داخل کشور ایران می‌تواند، نحوه پذیرش اجتماعی و ارتباط شهروندان ایرانی را نسبت به مهاجران افغانستانی مشخص نماید. براین اساس می‌توان گفت که، اهمیت و ضرورت انجام تحقیق در زمینه پذیرش اجتماعی (بالا یا پایین)، ایرانیان نسبت به مهاجران افغانستانی، از نظر مطالعه جامعه‌شناختی، تعیین‌کننده مسائل اجتماعی مانند نحوه تعامل و رفتار شهروندان ایرانی با این دسته از افراد یعنی مهاجران افغانستانی خواهد بود. بنابراین هدف از انجام این مطالعه از منظر جامعه‌شناختی، شناخت، تحلیل و طبقه‌بندی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پذیرش اجتماعی (بالا یا پایین)، شهروندان شیرازی نسبت به مهاجران افغانستانی، می‌باشد.

پیشینه پژوهش

اگر چه جامعه مهاجران افغانستانی از منظر زبانی، مذهبی، ویژگی‌های ظاهری و فرهنگی بیشترین میزان قرابت با جامعه میزبان یعنی کشور ایران را دارند، اما تحقیقات متعددی بر نحوه پذیرش اجتماعی (بالا یا

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

پایین) جامعه ایران، نسبت به مهاجران خارجی به‌ویژه اتباع افغانستانی ساکن در ایران، از نظر مطالعات جامعه شناختی اشاره داشته‌اند. تحقیقات و پیشینه‌های پژوهشی محدود انجام شده پیرامون موضوع تحقیق، بیانگر پایین بودن "سطح پذیرش اجتماعی مهاجران افغانستانی در ایران" است. تحقیقات متعدد، بر پیش-داوری منفی جامعه ایران نسبت به مهاجران خارجی به‌ویژه اتباع افغانستانی ساکن در بافت های فرسوده (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۰-۱۴۸). و تأثیرات منفی سکونت مهاجران افغانستانی بر روستاهای مرزی شهر سیستان (لطفی و جهان تیغ، ۱۳۹۳: ۳۰۹-۳۳۳). و شهر مشهد (وثوقی و محسنی، ۱۳۹۵: ۲۷)، اشاره داشته‌اند. روحانی و انبارلو (۱۳۹۵: ۱۰۲-۷۷)، در تحقیق خود در این زمینه نشان داده‌اند که شکل‌گیری عواطف منفی مردم ایران نسبت به مهاجران افغانستانی، هراس و حس تنفر مردم ایران را نسبت به این مهاجران ایجاد کرده‌است. فرمانفرمایی و جعفرزاده (۱۳۹۸: ۷۵-۸۸)، در پژوهشی که با عنوان «نقش سینمای ایران در پذیرش مهاجران افغانستانی» انجام داده‌اند، پذیرش و عدم پذیرش پناه-جویان افغانستانی در ایران را به دلیل تأثیر بر ذهن جامعه ایران مورد بررسی قرار داده‌اند و مهم‌ترین عوامل مهاجرت گروهی و فردی افغانستانی‌ها به ایران را در دو قرن گذشته، جنگ، فقر و بیکاری نشان داده‌اند. کشاورز قاسمی و نادر پور (۱۳۹۷: ۲۹۰)، پژوهشی با عنوان «تبیین پیامدهای مهاجرت اتباع کشور افغانستان بر جامعه ایران (مطالعه موردی شهر قزوین)» انجام داده‌اند. نتایج با ۷۷/۶۶ درصد میانگین پاسخ-های منفی شهروندان شهر قزوین، حکایت از پذیرش اجتماعی پایین میان افغانستانی‌ها و جامعه مورد پژوهش دارد. کوکاک^۳ (۲۰۲۱: ۷۳۷)، نشان داده‌است که دینداری و پایگاه اجتماعی اقتصادی با پذیرش اجتماعی بالا نسبت به مهاجران مرتبط است. رایدگرن^۴ (۲۰۱۸: ۷۵۶-۷۳۷). رابطه بین پذیرش اجتماعی، ادغام مهاجر و امکانات رفاهی در کشور میزبان را بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که تمایل شهروندان کشور میزبان نسبت به پذیرش اجتماعی مهاجران، به میزان زیادی، با امکانات رفاهی در جامعه مقصد مرتبط است. بوید^۵ (۲۰۲۱: ۵۵۷-۵۵۹)، نشان داده‌است که تفاوت در تمایلات بومیان برای

³ Koçak

⁴ Rydgren

⁵ Boyd,

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

پذیرش اجتماعی از گروه‌های مهاجران عامل تعیین‌کننده‌ای در جداسازی سکونت‌گروه‌های مهاجر و شهروندان جامعه میزبان است.

چارچوب نظری پژوهش در زمینه پذیرش یا عدم پذیرش مهاجران

نظریه مکتب کلاسیک

این نظریات، به‌طور کلی، مهاجرت را موجبی برای تحرک اجتماعی و اقتصادی و نتیجه آن را، در کشور مقصد، جذب یا دفع مهاجر در نظام ارزشی مسلط می‌داند (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۹). این دیدگاه در جامعه‌شناسی مهاجرت بر تبیین دلایل و پیامدهای مهاجرت استوار است. بنابراین از دیدگاه این نظریات، مهاجرت ناشی از عدم تعادل اقتصادی و اجتماعی موجود بین مناطق مختلف است و هرگونه تغییری که در جامعه روی می‌دهد در جهت برقراری تعادل و هماهنگی است (پاپلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳۶).

نظریه تضاد

صاحب‌نظران نظریه تضاد معتقدند، علی‌رغم مهاجرتی که با برنامه دقیق صورت می‌گیرد، مهاجرت ممکن است یک پاسخ بدون برنامه و ناگهانی به یک سری از شرایط باشد. این رهیافت نسبت به مهاجرت، زمینه‌ای است و معمولاً تصمیم برای مهاجرت، نتیجه یک سری از تأثیرات است که بعضی از آن‌ها حتی تصادفی و اتفاقی است. مارکس، والرش‌تاین و دیگران از نظریه‌پردازان این مکتب هستند که عمدتاً مهاجرت را به‌عنوان یک واکنش منفعل در مقابل اجبار، محدودیت‌ها و تنگناهای سکونت‌گروهی و شغلی می‌دانند (اصلانی، ۱۳۹۳: ۵۳).

نظریه سیستمی

اندیشمندان این نظریه، رولند^۶، ریچموند^۷، و ورما^۸، در مطالعه خود پیرامون مهاجرت به کانادا به این نتیجه رسیدند که دیدگاه‌های کلاسیک و متضاد، نمی‌توانند این نوع مهاجرت را تبیین کنند (مهدوی

^۶ Rolland

^۷ Richmond

^۸ Verema

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

و همکاران، ۱۳۸۳). به زعم آن‌ها، مجموعه‌ی از این عوامل موجب می‌شود که مهاجران به دلیل تفاوت و برتری قوای جاذب مقصد و مقایسه وضعیت موجود و آینده‌ای که مطلوبیت اقتصادی آنان را در بردارد، به مهاجرت دست بزنند که، در مجموع این روند با نظریات ارائه شده در مکتب کلاسیک منطبق است (اصلائی، ۱۳۹۳: ۵۵).

نظریه جذب و دفع اورت - س - لی

دیدگاه لی، مهاجرت را تحت تأثیر چهار عامل عمده تبیین می‌کند:

الف) عوامل موجود در مبدأ (برانگیزنده و بازدارنده)

ب) عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده و بازدارنده)

ج) موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد

د) عوامل شخصی

نظریه وی به تئوری دافعه و جاذبه معروف است و بر اساس آن، در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد، انگیزه به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و اگر شخص نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده اعمال نکنند، مهاجرت عینیت می‌یابد (جانزاده، ۱۳۹۹: ۱۰۷).

نظریه کارکردگرایان

این نظریه در خصوص دلایل مهاجرت بر این فرض تأکید می‌کند که تمام نیازهای اجتماعی در چارچوبی از نظام اجتماعی آموخته می‌شوند، کنش‌گران در یک نظام به نیازهایی باور دارند که در آن نظام نمی‌توانند آن‌ها را برآورده سازند، زیرا خصایص ساختن نظام‌های اجتماعی و کنش‌گران، هرگز در طول زمان ایستا نیستند، از این رو ممکن است تحولات لازم برای کاهش ناهماهنگی بین احساس نیاز و امکان تسهیل آن در کنش‌گر یا در نظام یا در هر دو اتفاق بیفتد. درک ناهماهنگی بین خصایص فرد و نظام اجتماعی، منجر به مهاجرت شخص برای کاهش ناهماهنگی‌های ساختی می‌شود (اصلائی، ۱۳۹۳: ۵۵).

نظرات اسکوتز و شاستاد

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

اسکوئز و شاستاد^۹ نیز روش‌های مشابه به لاوری و راجرز را اتخاذ می‌کردند. پایه نظری آن‌ها در تبیین مهاجرت، بر آنچه آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌دانند، مبتنی است. این دو محقق معتقدند هر فرد در هنگام تصمیم به مهاجرت، هزینه‌های فیزیکی و پولی ناشی از مهاجرت را مد نظر قرار می‌دهد (اصلانی، ۱۳۹۳: ۵۵).

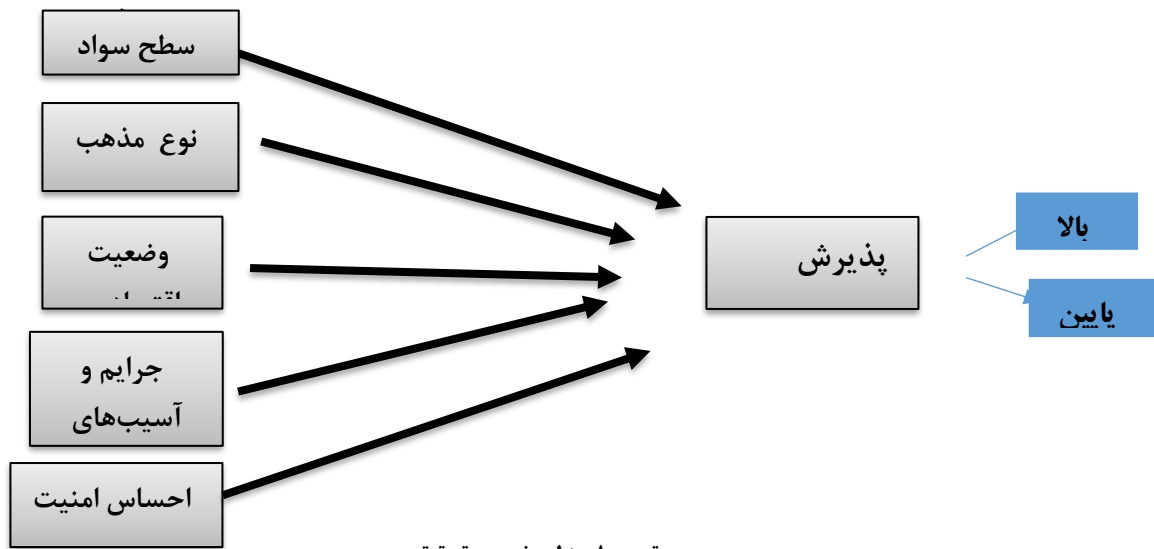
ایراداتی که از دیدگاه جامعه‌شناسی به این نظریات، در ارتباط با جذب یا دفع مهاجران گرفته شده- است، این است که چنین نظریاتی کنش متقابل مهاجران و پیامدهای ناشی از مهاجرت را مورد توجه قرار ندادند. ولی در هر حال این گونه نظریات توانستند به عنوان نظریات راهگشا، مسیر را برای نظریه‌پردازی و پژوهش در زمینه مهاجرت هموار سازند.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- سطح سواد شهروندان بر پذیرش اجتماعی (بالایا پایین)، آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی تأثیر معناداری دارد.
- ۲- نوع مذهب شهروندان بر پذیرش اجتماعی (بالایا پایین)، آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی تأثیر معناداری دارد.
- ۳- وضعیت اقتصادی بر پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی تأثیر معناداری دارد.
- ۴- جرایم و آسیب‌های اجتماعی موجود، بر پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی تأثیر معناداری دارد.
- ۵- احساس امنیت بر پذیرش اجتماعی (بالایا پایین)، شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی تأثیر معناداری دارد.

^۹ shasstad

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز



تصویر ۱. مدل مفهومی تحقیق

۱. تعریف مفهومی و عملیاتی متغیر تحقیق

تعریف مفهومی پذیرش اجتماعی: پذیرش اجتماعی، درجه عضویت درون گروهی فرد در یک واحد اجتماعی است که وی به گونه‌ای ملموس و معنادار در آن درگیر است (امپوفو^۱، ۲۰۰۳: ۴۳۶؛ به نقل از امامی غفاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۷۷).

تعریف عملیاتی پذیرش اجتماعی (بالا و پایین): منظور از پذیرش اجتماعی شهروندان، بالا و پایین، در این مطالعه، میزان نمراتی است که پاسخگویان، از پاسخ دان به سوالات مربوط به پذیرش اجتماعی شهروندان (با مؤلفه‌های: سطح سواد، نوع مذهب، وضعیت اقتصادی، جرایم و آسیب‌های اجتماعی، احساس امنیت) نسبت به مهاجران افغانستانی، در پرسشنامه محقق ساخته کسب کرده‌اند.

¹ Mpofu

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

روش تحقیق

مطالعه حاضر با توجه به هدف، کاربردی و از نوع تحقیقات پیمایشی و از شاخه پژوهش‌های میدانی است. جامعه آماری در مطالعه حاضر شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر شیراز در سال ۱۴۰۲ که به تعداد ۱۹۵۵۵۰ نفر بودند. حجم نمونه در این مطالعه ۳۴۸ نفر از شهروندان شهر شیراز بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس و با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شدند. در این مطالعه پذیرش اجتماعی شهروندان شیرازی به صورت مثبت یا منفی نسبت به مهاجرین افغانی، متغیر وابسته است و سطح سواد شهروندان، نوع مذهب شهروندان، وضعیت اقتصادی، جرایم و آسیب‌های اجتماعی موجود و احساس امنیت متغیرهای مستقل می‌باشند. در این مطالعه مشخصه‌هایی نظیر فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار، نشان دهنده شاخص‌های توصیفی در تحقیق است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به وسیله نرم افزار SPSS با استفاده از روش آزمون همبستگی اسپیرمن و رگرسیون چند متغیره انجام شد.

ابزار تحقیق

در پیمایش این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. ابزار مورد استفاده در این تحقیق پرسشنامه محقق ساخته ۲۶ سوالی (با مؤلفه‌های: سطح سواد، نوع مذهب، وضعیت اقتصادی، جرایم و آسیب‌های اجتماعی، احساس امنیت) است، که به منظور طراحی سوالات این پرسشنامه محقق ساخته، طی ۱ ماه مصاحبه و گفتگوهای پیرامون روابط و نحوه پذیرش اجتماعی شهروندان ایرانی به صورت بالا یا پایین، نسبت به مهاجران افغانستانی (در بررسی تأثیر سطح سواد، نوع مذهب، وضعیت اقتصادی، جرایم و آسیب‌های اجتماعی موجود و احساس امنیت شهروندان)، به لحاظ مطالعات جامعه‌شناختی در شهر شیراز انجام شد. همچنین از مقالات و پژوهش‌های انجام گرفته، توسط خبرگان دانشگاهی که به بررسی مهاجران افغانی در سال‌های اخیر به ایران انجام داده‌اند نیز به منظور تهیه پرسشنامه بهره گرفته شده است. در این تحقیق به منظور تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. آلفای کرونباخ در اینجا ۰/۷۶ به دست آمد که از قابلیت اعتبار برخوردار است.

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

برای بررسی روایی پرسشنامه از روایی محتوا استفاده شد که نظر صاحب نظران^{۱۱} در مورد ابزار طراحی شده جمع آوری شد. نتایج حاکی از تأیید روایی محتوا، جنبه‌های مختلف پرسشنامه‌ها از سوی متخصصان این حوزه بود. سپس پرسشنامه محقق ساخته متشکل از دو بخش مشخصات بیوگرافی و عوامی تأثیرگذار ۲۶ سوالی تنظیم و در اختیار جامعه ی آماری قرار داده شد و پس از تکمیل، تمامی پرسشنامه‌های مذکور، برای انجام تجزیه و تحلیل مورد نیاز جمع آوری گردید.

یافته‌های پژوهش

یافته های توصیفی

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان

نوع مذهب	فراوانی	درصد
شیعه	251	65.4
سني	94	24.5
سایر مذاهب	39	10.2
جمع کل	384	100

وضعیت اقتصادی	فراوانی	درصد
کمتر از پنج میلیون	51	13.3
پنج تا هفت میلیون	40	10.4

¹¹Authority

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

هفت تا نه میلیون	37	9.6
نه تا یازده میلیون	83	21.6
یازده تا سیزده میلیون	43	11.2
سیزده تا پانزده میلیون	70	18.2
بیشتر از پانزده میلیون	60	15.6
جمع کل	384	100

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
بی سواد	14	3.6
ابتدایی	36	9.4
سیکل	51	13.3
جرایم و آسیب دیپلم	56	14.6
های اجتماعی فرق دیپلم	47	12.2
افغانستانی ها لیسانس	98	25.5
بدون جرم ارشد و بالاتر	82	21.3
کم جمع کل	384	100
متوسط	73	19.0
زیاد	96	25.0
جمع کل	384	100

احساس امنیت	فراوانی	درصد
کم	98	25.5
متوسط	180	46.9
زیاد	106	27.6
جمع کل	384	100

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

جدول ۱ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان را بر حسب سطح تحصیلات، نوع مذهب، جرایم و آسیب- های اجتماعی موجود، وضعیت اقتصادی و احساس امنیت نشان می دهد.

جدول ۲: آمار توصیفی متغیر مورد مطالعه

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی	3/30	3/48	0/77	-0/77	1/74

با توجه به نتایج جدول ۲ آمار توصیفی متغیرهای کمی مورد مطالعه، مقدار میانگین متغیر پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی برابر ۳/۳۰ می باشد. مقدار میانه برای همین متغیر با مقدار ۳/۴۸ محاسبه شده است. انحراف معیار نیز برای متغیر مورد مطالعه ۰/۷۷- محاسبه شده است. نتایج مقدار چولگی و کشیدگی متغیر نیز، حاکی از آن است که اگر مثبت باشند، چولگی و کشیدگی به سمت راست است و اگر مقدار چولگی و کشیدگی متغیر منفی باشد، چولگی و کشیدگی آن ها به سمت چپ است.

یافته های استنباطی

جدول ۳: آزمون نرمال بودن داده های متغیر مورد مطالعه

متغیرها	کولموگوروف-اسمیرنوف	Sig	وضعیت
پذیرش	0/127	0/086	نرمال است

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

با توجه به جدول ۳ مقادیر آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف و مقدار Sig برای متغیر موجود، فرضیه-های مورد مطالعه آورده شده است، چنانچه مشاهده شد، برای متغیر مورد مطالعه مقدار Sig آنها بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد و فرض نرمال بودن داده‌های متغیر پژوهش، رد نمی‌شود در نتیجه داده‌های متغیر مورد مطالعه، نرمال می‌باشد.

بررسی رگرسیون خطی چندگانه

جدول ۴: R چند گانه

ضریب همبستگی خطی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	خطای استاندارد برآورد شده
0/629	0/395	0/346	0/098

جدول ۴ برای رگرسیون برازش شده، مقدار ضریب همبستگی خطی برابر با ۰/۶۲۹ می‌باشد که نشان دهنده همبستگی مناسبی بین مجموعه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته می‌باشد. در ادامه مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (۰/۳۴۶) که نشان دهنده این است که ۳۵ درصد از کل تغییرات واریانس متغیر پذیرش اجتماعی شهروندان (بالا یا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی وابسته به متغیرهای مستقل می‌باشد.

جدول ۵: تحلیل واریانس (ANOVA)

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی داری
رگرسیون	5/165	11	0/469	335/389	0/000
باقیمانده ها	0/534	372	0/0014		
کل	6/154	383			

در جدول ۵ توجه به مقدار آماره F یا فیشر و مقدار سطح معناداری این آزمون به بررسی معنادار بودن رگرسیون چندگانه پرداخته می‌شود، با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری این آزمون کمتر از ۵ درصد

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

می باشد، در نتیجه فرض معنادار بودن مدل رگرسیون برازش شده رد نمی شود. یعنی مدل رگرسیون خطی چند گانه مناسب می باشد.

آزمون معنادار بودن ضرایب رگرسیون:

جدول ۶: ضرایب استاندارد و غیر استاندارد برای متغیرهای مستقل در مدل رگرسیون

سطح معنی داری	مقدار t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		مدل
		ضریب	خطای استاندارد	برآورد ضریب	
0/001	3/890	-	0/089	1/465	مقدار ثابت
0/005	-1/709	-0/315	0/543	-0/145	سطح سواد
0/103	0/476	/059	0/527	0/024	مذهب
0/001	-3/398	-0/369	0/156	-0/294	وضعیت اقتصادی
0/001	-3/265	-0/374	0/417	-0/301	جرایم و آسیب
0/001	-3/739	-0/492	0/298	-0/379	احساس امنیت

جدول ۶ مقادیر ضرایب رگرسیونی متغیرهای تأثیرگذار بر متغیر وابسته را نشان می دهد که با توجه به آمار t و سطح معناداری این آزمون مشخص می باشد متغیرهایی که سطح معناداری آنها کمتر از ۰/۰۵ می باشد در مدل رگرسیونی قرار می گیرند. مدل رگرسیونی نشان می دهد که در یک مدل رگرسیونی چند گانه پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی بدون تأثیر متغیرهای مستقل ۱/۴۶۵ می باشد. همچنین تغییر یک انحراف استاندارد در سطح سواد باعث تغییر ۰/۱۴۵ انحراف استاندارد در پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی می شود. همچنین تغییر یک انحراف استاندارد در وضعیت اقتصادی باعث تغییر ۰/۲۹۴ انحراف استاندارد در پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی می شود. تغییر یک انحراف استاندارد در جرایم و آسیب های اجتماعی موجود باعث تغییر ۰/۳۰۱ انحراف استاندارد در پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی می شود. در نهایت تغییر یک انحراف استاندارد در احساس امنیت باعث تغییر ۰/۳۷۹ انحراف استاندارد در پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی می شود.

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

فرضیه ۱: سطح سواد شهروندان بر پذیرش اجتماعی (بالایا پایین)، آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی اثر گذار است.

جدول ۷: آزمون همبستگی اسپیرمن بین سطح سواد شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی

مقدار	آماره‌های آزمون
-0/385	ضریب همبستگی
0/005	سطح معنی داری

همانطور که در جدول ۷ ملاحظه می‌گردد، ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مورد مطالعه در کل نمونه مورد مطالعه معادل -0/385- و سطح معناداری آزمون همبستگی اسپیرمن از عدد ۰/۰۵ کمتر شده است لذا مطابق قاعده آزمون همبستگی اسپیرمن فرض صفر را رد می‌کنیم و فرضیه یک را می‌پذیریم، یعنی رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین سطح سواد شهروندان و پذیرش اجتماعی (بالایا پایین)، آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی منفی می‌باشد در نتیجه بین سطح سواد شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: نوع مذهب شهروندان بر پذیرش اجتماعی (بالایا پایین)، آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی اثر گذار است.

جدول ۸: آزمون همبستگی اسپیرمن بین نوع مذهب شهروندان و پذیرش اجتماعی آنها نسبت به مهاجران افغانستانی

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

آماره‌های آزمون	مقدار
ضریب همبستگی	0/462
سطح معنی داری	0/005

همانطور که در جدول ۸ ملاحظه می‌گردد، ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مورد مطالعه در کل نمونه مورد مطالعه معادل 0/462 و سطح معناداری آزمون همبستگی اسپیرمن از عدد ۰/۰۵ کمتر شده است لذا مطابق قاعده آزمون همبستگی اسپیرمن فرض صفر را رد می‌کنیم و فرضیه یک را می‌پذیریم، یعنی رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین نوع مذهب شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی مثبت می‌باشد در نتیجه بین نوع مذهب شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه مستقیمی وجود دارد.

فرضیه ۳: وضعیت اقتصادی بر پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی اثر گذار است.

جدول ۹: آزمون همبستگی اسپیرمن بین وضعیت اقتصادی بر پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی

آماره‌های آزمون	مقدار
ضریب همبستگی	-0/541
سطح معنی داری	0/001

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

همانطور که در جدول ۹ ملاحظه می‌گردد، ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مورد مطالعه در کل نمونه مورد مطالعه معادل ۰/۵۴۱- و سطح معناداری آزمون همبستگی اسپیرمن از عدد ۰/۰۵ کمتر شده- است. لذا مطابق قاعده آزمون همبستگی اسپیرمن فرض صفر را رد می‌کنیم و فرضیه یک را می‌پذیریم، یعنی رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین وضعیت اقتصادی و پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی منفی می‌باشد، در نتیجه بین وضعیت اقتصادی و پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

فرضیه ۴: جرایم و آسیب‌های اجتماعی بر پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی اثر گذار است.

جدول ۱۰: آزمون همبستگی اسپیرمن بین جرایم و آسیب‌های اجتماعی بر پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی

مقدار	آماره‌های آزمون
-0/614	ضریب همبستگی
0/001	سطح معنی داری

همانطور که در جدول ۱۰ ملاحظه می‌گردد، ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مورد مطالعه در کل نمونه مورد مطالعه معادل ۰/۶۱۴- و سطح معناداری آزمون همبستگی اسپیرمن از عدد ۰/۰۵ کمتر شده‌است. لذا، مطابق قاعده آزمون همبستگی اسپیرمن فرض صفر را رد می‌کنیم و فرضیه یک را می‌پذیریم. یعنی رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین جرایم و آسیب‌های اجتماعی و پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

همبستگی منفی می‌باشد در نتیجه بین جرایم و آسیب‌های اجتماعی و پذیرش اجتماعی شهروندان (بالا یا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۵: احساس امنیت بر پذیرش اجتماعی شهروندان (بالا یا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی اثر گذار است.

جدول ۱۱: آزمون همبستگی اسپیرمن بین احساس امنیت و پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی

مقدار	آماره‌های آزمون
-0/484	ضریب همبستگی
0/001	سطح معناداری

همانطور که در جدول ۱۱ ملاحظه می‌گردد، ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مورد مطالعه در کل نمونه مورد مطالعه معادل ۰/۴۸۴ و سطح معناداری آزمون همبستگی اسپیرمن از عدد ۰/۰۵ کمتر شده‌است. لذا، مطابق قاعده آزمون همبستگی اسپیرمن فرض صفر را رد می‌کنیم و فرضیه یک را می‌پذیریم، یعنی رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین احساس امنیت و پذیرش اجتماعی شهروندان (بالا یا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی منفی می‌باشد در نتیجه بین احساس امنیت و پذیرش اجتماعی شهروندان (بالا یا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

هدف از انجام پژوهش حاضر، شناخت مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر پذیرش شهروندان (بالا یا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی، در شهر شیراز است. در بررسی تأثیر سطح سواد شهروندان بر پذیرش اجتماعی (بالا یا پایین)، آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی نتایج نشان داده‌است، رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین سطح سواد شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی منفی می‌باشد در نتیجه بین سطح سواد شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. این یافته‌ها، با نتایج تحقیقات فرمانفرمایی و جعفرزاده (۱۳۹۸: ۷۵-۸۸)، هم سو می‌باشد. شاطریان و همکاران (۱۳۹۵: ۱۵۰-۱۴۸). همان‌گونه که می‌دانیم بسیاری از مهاجران افغانستانی اکنون سال‌هاست که در ایران زندگی می‌کنند. این وضعیت مجموعه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها را برای این مهاجران، در ایران وجود آورده‌است (علاء الدینی و میزایی، ۱۳۹۷: ۷-۲۵). در طی چند دهه در ایران، دیدگاه‌های متفاوتی به صورت مثبت یا منفی با توجه به میزان آگاهی و سطح سواد شهروندان ایرانی برای پذیرش اجتماعی (بالا یا پایین)، و اقامت این مهاجرین وجود داشته‌است. پذیرش اجتماعی بالا شامل پذیرش دیگران، اعتماد به خوب بودن ذاتی دیگران و نگاه مثبت به ماهیت انسان‌ها است که همگی آن‌ها باعث می‌شوند، فرد در کنار سایر اعضای جامعه انسانی، احساس راحتی کند (نور بخش و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴۱). تأثیر تسهیل‌کننده‌هایی (مانند سطح سواد، دانش و آگاهی بالای شهروندان) در پذیرش اجتماعی بالای مهاجرین از سوی جامعه میزبان تأثیر گذار است. در شرایطی که میان گروه‌های مهاجر و جامعه میزبان این دانش و آگاهی کافی غالب باشد، آن‌ها به راحتی یکدیگر را می‌پذیرند و در نتیجه، فرآیند پذیرش اجتماعی بالای مهاجران در جامعه میزبان به سهولت رخ می‌دهد. برعکس، زمانی که میان گروه‌های مهاجر و جامعه میزبان، به لحاظ عدم آگاهی و دانش کافی و پایین بودن سطح سواد، فاصله اجتماعی زیادی وجود داشته باشد، پذیرش اجتماعی و ادغام اجتماعی مهاجران در جامعه میزبان با موانعی دشوار و پیچیده رو به رو می‌شود (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۴-۸۳). چنانکه روحانی و همکاران (۱۳۹۴: ۱۰۲-۷۷)، در پژوهش خود، میزان تحصیلات، مراوده و آگاهی از تاریخ، فرهنگ و ادبیات افغانستانی‌ها را در مثبت بودن پذیرش اجتماعی بالای جامعه میزبان (شیراز)، نسبت به مهاجران تأثیر گذار دانسته‌اند.

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

در بررسی تأثیر نوع مذهب شهروندان بر پذیرش اجتماعی (بالای پایین)، آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی، نتایج نشان داده است، رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین نوع مذهب شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها (بالای پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی مثبت می باشد در نتیجه بین نوع مذهب شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها (بالای پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه مستقیمی وجود دارد. این یافته‌ها هم سو می باشد با نتایج تحقیقات کشاورز قاسمی و (۱۳۹۷: ۲۸۹-۳۰۵)، وثوقی و محسنی (۱۳۹۵: ۲۷)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۵: ۱۵۰-۱۴۸)، کوکاک (۲۰۲۱: ۷۳۷). در جهان امروز عده زیادی از مردم به قصد بهبود شرایط زندگی روزمره خود، دست به مهاجرت می زنند. در بسیاری از موارد، فرد مهاجر در جامعه میزبان، با مواردی روبه‌رو می شود که ممکن است با فرهنگ جامعه خودش ناهمخوان باشد. در این صورت مجبور می شود در برابر رفتارها، کردارها و گفتارهای جامعه جدید واکنش هایی از خود نشان دهد و نسبت به پذیرش و عدم پذیرش آن‌ها مواضعی اختیار کند (میزایی، ۱۳۹۳). دینداری نیز به مثابه مجموعه ای از هنجارهای اجتماعی مثبت در جامعه میزبان، موجب تأیید بیشتر مهاجرین، پشتیبانی آن‌ها و پذیرش اجتماعی بهتر مهاجرین از سوی جامعه میزبان می شود. در واقع، پایبند بودن مهاجرین به مسائل معنوی و دینی موجب ترغیب جامعه میزبان در پذیرش اجتماعی مهاجرین می گردد. تحقیقات در این زمینه نشان داده اند، مهاجرین دارای نگرش های مذهبی قوی نسبت به کسانی که باورهای ضعیف تری دارند یا اصولاً به دین اعتقادی ندارند، امیدواری و خوش بینی بیشتری در زندگی شان دارند (میزایی، ۱۳۹۶: ۲۳۳-۲۵۷). از منظری دیگر، جهت گیری های دینی نیز می توانند، برون گرایانه و درون گرایانه باشند باشند (آلپورت، ۱۹۶۷). در نوع اول، مذهب برای اهداف غیرمذهبی مورد استفاده قرار می گیرد. چنانکه در محیط های شغلی مهاجرین (به دلیل پذیرش اجتماعی از سوی جامعه میزبان) ممکن است از مقید بودن به دین و برپایی مناسک دینی و مذهبی خود فاصله بگیرند. در نوع دوم، مذهب به عنوان انگیزه ای غالب در زندگی اجتماعی بروز می کند (دیزاتر، ۲۰۰۶). چنانکه جامعه مهاجران افغانستانی در ایران به دلیل دین مداری خود، مشارکت در مراسم دینی و فعالیت های مذهبی و حضور در گروه های معنوی، حس همبستگی و پشتیبانی را از سوی جامعه میزبان تقویت کرده و پذیرش اجتماعی خود را از سوی جامعه میزبان تقویت می کنند. کوکاک

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

(۲۰۲۱: ۷۳۷)، نشان داده‌است که دینداری و پایگاه اجتماعی اقتصادی با پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران خارجی مرتبط است.

در بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی شهروندان بر پذیرش اجتماعی آن‌ها (بالایا پایین) نسبت به مهاجران افغانستانی، نتایج نشان داده‌ست، رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین وضعیت اقتصادی شهروندان و پذیرش اجتماعی (بالایا پایین) آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی منفی می‌باشد در نتیجه بین وضعیت اقتصادی شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. این یافته‌ها، با نتایج تحقیقات کشاورز قاسمی و نادر پور (۱۳۹۷: ۲۸۹-۳۰۵)، وثوقی و محسنی (۱۳۹۵: ۱۸-۴)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۵: ۱۶۵-۱۴۳)، رایدگرن (۲۰۱۸: ۷۳۷-۷۶۵) هم‌سو می‌باشد. نیروی کار افغانستانی به‌دلیل ویژگی‌های روحی و بدنی و نیز شرایط زندگی در ایران، ضمن آنکه افرادی بسیار سخت‌کوش و اهل کار هستند، به نسبت ایرانی‌ها، دستمزدهای پائین‌تری طلب می‌کنند. انعطاف در برابر سختی کار، روحیه سخت‌کوشی و تلاش بالا، خستگی‌ناپذیری و قدرت بدنی، امانتداری در برابر کارفرما، رعایت اصول اخلاقی و رفتاری کار و بالاخره دستمزد پائین و برخورداری از یک زندگی ساده و کم‌هزینه، موجب شده تا امروز، به‌خصوص در شهرهای بزرگ، اکثر کارگران حوزه ساختمان، عمران، خدمات و نظافت شهری مهاجران افغانستانی باشند (زنگنه، ۱۳۹۸: ۱۷۷-۱۹۶). البته مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران، پیامدهای اقتصادی زیادی را در پی داشته‌است. از جمله تبعات منفی حضور غیرقانونی مهاجران افغانستانی در ایران، گسترش حاشیه‌نشینی در شهرهای مختلف است. از جمله دلایلی که باعث شده آن‌ها حاشیه شهرها را انتخاب کنند، وجود منازل مسکونی با اجاره بهای کمتر از نقاط مرکزی شهر، دور بودن از قوانین و مقررات سخت‌گیرانه حاکم در مرکز شهر، اشباع نقاط مرکزی شهر از جمعیت و غیره بوده‌است. اغلب این مهاجران به دلیل فقر به حاشیه‌نشینی روی می‌آورند که، این امر نه تنها سبب ایجاد چشم اندازهای نامناسب در شهرها می‌شود بلکه، امکانات بهداشتی، که در این مناطق در سطح بسیار پایینی است، برای خود مهاجران نیز مشکلات بسیاری ایجاد می‌کند (حاتمی، ۱۳۹۹: ۱۰۲-۷۷). در مورد پذیرش (بالایا پایین) مهاجران افغانستانی در ایران، دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. برخی از کارشناسان اقتصادی کشور، معتقدند که

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

اگر افغانستانی‌ها به کشور خویش بازگردند، کارگران بیکار ایرانی امکان پیدا کردن کار خواهند یافت. بر خلاف گروه اول، برخی از اقتصاددانان بر این عقیده‌اند که اگر کارگران ایرانی جایگزین کارگران افغانستانی شوند، هزینه تولید به شدت افزایش و تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی کاهش خواهد یافت. این گروه اظهار می‌دارند که خروج کارگران افغانستانی به کمبود نیروی کار ساده در کشور منجر خواهد شد (عیسی زاده و مهران فر، ۱۳۹۰: ۳۹-۵۷). رایدگرن (۲۰۱۸: ۷۳۷-۷۶۵). رابطه بین پذیرش اجتماعی، ادغام مهاجر و امکانات رفاهی در کشور میزبان را بررسی کردند و نشان دادند که تمایل شهروندان کشور میزبان نسبت به پذیرش اجتماعی مهاجران به طور مثبت با امکانات رفاهی در جامعه مقصد مرتبط است.

در بررسی تأثیر جرایم و آسیب‌های اجتماعی بر پذیرش اجتماعی (بالا یا پایین) شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی، نتایج نشان داده‌است، رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین جرایم و آسیب‌های اجتماعی و پذیرش اجتماعی شهروندان (بالا یا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی منفی می‌باشد در نتیجه بین جرایم و آسیب‌های اجتماعی و پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معکوس معناداری وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات نادرپور (۱۳۹۷)، وثوقی و محسنی (۱۳۹۵)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۵)، بوید (۲۰۲۱) هم‌سو می‌باشد. حضور مهاجران افغانستانی در ایران می‌تواند آثار منفی فراوانی در ابعاد مختلف، به همراه داشته باشد. مهاجرت بی‌رویه بیگانگان به خصوص اتباع افغانستانی، آن‌هم به شکل غیرقانونی و غیرمجاز، پیامدهای منفی عدیده‌ای مانند افزایش جرایم و آسیب‌های اجتماعی، به همراه داشته است. از مهم‌ترین تبعات آن آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی، ایجاد پدیده حاشیه نشینی، افزایش نرخ بیکاری، تغییر بافت جمعیتی، تولد فرزندان بی‌هویت، انتقال بیماری‌های واگیردار، اشاعه تفکرات خشونت طلبی و در نهایت به خطر افتادن سلامت جامعه می‌باشد (علی پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۹ - ۱۰۸). تحقیقات متعددی در زمینه پذیرش اجتماعی (بالا یا پایین) مهاجرین افغانستانی از سوی شهروندان ایرانی نشان داده‌اند که، حضور میلیون‌ها تبعه افغانستانی غیرمجاز در داخل کشور، پیامدها و تبعات امنیتی فراوانی برای ایران به همراه داشته است. که مهم‌ترین آن‌ها، ارتکاب جرم و آسیب‌های اجتماعی می‌باشد. کشاورز قاسمی و نادرپور

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

(۱۳۹۷: ۲۸۹ - ۳۰۵)، در پژوهشی با که عنوان «تبیین پیامدهای مهاجرت اتباع کشور افغانستان بر جامعه ایران (مطالعه موردی شهر قزوین)» انجام داده‌اند، نشان داده‌اند که، مهاجرت در جهان امروز گسترش یافته و تبعات مثبت و منفی فراوانی دارد. بوید (۲۰۲۱)، نشان داده‌است که تفاوت در تمایلات بومیان برای پذیرش اجتماعی از گروه‌های مهاجران عامل تعیین‌کننده‌ای در جداسازی سکونتی گروه‌های مهاجر و شهروندان جامعه میزبان است.

در بررسی تأثیر احساس امنیت بر پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی، نتایج نشان داده‌است، رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین احساس امنیت و پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی منفی می‌باشد در نتیجه بین احساس امنیت و پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات کشاورز قاسمی و نادرپور (۱۳۹۷)، بوید (۲۰۲۱)، هم‌سو می‌باشد. یکی از مفاهیم با اهمیت و پیچیده و جدید در دنیای امروز موضوع و مفهوم امنیت است. مقوله امنیت همواره با مباحث مربوط به مهاجران گره خورده‌است. در سطح کلان ارتباط مهاجران افغانستانی با داعش و طالبان به عنوان یک تهدید امنیتی برای کشور بازنمایی می‌شود و در سطح رسانه و افکار عمومی نیز حضور مهاجران با جرم و جنایت پیوند خورده‌است. مهاجرت‌های بی‌رویه اتباع بیگانه (به ویژه افغانستانی‌ها) به داخل کشور ایران، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که، اخیراً، امنیت (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و ملی) کشور ایران را درگیر خود ساخته‌است. ورود مهاجرین به ایران باعث شده تحولات مختلفی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، هم برای مهاجرین و هم جامعه میزبان ایجاد شود و در کنار امکانات ارائه شده و تحولات انجام شده در طی چند دهه در ایران، دیدگاه‌های مثبت و منفی گوناگونی برای پذیرش و اقامت (بالایا پایین) این مهاجرین وجود داشته‌است. مهم این است که با وجود تعداد زیاد مهاجران از کشورهای همسایه، به خصوص افغانستان و مدت طولانی اقامت آنان، جامعه ایرانی تا چه حد پذیرای آنان بوده‌است. در کنار روندهای کلان ساختاری که موقعیت فرودست افغانستانی‌ها را تثبیت کرده قدم‌هایی برای پذیرش این جمعیت نیز برداشته شده‌است. امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع، سرمایه و بازارهای مصرف لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

رفاه و قدرت اقتصادی (احمدی، ۱۳۸۴). تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است که در ذیل به مواردی از آن‌ها اشاره شده است. کشاورز قاسمی و نادرپور (۱۳۹۷)، در پژوهشی که در این زمینه انجام داده اند، نتیجه گرفته اند، شهروندان قزوین با ۷۷/۶۶ درصد میانگین پاسخ های منفی، پذیرش مطلوبی نسبت به افغان‌ها به لحاظ امنیتی ندارند. بوید (۲۰۲۱)، نشان داده است که تفاوت در تمایلات بومیان برای پذیرش اجتماعی (بالا یا پایین)، از گروه های مهاجران عامل تعیین کننده ای در جداسازی سکونت گزین است. به همین دلیل این پدیده در علوم مختلف انسانی و اجتماعی به عنوان مسأله ای مهم، مطرح است. زیرا مهاجران با محیط هایی مواجه می شوند که از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با محیط زندگی قبلی آنان تفاوت دارد، به طوری که آن‌ها مجبور به پذیرش تغییرات زیادی در رفتار، کردار و گفتار خود برای حفظ سازگاری هستند. این موضوع یک طرفه نبوده و مهاجران نیز بر فرهنگ کلی جامعه جدید تأثیر گذار هستند، همواره حضور مهاجران در کشورهای مختلف منجر به بروز پیامدهای مثبت و منفی در آن کشور خواهد شد. از آنجا که امکان حذف مهاجران یا حذف تأثیرات منفی آنان وجود ندارد پس باید با ارائه راهکارهایی مناسب در جهت پذیرش اجتماعی بالای مهاجران و داشتن نگرشی مثبت نسبت به آن‌ها از سوی شهروندانف گامی برداریم. در همین راستا پیشنهاداتی ارائه می گردد: با توجه به اینکه مطالعه حاضر مقطعی بوده است، انجام مطالعات دقیقی (به صورت طولی) از وضعیت مهاجرین خارجی از نظر سن، جنس، میزان سواد، امکانات اقتصادی، آموزش، مشاغل، وضعیت مالی و فامیلی آن‌ها، قومیت، زبان، مذهب، گرایشات سیاسی، سوابق مبارزاتی آن‌ها در کشورشان و وابستگی حزبی، انحرافات اجتماعی، درصد جرم و جنایت و حتی نوع جرم و جنایت آنان انجام شود. آموزش در جهت تغییر باورهای فرهنگی و کلیشه ای ذهنی نسبت به مهاجران در جهت پذیرش اجتماعی مهاجران، و با استناد به یافته های تحقیق حاضر، می تواند از جمله راهکارهای اصلی برای کاهش تضاد میان مهاجران و ایرانیان باشد. انجام تحقیق طولی و در جامعه آماری گسترده، در سطح کشوری با توجه به محدود بودن جامعه آماری به مهاجران افغانستانی بالای ۱۸ سال در شهر شیراز. ایجاد بسترهای مناسب برای آموزش مسئولیت اجتماعی و مهارت های زندگی که موجب افزایش انگیزه و همبستگی مهاجرین و پذیرش اجتماعی آنان

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

از سوی جامعه میزبان شده و در همین راستا بسیاری از مشکلات مهاجرین به دست خودشان حل شود. فرهنگ مبارزه با تبعیض نژادی و ملیت در جهت پذیرش اجتماعی مهاجران، با استناد به یافته‌های تحقیق حاضر، به‌طور جدی به افراد از دوران کودکی آموزش داده‌شود.

منابع

- احمدی، محمد رضا. (1384)، فرهنگ، قدرت و امنیت ملی، نشریه مریبان، 5(16)، 113-139.
- اصلانی، مجتبی. (1393)، بررسی روند مهاجرت در جمهوری اسلامی ایران طی سه دهه اخیر و تأثیر آن بر امنیت ملی با تأکید بر مهاجرت داخلی تهران، فصلنامه جمعیت، 55 و 56، 45-82.
- ایراندوست، کیومرث؛ بوچانی، محمدحسین؛ تولایی، روح‌الله. (1393)، تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی با تأکید بر مهاجرت‌های شهری، فصلنامه مطالعات شهری، 2(6)، 105-118.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ رجبی سناجریدی، حسین. (1392)، نظمی‌های شهر و پیرامون، تهران، انتشارات سمت.
- حاتمی، محمدرضا. (1400)، «سیاست گذاری مطلوب مهاجرت و حضور مهاجرین افغان در ج.ا.ا»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان/اسلام، 11(1)، 1-17.
- روحانی، علی؛ انبارلو، مسعود. (1397)، کاوش فرایندهای اجتماعی شکل‌گیری عواطف جوانان از بازار اشتغال افغان‌های مقیم 102-شیراز. مسائل اجتماعی ایران، 9(2)، 77-102.
- زنگنه شهرکی، سعید؛ گلین شریف‌آدینی، جواد؛ حسن زاده، داود و سالاری مقدم، زهرا. (1393)، تحلیل فضایی کیفیت زندگی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی منطقه کلان شهری تهران (مطالعه موردی: اسلام آباد، صالح آباد) فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، 46(1)، 177-196.
- شاطریان، محسن؛ عسکری کویری، اسما؛ فخری، فاطمه. (1395)، مطالعه و بررسی نگرش مردم شهر آران و بیدگل نسبت به مهاجران افغانی ساکن در بافت‌های فرسوده، همایش ملی بافت‌های فرسوده و تاریخی شهری: چالش‌ها و راهکارها.
- شاطریان، محسن؛ گنجی پور، محمود. (1389)، تأثیر مهاجرت افغان‌ها بر شرایط اقتصادی و اجتماعی شهر کاشان، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، 2(3)، 83-102.
- شاطریان، محسن؛ نظری، حامد؛ امام زاده علی، حسین. (1395)، بررسی رابطه ارزش‌های فرهنگی و نگرش نسبت به مهارت افغانستانی (مورد مطالعه: شهروندان هجده سال به بالا شهر کاشان) مطالعات میان فرهنگی، 11(29)، 143-165.
- عزیزی، حسین. (1397)، بررسی تأثیرات حضور اتباع بیگانه در امنیت کشور با تأکید بر اتباع افغانی، نشریه جغرافیا و روابط انسانی، 1(3)، 171-190.
- عسکری، محسن. (1390)، بررسی نظری مفهوم پذیرش اجتماعی به کمک نظریه‌های تحلیل رفتار، اولین همایش بین‌المللی دوجرخه شهری، تهران.

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

- عسکری ندوشن، عباس؛ شمس، فریده؛ زندی، لیلا؛ رضایی، محمد رضا. (1391)، گذری بر جریان های اخیر مهاجرت، در استان یزد، فصلنامه ی فرهنگ یزد، 1(1)، 83-104.
- علاءالدینی، پویا؛ میرزایی، آمنه. (1397)، ادغام مهاجران افغانستانی در نواحی شهری ایران: مطالعه موردی محله هرنندی در تهران، پژوهش های انسان شناسی ایران، 8(1)، 7-25.
- عیسی زاده، سعید؛ مهران فر، جهانبخش؛ مهرانفر، مهدی. (1390)، بررسی ارتباط میان جرم و شاخص های کلیدی اقتصاد کلان در ایران، مجله علمی ترویجی راهبرد توسعه، 8(29)، 39-57.
- علی پور، عباس؛ سعادت جعفر آبادی، حسن؛ دهقانی فیروز آبادی، جلیل. (1396)، شناخت و تحلیل پیامدهای امنیتی ناشی از حضور اتباع بیگانه افغانی در کشور، پژوهش نامه جغرافیایی انتظامی، 5(18)، 79-108.
- فرمانفرمای، تکت؛ و جعفرزاده، پریسا. (1398)، نقش سینمای ایران در پذیرش مهاجران افغانستانی، مجله مطالعات مدیریت شهری، 46(14)، 75-88.
- کشاوری قاسمی، حسین؛ نادرپور، بابک. (1397)، تبیین پیامدهای مهاجرت اتباع کشور افغانستان بر جامعه ایران (مطالعه موردی شهر قزوین)، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، 8(4)، 289-305.
- لطفی، محمود رضا؛ جهان تیغ، حسنعلی. (1393)، سکونت گزینی افغانه بر توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاهای مرزی سیستان، فصلنامه علمی پژوهشی آمایش سرزمین، 6(2)، 309-333.
- لطفی، حیدر؛ ندافی، کیوان. (1395)، بررسی اثرات اقتصادی مهاجرت افغان ها به شهرستان گرمسار، دومین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری.
- محرابی شاتوری، محمدرضا. (1393)، جامعه شناسی مهاجرت نوشته محمدرضا محرابی شاتوری، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان. نشریه احیا، 49.
- میرزایی، حسین. (1392)، انسان شناسی قومی-زبانی مهاجرین هزاره در ایران، مجله پژوهش های انسان شناسی ایران، 3(2)، 123-144.
- نوربخش، یونس؛ حیدر خانی، هابیل، محمدی، اصغر. (1396)، بررسی ارتباط بین حمایت اجتماعی و سلامت اجتماعی جوانان مناطق حاشیه نشین شهر کرمانشاه، بررسی مسائل اجتماعی ایران، 8(2)، 233-257.
- و ثوقی، فاطمه؛ محسنی، محمدرضا. (1395)، بررسی نگرش شهروندان مشهدی نسبت به مهاجرین خارجی مقیم مشهد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، 31(2)، 18-40.

Alport, Gordon (1954). the Nature of Prejudice. New York : Addison -Wesley.
Allport, G.W & Ross M. J. Jr. (1967). "Personal Religious Orientation and Prejudice",
Journal of Personality and Social Psychology, pp. 432-443.

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

- Allport, F. H. (1954). The structuring of events: outline of a general theory with applications to psychology. *Psychological Review*, 61(5), 281–303.
- Askari-Nodoushan, A., Ruhani, A., & Ghoroghchian, Z. (2019). Patriarchal contexts of female early marriage among afghan migrants in the city of Yazd. *Journal of Iranian Social Studies*, 13(4), 78-110. [In Persian].
- Askari-Nodoushan, A., Shams-Ghahfarokhi, F., Zandy, L., & Rezaei, M. R. (2019). Demographic perspective on the recent migration follows in Yazd province. *Culture of Yazd*, 1(1), 83-104. [In Persian].
- Boyd, R. L. (2021). Social distance reexamined: european ancestry groups in the early twentieth century united states. *Sociological Inquiry*, 91(3), 559-577
- Koc, Y., & Anderson, J.R. (2018). Social distance toward syrian refugees: The role of intergroup anxiety in facilitating positive relations. *Journal of Social Issues*, 74(4), 790-811.
- Koçak, O. (2021). The effects of religiosity and socioeconomic status on social distance towards refugees and the serial mediating role of satisfaction with life and perceived threat. *Religions*, 12(9), 737.
- Rydgren, J. (2008). Immigration sceptics, xenophobes or racists? Radical right wing voting in six West European countries. *European Journal of Political Research*, 47(6), 737-765.

Explaining the cultural and social indicators affecting tourism development in the industrial city of Asaluyeh

Hossein Ahmadi 0000-0009=2348-2549 

PhD Candidate, Department of Sociology, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

Gholamreza Jafarinia¹ 0000-0002-4858-1399 

Associate Professor, Department of Sociology, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

Ali Shams al-Dini 0000-0001-9757-4331 

Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Shiraz Branch, Azad Islamic Institute, Shiraz, Iran

Abstract:

In this study, the local cultural and social indicators of the Asaluyeh region will be discussed, as well as those that are effective in developing tourism. The data collection method is a survey. The data collection tool is a randomly distributed questionnaire among the participants. The statistical population in this study includes all tourism experts in the city of Asaluyeh, hoteliers, tourists in the town of Asaluyeh, etc. The age range is from 18 to 60 years old, 5742 people, and the sample size is 360 people, considering the statistical population by simple probability. In this study, the questionnaire on cultural dimensions of tourism development by Javadian (2013) and the questionnaire on social dimensions of tourism development by Benta et al. (2012) and Sharpley and Telfer (2012) were used. The validity of the questionnaires was determined through convergent validity, and the reliability of the questionnaires was determined using Cronbach's alpha, which was more than 7. The research hypotheses were tested using SPSS 26 and Smart PLS 4 software. The results showed that cultural indicators, including language, customs and festivals, literature and mythical figures, architecture, ethnic diversity, religions and rituals, tourism development and strengthening, and social indicators, including quality of life, facilities and amenities, local community participation, crowding and congestion, responsibility, social solidarity, social resilience, social support, and institutional trust have a significant impact on the development and strengthening of the tourism industry in the city of Asaluyeh, and the rate of this effectiveness is 87.8 percent. All dimensions of development are affected by the cultural and social dimensions of the present study. The main question of this research: What cultural and social factors are effective in the growth or decline of tourism in Asaluyeh? Tourism development in Asaluyeh is considered an effective factor in combating poverty, leading to economic prosperity and, as a result, improving the quality of life of people and increasing social welfare. It also familiarizes other communities with the culture and values of Asaluyeh. Good cultural and social communication and relationships are established.

Keywords: Culture, Society, Development, Sustainable Tourism Development, Asaluyeh

¹ Corresponding Author: Jafarinia_reza@yahoo.com

تبیین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری در شهر صنعتی عسلویه

تبیین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری در شهر صنعتی

عسلویه

حسین احمدی

دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

غلامرضا جعفری نیا^۲

دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

علی شمس‌الدینی

دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۰/۲

چکیده

این پژوهش به آن‌دسته از شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی بومی منطقه عسلویه می‌پردازد که، در توسعه گردشگری آن مؤثر هستند. روش پژوهش پیمایشی ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است که، بین مشارکت‌کنندگان به صورت تصادفی پخش شد. جامعه آماری شامل کل کارشناسان حوزه گردشگری شهر عسلویه، هتلداران، گردشگران شهر عسلویه و غیره بود. دامنه سنی از ۱۸ تا ۶۰ سال، برابر با ۵۷۴۲ نفر، می‌باشد که حجم نمونه برابر با ۳۶۰ نفر به صورت احتمالی ساده به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند. در پژوهش از پرسشنامه ابعاد فرهنگی توسعه گردشگری جوادیان (۱۳۹۲) و پرسشنامه ابعاد اجتماعی توسعه گردشگری بنتا و همکاران (۳۰۱۲) و شارپلی و تلفر (۱۳۹۱) استفاده شد. روایی پرسشنامه‌ها از طریق روایی همگرا و پایایی از طریق آلفای کرونباخ تعیین شد که بیشتر از ۰.۷ بود. آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از نرم افزارهای SPSS ۲۶ و Smart PLS 4 انجام شد و نتایج نشان داد که شاخص‌های فرهنگی شامل: زبان، آداب و رسوم و اعیاد، ادبیات و شخصیت‌های اسطوره‌ای، معماری، تنوع قومی، ادیان و آیین‌ها، توسعه و تقویت گردشگری و شاخص‌های اجتماعی شامل: کیفیت زندگی، امکانات و تسهیلات، مشارکت-پذیری جامعه محلی، ازدحام و شلوغی، مسئولیت‌پذیری، همبستگی اجتماعی، تاب‌آوری اجتماعی، حمایت اجتماعی، اعتماد نهادی بر توسعه و تقویت صنعت گردشگری در شهر عسلویه تأثیر معناداری دارند و میزان این اثر بخشی برابر با ۸۷.۸ درصد است. تمامی ابعاد توسعه تحت تأثیر ابعاد فرهنگی و اجتماعی می‌باشد. توسعه گردشگری در عسلویه عامل مؤثری برای مقابله با فقر محسوب می‌شود و موجب رونق اقتصادی و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی مردم و افزایش رفاه اجتماعی می‌شود. هم چنین باعث آشنایی دیگر جوامع با فرهنگ و ارزش‌های عسلویه می‌شود. ارتباط و روابط فرهنگی و اجتماعی خوبی پیدا می‌شود.

کلید واژه‌ها: فرهنگ، اجتماع، توسعه، توسعه پایدار گردشگری، شهر عسلویه.

مقدمه و بیان مسأله

صنعت گردشگری از صنایع پردرآمد برای اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. رونق گردشگری در یک کشور نشان دهنده ثبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن است. سیاست‌های یک کشور در مقیاس ملی و جهانی بر عرضه و تقاضای گردشگری آن کشور مؤثر است تا با حفظ فرهنگ و چگونگی محافظت از فرهنگ محلی و چشم‌اندازهای طبیعی آگاه شوند (اکبرپور و اربابی، ۱۳۹۴). گردشگری پدیده‌ای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی و سیاسی است. این پدیده باعث به وجود آمدن جریان مالی در اجتماع و مکان‌های مختلف می‌شود. گردشگری تأثیر مثبتی بر اقتصاد، جامعه، فرهنگ و محیط زیست دارد. از جمله سهم آن در تولید ناخالص داخلی، بهبود زیرساخت‌ها، حفاظت و بازسازی فرهنگ و افزایش آگاهی محیط زیستی است (رضایی عارف و همکاران، ۱۴۰۳). امروزه جایگاه صنعت گردشگری به جایی رسیده است که به عنوان بزرگ‌ترین صنعت خدماتی جهان محسوب می‌شود و در بسیاری از کشورهای جهان، این صنعت، منبع اصلی درآمد ارزی، اشتغال‌زایی، رشد اجتماعی و فرهنگی، افزایش سطح رفاه، عرصه‌ای برای رشد بخش خصوصی و وسیله‌ای برای توسعه ساختار زیربنایی می‌باشد. در بسیاری از کشورهای جهان که به توسعه گردشگری پرداخته اند، تأثیرات در خور توجهی بر اقتصاد مشاهده می‌شود. از طرفی این صنعت می‌تواند در توسعه منطقه‌ای نیز نقشی مؤثر ایفا کند (امیدزاده و همکاران، ۱۴۰۲). این صنعت پس از صنایع خودروسازی، ساختمان و غذایی، چهارمین صنعت برتر جهان می‌باشد. بنا بر گزارش سازمان جهانی گردشگری می‌توان گفت صنعت گردشگری در حال تبدیل شدن به بزرگ‌ترین و پردرآمدترین صنعت جهان می‌باشد. این صنعت در حال حاضر ۱۱ درصد از تولید ناخالص، ۱۰ درصد از اشتغال، ۵ درصد از صادرات و ۵ درصد از سرمایه‌گذاری جهانی را به خود اختصاص داده است (قره‌قول، ۱۳۹۹: ۵۸). روابط صنعتی و تضادهای کارگری، از پدیده‌های مهم اداره اجتماعات دوره معاصر است که باید مورد توجه عموم برنامه‌ریزان و مسئولان اداره امور هر جامعه قرار گیرد. از آنجایی که کارگران، از مهم‌ترین کنشگران بخش صنعت اقتصاد هستند، توجه به روابط آن‌ها با سایر کنشگران صنعتی، می‌تواند نقش به‌سزایی در درک تغییرات کلان جامعه

تبیین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری در شهر صنعتی عسلویه

داشته باشد (جلالی، ۱۴۰۳). این صنعت علاوه بر ایجاد سلسله فعالیت‌های جدید در کشور و اشتغال‌زایی مستقیم، سایر بخش‌های اقتصادی را هم تحت تأثیر قرار داده و بخش‌هایی مانند حمل و نقل، تولید و توزیع مواد غذایی، سوخت و انرژی، صنایع دستی و صنعت ساختمان را رونق بخشد. وجود پتانسیل‌های گردشگری در کشورها به معنی جذب درآمدهای ارزی بوده و از این رو مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است. در این میان، کشورهایی که تولیدات صنعتی مطلوبی برای صادرات نداشته و از سویی به منابعی مانند نفت جهت کسب درآمدهای ارزی دسترسی نداشته‌اند توجه بیشتری به این صنعت نموده‌اند (مؤمنی و صالیان، ۱۳۹۰: ۱۶۸). گردشگری به مثابه صنعتی مؤثر و تأثیرگذار بر جوامع توانسته است توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به خود جلب کند (امیدزاده و همکاران، ۱۴۰۲). پژوهشگران و مسئولان گردشگری عسلویه به این نتیجه و این پرسش اساسی رسیده‌اند که چه شاخص‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی در عسلویه باید تقویت شود و بهبود یابد تا گردشگری در این منطقه رشد بیشتر و بهتری داشته باشد؟

صنعت گردشگری فرصت‌های جدیدی را برای بسیاری از کشورها، شهرها و مناطق شهری و روستایی و فرصت‌های شغلی متعددی را برای کارآفرینان محلی ایجاد می‌کند (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۳). فرصت‌هایی همانند هتل‌سازی و ساخت و گسترش انواع غذاخوری، رونق کافه‌ها، درمانگاه و مراکز بهداشتی درمانی، خدمات پزشکی، پرداختن و تعمیر کارهای زیربنایی و زیرساخت‌هایی مثل جاده‌ها، خیابان‌ها، کوچه‌ها و معابر، ساختارهایی مثل آب، برق، تلفن، گاز و غیره وضعیت بهتری پیدا می‌کنند. تورگردان‌ها و تورلیدرها رشد می‌کنند و اطلاعات خود را افزایش می‌دهند. پایانه‌های مسافربری، فرودگاه و اسکله‌ها وضعیت بهتری پیدا می‌کنند و خدمات بهتری ارائه می‌کنند. مدیران بخش خصوصی باید بدانند که نقش آن‌ها در رونق گردشگری مانند اماکن مقدسه در رونق اماکن مقدسه است یعنی آن‌ها باید بدانند با تمام قدرت به معرفی و تبلیغ جاذبه‌های گردشگری کشور بپردازند. بی‌برنامه بودن بخش خصوصی به دلیل سختی برنامه‌ریزی نیست، بلکه به دلیل فقدان هماهنگی بین اجزای مختلف بخش خصوصی است و این که نوگرا نیستند (علیپور و گلپور، ۱۳۹۸: ۱۴).

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

رقابت میان شهرها، به عنوان مقاصد گردشگری، شهرها را ناگزیر به یافتن راهکارهایی برای متمایز شدن این موضوع از سایر شهرها و مقاصد کرده‌است (اقبال مقدم و همکاران، ۱۴۰۳). اشتغال زایی این صنعت به گونه‌ای است که هم کارگران ساده بدون مهارت و هم صاحبان مهارت‌های گوناگون می‌توانند در این صنعت مشغول به کار شوند (نادری دوست و شجاعی باغینی، ۱۴۰۱). وجود شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی هر منطقه بر روی گردشگری تأثیر به سزایی دارد. برخی پیشرفت‌ها و یا موانع در صنعت گردشگری آن منطقه به وجود آورد. آشنایی با روش گردشگری و مسائل مهم آن و این که بتوانیم بهترین نوع گردشگری داشته باشیم که از دنیای نو عقب نباشد نیاز به علم افزایی و مطالعه و رشته‌های دانشگاهی دارد که در کنار دیگر رشته‌های مرتبط با آن می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت گردشگری باشد. به عبارتی گردشگری در کنار سایر شغل‌ها ارزش و اعتبار پیدا می‌کند (حسن زاده، ۱۳۹۴: ۴۱). توسعه پایدار و گردشگری سبز تنها به معنای نجات منابع اکو توریستی نیست، بلکه عنوان نجات جهان مطرح است. توسعه گردشگری پایدار شهری، از یک سو بهبود کیفیت زندگی شهروندان، جذب گردشگران و افزایش درآمد شهری را هدف می‌گیرد و از سوی دیگر، محیط زیست را در تداوم و ارتقای پایداری بهره‌برداری گردشگری حفظ می‌کند (کریمی و همکاران، ۱۴۰۳). در پژوهش حاضر سعی شده‌است با رویکردی متفاوت به بحث گردشگری در نواحی صنعتی پرداخته شود. در این تحقیق به شاخص‌های فرهنگی شامل: زبان، آداب و رسوم و اعیاد، ادبیات و شخصیت‌های اسطوره‌ای، معماری، تنوع قومی، ادیان و آیین‌ها، توسعه و تقویت گردشگری و شاخص‌های اجتماعی شامل: کیفیت زندگی، امکانات و تسهیلات، مشارکت پذیری جامعه محلی، ازدحام و شلوغی، مسئولیت پذیری، همبستگی اجتماعی، تاب‌آوری اجتماعی، حمایت اجتماعی و اعتماد نهادی مؤثر بر توسعه گردشگری در عسلویه پرداخته شده‌است.

شهرستان عسلویه از شمال با شهرستان مهر استان فارس، از شرق با شهرستان پارسیان استان هرمزگان، از غرب با شهرستان کنگان و از جنوب با خلیج فارس همسایه است. عسلویه یک شهر بندری و مرکز شهرستان عسلویه از توابع استان بوشهر در جنوب ایران و در کرانه خلیج فارس است. این بندر تا مرکز استان (بندر بوشهر) ۲۹۰ کیلومتر فاصله دارد. منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در گستره جغرافیایی

تبیین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری در شهر صنعتی عسلویه

شهرستان عسلویه قرار دارد و حدود ۱۰۵ کیلومتر از میدان گازی پارس جنوبی که در میان خلیج فارس واقع شده (دنباله حوزه گنبد شمالی قطر) فاصله دارد. محدوده منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس براساس مصوبه هیئت وزیران و شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی به این شرح تعیین گردیده است: از غرب به روستای شیرینو، از جنوب به خلیج فارس، از شمال به دامنه ادامه سلسله جبال زاگرس و بخش اسیر شهرستان مهر و از شرق به روستای چاه مبارک. این محدوده طبق مصوبه هیئت وزیران ۱۰۰۰۰ هکتار بوده که براساس استانداردها تفکیک می‌گردد. این منطقه در شرق استان بوشهر در حاشیه خلیج فارس در ۳۰۰ کیلومتری شرق بندر بوشهر و در ۴۲۰ کیلومتری غرب بندر لنگه و در ۵۷۰ کیلومتری غرب بندرعباس واقع است و حدود ۱۰۰ کیلومتر با حوزه گاز پارس جنوبی که در میان خلیج فارس واقع شده (دنباله حوزه گنبد شمالی قطر) فاصله دارد.

طبق سرشماری رسمی سال ۱۳۹۵ جمعیت شهر عسلویه ۱۳۴۷۶ نفر بود. مذهب مردمان این شهر شیعه و سنی می‌باشد. زبان بومیان عربی می‌باشد. یکی از آثار دیدنی شهرستان عسلویه، آسیاب آبی قدیمی است که در فهرست آثار ملی نیز ثبت شده است. موزه مردم‌شناسی، سواحل تفریحی و نخلستان‌های زیبا از دیگر دیدنی‌های عسلویه هستند. (<https://fa.wikipedia.org/wiki>)

پیشینه پژوهش داخلی

فروزش و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان تدوین برنامه مدیریت استراتژیک گردشگری جزیره هرمز در میان راهبردهای تدافعی، راهبرد تعیین قواعد برای خرید و فروش، جلوگیری از راه‌اندازی مشاغل مرتبط با گردشگری توسط افراد غیربومی، در جهت حمایت از جامعه محلی و جلوگیری از خارج شدن سرمایه از جزیره هرمز اولویت‌های اول مدیریتی و ایجاد سامانه الکترونیکی برای ثبت ورود و خروج طبیعت گردان به سواحل بکر با هدف کم کردن آسیب‌های وارده به اکوسیستم‌ها و تشویق گردشگران به استفاده از اقامت گاه‌های بوم گردی برای حمایت از جامعه محلی راهبردهای دوم مدیریت منطقه برای گردشگری هستند.

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

پرمایه و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری شهر لاهیجان یافته‌ها و نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که جاذبه‌های طبیعی، جاذبه‌های تاریخی، وجود امنیت کافی در شهر لاهیجان به ترتیب مهم‌ترین عوامل مؤثر بر جذب گردشگری در این شهر است.

پیشینه پژوهش خارجی

رامکایسون (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی اثرات اجتماعی درک شده گردشگری و کیفیت زندگی: یک مدل مفهومی جدید پرداخت. نتایج نشان داد تأثیرات اجتماعی ادراک شده ساکنان از گردشگری تأثیر مستقیمی بر اعتماد بین فردی ساکنان دارد. همچنین بیان می‌کند که تأثیرات اجتماعی ادراک شده ساکنان از گردشگری و اعتماد بین فردی آن‌ها تأثیر مستقیمی بر دل‌بستگی به مکان ساکنان دارد. مدل پیشنهادی علاوه بر این، دل‌بستگی به مکان را برای اعمال تأثیر مستقیم بر نیت رفتاری طرفدار اجتماعی و محیطی ساکنان در نظر می‌گیرد. رفتار طرفدار اجتماعی برای تأثیرگذاری بر رفتار طرفدار محیط‌زیست پیشنهاد شده است. رفتارهای طرفدار اجتماعی و محیطی بیشتر برای تأثیرگذاری بر حمایت ساکنان از توسعه گردشگری پیشنهاد شده است. سپس این چارچوب حمایت ساکنان از توسعه گردشگری را برای اعمال تأثیر مستقیم بر کیفیت زندگی کلی ساکنان در نظر می‌گیرد. مشارکت‌های نظری، مفاهیم عملی برای گردشگری جامعه و گردشگری پایدار به طور کلی مورد بحث قرار می‌گیرد.

گاسپارینی و ماریوتی (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی شاخص‌های گردشگری پایدار به عنوان ابزار سیاست‌گذاری پرداختند. نتیجه می‌گیریم که تاکنون شاخص‌های گردشگری پایدار توسعه‌یافته در کاربرد ابزاری و نمادین محدودی داشته‌اند، در حالی که نقش مفهومی آن‌ها، مربوط به فرآیند یادگیری اجتماعی ناشی از اجرای آن‌ها، می‌تواند پیش‌شرطی برای ظهور نقش‌های دیگر در نظر گرفته شود. علاوه بر این، نقش شاخص‌ها در سیاست‌گذاری ارتباط تنگاتنگی با بافت حاکمیتی خاص، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از آن دارد.

مبانی نظری پژوهش

طی چند دهه اخیر شاهد رشد چشمگیر صنعت گردشگری، به‌ویژه در اروپا، بوده‌ایم و سفرهای بین‌المللی برای تعطیلات کوتاه بسیار مرسوم شده‌است. گردشگران از درآمد بیشتر و اوقات فراغت

تبیین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری در شهر صنعتی عسلویه

بیشتری برخوردار شده‌اند. همچنین از سطح تحصیلات و ذائقه‌های متنوع بیشتری هم بهره می‌گیرند؛ لذا امروزه بیش از هر زمان دیگری در پی کیفیت برتر هستند. همچنین تغییراتی در سبک زندگی ایجاد شده که تعاریف فعلی گردشگری را زیر سؤال برده‌اند. امروزه خرید انواع محصولات گردشگری از طریق اینترنت صورت می‌گیرد. برخی از سایت‌های اینترنتی تخفیف‌های زیادی را برای این محصولات در نظر گرفته‌اند که با هدف جلب مشتری صورت می‌گیرد. چرا که با سایر مراکز تفاوت‌های زیادی دارند. ساخت و ساز و تخریب طبیعت نیز اغلب می‌تواند جلوه‌های زیبایی مناطق مذکور را تغییر داده و کاهش گردشگر را سبب شود. این وضعیت در کاستا براوا در اسپانیا طی دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ کاملاً مشهود بوده‌است (ابراهیمیان واقع نژاد، ۱۴۰۲: ۱۰).

امروزه تنها ۱ درصد از منطقه عسلویه و فضای سبز آن دست نخورده باقی مانده‌است که این امر باعث ایجاد بحران در جذب گردشگر در این منطقه شده‌است. گردشگری پایدار با وقوف مردم نسبت به اثرات چشمگیر این صنعت بر جوامع شهرت بیشتری پیدا می‌کند. گردشگری در حال حاضر در کشورهای در حال توسعه روبه رشد نهاده و به‌ویژه در فعالیتهای اقتصادی آن‌ها اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و از عناصر اصلی درآمد ناخالص ملی محسوب می‌شود. در سالیان اخیر تعطیلات دوم یا همان تعطیلات رسمی در میان قشرها مردم از جمله درآمدزایی بیشتر بسیار مورد توجه قرار گرفته‌است. ترکیبات خاص در بسته‌های (پکیج‌های) گردشگری و مراکز عرضه این خدمات مثل مراکز اسکی که در پایان هفته مورد توجه قرار می‌گیرند یا در ایام تعطیل پایان هفته به پارک ملی یا شهری زیبا می‌روند به این درآمدزایی کمک کرده‌است. در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۴ در اثر واقعه سونامی که به علت زمین‌لرزه شدید اقیانوس هند در گرفت و مرز کشورهای آسیایی این اقیانوس و مالدیو را درنوردید هزاران تن ناپدید شدند و بسیاری از گردشگران جان باختند. این واقعه و عملیات پاک‌سازی این مناطق سبب شد تا در صنعت گردشگری در منطقه به شدت آسیب ببیند. اخیراً بعضی از شرکت‌های ایرانی اقدام به ارائه خدمات راهنمایی و پرداخت تورهای گردشگری و مکان‌های تفریحی خارجی را در ایران انجام می‌دهند (ابراهیمیان واقع نژاد، ۱۴۰۲: ۱۱).

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

امروزه گردشگری به‌عنوان یکی از پدیده‌های منتج از نقش انسان از دیدگاه علوم مختلف نظیر جغرافیا اقتصاد، جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به همین دلیل تاکنون تعاریف متعددی از گردشگری با توجه به موضع دیدگاهی هر یک از شاخه‌های علوم نامبرده صورت گرفته‌است که برخی از آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. گردشگری، به علت خاصیت بین رشته‌ای خود قابلیت نگرش‌های متفاوتی دارد که خود سبب ارائه‌ی تعاریف بسیاری از آن به زبان‌های متفاوت شده‌است. گردشگری به مجموعه‌ی فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که در طول مسافرت یک گردشگر اتفاق می‌افتد و شامل هر فعالیتی از قبیل: برنامه‌ریزی سفر، مسافرت به مقصد، اقامت، بازگشت و یا حتی یادآوری خاطرات سفر است (شاطری و ملاقاسمی، ۱۴۰۲: ۷).

چارچوب نظری

گردشگری به دلیل حوزه‌های وسیع و قابلیت‌های متنوع و متعدد موجود در آن رهیافت نوین منبع درآمد به شمار می‌آید که در نتیجه موجب اشتغال‌زایی و توسعه زیربنایی در مناطق مستعد می‌شود (میرزاده کوهشاهی و همکاران، ۱۴۰۳). گردشگری امروزه در اشکال مختلف خود بیشتر مناطق به ویژه شهرها و روستاهای گردشگر پذیر را تحت تأثیر مستقیم خود قرار داده‌است (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۴۰۰: ۷۴). ارتقاء بخش خدمات و اشتغال‌زایی در بخش گردشگری علاوه بر ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ابعاد مختلف بخشی از پایداری اجتماعی را به عنوان نوعی از گذران اوقات فراغت به همراه دارد. گردشگری با همه تأثیرات مفید خود در حیطه‌های مختلف، از شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی تأثیر پذیر است. کشور ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای برتر در زمینه داشتن جاذبه‌های گردشگری با دارا بودن شاخص‌های فرهنگی متنوع و بومی و همچنین وضعیت اجتماعی متفاوت در نقاط مختلف جغرافیایی از وضعیت گردشگری خاصی برخوردار می‌باشد که یکی از این مکان‌های خاص دارای تنوع فرهنگی و اجتماعی ویژه نیز شهر عسلویه می‌باشد که نیاز است بحث توسعه گردشگری در این منطقه با استفاده از رویکردهای نظری مختلف به بحث گذاشته شود، این در حالی است که در ارتباط با بحث رابطه بین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی با بحث توسعه گردشگری نظریه‌های مختلفی ارائه شده‌است.

تبیین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری در شهر صنعتی عسلویه

همان‌طور که بانو و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند که افزایش پیری جمعیت و شهرنشینی تقاضا برای گردشگری را بالا برده است. هدف توسعه گردشگری ایجاد فراغت می‌باشد. بخش انرژی‌های تجدیدپذیر از گزینه‌های اثرگذار بر توسعه گردشگری است. استخراج منابع طبیعی از گزینه‌های مرتبط با توسعه گردشگری است. رشد اقتصادی و فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند گزینه‌های توسعه گردشگری را ارتقا دهد. این محققین توسعه گردشگری را تحت تأثیر مؤلفه‌های زیر می‌دانند. این مؤلفه‌ها شامل نوآوری‌های صنعتی در گردشگری، رشد اقتصادی، انرژی‌های تجدیدپذیر، منابع طبیعی و انرژی‌های تجدیدپذیری می‌باشد که به دلیل ارزانی و پایداری تمایل گردشگران به استفاده از مقصد را تقویت می‌کند. هم‌چنین منابع طبیعی بیشتر و فراوان‌تر از گزینه‌های توسعه گردشگری است (میری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۰).

در مطالعه ای دیگر یونیارتی و همکاران در سال (۲۰۲۲) اثبات کردند که اجرای سیاست توسعه مناطق گردشگری به اعتبارات مالی بستگی دارد. هر چه سطح اعتبارات مالی بیشتر باشد توسعه مناطق گردشگری بهتر خواهد بود. دسترسی دشوار و امکانات و زیرساخت‌های از گزینه‌های مهم برای توسعه گردشگری می‌باشد. انتظار بر این است که گردشگری بتواند میزان تمایل به درخواست‌های مقصد سفر را تأمین نماید و این گزینه مهم‌ترین عامل برای جذب گردشگر در یک مقصد می‌باشد. این کار توسعه گردشگری را ارتقا می‌دهد. هم‌چنین می‌تواند امکانات گردشگری را برای یک مقصد خاص بسیج نماید. هم‌چنین ریدرستات و همکاران در سال (۲۰۲۲) نشان دادند که توسعه گردشگری با فقر اجتماعی ارتباط دارد. توسعه گردشگری هم‌چنین با نقش‌های میانجی توسعه انسانی و رشد اقتصادی قابل بررسی است. روابط بین توسعه گردشگری، رشد اقتصادی، توسعه انسانی و فقر از گزینه‌های اصلی به شمار می‌رود. ارتباط سطح توسعه گردشگری با فقر معمولاً یک رابطه مستقیم باشد. به عبارتی افزایش توسعه گردشگری به صورت مستقیم بر روی فقر منطقه‌ای اثرگذار است. پیچیدگی‌های بین توسعه گردشگری و فقر نیاز به مطالعه بیشتری دارد. سیاست‌گذاران و مدیران می‌توانند برای بهبود اثر گردشگری بر فقر از متغیرهای میانجی استفاده نمایند (میری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱). هم‌چنین رج و همکاران در سال (۲۰۲۲) در نظریه خود اثبات کرد که پیامدهای سیاست گردشگری پایدار به محیط بستگی دارد. رشد اقتصادی،

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

گردشگری بین‌المللی، آموزش، مصرف انرژی تجدید پذیر معمولاً با توسعه گردشگری در ارتباط است. استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر و تشکیل سرمایه ناخالص انتشار گازهای گلخانه‌ای سطح توسعه گردشگری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تشکیل سرمایه در مسیر فعالیت‌های گردشگری پایدار مؤثر نبوده است. شاخص آموزش و مصرف انرژی‌های تجدید پذیر، اهمیت پیشرفت آموزشی در مسیر نفوذ انرژی‌های تجدید پذیر را مشخص می‌کند (پیراحمدی، ۱۴۰۲: ۷). در ادامه نیز گانون و همکاران در سال (۲۰۲۱) در نظریه خود اثبات کردند که توسعه گردشگری می‌تواند تحت تأثیر ادراک ساکنان قرار گیرد. به عبارتی توسعه گردشگری معمولاً با تغییراتی که در متغیر ادراک ساکنان ایجاد می‌شود، دچار تغییر می‌شود. زمانی که سازمان در نظر داشته باشد سطح توسعه گردشگری را تغییر دهد، پیشنهاد می‌شود که ابتدا سطوح مرتبط با متغیر ادراک ساکنان را تغییر دهد. در نهایت این که گیلوویک و مک اینتوش در سال (۲۰۲۰) نشان دادند که دسترسی یکی از ملاحظات در توسعه گردشگری است. نحوه قرارگیری گردشگری از گزینه‌های مهم برای توسعه آن به شمار می‌رود. توسعه گردشگری از سیاست‌های اصلی دولت‌ها می‌باشد. نتایج توسعه گردشگری زمانی ملموس می‌شود که پایداری در اقتصاد گردشگری ایجاد شود. افزایش مشارکت افراد به عنوان مصرف‌کنندگان مقصد گردشگری بر توسعه گردشگری اثرگذار است. مشارکت افراد در تصمیم‌گیری، تغییر در مکان‌ها و مردم گردشگری نیز از گزینه‌های اثرگذار بر توسعه گردشگری است. موانع اجتماعی در کنار مصرف‌کنندگان گردشگری می‌تواند از گزاره‌های توسعه گردشگری باشد (رضائی و شهریزاد، ۱۴۰۰: ۸).

توسعه پایدار صرفاً تک بعدی نیست و ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی را در بر می‌گیرد (بزرگی نیا و همکاران، ۱۴۰۲). امروزه بُعد اجتماعی - فرهنگی با توجه به نقش مهم فرهنگ و عرصه اجتماعی به ویژه ابعاد فرهنگی شامل گویش‌های محلی، آداب و رسوم، معماری محلی، تنوع قومی، مراسم‌های شادی و مذهبی و همچنین ابعاد اجتماعی (کیفیت زندگی، ایجاد اشتغال و کارآفرینی و غیره) در این بخش، از ارزشی همسان با دیگر جنبه‌ها برخوردار شده است. مدیریت و توسعه گردشگری در صورتی می‌تواند موفقیت آمیز عمل کند که ارتباط بین این سه بُعد را به خوبی

تبیین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری در شهر صنعتی عسلویه

شناسایی کند. فناوری‌ها و تکنولوژی‌های جدید، جنبش جدیدی را در جهان و همچنین در حوزه ارتباطات و انتقال دانش به وجود آورده است (درویشی و همکاران، ۱۴۰۳).

تحقیقات مک بس و همکاران (۲۰۰۴) نیز نشان می‌دهد، دیدگاه‌های سنتی توسعه منطقه گردشگری بر عوامل اقتصادی و نوآوری بالقوه در فرآیندهای بالقوه و فنی و بهره‌برداری منابع متمرکز شده است؛ اما عامل مؤثر دیگری که می‌تواند کلیه عوامل فوق را تحت تأثیر قرار دهد، ابعاد فرهنگی و اجتماعی منطقه است که می‌تواند نقشی اساسی در جذب گردشگر داشته باشد.

بنا به همین ضرورت در پژوهش حاضر، سعی بر آن است تا به بررسی ابعاد اجتماعی - فرهنگی مؤثر در توسعه گردشگری پرداخته شود و نگارنده سعی کرده است که جهت تحقیق حاضر از ترکیبی از نظریات مطرح شده فوق را در کنار نظریه توسعه پایدار در گردشگری به کار گیرد. در سطوح مختلف بین المللی، ملی، محلی و صنعت، اسناد سیاست گذاری، ضوابط و جهت دهی‌های برنامه ریزی، نمونه‌های موردی، کدهای اخلاقی برای گردشگران، بیانیه عملکرد خوب و دیگر نشریات همه و همه در سطح وسیعی با تأکید بر موضوعات توسعه گردشگری پایدار در حوزه گردشگری داشتند و همچنین شورای جهانی گردشگری و مسافرت (۲۰۱۰)، توسعه پایدار را احترامی تضمین شده به محیط‌های زیست، فرهنگ‌ها و اجتماعات محلی برابر دانسته است و بالا برده منافع وابسته به گردشگری هم در سطح محلی و هم در سطح جهانی، نیازمند توجه به ابعاد اقتصادی، زیست محیطی و فرهنگی-اجتماعی است که در پژوهش حاضر سعی بر تشریح ابعاد فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری در منطقه عسلویه را داریم. براساس مطالعات جوادیان (۱۳۹۱) ابعاد فرهنگی در مطالعه حاضر شامل زبان، آداب و رسوم و اعیاد، ادبیات و شخصیت های اسطوره‌ای، معماری، تنوع قومی، ادیان و آیین ها می‌باشد. همچنین طبق مطالعه شارپلی و تلفر (۱۳۹۱) و اقبالی و همکاران (۱۴۰۰) نیز ابعاد اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری شامل کیفیت زندگی، امکانات و تسهیلات، مشارکت پذیری جامعه محلی، ازدحام و شلوغی، مسئولیت-پذیری، همبستگی اجتماعی، تاب آوری اجتماعی، حمایت اجتماعی و اعتماد نهادی می باشند.

فرضیه‌ها

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

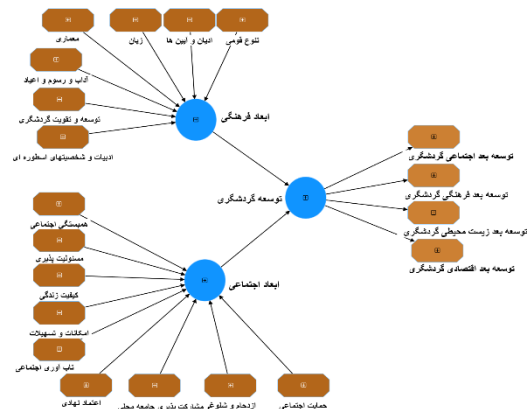
- فرضیه اصلی: شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی بر توسعه صنعت گردشگری در شهر عسلویه تاثیر معناداری دارد.
- ابعاد فرهنگی مؤثر بر توسعه گردشگری شهر عسلویه شامل: زبان، معماری، مذاهب و آیین‌ها، شخصیت‌های تاریخی و غیره است.
- ابعاد اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری شهر عسلویه شامل کیفیت زندگی، حمایت اجتماعی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری و غیره می‌باشد.
- ابعاد فرهنگی شهر عسلویه بر توسعه گردشگری در این شهر تأثیر معناداری دارد.
- ابعاد اجتماعی شهر عسلویه بر توسعه گردشگری در این شهر تأثیر معناداری دارد.

جدول ۱. تعاریف عملیاتی متغیرها

متغیرها	تعاریف عملیاتی
گردشگری عسلویه	شامل انواع مصادیق گردشگری، بوم‌گردی و بازدید تفریحی از مکان‌های دیدنی، سواحل، دریا و .. در شهر عسلویه می‌باشد
شاخص‌های فرهنگی	شامل مواردی است که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه مسئولین در شهر عسلویه در حوزه فرهنگ، تعاملات فرهنگی و عرصه‌های فرهنگی فعال در حوزه گردشگری معرفی شده‌اند.
شاخص‌های اجتماعی	شامل مواردی است که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه مسئولین در شهر عسلویه در حوزه اجتماعی و مسائل جامعه‌شناسی در حوزه گردشگری معرفی شده‌اند.

مدل مفهومی تحقیق: باتوجه به متغیرهای تعریف شده در قالب متغیر مستقل (ابعاد فرهنگی و اجتماعی) و متغیر وابسته (توسعه گردشگری) مدل مفهومی تحقیق به شرح زیر است.

تبیین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری در شهر صنعتی عسلویه



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

این تحقیق از نوع پیمایشی است. تحقیق پیمایشی روشی است برای به دست آوردن اطلاعاتی در باره دیدگاه‌ها، باورها، نظرات، رفتارها، انگیزه‌ها یا مشخصات گروهی از اعضای یک جامعه این روش آماری است که از راه انجام تحقیق و پژوهش علمی میسر می‌شود. (تحقیق پیمایش عبارت است از اجرای پرسشنامه‌ها روی نمونه‌ای از پاسخگویانی که از میان جمعیتی انتخاب می‌شوند و به عبارتی پیمایش مجموعه‌ای از روش‌های منظم و استاندارد است که برای جمع آوری اطلاعات درباره افراد، خانواده‌ها و یا مجموعه‌های بزرگتر مورد استفاده قرار می‌گیرد (پارس‌مدیر، ۱۳۹۹).

در این تحقیق جامعه آماری (کل) کارشناسان حوزه گردشگری شهر عسلویه، هتل داران، گردشگران شهر عسلویه، بازاریان و غیره می‌باشد. حوزه گردشگری شهر عسلویه است که پس از انجام مطالعه مقدماتی روی بخش کوچکی از جامعه آماری و تعیین انحراف معیار، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران در سطح خطای ۵ درصد و دقت ۵ برابر با حجم نمونه برآورد می‌شود. دامنه سنی جامعه آماری ۱۸ سال تا ۶۰ سال می‌باشد و طبق برآورد میان دوره‌ای تعداد آن‌ها با احتساب ۵۷۴۲ نفر بود که

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

در نیمه دوم سال ۱۴۰۲ در شهر عسلویه حضور داشتند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است. نمونه برابر با ۳۶۰ نفر به دست آمد و این تعداد پرسشنامه به عنوان مبنا قابل قبول است.

$$n \geq \frac{5742 \left(\frac{1}{96}\right)^2 \times \frac{0}{5} * \frac{0}{5}}{\left(\frac{0}{96}\right)^2 (5742 - 1) + \left(\frac{1}{96}\right)^2 * \frac{0}{5} * \frac{0}{5}} = 360.13$$

شکل ۲. فرمول به دست آوردن حجم نمونه

هر یک از متغیرهای مدل مفهومی تحقیق، متغیرهای پنهان یا سازه‌ای می باشند مستقیماً قابل اندازه‌گیری نیستند، باید از پرسشنامه بهره گرفت. پرسشنامه عبارت است از فهرستی مدون از سوالات برای جمع‌آوری اطلاعات از پاسخ‌دهندگان. کاربرد پرسشنامه در اندازه‌گیری و ارزیابی رفتارهای گذشته، طرز فکرها و برداشت‌ها و ویژگی‌های پاسخ‌دهنده است (قره‌باغی، ۱۳۹۰: ۷). پایایی پرسشنامه در پژوهش بنتا و همکاران ۲۰۱۲ (Benta et al. 2012) بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۹ مورد تأیید قرار گرفت. برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و میدانی، فیش، جدول و نمودار استفاده شده است. در تحلیل آمار توصیفی، عمل تعمیم به افراد گروه خاصی که مورد مشاهده قرار گرفته‌اند محدود می‌شود. در تجزیه و تحلیل توصیفی، پژوهشگر داده‌های جمع‌آوری شده را با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی خلاصه و طبقه‌بندی می‌کند. در تحلیل استنباطی همواره محقق با جریان نمونه‌گیری و انتخاب گروه کوچکی موسوم به نمونه از گروه بزرگتری موسوم به جامعه آماری یا جمعیت اصلی سروکار دارد. (احمدی، ۱۳۹۷)

فرایند اجرای تحقیق

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، نتایج استخراج و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS 26 جداول و نمودارهای آماری تهیه شده است و سپس توصیف و تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از مدل معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار Smart PLS 4 انجام گرفته و میزان ارتباط بین عوامل مذکور از طریق کشف روابط علی بین متغیرهای مکنون یا پنهان با متغیرهای مشاهده شده یا پرسش‌های پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته است.

تبیین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری در شهر صنعتی عسلویه

مدل یابی معادله ساختاری یک رویکرد آماری جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده و مکنون است که گاه تحلیل ساختاری کوواریانس، مدل یابی علی و گاه نیز PLS نامیده شده‌است؛ اما اصطلاح غالب در این روزها، مدل یابی معادله ساختاری یا به گونه خلاصه SEM است (جودی بیگدیلو و سیم خواه، ۱۳۹۸: ۱۱).

روش و ابزار تجزیه و تحلیل

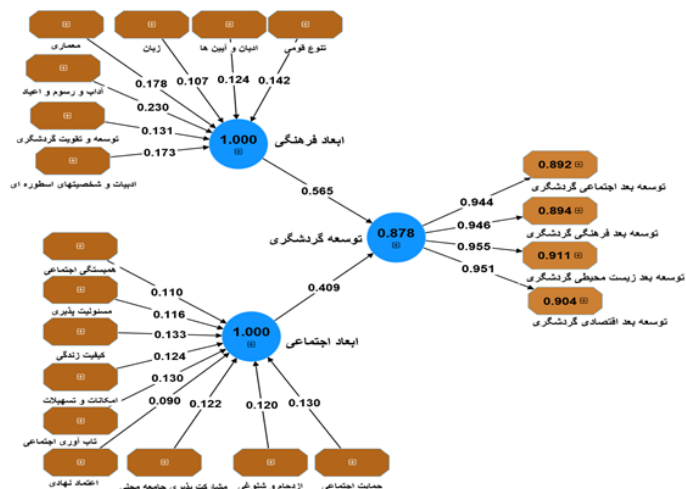
تجزیه و تحلیل داده‌ها فرایندی چندمرحله‌ای است که طی آن داده‌هایی که به طرق مختلف جمع‌آوری شده‌اند، خلاصه، دسته‌بندی و در نهایت پردازش می‌شوند تا زمینه برقراری انواع تحلیل و ارتباط بین داده‌ها به منظور آزمون فرضیه‌ها فراهم آید. در این فرایند داده‌ها هم از لحاظ مفهومی و هم از جنبه تجربی پالایش می‌شوند و تکنیک‌های گوناگون آماری نقش به‌سزایی در استنتاج و تعمیم به‌عهده دارند (جودی بیگدیلو و سیم خواه، ۱۳۹۸: ۵).

بررسی مدل‌های اندازه‌گیری

مدل اندازه‌گیری مدلی است که رابطه بین متغیرهای کنون و سوالات (گویه‌ها) را مورد بررسی قرار می‌دهد، به همین دلیل نام دیگر آن مدل بیرونی است. اینک به بررسی آزمون‌های مربوط برای مدل اندازه‌گیری می‌پردازیم. نمودارهای زیر مدل در حال استاندارد شده بارهای عاملی و ضرایب مسیر را نشان می‌دهد.

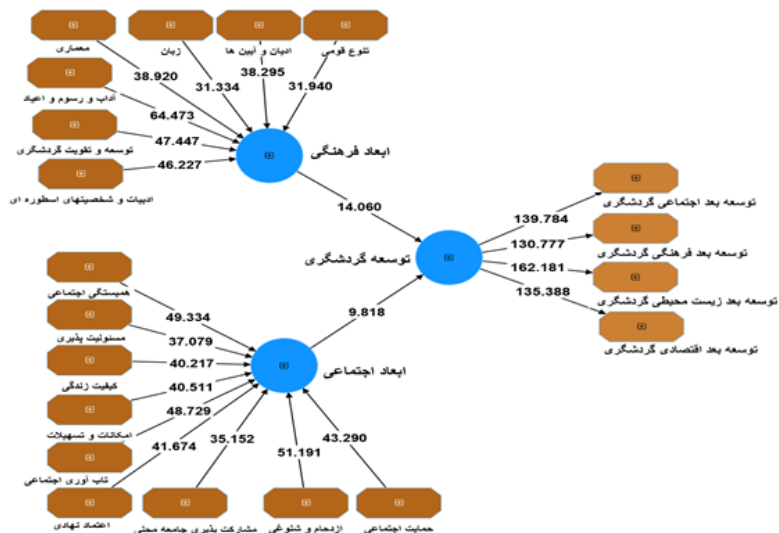
یافته‌ها

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴



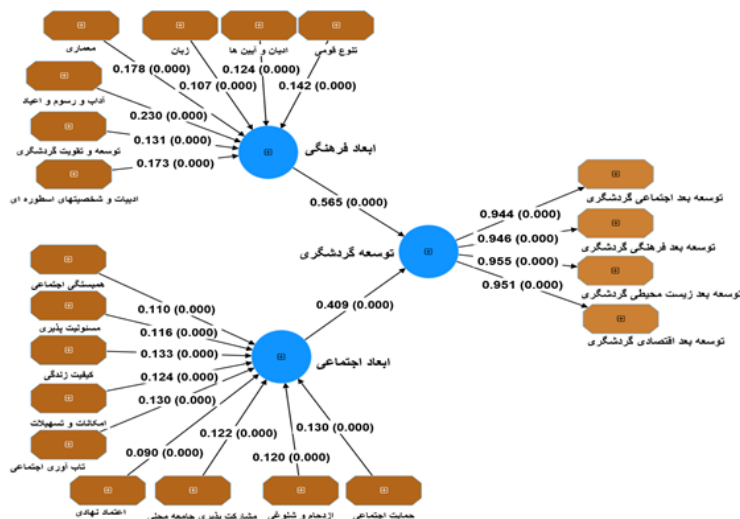
شکل ۳. مدل پژوهش در حالت ضرایب مسیر استاندارد شده (ارزیابی مدل‌های ساختاری)

نمودار زیر مدل تحقیق در حالت ضرایب معناداری تی را نشان می‌دهد



شکل ۴. مدل پژوهش در حالت معناداری تی ارزیابی مدل‌های ساختاری

تبیین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری در شهر صنعتی عسلویه



شکل ۵. مدل پژوهش در حالت سطح معناداری ارزیابی مدل‌های ساختاری

فرضیه اصلی: شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی بر توسعه صنعت گردشگری در شهر عسلویه تأثیر معناداری دارد.

جهت بررسی فرضیه اصلی دو مسیر تأثیرگذاری متغیرهای مستقل (ابعاد فرهنگی و اجتماعی) بر متغیر وابسته (توسعه گردشگری) مورد آزمون قرار داده شده است.

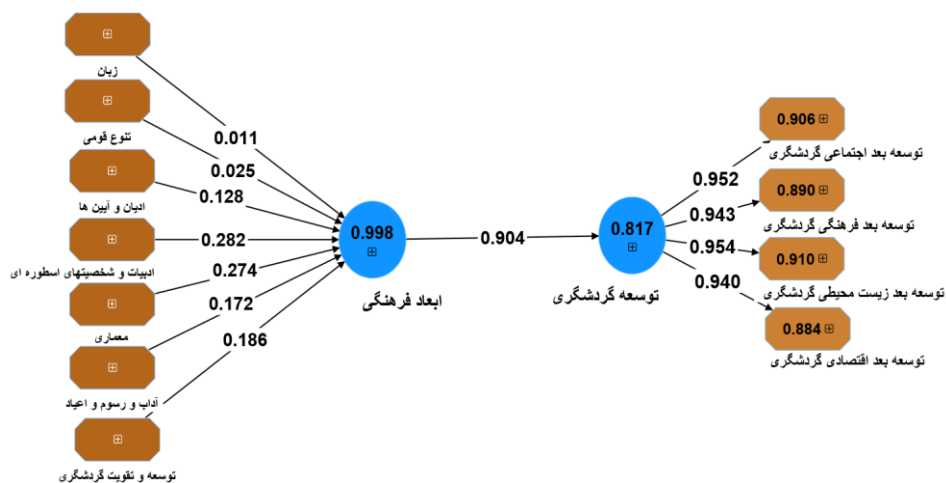
جدول ۲ نتایج مربوط به فرضیه اول تحقیق در جدول زیر آمده است:

مسیر	ضریب مسیر (B)	آماره تی	سطح معنی داری	نتیجه
ابعاد فرهنگی -> توسعه گردشگری	.565	14.060	0.00	تأیید شد
ابعاد اجتماعی -> توسعه گردشگری	.409	9.818	0.00	تأیید شد

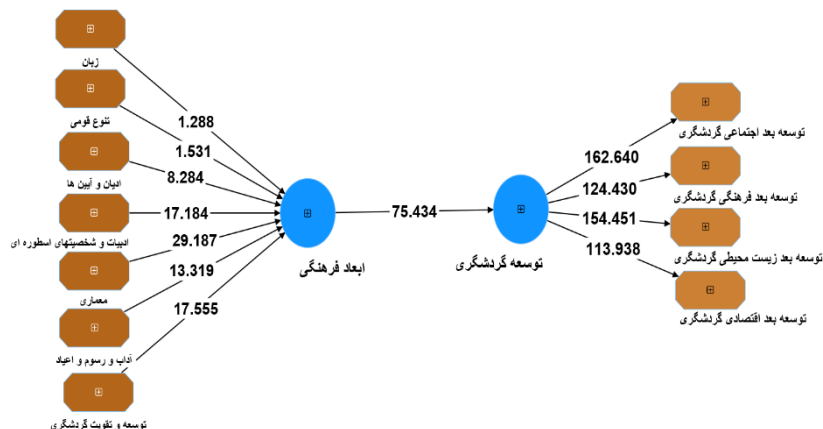
آزمون فرضیات فرعی

فرضیه فرعی اول: ابعاد فرهنگی شهر عسلویه بر توسعه گردشگری در این شهر تأثیر معناداری دارد.

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴



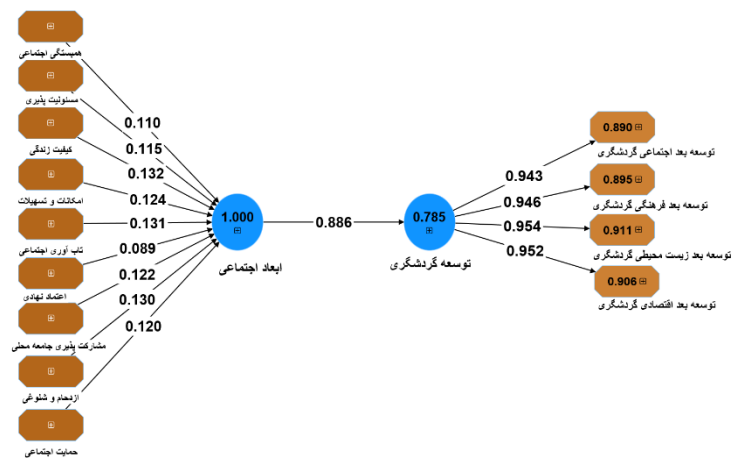
نمودار ۶. مدل فرعی در حالت ضرایب مسیر استاندارد شده



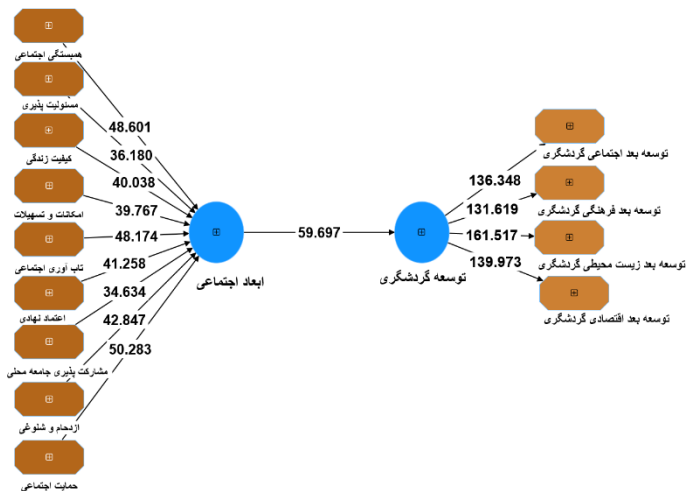
نمودار ۷. مدل فرعی در حالت معناداری تی

فرضیه فرعی دوم: ابعاد اجتماعی شهر عسلویه بر توسعه گردشگری در این شهر تاثیر معناداری دارد.

تبیین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری در شهر صنعتی عسلویه



نمودار ۸. مدل فرعی در حالت ضرایب مسیر استاندارد شده



نمودار ۹. مدل فرعی در حالت معناداری تی

جدول ۳. خلاصه نظریه ها

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

عنوان فرضیه	نتیجه
فرضیه اصلی	
فرضیه اصلی: شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی بر توسعه صنعت گردشگری در شهر عسلویه تأثیر معناداری دارد.	تأیید شد
فرضیه فرعی	
فرضیه فرعی اول: مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه گردشگری در شهر صنعتی عسلویه شامل مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، زیست محیطی می‌باشد.	تشریح شد
فرضیه فرعی دوم: ابعاد فرهنگی مؤثر بر توسعه گردشگری شهر عسلویه شامل فرهنگ محلی، صنایع دستی، آداب و رسوم و غیره می‌باشد.	تشریح شد
فرضیه فرعی سوم: ابعاد اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری شهر عسلویه شامل نوع تعاملات مردم، جامعه شهری، مسئولیت‌پذیری، سلامت اجتماعی و غیره می‌باشد.	تشریح شد
فرضیه فرعی چهارم: ابعاد فرهنگی شهر عسلویه بر توسعه گردشگری در این شهر تأثیر معناداری دارد.	تأیید شد
فرضیه فرعی پنجم: ابعاد اجتماعی شهر عسلویه بر توسعه گردشگری در این شهر تأثیر معناداری دارد.	تأیید شد

با توجه به نمودارها و جدول‌ها: شاخص‌های فرهنگی شامل: زبان، آداب و رسوم و اعیاد، ادبیات و شخصیت‌های اسطوره‌ای، معماری، تنوع قومی، ادیان و آیین‌ها، توسعه و تقویت گردشگری و شاخص‌های اجتماعی شامل: کیفیت زندگی، امکانات و تسهیلات، مشارکت‌پذیری جامعه محلی، ازدحام و شلوغی، مسئولیت‌پذیری، همبستگی اجتماعی، تاب‌آوری اجتماعی، حمایت اجتماعی و اعتماد نهادی بر توسعه گردشگری در عسلویه مؤثر هستند و تأثیر معناداری دارند.

فرضیه اصلی: شاخص‌ها و ابعاد فرهنگی و اجتماعی شهر عسلویه بر توسعه صنعت گردشگری در این شهر تأثیر معناداری دارد.

نتایج آزمون فرضیه فوق‌نشان داد که مقدار آمار تی و ضریب مسیر برای ابعاد فرهنگی مربوطه به ترتیب برابر ۱۴۰۶۰ و ۰۵۶۵ و برای ابعاد اجتماعی مربوطه به ترتیب برابر ۹۸۱۸ و ۰۴۰۹ برآورد شده‌است. لذا با توجه به این که مقدار عدد معناداری (t-Value) بیشتر از ۱۰۹۶ و سطح معناداری (۰۰۰۰) کمتر از ۰۰۵ بدست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰۰۵ معنادار است. پس می‌توان فرضیه اصلی تحقیق با احتمال ۹۵ درصد را تأیید کرد و بیان کرد که شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی بر توسعه صنعت گردشگری در شهر عسلویه "تأثیر معناداری وجود دارد و میزان این اثر بخشی

تبیین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری در شهر صنعتی عسلویه

برابر با ۸۷.۸ درصد است و تمامی ابعاد توسعه شامل توسعه ابعاد فرهنگی، اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی تحت تاثیر ابعاد فرهنگی و اجتماعی تحقیق حاضر می‌باشد.

باتوجه به نتایج به دست آمده در حوزه تأیید فرضیه فوق و ارزیابی این نتایج به سایر مطالعات انجام شده در این زمینه و این که شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی بر توسعه صنعت گردشگری در شهر عسلویه تأثیر معناداری دارد، می‌توان بیان کرد که توسعه گردشگری در جوامع مختلف تحت تأثیر فاکتورهای مختلفی است که اجتماع و فرهنگ‌ها مقاصد گردشگری از مهمترین آنها می‌باشد.

فرضیه فرعی اول: شاخص‌ها و ابعاد فرهنگی شهر عسلویه بر توسعه گردشگری در این شهر تأثیر معناداری دارد.

نتایج آزمون فرضیه فوق نشان داد که مقدار آمار تی و ضریب مسیر برای متغیر اصلی (ابعاد فرهنگی مربوطه به ترتیب برابر ۷۵.۴۳۴ و ۰.۹۰۴ برآورد شده است. لذا باتوجه به این که مقدار عدد معناداری t (Value) بیشتر از ۱.۹۶ و سطح معنی داری (۰.۰۰۰) کمتر از ۰.۰۵ به دست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰.۰۵ معنادار است و بنابراین باتوجه به داده‌های گردآوری شده می‌توان فرضیه فوق را با احتمال ۹۵ درصد را تأیید کرد که در ادامه به صورت ریز شده در ابعاد فرهنگی مورد بررسی تمامی ابعاد فرهنگی به جز زبان (۰.۰۱۱ و ۱.۲۸۸) و تنوع قومی (۰.۰۲۵ و ۱.۵۳۱) که ضریب تی بیان شده کمتر از ۱.۹۶۰ و همچنین سطح معناداری به دست آمده به ترتیب برابر با ۰.۱۹۸ و ۰.۱۲۶ و بزرگتر از ۰.۰۵ می‌باشد ولی بقیه مؤلفه‌ها شامل ادیان و آیین‌ها، ادبیات و شخصیت‌های اسطوره‌ای، معماری، آداب و رسوم و اعیاد و توسعه و تقویت گردشگری فرهنگی مورد تأیید می‌باشد. باتوجه به نتایج به دست آمده در حوزه تأیید فرضیه فوق و ارزیابی این نتایج به سایر مطالعات انجام شده در این زمینه و این که شاخص‌های فرهنگی بر توسعه صنعت گردشگری در شهر عسلویه تأثیر معناداری دارد، می‌توان بیان کرد.

فرضیه فرعی دوم: شاخص‌ها و ابعاد اجتماعی شهر عسلویه بر توسعه گردشگری در این شهر تأثیر معناداری دارد.

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

نتایج آزمون فرضیه فوق نشان داد که مقدار آمارتی و ضریب مسیر مربوطه به ترتیب برابر ۵۹.۶۹۷ و ۰.۸۸۶ برآورد شده است. لذا باتوجه به این که مقدار عدد معناداری (t-Value) بیشتر از ۱.۹۶ و سطح معنی داری (۰.۰۰۰) کمتر از ۰.۰۵ بدست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰.۰۵ معنادار است و بنابراین باتوجه به داده‌های گردآوری شده می‌توان فرضیه فوق تحقیق با احتمال ۹۵ درصد را تأیید کرد و در ارتباط با مؤلفه‌های بررسی شده در قالب ابعاد اجتماعی مؤثر در توسعه گردشگری نیز تمامی مؤلفه‌های دارای سطح تأثیر معناداری بوده است. کشورهای در حال توسعه عمدتاً نسبت به ابعاد اجتماعی و فرهنگی گردشگری حساس هستند و حجم ورود گردشگران خارجی به‌ویژه از کشورهای صنعتی ممکن است به علت تفاوت‌های فرهنگی و نحوه زندگی سبب بروز تنش‌هایی گردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کشورهای در حال توسعه عمدتاً نسبت به ابعاد اجتماعی و فرهنگی گردشگری حساس هستند و حجم ورود گردشگران خارجی به‌ویژه از کشورهای صنعتی ممکن است به علت تفاوت‌های فرهنگی و نحوه زندگی سبب بروز تنش‌هایی گردد. سیر و سیاحت عاملی برای برقراری ارتباط با هم‌نوعان و سایر اقوام و ملل بوده و موجب تحکیم و تقویت مبانی زندگی اجتماعی می‌شود. از طریق سیر و سفر آدمی با آداب و سنن، اعتقادات و تحولات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع گوناگون آشنا شده و از فرهنگ آنان برترین‌ها را به عنوان محاسن ارتباط اجتماعی برمی‌گزیند. این تعاملات دو جانبه بوده و سبب تبادل عقاید دینی، علمی و تبلیغی می‌شود. اما با توجه به زندگی صنعتی و گسترش تکنولوژی، گاه، ره‌آورد سفر نفوذ فرهنگ‌های مبتذل، انتقال بیماری و از خود بیگانگی است. از سوی دیگر هوشیاری جامعه در پذیرش گردشگران، مهم و سرنوشت‌ساز است. با این حال رابطه بین گردشگری و فرهنگ و اجتماع صرفاً در نقش فرهنگ به عنوان کانون اصلی توجه گردشگر خلاصه نمی‌شود، بلکه طیف وسیعی از آثار اجتماعی و فرهنگی ناشی از تماس میان میزبان و بازدیدکننده را نیز در بر می‌گیرد. مقصود از ابعاد اجتماعی گردشگری، تغییراتی است که در زندگی مردم جامعه میزبان گردشگر رخ می‌دهد و این تغییرات بیشتر به سبب تماس مستقیم اهالی و ساکنان آن دیار و گردشگران صورت می‌گیرد. مدیریت پایدار گردشگری

تبیین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری در شهر صنعتی علویه

به دنبال بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی در مناطق گردشگری از طریق بهینه سازی منافع اقتصاد محلی، حفاظت از محیط طبیعی و انسان ساخت و فراهم آوردن تجارب مناسب برای بازدیدکنندگان است. این امر مستلزم توجه نظام‌مند به ابعاد فنی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، تاریخی و زیست‌محیطی، در حرکت به سوی استفاده از جاذبه‌های گردشگری مطابق با نیاز امروز و حفظ و ماندگاری این منابع برای آیندگان است. در مجموع می‌توان این گونه بیان کرد که وجود زیرساخت‌های مناسب در هر مکان از قبیل راه، بهداشت، مخابرات، آب، برق، تلفن، و به‌خصوص امنیت در جلب رضایت گردشگران اهمیت بسیار بالایی دارد. مشارکت مردم بومی در گردشگری پایدار یکی از معیارهای اصلی توان اجتماعی است. بدیهی است که اگر بومیان منطقه دیدگاه درستی از صنعت توریسم نداشته باشند، خدمات مناسبی نیز به گردشگران ارائه نخواهند کرد و یا حتی در برخی موارد ممکن است گردشگران را بعنوان افراد مهاجم و غاصب در نظر بگیرند. در این شرایط توسعه صنعت توریسم در منطقه با چالش‌های جدی رو به خواهد شد. وجود فرصت‌های شغلی مرتبط با گردشگری بدون شک یکی از ارکان توسعه توریسم در مناطق توریستی می‌باشد. از جمله مشاغل مرتبط با گردشگری می‌توان ساخت و ساز هتل‌ها، پانسیون‌ها و مراکز اقامتی، دفاتر و آژانس‌های تفریحی و گردشگری، فروشگاه‌های عرضه کننده محصولات بومی و غیره اشاره نمود. در این شرایط نه تنها افراد بومی هیچ تناقضی در منافع خود با صنعت گردشگری نمی‌بینند، بلکه گردشگری را فرصتی برای رشد اقتصادی منطقه خود قلمداد می‌کنند. تدوین استانداردهای گردشگری توسط دستگاه‌های مربوطه، عدم موازی کاری در تشکیلات گردشگری، وجود نظام بیمه‌ای مناسب برای گردشگران، استفاده از چهره‌های بنام فرهنگی جهت جذب گردشگر و غیره از دیگر عواملی هستند که توان اجتماعی یک منطقه در جذب گردشگر را تعیین می‌کنند. در کشور ما فرصت‌های گردشگری فراوانی وجود دارد که تاکنون به آن‌ها پرداخته نشده است. مدیریت کلان و متخصص در صنعت گردشگری حرف اول را می‌زند و باید فرصت‌ها را در کشور شناسائی کرده و آن‌ها را در طرح جامع گردشگری بگنجانند و زمینه سرمایه‌گذاری خصوصی را در زیرساخت‌های سخت مانند هتل‌ها، رستوران‌ها و جاذبه‌ها مهیا کرد و دولت نیز زمینه توسعه زیرساخت‌های نرم مانند آموزش، فرهنگ و ایجاد امنیت را در کشور گسترش دهد.

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

توسعه گردشگری در یک منطقه، عامل مؤثری برای مقابله با فقر محسوب می‌شود و موجب افزایش درآمد قشرهای مختلف، کاهش بیکاری، رونق اقتصادی و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی مردم و افزایش رفاه اجتماعی می‌شود. از این رو، طی سال‌های اخیر، برنامه‌های عملی و سیاست‌ای کلان برنامه ریزی و توسعه گردشگری چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی مورد توجه برنامه‌ریزان دولتی و شرکت‌های خصوصی قرار گرفته است؛ بنابراین صنعت گردشگری مشروط بر اینکه نظام‌مند، دانش‌محور و دوست‌دار محیط باشد، می‌تواند به عنوان یکی از متنوع‌ترین و کم‌هزینه‌ترین بخش‌های اقتصادی در دستیابی به توسعه پایدار مناطق ایفای نقش کند. در سطح کلان، باید به بالا بردن اولویت توسعه گردشگری در درازمدت، سیاست‌های توسعه ملی، توجه بیشتر به برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت و بهبود زیرساخت‌های مورد نیاز برای توسعه گردشگری، توانمندسازی مسئولان محلی به منظور اجتناب از بوروکراسی و سرمایه‌گذاری، توجه بیشتری شود. همچنین در سطح خرد، جوامع محلی باید در تصمیم‌گیری برای منطقه خود مشارکت بیشتری داشته باشند، آگاهی آن‌ها از اثرات مثبت و منفی گردشگری (از طریق رسانه‌های جمعی، آموزش و پرورش، کارگاه‌ها و غیره) افزایش یابد. همچنین مردم فرصت بالا بردن صدای خود را، در صورت نیاز، از طریق تقویت نهادهای مدنی داشته باشند. در نهایت این که شهر عسلویه از منظر مقوله‌های تأثیرگذار بر توسعه گردشگری پایدار از جمله زیرساخت‌های گردشگری، توان اقتصادی، توان طبیعی، توان جمعیتی - اجتماعی و تسهیلات گردشگری از وضعیت مناسبی برخوردار است.

پیشنهادهای

- فرهنگ سازی در جوامع میزبان در جهت معرفی قابلیت های گردشگری برای ایجاد رفاه در جوامع انسانی می تواند نقش مهمی در تعامل مثبت بین جوامع میزبان و میهمان ایفا نماید.
- آگاهی بخشی دستگاه‌های متولی گردشگری و به‌ویژه دفاتر خدمات مسافرتی و تورگردان‌ها و تدوین، چاپ و نشر دفترچه‌ها، کتاب‌چه‌ها و بروشورها و لوح‌های فشرده مناسب برای گردشگران.
- جلب مشارکت مردم جامعه میزبان به فعالیت در زمینه گردشگری می‌تواند فرآیند توسعه را با سرعت و سهولت بیشتری همراه سازد.

تبیین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری در شهر صنعتی عسلویه

- زیرساخت‌های گردشگری برگردشگری پایدار با تأکید بر جذب توریسم تجاری در شهر عسلویه تأثیر معناداری دارد پس پیشنهاد می‌شود که معماری، فضا، طراحی‌ها و المان‌های شهر عسلویه کامل‌تری باشد.

- خدمات اساسی: تأمین آب، برق، ارتباطات از راه دور، جمع‌آوری زباله، بهداشت، امنیت و حفاظت در دستور کار به جهت ارتقاء سطح توان اقتصادی قرار گیرد.

- برای این که گردشگران به مقصدهای دورتر از شهرهای اصلی برسند، کارهایی در زمینه طرح‌های توسعه زیرساخت‌های گردشگری مانند پروژه برای مراکز برنامه‌ریزی شده جامع انجام شود.

- یک برنامه استراتژیک و مدیریت خوب وجود داشته‌باشد تا هر مقصد گردشگری بتواند از زیرساخت‌های گفته شده نگهداری مؤثری داشته باشد، به گونه‌ای که گردشگر و بومی دو احساس رضایت و راحتی کند.

منابع

- ابراهیمیان واقع‌نژاد، شعله، (۱۴۰۲)، بررسی نقش و جایگاه گردشگری شهری در توسعه اقتصادی و رونق کسب و کار در شهرها (نمونه موردی: شهرهای شمالی)، یازدهمین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، شیروان. <https://civilica.com/doc/1900075>
- احمدی، مسعود، (۱۳۹۷)، روش تحقیق (روش‌شناسی کمی و کیفی با رویکرد پایان‌نامه و مقاله نویسی)، تهران، انتشارات پژوهشهای فرهنگی، چاپ سوم <https://iranculturalstudies.com/>
- اقبال مقدم، رویا، سعیده زرآبادی، زهرا سادات، ذبیحی، حسین، (۱۴۰۳)، گردشگری خلاق در بافتهای تاریخی با رویکرد کسب و کارهای نوپا (مورد پژوهشی: شهر رشت)، فصلنامه علمی - پژوهشی گردشگری و توسعه، سال سیزدهم شماره سوم، پاییز، <https://www.itsairanj.ir> ۱۹-۳۵
- <https://doi.org/10.22034/jtd.2024.417320.2829>
- اکبرپور، محمد و اربابی، محمد، (۱۳۹۴)، واکاوی موانع گردشگری در روستاهای هدف گردشگری استان خراسان شمالی، فصلنامه میراث و گردشگری، ۱(۱): ۹۶-۶۳ <https://www.magiran.com/volume/180025>
- امیدزاده، رضوان، زراء نژاد، منصور، کنگرانی فراهانی، علی و همتی، محمد. (۱۴۰۲). تحلیلی بر الگوی برندسازی مقصد گردشگری با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی با رویکرد جامعه‌شناختی، پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هفدهم/شماره سوم / پاییز <https://ensani.ir/fa/article/580818/>

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

- بزرگی نیا، امیر حمزه، مظاهری، محمد مهدی، حاجیانی، ابراهیم و صاحی امیری، سید رضا. (۱۴۰۲). طراحی مدل راهبردی ارتقای مشارکت فرهنگی سازمان‌های مردم نهاد، پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هفدهم/شماره چهارم / زمستان
<https://sanad.iau.ir/Journal/soc/Article/1125739/FullText>
- پاپلی یزدی، حسن و سقایی، محمد، (۱۴۰۰)، گردشگری (ماهیت و مفاهیم)، انتشارات سمت، تهران.
<https://www.samt.ac.ir/fa/book/1295>
- پرمايه، رحيم، رمضانی پور، مهرداد.، بزرگمهر، کیا، حق زاد، آمنه، (۱۳۹۹)، عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری شهر لاهیجان، نشریه جغرافیایی فضای گردشگری، ۹۳۴: ۲۷-۴۷
<https://sanad.iau.ir/journal/gjts>
- حسن‌زاده، فریا، (۱۳۹۴)، گردشگری سبز، محیط زیست و توسعه پایدار. جغرافیایی فضای گردشگری، ۴(۱۴): ۴۷-۳۹.
<https://sanad.iau.ir/journal/gjts>
- جلالی، مهدی. (۱۴۰۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تضادهای کارگری در دوره پهلوی اول، پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم/شماره سوم / پاییز
<https://sanad.iau.ir/fa/Article/1126826?FullText=FullText>
DOI: 10.71854/soc.2024-1126826
- درویشی، سعید، رضوی دینانی، ابتسام و دهقان شاد، حوریه. (۱۴۰۳). شناسایی عوامل مؤثر بر باورپذیری اخبار جعلی در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی، پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم/شماره سوم / پاییز
<https://sanad.iau.ir/Journal/soc/Author/1286467>
- رضائی، رسول و شهریزاد، زهرا، (۱۴۰۲)، نقش راهبردهای فرهنگ سازی در توسعه گردشگری پایدار با تأکید بر ارزش‌های بومی - محلی، اولین کنفرانس ملی بدون نفت، چگونه؟، تهران ۳۱۸۲۱-۳۸۸۲۰۴/elmnet.ir/doc
<https://elmnet.ir/doc/388204-31821>
- رضایی، عارف، محسن، امینی، مرضیه و داوری، سیده الهام. (۱۴۰۳). سنجش سناریوهای گردشگری شهر قم در افق ۱۴۱۰. نشریه علمی ساماندهی اقتصاد فضا، ۲(۵) ۳۴-۵۳، پاییز.
<https://sanad.iau.ir/journal/jose>
- شاطری، مهدیه و ملاقاسمی، حسن، (۱۴۰۲)، نقش فناوری‌های نوین در بهبود توسعه پایدار گردشگری و اقتصاد، دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی گردشگری، فرهنگ و هنر، ۱(۳): ۶-۲۹.
<https://www.symposia.ir/TCACONF12>
- علیپور، مظاهر و گلپور، گلایل، (۱۳۹۸)، ویرین جاذبه‌های گردشگری ایران، انتشارات توسعه‌دهندگان، چاپ شصت و سوم
<https://www.gisoom.com/book/11390735>
- فروزش خویده، آیدا.، ایمانی هرسینی، جلیل.، خراسانی، نعمت اله، (۱۴۰۰)، تدوین برنامه مدیریت استراتژیک گردشگری جزیره هرمز، مجله تحقیقات منابع طبیعی تجدید شونده، ۱۲ (۱): ۱۴۵-۱۳۵
<https://sanad.iau.ir/Journal/jrnir/Article/817145/FullText>
- قاسمی، مسلم، موحد، علی، صداقت، مریم و خدا یار، امیر حسین، (۱۴۰۳)، عوامل و محرک‌های مؤثر بر امنیت شغلی راهنمایان گردشگری شهر تهران، فصلنامه علمی - پژوهشی گردشگری و توسعه، سال سیزدهم، شماره سوم، پاییز، ۱۸-۱
<https://doi.org/10.22034/jtd.2024.407622.2801> <https://www.itsairanj.ir>

تبیین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر توسعه گردشگری در شهر صنعتی عسلویه

- قره قول، ناصر، (۱۳۹۹)، مطالعه اهمیت گردشگری بر زندگی ساکنان بندر ترکمن، نشریه پویش در آموزش علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان، ۶(۱۸): ۷۰-۵۷. <https://ensani.ir/fa/article/466285>
- کریمی، حمید، اربابی، سبزواری، آزاده، ادیبی سعدی نژاد، فاطمه و رستم پیشه، مریم. (۱۴۰۳). ارزیابی رابطه توسعه گردشگری پایدار شهری با توان اکولوژیک (مطالعه موردی: منطقه ۲۲ کلان شهر تهران). ساماندهی اقتصاد فضا. ۱(۲): ۸۲-۹۶. <https://sanad.iau.ir/journal/jose>
- کوهشاهی میرزاده، مهدی، خاوریان گرمسیر، امیر رضا، رستمی، منا، (۱۴۰۳)، رهیافت‌های توسعه اکوتوریسم روستایی در روستای مهرنجان شهرستان نورآباد ممسنی، استان فارس: مطالعه ای کیفی، فصلنامه علمی - پژوهشی گردشگری و توسعه، سال سیزدهم، شماره سوم، پاییز، ۶۹-۵۱. https://www.itsairanj.ir/article_191324.html <https://doi.org/10.22034/jtd.2023.391238.2755>
- مومنی وصالیان، هوشنگ، غلامی پور، لیلا، (۱۳۹۰)، تخمین تابع تقاضای گردشگری در استانهای منتخب، اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)، ۵(۱۴): ۱۸۰-۱۶۲. <https://sanad.iau.ir/journal/ecj/Article/510699?jid=510699>
- میری، محسن، انوری، قاسم و محدثی، الهام (۱۴۰۲)، موسیقی مقامی و تأثیر آن در توسعه گردشگری استان خراسان، دوازدهمین کنفرانس بین المللی گردشگری، فرهنگ و هنر، ۳(۲): ۴۲-۵. <https://civilica.com/doc/1899140>
- نادری دوست، محبوبه و شجاعی باغبینی، گلنار (۱۴۰۱). طراحی مدل بازاریابی در جامعه مبتنی بر تجربه مشتری در طبیعت گردی استان مازندران، پژوهش‌های جامعه شناختی، سال شانزدهم / شماره سوم / پاییز https://journals.iau.ir/article_700104.html
- Gasparini, M. L., & Mariotti, A. (2023). Sustainable tourism indicators as policy making tools: Lessons from ETIS implementation at destination level. *Journal of Sustainable Tourism*, 31(7), 1719-1737. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09669582.2021.1968880>
- Ramkissoon, H. (2023). Perceived social impacts of tourism and quality-of-life: A new conceptual model. *Journal of Sustainable Tourism*, 31(2), 442-459. <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/09669582.2020.1858091>

سایت‌ها

<https://fa.wikipedia.org/wiki>

<https://parsmodir.com/research/survey.php>

Pathological analysis of crisis management of road accidents in Khorasan Razavi province

Alireza Sanatkah¹ [0000-0002-6663-7317](https://orcid.org/0000-0002-6663-7317) 

Assistant professor, Department of sociology, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran,

Abass Babaei nejad [0000-0003-3090-7589](https://orcid.org/0000-0003-3090-7589) 

Assistant professor, Department of management, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran,

Abstract:

One of the social issues can be considered road accidents, one of the leading causes of mortality worldwide, and crisis management in all countries makes significant efforts to control it. The present research aims to perform a pathological analysis and examine the lived experiences of Red Crescent personnel regarding the strengths and weaknesses of crisis management strategies for road accidents, taking into account climatic conditions. This research is qualitative and based on phenomenology. Therefore, using deep and open-ended interview techniques along with purposive sampling, necessary data were gathered and organized from 20 officials and personnel of the Red Crescent in Khorasan Razavi province who have direct experience in assisting in road accidents. A semi-structured interview was used as the data collection tool. We used three methods to achieve reliability: member checking, analytical comparisons, and auditing techniques. Coding was conducted in three stages: open, axial, and selective coding. According to the findings, the rehabilitation of young volunteers, fundamental training, and concerned management were identified as the most significant strengths. In contrast, equipment deficiencies, long distances between bases, and organizational discord were considered the major weaknesses of the crisis management programs in the examined area. The increase in accidents, consequences of climatic crises, difficulties in response, management turnover, equipment weaknesses, and driver conditions were identified as consequential damages. Categories such as incident coverage, control centers, operational command, and readiness and rehabilitation were recognized as managerial functions in the crisis of road accidents. Based on the experiences of Red Crescent personnel, the study identified the role of managers, management models, and the interactions between managers and personnel as crucial elements influencing handling road incidents and their impact on preventing road accident crises.

Keywords: road accidents, crisis management strategies, climate change, assessment of actions

¹ Corresponding Author: asanatkah@yahoo.com

آسیب شناسی مدیریت بحران تصادفات جاده ای در استان خراسان رضوی

آسیب شناسی مدیریت بحران تصادفات جاده ای در استان خراسان رضوی

علیرضا صنعت خواه^۲

استادیار و عضو گروه جامعه شناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

عباس بابایی نژاد

استادیار و عضو گروه مدیریت، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۰/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

چکیده:

یکی از مسائل اجتماعی را می توان تصادفات جاده ای قلمداد کرد که در واقع یکی از مهمترین عوامل مرگ و میر در جهان است و مدیریت بحران در همه کشورها تلاش بسیاری بر کنترل آن دارد. هدف پژوهش پیش رو، آسیب شناسی و بررسی تجربه زیسته پرسنل هلال احمر از نقاط قوت و ضعف استراتژی های مدیریت بحران حوادث جاده ای با توجه به شرایط جوی - اقلیمی است. تحقیق پیش رو از نوع مطالعات کیفی و مبتنی بر پدیدارشناسی است. از این رو با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق و آزاد و با استفاده از تکنیک نمونه گیری هدفمند از ۲۰ نفر از مسئولین و پرسنل هلال احمر استان خراسان رضوی که خود مستقیماً در امداد رسانی در تصادفات جاده ای تجربه داشته اند، داده های لازم گردآوری و تنظیم شده است. از مصاحبه نیمه ساختار یافته به عنوان ابزار گردآوری داده ها استفاده شده است. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از سه روش: کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا، مقایسه های تحلیلی و استفاده از تکنیک ممیزی بهره گرفته شده است. کدگذاری براساس سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی صورت گرفته است. طبق یافته های حاصله بازخوانی نیروهای جوان داوطلب، آموزش های اصولی و مدیریت دغدغه مند از مهمترین نقاط قوت، ضعف تجهیزات، فواصل زیاد پایگاهی، ناهماهنگی سازمانی از مهمترین نقاط ضعف برنامه های مدیریت بحران در منطقه مورد بررسی محسوب می شوند. از دیاد حوادث، پیامدهای بحران های اقلیمی، دشواری پاسخ دهی، جابه جایی مدیران، ضعف تجهیزاتی و وضعیت رانندگان به عنوان آسیب های پیامدی، مقولاتی از جمله: پوشش حوادث، مراکز کنترلی، فرماندهی عملیاتی و آمادگی و بازخوانی به عنوان کارکردهای مدیریتی در بحران تصادفات جاده ای شناسایی شده است. نتیجه گیری: پژوهش براساس بررسی تجربه پرسنل هلال احمر، نقش مدیران، الگوهای مدیریتی، چگونگی تعاملات مدیران و پرسنل بر چگونگی پوشش حوادث جاده ای و تأثیر آن بر پیشگیری از بحران تصادفات جاده ای را به عنوان مهمترین مقولات مدیریت کارآمد بحران مورد شناسایی قرار داده است.

واژگان کلیدی: تصادفات جاده ای، استراتژی های مدیریت بحران، تغییرات اقلیمی، ارزیابی اقدامات

^۲ نویسنده مسئول: asanatkah@ yahoo.com

مقدمه

در عصر جدید، بحران‌ها واقعی‌تری جدایی‌ناپذیر از ماهیت درونی جوامع شهری و روستایی هستند. مردم شهر نشین در سراسر جهان هر روزه با مخاطراتی رو به رو می‌شوند که منجر به مرگ، آسیب، تخریب اموال و اختلال در فعالیت‌های روزانه آن‌ها می‌شود. این وقایع ناخوشایند، موسوم به حوادث، سوانح و بحران‌ها می‌باشند. حوادث غیر مترقبه در هر زمان و مکانی رخ می‌دهند، این حوادث سالانه باعث مرگ هزاران نفر از مردم جهان و میلیاردها دلار خسارات مالی در کشورهای مختلف می‌شود (ملک حسینی، ۱۳۹۳: ۱۲۱). در اکثر جاده‌های منتهی به شهر و روستا، تصادفات جاده‌ای به یک بحران توسعه و سلامت عمومی تبدیل شده است و پیش‌بینی می‌شود در صورت عدم توجه اعضای جامعه جهانی به ایمنی راه‌ها، این حوادث افزایش یابد. (غرای و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸۹). تصادفات جاده‌ای به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل مرگ و میر در جوامع انسانی پیامدهای ناگوار، اجتماعی فرهنگی و اقتصادی را به همراه دارد. در بروز تصادفات جاده‌ای عوامل متعددی از جمله: انسان، وسیله نقلیه و شرایط محیطی تأثیرگذار بوده و شرایط محیطی نیز وابسته به وضعیت جوی و رخدادهای طبیعی است که وقوع آن‌ها علاوه بر خسارات فراوان جانی و مالی اختلال در شبکه حمل و نقل و کاهش کارایی آن را در پی دارد. حمل و نقل زمینی به دلیل گستردگی آن و عبور از مناطق با ویژگی‌های متفاوت آب و هوایی و مستعد وقوع حوادث طبیعی در معرض بیشترین آسیب‌های ناشی از بروز این حوادث قرار دارد، (کاظمی، ۱۳۸۸: ۹۹). دیدگاه مردم دنیا اغلب نسبت به تصادفات جاده‌ای و عوارض آن طی سال‌های اخیر تغییر کرده است. در کشورهای صنعتی، حساسیت و نگرانی در مورد آثار سوء حمل و نقل جاده‌ای و عوارض ناشی از آن مانند: آلودگی محیط و هوا، از بین رفتن زیبایی‌های طبیعی، سروصدا، سوانح رانندگی و نظایر آن‌ها افزایش یافته است. (بهتوئی، ۱۳۹۹: ۱۲۸)

آسیب‌های ناشی از تصادفات جاده‌ای هر ساله جان یک میلیون و دویست و پنجاه هزار نفر را در سراسر دنیا می‌گیرد. و حدود ۵۰-۲۰ میلیون آسیب دیده را به جای می‌گذارد و نظام سلامت و اقتصاد کشور را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان بیشترین آمار مرگ و میر مربوط به گروه سنی بین ۲۹-۱۵ سال می‌باشد (انصاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۳) طبق

آسیب شناسی مدیریت بحران تصادفات جاده ای در استان خراسان رضوی

اعلام پزشکی قانونی، در سال ۱۴۰۳ تعداد تلفات حوادث رانندگی با رشد ۸.۲ درصدی به ۲۰ هزار و ۴۵ نفر رسید که از این تعداد ۱۵ هزار و ۸۵۴ نفر مرد و چهار هزار و ۱۹۱ نفر زن هستند. سال گذشته بیشترین آمار تلفات تصادفات به ترتیب در استان‌های فارس با هزار و ۶۱۴ مورد فوتی، تهران با هزار و ۴۴۹ مورد فوتی و سیستان و بلوچستان با هزار و ۴۳۶ مورد فوتی بود و کمترین آمار تلفات نیز در استان‌های ایلام با ۱۷۳ مورد فوتی، کهگیلویه و بویراحمد با ۲۲۴ مورد فوتی و اردبیل با ۲۴۳ مورد فوتی ثبت شده است.

همچنین ۱۳ هزار و ۷۷۰ نفر در محورهای برون شهری، چهار هزار و ۹۳۰ نفر در مسیرهای درون شهری، هزار و ۱۲۰ نفر در مسیرهای روستایی و مابقی کشته‌ها نیز در سایر مسیرها جان خود را از دست داده‌اند. در سال گذشته بیشترین تعداد جانباختگان حوادث رانندگی با دو هزار و ۵۰ فوتی مربوط به شهریور ماه و کمترین آن با هزار و ۴۱۱ مورد مربوط به ماه بهمن بوده است.

مدیریت بحران برای مواجهه با بحران تصادفات جاده‌ای نیازمند تجربه، آمادگی، مهارت، سرعت عمل، هوشمندی و خلاقیت است. مدیریت بحران فرآیند برنامه‌ریزی و عملکرد می‌باشد که با مشاهده سیستماتیک بحران‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها در جستجوی یافتن ابزاری برای کاهش اثرات بحران است. (عظیمی، ۱۳۹۸: ۸۷). هرچه سازمان‌های متولی مدیریت بحران نظام مندتر، هماهنگ‌تر، منسجم‌تر و کارا تر باشند، احتمال تبدیل شدن مخاطرات، به بلایا و بحران‌ها کمتر و آسیب‌پذیری شهر نیز پایین‌تر است. یکی از فاکتورهای مهم در حفظ کارایی این سازمان‌ها و مهم‌ترین عامل موفقیت در عملکرد آن‌ها، عدم آسیب‌پذیری این سازمان‌ها در برابر مخاطرات می‌باشد. سازمان‌های آسیب‌پذیرتر، در لحظه وقوع مخاطرات، کارایی خود را از دست داده و نه تنها قادر به مدیریت بحران نخواهند بود بلکه، خود بر بار بحران و آسیب‌پذیری شهر می‌افزایند. بنابراین، گام نخست در مدیریت بحران، اقدامی است که توسط یک سازمان برای حفاظت از خودش در برابر حوادث غیر قابل پیش‌بینی یا موقعیت‌هایی که موفقیت یا عملکرد سازمان را تهدید می‌کند، انجام می‌شود. بنابراین در زمان وقوع بحران، اگر سازمان‌های مربوطه دارای یک الگوی مدیریتی کارآمد و مناسبی نباشند، نمی‌توانند در برابر آن حادثه غیر مترقبه کارایی لازم و قابل قبولی را از خود نشان دهند (نیلی، ۱۳۹۶: ۲۳).

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

از میان شرایط محیطی که ایمنی حمل و نقل را تحت تأثیر قرار می‌دهند می‌توان به پدیده‌های جوی و رویدادهای طبیعی اشاره نمود که در سال‌های اخیر توجه بسیاری از محققان را در جهان به خود معطوف داشته است. هر چند ممکن است این حوادث عامل اصلی در وقوع تصادفات محسوب نشود، اما بدون تردید یکی از عوامل عمده محیطی در بروز تصادفات به شمار می‌رود (کلانتری، ۱۳۸۹) در کشورمان ایران، بیش از نصف مساحت کشور در مناطق خشک و در معرض بیابان‌زایی و طوفان ماسه است و همه ساله بروز طوفان ماسه‌ای می‌شود که خود باعث ایجاد خطراتی چون: از بین رفتن زمین‌های کشاورزی، شیوع بیماری‌ها، صدمه به تأسیسات راه و ساختمان، تخریب تأسیسات و تجهیزات زیربنایی و آسیب‌های زیست محیطی در شهرها و روستاها می‌گردد. طوفان ماسه در مناطق خشک و نیمه خشک کشور، مشکلاتی را برای رانندگان در طول راه‌های ارتباطی ایجاد می‌کند و هر ساله باعث تصادفات و ترافیک‌های زنجیره‌ای می‌شود (کلانتری خلیل آباد، ۱۳۸۷)

یکی از سازمان‌هایی که بطور مستقیم و مستمر در مقابله با هر بحران نقش فعالی دارد، سازمان هلال احمر می‌باشد. زمانی این سازمان می‌تواند نقش خود را بخوبی ایفا نماید که در زمان قبل از وقوع بحران، به یک الگوی مناسب مدیریتی دست یافته باشد تا در زمان وقوع حادثه، به صورت یکپارچه، هماهنگ و با در نظر گرفتن همه‌ی جوانب بحران، دست به هر گونه اقدامی بزند. هدف اصلی پژوهش پیش رو آسیب‌شناسی (نقاط قوت و ضعف) مدیریت بحران تصادفات جاده‌ای با توجه به شرایط جوی-اقليمی در راه‌های استان خراسان رضوی از نظر پرسنل اورژانس این استان است. دیگر اهداف پژوهش بدین قرارند:

- واکاوی تجربه زیسته پرسنل و مسئولین هلال احمر استان خراسان رضوی در زمینه امداد رسانی به آسیب دیدگان تصادف‌های جاده‌ای با توجه به شرایط جوی-اقليمی؛
- واکاوی مسائل و مشکلات هلال احمر استان خراسان رضوی در امداد رسانی به مصدومان تصادف‌های جاده‌ای با توجه به شرایط جوی-اقليمی؛
- واکاوی نقاط قوت و ضعف استراتژی‌های بکار گرفته شده در مدیریت بحران‌های تصادفات جاده‌ای با توجه به شرایط جوی-اقليمی

آسیب شناسی مدیریت بحران تصادفات جاده ای در استان خراسان رضوی

• واکاوی پیامدهای بحران‌های اقلیمی بر مدیریت کارآمد بحران تصادفات جاده‌ای

در زمینه نوآوری تحقیق می‌توان به این موضوع اشاره کرد که براساس برنامه مدیریت بحران کشور (مصوب سال ۱۳۹۸)، تأکیدی بر برنامه استانی کاهش خطر حوادث و سوانح شده است. براساس این برنامه، اداره کل مدیریت بحران استان با رعایت قوانین و مقررات و با مشارکت همه دستگاه‌های مسئول موضوع ماده ۲ این قانون متناظر در استان، باید برنامه ملی کاهش خطر حوادث و سوانح را تهیه کرده و شناخت مخاطرات، آسیب‌پذیری‌ها، ظرفیت‌ها و راهکارهای کاهش خطر استان را در اولویت قرار دهد. همچنین در این برنامه بر ارتقای توانایی شناسایی مخاطرات و درک خطر حوادث و سوانح در کشور از جمله تهیه اطلس ملی مخاطرات طبیعی، تدوین برنامه‌های کاهش خطر حوادث و سوانح استانی برای تصویب ستاد ملی تأکید شده است. بر این اساس نوآوری تحقیق در این است که پژوهش در قالب یک پژوهش کاربردی تلاش دارد، نخست براساس تجربه زیسته پرسنل و مسئولین هلال احمر، مهمترین مسائل و مشکلات در زمینه عملیات امداد و نجات را مورد بررسی قرار داده و همچنین نقاط قوت و ضعف را در مواردی: از جمله کیفیت خدمات‌رسانی و راهبردهای به کار گرفته شده توسط نیروهای هلال احمر را احصاء کند و در نهایت براساس مسائل و مشکلات موجود، تجهیزات و امکانات لازم را برای مدیریت کارآمد مخاطرات تصادفات جاده‌ای را پیش‌بینی کند. سؤال اصلی تحقیق این است که مدیریت کارآمد بحران تصادفات جاده‌ای (با توجه به شرایط جوی-اقلیمی در جاده‌های استان خراسان رضوی) دارای چه چالش‌هایی (نقاط قوت و ضعف‌ها) است؟

پیشینه تحقیق

احسان پور و همکاران (۱۴۰۲: ۶۱) در ارزیابی تأثیر روش‌های اجرایی مدیریت برنامه‌ریزی شهری در ارتقای انضباط ترافیکی به این نتیجه می‌رسد که راهکارهای مدیریتی شامل: استفاده از ظرفیت دوربین‌های نظارتی و ثبت هوشمند تخلفات، حمل‌ونقل عمومی با رویکرد هوشمندسازی شامل بهره‌مندی از سامانه پیشرفته مدیریت ترافیک، اصلاح هندسی و ارتقای ایمنی معابر شامل: تخصیص بودجه کافی جهت رفع نقاط پرتصادف و بهبود زیرساخت‌های شهری در حوزه ترافیک و آموزش مقررات ایمنی با استفاده از ظرفیت فضای مجازی در راستای ارتقای فرهنگ صحیح رانندگی بیشترین

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

تأثیر را دارند. آراد اکبری و همکاران (۱۴۰۱: ۸۳) در تحلیل فضایی تصادفات معابر درون شهری به این نتیجه می‌رسد که تصادفات رانندگی اغلب در زمستان و تابستان رخ می‌دهد. علاوه بر این، تصادفات عمدتاً در دو بازه زمانی، ۱۴:۰۰ تا ۱۵:۰۰ و ۱۹:۰۰ تا ۲۳:۰۰ رخ می‌دهد. نقاط حادثه‌خیز اغلب در تقاطع‌های بخش‌های شمالی و غربی منطقه ۵ تهران بزرگ و بخش‌های مرکزی، نزدیک چهارراه‌ها و گذرگاه‌های غیرمجاز متمرکز هستند.

سادات حسینی و همکاران (۱۳۹۹: ۷۳) در بررسی تأثیر گرد و غبار بر تصادفات جاده‌ای در روزهای وقوع گرد و غبار با روزهای دیگر نشان داد که گرد و غبار بر علت تامه تصادفات نیز تأثیر دارد و باعث افزایش تصادفات به علت عدم توجه به جلو و تخطی از سرعت مطمئنه می‌شود. گهرپور و همکاران (۱۴۰۰: ۱۳۵) در بررسی عملکرد دسترسی‌ها در تصادفات جاده‌ای (مورد مطالعاتی استان اصفهان) به این نتیجه می‌رسد که وجود دسترسی‌های نامناسب و احداث نقاط دسترسی غیر اصولی، باعث وقوع تصادف‌های متعدد در راه‌های کشور می‌شود. بهتوئی و همکاران (۱۳۹۹: ۱۲۷) در داده کاوی تصادفات جاده‌ای شمال غرب تهران نشان می‌دهد که اصلی‌ترین علت تصادفات جاده‌ای عامل انسانی و عدم توه به جلواست، ولی شرایط جوی به عنوان عامل اصلی وقوع تصادفات مطرح نیستند ولی تشدید تصادفات را در پی خواهند داشت، و معابر راه‌ها در وقوع تصادفات و شدت آن‌ها مؤثرند. رنگریز (۱۳۹۸: ۱۹) در مدل‌سازی کاهش خسارت‌ها در تصادفات جاده‌ای الگو با ثبت اطلاعات دریافتی به این نتیجه می‌رسد که قبل از لحظه برخورد کردن از کلیه حسگرهای کار گذاشته شده در خودرو و هم چنین با پردازش و تفسیر آن‌ها، اطلاعات مفیدی را در اختیار پلیس و شرکت‌های بیمه‌ای قرار می‌دهد. عبدالهی و همکاران (۱۴۰۲: ۱-۲۴) در ارائه مدل جامع مدیریت راهبردی بحران در تصادفات جاده‌ای با رویکرد داده‌بنیاد به این نتیجه می‌رسد که دو عامل "مدیریت عوامل انسانی در رانندگان و سرنشینان خودروها" و "کنترل، مدیریت و پیشگیری از نواقص فنی وسایل نقلیه" به عنوان عوامل علی، "کنترل، مدیریت بهبود وضعیت فنی و امکانات جاده‌ها" به عنوان عوامل زمینه‌ای، "مدیریت بهینه و پیش‌بینی شده شرایط جوی" و "سیاست‌گذاری ایمنی مدیریت جاده‌ای در نهادهای بالادستی و الزام به رعایت همه جانبه آن" به عنوان عوامل مداخله‌گر و "مدیریت کلیه عوامل دخیل در تصادفات و هماهنگی بین کلیه ارگان‌های دخیل در

آسیب شناسی مدیریت بحران تصادفات جاده ای در استان خراسان رضوی

بهبود و مدیریت بحران‌های ترافیکی جاده‌ها^۱ معرفی می‌شود. کی منش و همکاران (۱۳۹۳: ۱) در مدیریت بحران تصادفات جاده‌ای در روزهای برفی و بارانی به این نتیجه می‌رسد که اثرات باران و برف بر تعداد تصادفات جرحی بیشتر از تعداد تصادفات فوتی می‌باشد.

موسوی و همکاران (۱۳۸۹: ۲۹) در مدیریت بحران در تصادفات رانندگی در شهر یزد به این نتیجه می‌رسد که تشکیل یک واحد مدیریت ایمنی و برقراری سازماندهی، تشکیل پایگاه‌های اطلاعات و آمار تصادفات، ارتقای آگاهی عمومی در راستای ایمنی، بهبود ایمنی شبکه معابر و تقاطع‌ها، استفاده از وسایل نقلیه ایمن‌تر، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین سیستم حمل و نقل هوشمند جهت نظارت بر تخلفات، تکمیل و توسعه طراحی و جانمایی علائم، تابلوها و تجهیزات ایمنی راه‌ها، ساماندهی تردد موتورسیکلت سواران در جهت بهبود وضعیت ایمنی و کاهش میزان تصادفات شهر یزد بیشترین تأثیر را داشته باشند.

ایزله‌ر^۳ (۲۰۲۴) در توسعه مدل‌های پیش‌بینی فرکانس تصادفات برای جاده‌های شهری سائوپائولو برزیل به این نتیجه می‌رسد که سرعت وسیله نقلیه، حجم ترافیک، کاربری زمین در تصادفات اهمیت دارد. التماسی (۲۰۲۴) در بررسی رابطه بین سرعت باد، شرایط اقلیمی و تصادفات جاده‌ای در ایران به این نتیجه می‌رسد که سرعت باد تأثیر مستقیم و معناداری بر نوع تصادفات (کشنده یا غیرکشنده) ندارد، اما بر نوع برخورد در تصادفات جاده‌ای تأثیر می‌گذارد. عبدالرشید (۲۰۲۴) در تحلیل نقش هوش مصنوعی در پیش‌بینی تصادفات جاده‌ای این فناوری برای تعیین و تجزیه و تحلیل اهمیت و وابستگی عوامل خطر به شدت دقیق است. نانجوندا^۴ (۲۰۲۱) در تأثیر پروفایل‌های اجتماعی-اقتصادی بر بحران سلامت عمومی حوادث ترافیکی: یک مطالعه کی در هند به این نتیجه می‌رسد که عوامل اقتصادی-اجتماعی به عنوان یک عامل کلیدی بر بروز تصادفات جاده‌ای به ویژه در بین جوانان محروم، نقش دارد. حبیبزاده (۲۰۲۴) در ارائه مدل‌های شبکه عصبی مصنوعی بر اساس تئوری‌های بهینه برای پیش‌بینی شدت تصادفات در جاده‌های روستایی ایران به این نتیجه می‌رسد که تراکم دسترسی، خطر کنار جاده و عرض جاده به عنوان

Cassiano Augusto Isler³

Nanjunda, D. C⁴

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

مهم‌ترین متغیرها در تصادفات شناسایی شدند. التماسی (۲۰۲۴بی) در پیش‌بینی نوع تصادفات جاده‌ای بر اساس دمای هوا در ایران: یک مدل پیش‌بینی‌کننده برای الگوهای تصادف ارائه می‌کند.

مرور بر نظریات

در جامعه‌شناسی شهری، علت‌های وقوع بحران‌های طبیعی و انسان‌ساز با توجه به نقش عملکردی آنها به سه گروه اصلی، زمینه‌ساز و بازدارنده تقسیم می‌شود. علل اصلی، علت‌هایی هستند که نقش مؤثری در بروز واقعه دارند که می‌توانند آشکار یا پنهان باشند. علت‌های زمینه‌ساز، عللی هستند که ضمن اثرگذاری بر علل اصلی از خاصیت تسهیل‌کنندگی برخوردار می‌باشند که معمولاً به صورت ظاهری نیز بروز می‌نماید. علت‌های بازدارنده، عللی را شامل می‌شوند که در جلوگیری از توسعه بحران نقش آفرین هستند (قصری، ۱۳۸۷: ۲۹۷)

علم جامعه‌شناسی در حوزه جامعه‌شناسی شهری، در مواجهه با مخاطرات (طبیعی و غیر طبیعی) با حوزه علمی دیگری با عنوان مدیریت بحران، ارتباط می‌یابد که بر این اساس می‌توان گفت که مدیریت بحران، از اصطلاحات بین‌رشته‌ای (جامعه‌شناسی و علم مدیریت) است که به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، چاره‌جویی‌ها و دستورالعمل‌هایی اطلاق می‌گردد که مدیریت یک سازمان (با توجه به نقش عوامل اجتماعی-فرهنگی)، در چالش با بحران انجام می‌دهد و هدف آن کاهش روند، کنترل و رفع بحران است. مدیریت بحران دانشی کاربردی است که طی آن با مشاهده نظام‌مند بحران‌ها و تجربه و تحلیل آن‌ها، می‌توان پیشگیری‌های لازم را انجام داد و در صورت بروز بحران، در خصوص کاهش اثرات، امدادرسانی سریع و بهبود و بازسازی اوضاع اقدام کرد. همچنین مدیریت بحران به مجموعه‌ای از مهارت‌ها یا فرایندهای تحقیقی گفته می‌شود که در هنگام وقوع مخاطرات غیر متعارف یا وضعیت مشکل به کار گرفته می‌شود تا تعادل به سیستم باز گردد. بنابراین مدیریت بحران به مجموعه طرح‌ها و روش‌های پیشرفته و خاصی گفته می‌شود که برای پیشگیری و مهار بحران مورد استفاده قرار می‌گیرند (برنجکار، ۱۳۹۸: ۲).

در مدیریت بحران سعی بر این است تا با کمک گرفتن از تجربیات گذشته و شناخت دقیق پدیده‌های طبیعی و محیطی، نسبت به پیش‌بینی و پیشگیری حوادث غیر مترقبه و جلوگیری از غافل‌گیری

آسیب شناسی مدیریت بحران تصادفات جاده ای در استان خراسان رضوی

اقدام کرد تا بتوان خسارت های ناشی از آن ها را به حداقل ممکن کاهش داد. از اینرو چرخه مدیریت بحران از دوران قبل از وقوع حادثه شروع و تا به مرحله عادی سازی و بازسازی ادامه می یابد (حبیب زاده و جوادیان، ۱۳۸۹). صاحب نظران چرخه کاملی برای مدیریت بحران تعریف کرده اند. در این چرخه مدیریت بحران دارای ۶ مرحله است که این مراحل به ترتیب عبارتند از:

۱- مرحله تحلیل خطرپذیری شامل (بررسی تاریخچه بحران- تحلیل مخاطرات- تحلیل آسیب پذیری)،

۲- مرحله پیشگیری و کاهش اثرات مخرب بلایا،

۳- مرحله آمادگی،

۴- مرحله پیش بینی و هشدار اولیه،

۵- مرحله پاسخگویی

۶- مرحله بازیابی.

چهار مرحله نخست در مرحله قبل از وقوع، مرحله پنجم در مرحله هنگام وقوع و مرحله ششم در مرحله وقوع قرار دارند (بصیریان جهرمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۹).

مدیریت بحران شامل سه فاز قبل، حین و بعد از وقوع بحران است. طبیعی است که بهترین روش برای مقابله با بحران، جلوگیری از رخداد آن است. اگر کانون های خطر که می توانند آغازگر بحران باشند، شناسایی و اقدام به حذف یا مهار آن ها شود، هرگز بحرانی به وقوع نخواهد پیوست که نیاز به مقابله با آن باشد پس اقدامات قبل از وقوع همانند ارزیابی ریسک و شبیه سازی پیامد آتش سوزی می تواند بسیار کارساز باشد. (حبیب زاده، ۱۳۸۹: ۱۰۵-۱۰۷)

روش

پژوهش حاضر کیفی و از نوع پدیدارشناسی است. روش پدیدارشناسی به بررسی تجربیات واقعی افراد می پردازد (رومانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱-۱۶) با استفاده از نمونه گیری هدفمند تعداد ۲۰ نفر از پرسنل و مسئولین هلال احمر استان خراسان رضوی انتخاب شدند. در این روش افراد بر پایه ملاک های از پیش تعیین شده (هومن، ۱۳۸۹: ۴۶) در رابطه با پرسش پژوهش انتخاب شدند. جامعه هدف در پژوهش شامل: تمامی مسئولین و پرسنل هلال احمر در استان خراسان رضوی است. بر این اساس تعداد مشارکت کنندگان در پژوهش بر اساس اشباع نظری تعیین شد. محدوده سابقه

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

شرکت‌کنندگان در مصاحبه بین ۴ تا ۲۹ سال بوده است. روش گردآوری اطلاعات با توجه به اینکه سؤالات مورد پرسش تا حدی مشخص بودند، مصاحبه نیمه ساختار یافته است، که اصلی‌ترین روش جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش پدیدارشناسی است. زیرا موقعیتی را فراهم می‌آورد تا شرکت‌کننده دیدگاه خود را نسبت به دنیا آن‌طور که تجربه کرده با استفاده از زبان و لغات خاص خود تشریح کند (رومانی، ۱۳۹۹: ۵). تأیید همکاران پژوهش، مهمترین ملاک برای ایجاد اعتبار در تحقیقات کیفی است. در پژوهش حاضر، تأیید همکاران تحقیق به دو شکل رسمی و غیررسمی انجام شد. برای مثال در پایان مصاحبه، محقق آنچه که گفته شده بود را خلاصه می‌کرد و می‌پرسید: آیا یادداشتهای محقق به طور صحیح، منعکس‌کننده وضعیت شخص هستند یا خیر؟ سپس پیش‌نویس گزارش تحقیق با اعضاء برای ارائه نظر به اشتراک گذاشته شده است. همچنین، سعی شده تا با اختصاص زمان مناسب جهت جمع‌آوری داده‌ها، تلفیق روش‌ها و بازنگری مشارکت‌کنندگان این اصل مهم رعایت شود. بازنگری مشارکت‌کنندگان به این ترتیب بود که برگه‌هایی حاوی متن مصاحبه در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت تا هر جا که لازم است توضیحی به آن اضافه و یا هر عبارتی که به نظر آنان منطبق بر اظهاراتشان نیست، حذف و یا اصلاح گردد. به منظور رعایت اصل تأییدپذیری داده‌ها، تلاش شده تا از هر گونه سوگیری در فرآیند مصاحبه و استخراج نتایج خودداری شود و در نهایت جهت افزایش قابلیت اطمینان که عبارتند از: کفایت روند تجزیه و تحلیل و تصمیم‌گیری، از راهنمایی و نظارت دو نفر از اساتید با مدرک دکتری جامعه‌شناسی و سه نفر با مدرک دکتری مدیریت که در روش تحقیق کیفی تسلط داشته‌اند، استفاده شده است. جهت انجام مصاحبه پژوهش، پس از اینکه شرکت‌کنندگان تمایل خود را جهت انجام مصاحبه نشان دادند، جریان مصاحبه شروع شد. هر مصاحبه حدود ۳۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید. ابتدا قبل از ارائه سؤالات، توضیحات لازم در ارتباط با مسأله و اهداف پژوهش و همین‌طور پیامدها و کاربرد نتایج پژوهش به آن‌ها ارائه شد. در مرحله بعدی به مصاحبه‌شوندگان اطمینان داده شد که اصالت شخصی آن‌ها در فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها هیچ نقشی ندارد و تنها محتوای پرسش و پاسخ‌ها مورد نیاز است. زمان انجام مصاحبه برای هر فرد با توجه به ساعت کاری و زمان اوقات فراغت هر فرد بود. در جریان مصاحبه برای مصاحبه‌شوندگانی که اجازه ضبط صدا داده بودند، مصاحبه‌ها ضبط و سپس به روی کاغذ آورده شدند و برای سایر مصاحبه‌شوندگان هم زمان با ارائه پاسخ به یادداشت‌برداری پرداخته شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی صورت گرفته است.

آسیب شناسی مدیریت بحران تصادفات جاده ای در استان خراسان رضوی

جدول: ۱ ویژگی های مشارکت کنندگان در پژوهش

ردی ف	جنسیت	تاهل	سابقه کاری	مسئولیت	تحصیلات و رشته تحصیلی
1	مرد	متاهل	15 سال	مسئول پایگاه جاده ای و مربی امداد	کارشناسی امداد سوانح
2	مرد	مجرد	5 سال	نجاتگر پایگاه جاده ای	کارشناسی فوریت های پزشکی
3	مرد	متاهل	25 سال	معاونت امداد و نجات استان	کارشناسی امداد سوانح
4	مرد	مجرد	8 سال	نجاتگر تیم واکنش سریع استان و مربی امداد	کارشناسی ارشد عمران
5	مرد	متاهل	22 سال	مسئول پایگاه های امداد استان و مربی امداد	کارشناسی امداد سوانح
6	مرد	متاهل	7 سال	کارشناس حوزه آموزش استان و مربی امداد	کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی
7	مرد	متاهل	10 سال	مسئول پایگاه امداد جاده ای و مربی امداد	کارشناسی ارشد مدیریت بحران
8	مرد	متاهل	20 سال	معاونت آموزش و پژوهش استان	کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی
9	مرد	متاهل	10 سال	نجاتگر تیم واکنش سریع استان و مربی امداد	کارشناسی زراعت
10	مرد	مجرد	8 سال	مسئول پایگاه امداد جاده ای	کارشناسی ارشد روانشناسی
11	مرد	مجرد	7 سال	نجاتگر تیم واکنش سریع استان	کارشناسی امداد و سوانح
12	مرد	مجرد	5 سال	نجاتگر پایگاه امداد جاده ای	کاردانی عمران
13	مرد	متاهل	5 سال	نجاتگر پایگاه امداد جاده ای	کارشناسی فوریت های پزشکی
14	مرد	متاهل	7 سال	نجاتگر تیم واکنش سریع استان و مربی امداد	کارشناسی امداد سوانح
15	مرد	متاهل	17 سال	مسئول تیم واکنش سریع استان و مربی امداد	کارشناسی ارشد سوانح طبیعی
16	مرد	متاهل	20 سال	مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان	دکتری مدیریت برنامه ریزی
17	مرد	متاهل	12 سال	رئیس اداره آموزش های تخصصی	دکتری جغرافیا شهری
18	مرد	متاهل	7 سال	نجاتگر تیم واکنش سریع استان	کارشناسی حقوق
19	مرد	متاهل	9 سال	رئیس شعبه جمعیت شهرستان	کارشناسی ارشد روانشناسی
20	مرد	متاهل	15 سال	مسئول امداد و نجات شهرستان	کارشناسی ارشد عمران سازه

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

نمونه ای از مراحل کدگذاری سطح اول و دوم داده‌ها بدین قرار است:

جدول ۲: کد گذاری باز نقش مسائل مدیریتی-اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی در مدیریت بحران

کد اولیه	مفاهیم
بحث زیرساختی (جاده‌ها) کیفیت پائین خودروها وضعیت اقتصادی قاچاق سوخت	از نظر مسائل مدیریتی اجتماعی فرهنگی در زمینه مدیریتی بیشتر بحث زیر ساختی است که می‌تواند نقش داشته باشد. بحث اینکه از نظر کیفیت جاده‌های ما بسیار کیفیت پایینی دارند و این که میشه گفت تقریباً هشتاد درصد جاده‌های ما دو طرفه هستند که خوب این یک نقش مهمی در حوادث دارد و از طرفی هم با توجه به وضعیت بد اقتصادی این منطقه که جزء مناصق محروم است و خوب خیلی‌ها روی می‌ارن به بحث قاچاق سوخت و رانندگی خطرناکی دارن در این جاده‌ها باعث افزایش حوادث می‌شود. بحث اقتصادی بحث اینکه مردم توانایی خرید خودرو با کیفیت و خودرو خوب رو ندارن این می‌تونه در واقع نقش داشته باشه هر چه کیفیت خودر بالاتر باشه هر چه خودرو به روزتر باشن تعداد حوادث کمتر میشه

یافته‌ها

در زمینه آسیب‌شناسی مدیریت بحران حوادث جاده‌ای در منطقه مورد بررسی، بهتر است ابتدا به بررسی نقاط قوت و ضعف استراتژی‌های به کار گرفته شده در مدیریت بحران تصادفات جاده‌ای پرداخته شود. یکی از مهمترین این استراتژی‌ها، استراتژی آموزش و اقدام سریع به عنوان مقوله اصلی است که با زیرمقولاتی از جمله: روحیه داوطلبانه، آموزش پرسنل و اقدام سریع مشخص می‌شود. اما

جدول ۳: استراتژی‌های بکار گرفته شده در مدیریت بحران های تصادفات جاده ای

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
تعداد زیاد داوطلبینی هلال احمر/همدلی و هم افزایی مدیران/نیروهای متخصص جوان/روحیه داوطلبانه در هلال احمری‌ها/ نیروی جوان و تلاش برای رفع بحران حتی با گذاشتن انرژی و توان بیش از حد باعث	روحیه داوطلبی	استراتژی آموزش و اقدام سریع
آموزش هایی که به نجاتگران داده شده/ کارگروه های امدادی/ آموزش تخصصی نیرو ها	آموزش پرسنل	
اقدام سریع پلیس، هلال احمر، مدیریت بحران، راهدار	اقدام سریع	

آسیب شناسی مدیریت بحران تصادفات جاده ای در استان خراسان رضوی

درباره نقاط ضعف این استراتژی می توان به مقولات اصلی عدم بروزرسانی تجهیزاتی، مشکل فواصل جاده ای، مشارکت نامطلوب تیمی، بی توجهی به رویکرد علمی، ضعف های آموزشی، عدم شناخت مسائل اقلیمی در برخی مدیران اشاره کرد. جدول زیر نقاط ضعف برنامه را در موارد مطروحه به طور خلاصه مطرح می کند:

جدول ۴: نقاط ضعف استراتژی های بکار گرفته شده در مدیریت بحران های تصادفات جاده ای

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
تجهیزات فرسوده است که خیلی به روز نشده/ فرسودگی تجهیزات و عدم توانایی برای بهبود بخشیدن به آن	تجهیزات قدیمی	عدم بروزرسانی تجهیزاتی
بحث فواصل پایگاه های امدادی/ استانداردش چیزی حدود هر سی و پنج کیلومتر/ نبود پایگاه حتی تا صد و پنجاه تا دویست کیلومتر / کمبود پایگاه/ فاصله جاده ها. کمبود تجهیزات ما، کمبود پایگاه های	فواصل پایگاهها	مشکل فواصل جاده ای
نبودن کار تیمی ، استفاده از نیروی داوطلب، ، دانش ناکافی /جمع گریزی/عدم تحمل کار تیمی	بی اهمیتی به کار تیمی	مشارکت نامطلوب تیمی
ضعف ارزیابی و کار علمی /ضعف کار علمی/بی توجهی مدیران به پژوهش های علمی/بی توجهی به دانش مدیریت بحران	عدم احساس نیاز به یافته های علمی	بی توجهی به رویکرد علمی
نبود آموزش های درست و استاندارد /هر امدادگر باید از نظر آموزش ها به روز رسانی بشود /در امر پیشگیری کار زیادی نمیشود	آموزش ناکافی	ضعف های آموزشی
عدم بازخوردی موثری /خیلی از مدیران ارگان هامون داخلی نیستند و عدم آگاهی با شرایط اقلیمی / شرایط جاده ها/لرزم یک مدیریت خلاقانه / لزوم آشنایی با جغرافیای استان /لرزم مدیریت عمل گرایانه /مدیران در هلال احمر تنها قادر به برنامه ریزی آموزشی هستند /در پیشگیری از بحران های اقلیمی، مدیران سایر ادارات نقش برنامه ریزی و اجرای اقدامات پیشگیری دارند.	ضعف مدیریتی	عدم شناخت مسائل اقلیمی در برخی مدیران

از نظر مشارکت کننده شماره ۱ " نقاط قوت می توان به بحث آموزش تخصصی نیروها اشاره کرد" مشارکت کننده ۹ "می توان به تعداد زیاد داوطلبینی که هلال احمر دارد، اشاره کرد" و مشارکت کننده ۶ "به بحث کار گروه های امدادی که تشکیل می شود، اشاره می کند. " مشارکت کننده ۲ می گوید " اولین نقطه قوت استان ما همدلی و هم افزایی است. مدیران ما پلیس، هلال احمر، مدیریت بحران، راهدار اگر حادثه ای ایجاد شود هر کاری از دست شون بریاد سریع انجام می دهند." مشارکت کننده ۱۲ " به بحث تجهیزات فرسوده (اشاره می کند) که خیلی به روز نشده است" مشارکت کننده ۱۹ معتقد است " بعد از

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

چندین سال، بحث فواصل پایگاه‌های امدادی شاید در استانداردش چیزی حدود هر سی و پنج کیلومتر باشد ولی ما مکان‌هایی را داریم که تا صد و پنجاه کیلومتر حتی دویست کیلومتر پایگاه نداریم"

در خصوص پیامدهای بحران‌های اقلیمی بر مدیریت کارآمد بحران می‌توان به ازدیاد حوادث و دشواری پاسخ دهی به عنوان اولین مقوله اصلی نام برد که با زیرمقولاتی از جمله: تعداد بیشتر حوادث تغییرات اقلیمی /افزایش بیش از حد حوادث / دشواری در پاسخ‌دهی سریع به حوادث /روی آوردن مدیران به جای پیشگیری به بحث پاسخ دهی/عدم توجه به پیش‌بینی، اشاره کرد.

دشواری پاسخ دهی که با زیرمقولاتی از جمله: ازدیاد حوادث تحت تأثیر یخ زدگی‌های جاده‌ها /لغزندگی جاده‌ها و تصادفات /باران‌های موسمی و وقوع سیل/خرابی خانه‌های روستاییان تحت تأثیر سیل / مشخص می‌شود. جابه جایی مدیران که با زیرمقولاتی از جمله: کمترین نقش مدیران به واسطه تغییرات گسترده مدیریتی در بازه‌های زمانی کوتاه /نیاز مبرم به تصمیمات بلند مدت در حوزه تغییرات اقلیمی /کمبود مدیران کارآمد با آگاهی بخشی در ستادهای بحران اشاره داشت.

همچنین مقوله اصلی دیگر با عنوان رانندگی پر خطر که با زیرمقولاتی از جمله: ضعف تجهیزاتی(که با مفاهیمی از جمله: لزوم افزایش سرعت سنج‌ها /ایستگاه‌های هواشناسی /غیر فعال بودن خیلی از دوربین‌های ما در ساعت مختلف شبانه) و وضعیت رانندگان(که با مفاهیمی از جمله: کاهش دید راننده در حوادث تحت تأثیر ریزگردها و طوفان‌ها)، مشخص می‌شود می‌توان اشاره داشت.

در خصوص تأثیر شرایط جوی-اقلیمی بر مدیریت بحران در منطقه مورد بررسی از مشارکت‌کنندگان این سؤال مورد پرسش قرار گرفته است که: شرایط جوی و اقلیمی استان چه تأثیری را بر مدیریت حوادث جاده‌ای برجای گذاشته است؟ مقولات ازدیاد حوادث، دشواری پاسخ دهی، ضعف تجهیزاتی، شرایط رانندگی پرخطر از مهمترین آسیب‌ها در زمینه مدیریت بحران تصادفات جاده‌ای در استان خراسان رضوی، احصاء شده است.

جدول ۵: پیامدهای بحران‌های اقلیمی بر مدیریت کارآمد بحران تصادفات جاده‌ای

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
تعداد بیشتر حوادث تغییرات اقلیمی /افزایش بیش از حد حوادث / دشواری در پاسخ‌دهی سریع به حوادث /روی آوردن مدیران به جای پیشگیری به بحث پاسخ دهی/عدم توجه به پیش‌بینی تحت تأثیر عدم آگاهی	ازدیاد حوادث	

آسیب شناسی مدیریت بحران تصادفات جاده ای در استان خراسان رضوی

پیامدهای بحران های اقلیمی	دشواری پاسخ دهی	از دیاد حوادث تحت تاثیر یخ زدگی های جاده ها / لغزندگی جاده ها و تصادفات / باران های موسمی و وقوع سیل / خرابی خانه های روستاییان تحت تاثیر سیل
	ضعف تجهیزاتی	لزوم افزایش سرعت سنج ها / ایستگاه های هواشناسی / غیر فعال بودن خیلی از دوربین های ما در ساعت مختلف شبانه
	شرایط رانندگی پرخطر	کاهش دید راننده در حوادث تحت تاثیر ریزگردها و طوفان ها

یکی از مسائل و آسیب هایی که در این زمینه مدیریت بحران با آن مواجه بوده است " نقش کمرنگ مدیران به واسطه تغییرات گسترده مدیریتی در بازه های زمانی کوتاه " است. مشارکت کننده شماره ۱ می گوید " با توجه به تغییرات زود به زود در مدیریت، مدیران جدید نمی توانند تصمیمات کلان و دراز مدت بگیرند و نقش ایفا کنند " مشارکت کننده شماره ۱۵ می گوید " نیاز مبرم به تصمیمات بلند مدت در حوزه تغییرات اقلیمی مشهود است " مشارکت کننده شماره ۱۷ به لزوم انتخاب " مدیران لایق با آگاهی بخشی در ستادهای بحران " اشاره دارد.

مشارکت کننده شماره ۲ می گوید: " از نظر شرایط اقلیمی زیاد کار خاصی نشده و اگر بخواهم به صورت تخصصی بگویم، شاید از نظر تغییرات اقلیمی تعداد حوادث بیشتر شده و علت اصلی آن گرد و غبار و همچنین خشکسالی ها که بر روی پوشش گیاهی منطقه تأثیر گذاشته است و باعث افزایش بیش از حد حوادث شده است " از نظر مشارکت کننده شماره ۳ " مدیران به جای پیشگیری به بحث پاسخ دهی بیشتر روی آورده اند. " مشارکت کننده شماره ۱۲ معتقد است " بحران های اقلیمی همه ساله رو به افزایش است و پاسخ مدیران به این گونه بحران ها در سنوات آینده در عملکرد آن ها بسیار تأثیرگذار است در صورت عدم آگاهی پیش بینی انجام نخواهد شد "

در خصوص تجربه زیسته مشارکت کنندگان از نقش مدیران در پیشگیری از بحران تغییرات اقلیمی، مقوله اصلی: نقش آموزشی که با زیرمقوله: آموزش پرسنل (با مفاهیمی از جمله: آموزش در پیشگیری از بحران تغییرات اقلیمی، آموزش امدادگران، دوره امداد جاده (مبتنی بر نجات) اشاره شده است. از نظر مشارکت کنندگان، " جذب همکاری بین سازمانی " که با زیرمقولاتی از جمله: " همکاری سازمانی " و

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

مفاهیمی از جمله: همکاری ارگان‌ها، برنامه‌ریزی در هماهنگی بین سازمان‌های هلال احمر، راهداری/اورژانس و راهنمایی و رانندگی مشخص می‌شود، می‌توان اشاره داشت. یکی از آسیب‌های موجود در این زمینه را می‌تواند در عدم هماهنگی مطلوب در برخی از مأموریت‌های محوله ذکر کرد که از نظر مشارکت‌کنندگان، مدیران در بسیاری از حوادث می‌توانند نقش مؤثرتری را در هماهنگی ایفا کنند. از نظر مشارکت‌کننده شماره ۱ "مدیران بالاترین نقش را در هماهنگی بین سازمانی دارند"، از نظر مشارکت‌کنندگان، "همه چیز دست مدیران است"، "از نظر تجهیزات"، "از نظر زیر ساخت‌ها"، "از نظر آموزش"، بیشتر برمی‌گردد به بحث مدیریتی و همکاری ارگان‌ها، "مشارکت‌کننده ۴ می‌گوید" مشکلات اقتصادی که ارگان‌ها را درگیر کرده، محدودیت بودجه اختصاصی به سازمان است. "از نظرایشان: "اختصاص بودجه با چالش‌های جدی مواجه است به گونه‌ای که شاید دست و پای مدیران را بسته باشد"، مشارکت‌کننده ۱۹ بر نقش امدادگر تأکید دارد و می‌گوید "امدادگر تحلیل اقلیمی و تحلیل جغرافیایی از جاده ندارد، بیشتر در نقش یک اپراتور است (که چگونه باید با ست نجات کار بکند). اما اگر بتواند یک مدیریت و یک خلاقیت را داشته باشد و جغرافیای استان را بلد باشند و بتوانند اطلاعات را کنار هم بگذارد و تحلیل کند، آنوقت بسیاری از مشکلات حل می‌شود".

همچنین در خصوص نقش مدیران بر چگونگی پوشش حوادث جاده‌ای و تأثیر آن بر پیشگیری از بحران تغییرات اقلیمی، مقوله اصلی: لزوم توجهات زیرساختی (که با زیرمقولاتی از جمله: توجه به زیرساخت‌ها) مشخص شده، می‌توان اشاره کرد. مفاهیمی از جمله: لزوم توجه به زیرساخت‌ها/جاده‌ها/نقاط حادثه خیز/برف گیر/سیل گیر و... مورد توجه مشارکت‌کنندگان در پژوهش قرار گرفته است. دیگر موارد مطروحه در جدول زیر تلخیص شده است.

جدول ۶: نقش مدیران بر چگونگی پوشش حوادث جاده‌ای و تأثیر آن بر پیشگیری از بحران تغییرات اقلیمی

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
لزوم توجه به زیرساخت‌ها/جاده‌ها/نقاط حادثه خیز/برف گیر/سیل گیر و...	توجه به زیرساخت‌ها	لزوم توجهات زیرساختی
توجه به: فواصل پایگاه‌های امدادی/پایگاه در فواصل استاندارد بدون فشارهای سیاسی و اجتماعی	فواصل پایگاهی	توجه به فواصل پایگاهها

آسیب شناسی مدیریت بحران تصادفات جاده ای در استان خراسان رضوی

دغدغه مند شدن مدیران در خصوص تغییرات اقلیمی /ارائه راه حل برای تغییرات اقلیمی/ در اولویت قرار دادن نقاط حادثه خیز در ایجاد پایگاه های امدادی توسط مدیران برای پاسخگویی به موقع حوادث و فراهم کردن تجهیزات و نیروی آموزش دیده در ان مکان	حوادث اقلیمی	توجه به تغییرات اقلیمی
تلاش در تامین بودجه/ تخصیص این بودجه ها و حتی تامین این بودجه ها / بحث منابع مالی / بحث تامین اعتبار	مسایل مالی سازمانی	تامین بودجه
حضور مدیران در حوادث کلان/ مثل روزهای برفی یا سیل و/حل تلفنی از موارد /مدیریت زمان/ حضور در صحنه مدیران در در بحران های جاده ای که معمولا حوادث زنجیره ای در برف و گیر افتادگی ها در سیلاب /آماده باش مدیران پایگاه ها و سایر تیم های پشتیبانی/حضور در صحنه /ماهنگی بیشتر و تامین نیاز ها/ چپش صحیح نیروها بر اساس توانمندی هایشان، داشتن جانشین یا نماینده هایی در بحران با اختیارات لازم، که دستورات فورا اجرایی بشه	حضور در حوادث کلان	حضور به موقع
توجه به مدیریت سوانح جامع محور به عنوان راهکار جدید/ از سمت پایگاه زدن و قرارگاه زدن/سمت مردمی سازی کارها و ترویج مدیریت سوانح جامع محور/مدیریت سوانح جامع محور	خانه های هلال	مدیریت جامع محور
لزام توجه به تجارب امدادی در عمده مدیرانی که در هلال احمر خدمت می کنند /اضافه شدن مسائل علمی و تجارب و دانش روز دنیا/پوشش حوادث جاده ای با حضور مدیر	توجه به تجارب قبلی	استفاده از تجارب پیشین
آموزش نیروها/چه داوطلب محور و نیرو های کارمندی	آموزش	آموزش اثر بخش

یکی دیگر از مواردی که در پژوهش پیش رو مورد بررسی قرار گرفته است، آسیب شناسی الگوهای مدیریتی و برنامه ریزی در مدیریت بحران حوادث جاده ای است. در این خصوص، مقوله اصلی: کارکردهای مدیریتی که با زیرمقولات: پوشش دهی حوادث (مفاهیمی از جمله: پوشش در حوادث کوچک تر خود پایگاه های جاده ای / حضور مستقیم خود مدیران در حوادث با وسعت بالا) مشخص می شوند، مورد توجه قرار گرفته اند. دیگر موارد مطروحه در جدول زیر تلخیص شده است.

جدول ۷: الگوهای مدیریتی سازماندهی و برنامه ریزی مدیران در مدیریت بحران حوادث جاده ای

الگوهای مدیریتی	مقوله اصلی	آسیب ها و نیازها
پوشش در حوادث کوچک تر خود پایگاه های جاده ای / حضور مستقیم خود مدیران در حوادث با وسعت بالا	پوشش حوادث	
مراکز کنترلی هر ارگان /آماده باش در حوادث گرد و خاک و طوفان شن شهرستان های معین /اعزام تیم های عملیاتی	مراکز کنترلی	
فرمانده و امدادگران مخصوص مدیریت سازماندهی در هلال احمر برای هر حادثه ای/اعزام ارزیاب به منطقه حادثه در ابتدای حادثه/انجام فعالیت ها پس از ارزیابی برنامه ریزها برای عملیات و افراد متخصص	فرماندهی عملیاتی	

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

کیفیت و کارکرد مدیریتی	حضور افراد در جایگاه و رسته تخصصی خود در پوشش دهی هرچه بهتر حوادث	
	تعریف پوشش حوادث برای حضور مستقیم مدیران/حضور مدیران کشیک که نمایندگان تام‌الاختیار هستند/با تجربه و قوانین تصمیم به تشخیص تیم‌های امدادی/انتخاب تجهیزات مدیریت/طرح عملیاتی در جمعیت هلال احمر/بسته به حجم حادثه و نوع حادثه در آن مقطع/الگوی پیشگیری، آمادگی، پاسخ و بازتوانی،	آمادگی و بازتوانی
	بی‌توجهی مدیریت سوانح جامعه محور و آمایش سرزمینی/بحث جانمایی بر اساس فاصله‌ها/بی‌توجهی به بحث جانمایی پایگاه‌ها بر اساس آمایش سرزمینی	بی‌توجهی به مدیریت جامعه محور
	شفاف نبودن الگوهای مدیریتی در ایران/گنگ بودن الگوهای مدیریتی/تکرار اشتباهات گذشته در اکثر حوادث/مدیریت آزمون خطایی/نبودن الگوی در خصوص ساماندهی و برنامه ریزی در مدیریت بحران حوادث جاده‌ای ناشی از شرایط اقلیمی/تعیین کننده بودن تجربه افراد به جای الگو/دخاله سلیقه و تجارت فردی در نحوه برخورد با حادثه/عدم بازخواست از مدیران	عدم شفافیت کارکردی

مشارکت‌کننده شماره ۱ اذعان می‌دارد که: "الگوهای مدیریتی قالبی که وجود دارد حضور مستقیم رده‌های بالا در حوادث بزرگ است" مشارکت‌کننده شماره ۱۳ به بحث آماده باش‌های فوری اشاره دارد و می‌گوید: "به عنوان مثال اگر امروز در شهرستان ما آماده باش داشته باشیم با گرد و خاک و طوفان شن، شهرستان‌های معین آماده باش می‌خورند و تیم‌های عملیاتی آن‌ها فعال می‌شود". مشارکت‌کننده شماره ۲ به طرح "خانه‌های هلال" اشاره دارد و می‌گوید: "بحث جانمایی پایگاه‌ها بر اساس آمایش سرزمینی، یعنی خانه‌های هلال، به سمت مردمی‌سازی و مدیریت سوانح جامع محور و آمایش سرزمینی پیش می‌رود". مشارکت‌کننده شماره ۳ اذعان می‌دارد که: "مدیریت سازماندهی در هلال احمر برای هر حادثه‌ای فرمانده و امدادگران مخصوص دارد، در حادثه ابتدا ارزیاب به منطقه حادثه اعزام می‌شود که پس از ارزیابی برنامه‌ریزی‌ها برای عملیات و افراد متخصص انجام می‌شود". مشارکت‌کننده شماره ۷، اذعان می‌دارد که: "حضور افراد در جایگاه و رسته تخصصی خود در پوشش دهی هرچه بهتر حوادث مؤثر است..." در خصوص نقاط ضعف و آسیب‌های مطروحه مشارکت‌کننده شماره ۷ می‌گوید "در کشورهای دیگر هر حادثه بر اساس ساختار تعریف شده‌ای مرحله به مرحله از لحظه وقوع تا اتمام تعریف شده است، اما در ایران الگوهای شفاف وجود ندارد و گنگ است و توصیفی بوده و جای تفسیر و برداشت وجود دارد، خیلی به آن پرداخته نمی‌شود و ممکن است اشتباه‌ها، تکرار هم شود".

آسیب شناسی مدیریت بحران تصادفات جاده ای در استان خراسان رضوی

نقش عوامل اجتماعی و جامعه شناختی در مدیریت بحران تصادفات جاده‌ای در تعاملات یا کنش‌های متقابل بین پرسنل و مسئولین مشخص می‌شود. در خصوص آسیب‌شناسی اجتماعی می‌توان به کیفیت و چگونگی تعامل پرسنل با مدیران در اقدامات پیشگیری از تغییرات اقلیمی و حوادث جاده‌ای، اشاره کرد. در این زمینه، مقولات اصلی متعددی شناسایی شده‌اند. یکی از این مقولات: مشکلات تعاملی در برخی پایگاه‌هاست (که با زیر مقولاتی از جمله: تعامل بین مدیران و پرسنل) خلاصه موارد در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۸: کیفیت و چگونگی تعامل پرسنل با مدیران در اقدامات پیشگیری از تغییرات اقلیمی و حوادث جاده

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
تعامل خوب پرسنل با مدیران /بازدید و سرکشی در برخی موارد/حضور مدیر در برخی موارد در مناسبت های مختلف میرای تشکر و قدردانی از امدادگران/در میان گذاشتن چالش ها با مدیران /همکاری پرسنلی متخصص و کاربلد با مدیران /تعامل و علم و خواستن پرسنل به نحو احسن تعامل پرسنل خراسان جنوبی در جهت کمک و رفع مشکل و انجام امداد رسانی /کسب تجربه خوب در شیفت های ماهیانه /واگذاری تصمیمات به مدیران کنشیک و سپس به مدیران /مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتن تحلیل های آنها برای بررسی با درج در دفاتر گزارش نویسی	تعاملات با پرسنل	تعاملات مثبت
عدم برگزاری جلسات تجزیه تحلیل بعد از حوادث/به گوش مدیران نرسیدن تجارب نیروی میدانی/ به گوش مدیران نمیرسد به دو دلیل یک جلسه ای تجزیه و تحلیلی پس از حوادث برگزار نمیشود. /نرمال نبودن رابطه بین مدیران و امدادگران	فاصله مدیران و پرسنل	مشکلات تعاملی در برخی پایگاهها

مشارکت کننده شماره ۱ اذعان می‌دارد که: "در بحث تعامل پرسنل با مدیران، می‌توان گفت که در این زمینه تعامل خوبی بین ما و آن‌ها برقرار است که البته هر چه این تعامل بیشتر شود، نقش بسزایی در مدیریت بحران حوادث جاده‌ای دارد...". مشارکت کننده شماره ۳ معتقد است "در هلال احمر یک رابطه خوب بین پرسنل و مدیران وجود دارد به گونه‌ای که در برخی موارد بازدید و سرکشی، در مناسبت‌های مختلف مدیر برای تشکر و قدردانی از امدادگران حضور پیدا می‌کند که این کار در تقویت روحیه ما بسیار مؤثر است". مشارکت کننده شماره ۴ اذعان می‌دارد که: "مدیران تنها با همکاری پرسنل متخصص و کاربلد می‌توانند کار انجام دهند"، "خصوصاً در بحث پوشش حوادث جاده‌ای مهمترین

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

ابزار مدیر پرسنل است. قطعاً تعامل و علم و خواستن پرسنل بسیار تعیین‌کننده است". مشارکت‌کننده شماره ۹ هم می‌گوید "یکی از نقاط قوت پرسنل خراسان جنوبی تعامل پرسنل در جهت کمک و رفع مشکل و انجام امدادرسانی به نحو مطلوب است"... مشارکت‌کننده شماره ۱۱ اذعان می‌دارد که: "تعامل خوبی بین مدیران و پرسنل" است، از نظرایشان "اینکه حتی پرسنل در شیفت‌های ماهیانه، تجربه خوبی کسب می‌کنند. تصمیمات به مدیران کشیک واگذار می‌شود و سپس به مدیران منتقل می‌شود. البته شاید گاهی تنبیه یا تشویق شوند" اما نقاط ضعفی هم وجود دارد که از نظر مشارکت‌کننده شماره ۱۳ "تحلیل‌های آن‌ها برای بررسی با درج در دفاتر گزارش‌نویسی که کدام موارد مربوط به جمعیت است یا کدام موارد مربوط به سایر ارگان‌ها است، به خوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار نمی‌گیرد."

در خصوص آسیب‌شناسی اجتماعی مدیریت بحران، آموزش‌های مناسب امدادرسانی در حوادث جاده‌ای با توجه به شرایط جوی-اقلیمی استان خراسان رضوی و همچنین کیفیت ارائه آن‌ها از جمله مواردی است که می‌تواند مطرح شود. به همین علت، از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا آموزش‌های موجود در سازمان را مورد ارزیابی قرار دهند و مهمترین مسائل و مشکلات موجود را مطرح نمایند. جدول زیر خلاصه موارد مطروحه را نشان می‌دهد.

جدول ۹: نیازهای آموزشی و چگونگی ارائه آنها در اقدامات پیشگیری از تغییرات اقلیمی و حوادث جاده‌ای

مفاهیم	نیازها	الگوی اثربخش
برنامه ریزی نیازهای آموزشی بر اساس اتفاقات گذشته/ و بیشترین آموزش باید بر اساس تعدد حوادث اتفاق افتاده در گذشته/آموزش حوادث تعیین‌کننده/الویت بندی تعداد نیازها/انعطاف در نیازهای آموزشی	برنامه ریزی براساس تجارب گذشته	آموزش اثربخش پیشگیرانه
لزوم انتخاب جامعه مخاطب از کسانی که بصورت مستقیم با بحران‌های حوادث جاده‌ای تغییرات اقلیمی سروکار دارند/ از جمله رانندگان کامیون‌ها و نیروهای جاده‌ای هلال احمر بعد به سراغ مردم رفت برای آموزش و فرهنگ سازی لازم	انتخاب جامعه هدف	
لزوم مطالعه و آموزش علمی/ ابتدا باید در مورد تغییرات اقلیمی اطلاعات جامع علمی کسب کرد/ شناسایی علمی بحران‌های جاده‌ای	آموزش براساس شرایط اقلیم استان	
آموزش به مردم در شناخت تغییرات اقلیمی/ آموزش در خصوص نحوه و تاثیر شرایط اقلیمی بر تصادف جاده‌ای و شیوه‌های کاهش و پیشگیری از این حوادث/ و آموزش چگونگی برخورد با این نوع حوادث	آموزش مردمی	

آسیب شناسی مدیریت بحران تصادفات جاده ای در استان خراسان رضوی

فرهنگ ترافیکی منطقه	طرح های آموزشی خاص استان/لزوم آموزش در مرحله اول برای مدیران ساختار های دولتی وابسته به تغییرات اقلیمی و بحران های جاده ای /لزوم تحلیل ناهمواری ها و آب و هوا /لزوم شناخت فرهنگ ترافیکی یک استان
جغرافیای استان	نیاز سنجشی نیازهای آموزشی / لزوم توجه جغرافیای استان در آموزش تغییرات اقلیمی / معرفی حوادث جاده ای ، نقاط حادثه خیز/ در هر منطقه با توجه به اقلیم و بر اساس نیاز و نوع حوادث دوره های تخصصی /اولویت اول آشنایی مردم با مخاطرات اقلیمی
بروز رسانی روش های آموزش	آموزش ها رو به فضای مجازی برد با ساخت کلیپ و انیمشن /و سایر / همچنین با طراحی کتابچه شاید خودرو سازان با قرار دادن آنها در خودروی خودشان
آموزش مدیران	بروز رسانی اطلاعات مدیران ، کارشناسان و مردم /ارگا ، آشنایی تیم های امدادی با مخاطرات ، آگاه سازی مدیران و عوامل موثر با مخاطرات، ممارست در آموزش و تمرین های زیاد /آموزش های شبیه سازی شده

نتیجه گیری

تصادفات جاده ای یکی از مسائل مهم در اکثر کشورهای جهان بوده و سالانه جان هزاران نفر را می گیرد تا جایی که این عامل را یکی از مهمترین عوامل مرگ و میر معرفی کرده اند. در حوادث جاده ای نیروهای امدادی از جمله هلال احمر و اورژانس وظیفه کمک رسانی به آسیب دیدگان را برعهده دارند و تجربیات این افراد در مدیریت بحران تصادفات جاده ای دارای اهمیت وافری است.

در خصوص استراتژی های به کار گرفته شده در مدیریت بحران تصادفات جاده ای، استراتژی آموزش و اقدام سریع به عنوان مقوله اصلی که با زیرمقولاتی از جمله روحیه داوطلبی، آموزش پرسنل و اقدام سریع مشخص می شود. مهمترین استراتژی بکار گرفته شده در مدیریت بحران است. از نظر مشارکت کنندگان استفاده از داوطلبین جوان هلال احمر، منجر به همدلی و هم افزایی بالای مدیریتی می تواند باشد و کارگروه های امدادی می توانند آموزش های لازم را در اختیار افراد قرار داده و با اقدام سریع توسط پلیس، هلال احمر، اورژانس و دیگر سازمان ها به مدیریتی کارآمد در بحران تصادفات جاده ای دسترسی پیدا کرد. این استراتژی ها توسط هلال احمر به کار گرفته شده است.

اما در خصوص نقاط ضعف این استراتژی می توان به مقولات اصلی عدم بروزرسانی تجهیزاتی، مشکل فواصل جاده ای، مشارکت نامطلوب تیمی، بی توجهی به رویکرد علمی، ضعف های آموزشی، عدم شناخت مسائل اقلیمی اشاره کرد. متأسفانه گلیاه از تجهیزات فرسوده توسط بسیاری از مشارکت کنندگان

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

اذعان شده است. همچنین بحث فواصل زیاد پایگاه‌های بین جاده‌ای و حجم بالای ماموریتی که گاهی توان‌فرساست. همچنین ضعف ارزیابی علمی اقدامات صورت گرفته و درس از تجربیات گذشته از جمله نقاط ضعف است.

از نظر مشارکت‌کننده‌گان "از نقاط قوت می‌توان به بحث آموزش تخصصی نیروها اشاره کرد، تعداد زیاد داوطلبینی که هلال احمر دارد، بحث کارگروه‌های امدادی که تشکیل می‌شود، می‌توان اشاره کرد. نقطه قوت در این زمینه در جامعه مورد بررسی، همدلی و هم‌افزایی است. مدیران در نیروهای پلیس، هلال احمر، راهداری و مدیریت بحران، در حین بحران حوادث جاده‌ای هر کاری از دستشان بر می‌آید را با دلسوزی انجام می‌دهند.

در خصوص پیامدهای بحران‌های اقلیمی بر مدیریت کارآمد بحران می‌توان به ازدیاد حوادث و دشواری پاسخ‌دهی به عنوان اولین مقوله اصلی نام برد که با زیرمقولاتی از جمله: تعداد بیشتر حوادث تغییرات اقلیمی /افزایش بیش از حد حوادث / دشواری در پاسخ‌دهی سریع به حوادث /روی آوردن مدیران به جای پیشگیری به بحث پاسخ‌دهی /عدم توجه به پیش‌بینی تحت تأثیر عدم آگاهی مربوط است.

دشواری پاسخ‌دهی که با زیرمقولاتی از جمله: ازدیاد حوادث، تحت تأثیر یخ زدگی‌های جاده‌ها /لغزندگی جاده‌ها و تصادفات /باران‌های موسمی و وقوع سیل /خرابی خانه‌های روستاییان تحت تأثیر سیل /مشخص می‌شود. و مقوله اصلی جابه‌جایی مدیران که با زیرمقولاتی از جمله: کمترین نقش مدیران به واسطه تغییرات گسترده مدیریتی در بازه‌های زمانی کوتاه /نمی‌توانند تصمیمات کلان و دراز مدت بگیرند و نقش ایفا کنند /نیاز مبرم به تصمیمات بلند مدت در حوزه تغییرات اقلیمی /عدم مدیران لایق با آگاهی بخشی در ستادهای بحران مشخص می‌شود، اشاره داشت.

همچنین مقوله اصلی دیگر با عنوان رانندگی پرخطر که با زیرمقولاتی از جمله: ضعف تجهیزاتی که با مفاهیمی از جمله: لزوم افزایش سرعت سنج‌ها /ایستگاه‌های هواشناسی /مشکل غیرفعال بودن خیلی از دوربین‌های ما در ساعت مختلف شبانه، وضعیت رانندگان که با مفاهیمی از جمله: کاهش دید راننده در حوادث تحت تأثیر ریزگردها و طوفان‌ها، مشخص می‌شود می‌توان اشاره داشت.

آسیب شناسی مدیریت بحران تصادفات جاده ای در استان خراسان رضوی

در خصوص نقش مدیران در پیشگیری از بحران تغییرات اقلیمی براساس تجربه ماموریتی پرسنل هلال احمر مقوله اصلی نقش آموزشی مطرح شده است (که با زیرمقوله اصلی آموزش کارآمد پرسنل) مشخص شده است. این مقوله با مفاهیمی (از جمله: آموزش نیروهای داوطلب/ آموزش پیشگیرانه براساس تغییرات اقلیمی/ بدوره امداد جاده مبتنی بر نجات) همراه است. در خصوص مقوله اصلی جذب همکاری بین سازمانی (که با زیرمقوله همکاری سازمانی و ارگان‌ها/ برنامه ریزی/ هماهنگی بین سازمان‌های هلال احمر، راهداری/ اورژانس و راهنمایی و رانندگی) مشخص می‌شود می‌توان اشاره داشت.

در خصوص نقش مدیران در پیشگیری از بحران تغییرات اقلیمی براساس تجربه ماموریتی هلال احمر در استان خراسان جنوبی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که "مدیران می‌توانند بالاترین نقش را داشته باشند."

در خصوص نقش مدیران بر چگونگی پوشش حوادث جاده‌ای و تأثیر آن بر پیشگیری از بحران، مقوله لزوم توجهات زیرساختی به عنوان مقوله اصلی (که با زیرمقوله: توجه به زیرساخت‌ها) مشخص شده است، مفاهیمی (از جمله: لزوم توجه به زیرساخت‌ها/ جاده‌ها/ نقاط حادثه خیز/ برف گیر/ سیل گیر و...) را در بردارد. مقوله توجه به فواصل پایگاه‌ها (که با زیرمقوله: فواصل پایگاهی و مفاهیم (توجه به: فواصل پایگاه‌های امدادی/ پایگاه در فواصل استاندارد بدون فشارهای سیاسی و اجتماعی) مشخص می‌شود. و مقوله توجه به تغییرات اقلیمی (که با زیرمقوله حوادث اقلیمی و مفاهیم (دغدغه‌مند شدن مدیران در خصوص تغییرات اقلیمی/ ارائه راه حل برای تغییرات اقلیمی/ در اولویت قرار دادن نقاط حادثه خیز در ایجاد پایگاه‌های امدادی توسط مدیران برای پاسخگویی به موقع حوادث و فراهم کردن تجهیزات و نیروی آموزش دیده در مکان) مشخص می‌شود از دیگر مفاهیم مطروحه است.

تأمین بودجه به عنوان مقوله اصلی دیگر که زیرمقوله مسائل مالی سازمانی و مفاهیم (تلاش در تأمین بودجه) مشخص شده است نشانگر آن است که مدیریت کارآمد بحران حوادث جاده‌ای نیازمند اختصاص اعتبارات مناسب به سازمان‌هایی است که مستقیماً با امداد و نجات مرتبط هستند.

حضور به موقع نیروهای امدادی به عنوان مقوله اصلی دیگر (که زیرمقولات حضور در حوادث کلان) با مفاهیمی از جمله: (حضور مدیران در حوادث کلان/ روزهای برفی یا سیل/ مدیریت زمان/

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

حضور در صحنه مدیران در بحران‌های جاده‌ای (که معمولاً حوادث زنجیره‌ای در برف و گیر افتادگی‌ها در سیلاب /آماده باش مدیران پایگاه‌ها و سایر تیم‌های پشتیبانی/حضور در صحنه /و تأمین نیازها/چینش صحیح نیروها بر اساس توانمندی‌هایشان، داشتن جانشین یا نماینده‌هایی در بحران با اختیارات لازم، که دستورات فوراً اجرایی بشود)، در ارتباط است.

مدیریت جامع محور که با زیرمقولاتی از جمله: خانه‌های هلال و مفاهیمی از جمله: توجه به مدیریت سوانح جامع محور به عنوان راهکار جدید/از سمت پایگاه زدن و قرارگاه زدن/سمت مردمی سازی کارها و ترویج مدیریت سوانح جامع محور/مدیریت سوانح جامع محور مشخص می‌شود از جمله دیگر مفاهیم مطروحه است.

در خصوص الگوهای مدیریتی سازماندهی و برنامه‌ریزی مدیران در مدیریت بحران حوادث جاده‌ای، مقوله اصلی کارکردهای مدیریتی که با زیرمقولات: پوشش حوادث (که با مفاهیمی از جمله: پوشش در حوادث /حضور مستقیم مدیران در حوادث با وسعت بالا) مشخص می‌شوند. و مقوله مراکز کنترلی (که با مفاهیمی از جمله: مراکز کنترلی هر ارگان /آماده باش در حوادث گرد و خاک و طوفان شن شهرستان‌ها/اعزام تیم‌های عملیاتی) مشخص می‌شوند. و مقوله فرماندهی عملیاتی (که با مفاهیمی از جمله: فرمانده و امدادگران مخصوص، مدیریت سازماندهی در هلال احمر برای هر حادثه ای/اعزام ارزیاب به منطقه حادثه در ابتدای حادثه/انجام فعالیت‌ها پس از ارزیابی برنامه‌ریزی‌ها برای عملیات و افراد متخصص، حضور افراد در جایگاه و رسته تخصصی خود در پوشش دهی هر چه بهتر حوادث) مشخص می‌شوند.

مقوله آمادگی و بازتوانی (که با مفاهیمی از جمله: تعریف پوشش حوادث برای حضور مستقیم مدیران/حضور مدیران کشیک که نمایندگان تام‌الاختیار هستند/با تجربه و قوانین تصمیم به تشخیص تیم‌های امدادی/انتخاب تجهیزات مدیریت/طرح عملیاتی در جمعیت هلال احمر/بسته به حجم حادثه و نوع حادثه در آن مقطع الگوی پیشگیری، آمادگی، پاسخ و بازتوانی)، مشخص می‌شوند.

مقوله بی‌توجهی به مدیریت جامعه محور (که با مفاهیمی از جمله: بی‌توجهی مدیریت سوانح جامعه محور و آمایش سرزمینی/بحث جانمایی بر اساس فاصله‌ها/بی‌توجهی به بحث جانمایی پایگاه‌ها بر

آسیب شناسی مدیریت بحران تصادفات جاده ای در استان خراسان رضوی

اساس آمایش سرزمینی) مشخص می شوند. و مقوله عدم شفافیت کارکردی (که با مفاهیمی از جمله: شفاف نبودن الگوهای مدیریتی در ایران / گنگ بودن الگوهای مدیریتی تکرار اشتباهات گذشته در اکثر حوادث/ مدیریت آزمون خطایی/ گنگ / نبودن الگویی در خصوص ساماندهی و برنامه ریزی در مدیریت بحران حوادث جاده ای ناشی از شرایط اقلیمی / تعیین کننده بودن تجربه افراد به جای الگو / دخالت سلیقه ای و تجارت فردی در نحوه برخورد با حادثه/ عدم بازخواست از مدیران) مشخص می شوند.

در خصوص نیازهای آموزشی و چگونگی ارائه آن ها در اقدامات پیشگیری از تغییرات اقلیمی و حوادث جاده ای، مقوله آموزش اثربخش پیشگیرانه به عنوان مقوله اصلی (که با مقولات: برنامه ریزی بر اساس تجارب گذشته، انتخاب جامعه هدف، آموزش بر اساس شرایط اقلیم استان، آموزش مردمی، فرهنگ ترافیکی منطقه، جغرافیای استان، به روزرسانی روش های آموزش، آموزش مدیران) مشخص می شود مفاهیمی (از جمله: برنامه ریزی نیازهای آموزشی بر اساس اقدامات گذشته) از جمله مفاهیمی هستند که مقوله فرعی برنامه ریزی بر اساس تجارب گذشته را می سازند.

لزوم انتخاب جامعه مخاطب از کسانی که بصورت مستقیم با بحران های حوادث جاده ای تغییرات اقلیمی سروکار دارند/ از جمله رانندگان کامیون ها و نیروهای جاده ای هلال احمر بعد به سراغ مردم رفت برای آموزش و فرهنگ سازی لازم به عنوان مقولاتی هستند که مقوله فرعی انتخاب جامعه هدف را می سازند. آموزش به مردم در شناخت تغییرات اقلیمی و تأثیر آن بر تصادفات جاده ای و شیوه های کاهش و پیشگیری از این حوادث و آموزش چگونگی برخورد با این نوع حوادث، از جمله موارد مورد تأکید مشارکت کنندگان در پژوهش است.

مفاهیم طرح های آموزشی خاص استان/ لزوم آموزش در مرحله اول برای مدیران ساختارهای دولتی وابسته به تغییرات اقلیمی و بحران های جاده ای / لزوم تحلیل ناهمواری ها و آب و هوا / لزوم شناخت فرهنگ ترافیکی یک استان، مقوله فرعی فرهنگ ترافیکی منطقه را می سازد. بر اساس یافته های این پژوهش می توان نقاط ضعف و قوت برنامه های اجرایی مدیریت بحران تصادفات جاده ای را شناخت و در جهت برنامه ریزی های آینده از اطلاعات پژوهش بهره گرفت.

پیشنهاها

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

- یکی از مهمترین راهکارهای جامعه‌شناختی در خصوص مدیریت بحران تصادفات جاده‌ای راهبرد آموزش اثربخش پیشگیرانه است که طبق نتایج پژوهش باید شامل: آموزش براساس شرایط اقلیم استان، آموزش مردمی فرهنگ ترافیکی منطقه، بروزرسانی روش‌های آموزش و آموزش مدیران است.
- حضور مستقیم خود مدیران در حوادث با وسعت بالا و اعلام آماده باش به موقع در حوادث گرد و خاک و طوفان شن
- استفاده از تجربیات پیشین در خصوص زمان به موقع اعزام تیم‌های عملیاتی فرمانده و امدادگران مخصوص مدیریت سازماندهی در هلال احمر برای هر حادثه‌ای
- ارزیابی به موقع عملیات صورت گرفته در بحران تصادفات جاده‌ای به منظور شناسایی نقاط ضعف و قوت

سپاسگزاری

از معاونت پژوهشی و همچنین گروه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان که موضوع پژوهش را تصویب نموده‌اند، و همچنین از همه پرسنل هلال احمر که به ما در انجام پژوهش یاری رسانده‌اند سپاسگزاری می‌شود.

منابع

1. احسانپور، اسماعیل، حق‌شناس، مجید، کارگر، بهمن. (۱۴۰۲). ارزیابی تأثیر روش‌های اجرایی مدیریت برنامه‌ریزی شهری در ارتقای انضباط ترافیکی. فصلنامه علمی مطالعات مدیریت ترافیک، ۱۸(۱)، ۹۶-۶۱
2. اکبری، محمدآراد، طالبی، سهیلا. (۱۴۰۱). تحلیل فضایی تصادفات معابر درون شهری. فصلنامه علمی مطالعات مدیریت ترافیک، ۱۷(۴)، ۸۳-۱۱۴
3. انصاری، محسن، بیان، لیلا، و گرجی، علی. (۱۳۹۵). اثر تصادفات جاده‌ای بر آسیب مغزی. علوم اعصاب شفای خاتم، ۴(۳)، ۱۱۰-۱۰۳.
4. برنجکار، محمد، ۱۳۹۸، فاکتورهای مؤثر به کارگیری فناوری اطلاعات در مدیریت بحران شهرداری‌ها، ششمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات، تهران، ۱۰۱۷۴۲

<https://civilica.com/doc/>

آسیب شناسی مدیریت بحران تصادفات جاده ای در استان خراسان رضوی

5. بصیریان جهرمی، عبدالحسینی، محمد، بردبار، ملیکا (۱۳۹۴). رسانه های اجتماعی و مدیریت بحران نقش تلفن های همراه هوشمند در کنشگری اجتماعی، ۲۷(۱) (پیاپی ۱۰۲)، ۸۳-۵۷.
6. بهتویی، حسن، و التماسی، مهشید. (۱۳۹۹). داده کاوی تصادفات جاده ای شمال غرب تهران. مطالعات مدیریت ترافیک، (۵۹)، ۱۴۸-۱۲۷.
7. بهتویی، حسن، و التماسی، مهشید. (۱۳۹۹). داده کاوی تصادفات جاده ای شمال غرب تهران. مطالعات مدیریت ترافیک، (۵۹)، ۱۴۸-۱۲۷.
8. حبیب زاده ملکی، اصحاب، و جوادیان، رضا. (۱۳۸۹). راهبردهای رسانه ای در مدیریت بحران. توسعه مدیریت و منابع انسانی و پشتیبانی، ۵(۱۸)، ۱۲۳-۱۰۳.
9. رنگریز، وحید. (۱۳۹۸). مدل سازی کاهش خسارت ها در تصادفات جاده ای. مطالعات مدیریت ترافیک، (۵۲)، ۴۰-۱۹.
10. رومانی، سعید، طالاری، محمدرضا، و سپهوند، اسفندیار. (۱۳۹۹). شناسایی تجارب تدریس معلمان تاریخ: رویکرد پدیدارشناسی. آموزش پژوهی، ۶(۲۱)، ۱۶-۱.
11. سادات حسینی، سیدمحمد، و باباجانی پور، صفر. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر گرد و غبار بر تصادفات جاده ای. مطالعات مدیریت ترافیک، (۵۹)، ۹۸-۷۳.
12. عبداللهی، علی، ده یادگاری، سعید، فرقانی، محمد علی، شهابی، الهه. (۱۴۰۲). ارائه مدل جامع مدیریت راهبردی بحران در تصادفات جاده ای با رویکرد داده بنیاد. پژوهش های مدیریت در ایران، ۲۷(۲)، ۲۴-۱.
13. غرای، بنفشه، حسن زاده، سیدمهدی، یدالهی، زهرا، قلعه بندی، فرهاد، علوی، کاوه، و مشیرپور، شیرین. (۱۳۸۸). سلامت روان و تصادفات جاده ای. رفاه اجتماعی، ۹(۳۳)، ۲۰۰-۱۸۹.
14. کی منش، محمودرضا و نصراله تبار آهنگر، علی و ابوالفتحی، مجید و گلبابایی، امین، ۱۳۹۳، مدیریت بحران تصادفات جاده ای در روزهای برفی و بارانی مطالعه موردی: راه های دوخطه استان همدان، ششمین کنفرانس بین المللی مدیریت جامع بحران، مشهد، <https://civilica.com/doc/۳۳۹۶۰۶>
15. گهرپور، علی اصغر، و اسدی، اسماعیل. (۱۴۰۰). بررسی عملکرد دسترسی ها در تصادفات جاده ای (مورد مطالعاتی استان اصفهان). جاده، ۲(۱۹) (۱۰۷)، ۱۴۸-۱۳۵.
16. موسوی، میرنجف، اسماعیل زاده، حسن، و باقری کشکولی، علی. (۱۳۸۹). مدیریت بحران در تصادفات رانندگی (مطالعه موردی: شهر یزد). مطالعات مدیریت شهری، ۲(۴)، ۶۱-۲۹.

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

17. هومن، حیدرعلی (۱۳۸۹) راهنمای عملی پژوهش کیفی، تهران: انتشارات سمت.

1. Abdulrashid, I., Farahani, R. Z., Mammadov, S., Khalafalla, M., & Chiang, W. (2024). Explainable artificial intelligence in transport Logistics: Risk analysis for road accidents. *Transportation Research Part E Logistics and Transportation Review*, 186, 103563. <https://doi.org/10.1016/j.tre.2024.103563>
2. Eltemasi, M., & Behtooiey, H. (2024). Predicting the type of road accidents based on air temperature in Iran: A case study of roads in Qazvin province. *Heliyon*, 10(7), e28536. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e28536>
3. Eltemasi, M., & Behtooiey, H. (2024b). Examining the Relationship between Wind Speed, Climatic Conditions, and Road Accidents in Iran. *Heliyon*, 10(13), e33228. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e33228>
4. Habibzadeh, M., Mirabimoghaddam, M. H., Haghighi, S. M. S., & Ameri, M. (2024). Presentation of artificial neural network models based on optimum theories for predicting accident severity on rural roads in Iran. *Transportation Research Interdisciplinary Perspectives*, 25, 101090. <https://doi.org/10.1016/j.trip.2024.101090>
5. Isler, C. A., Huang, Y., & De Melo, L. E. A. (2024b). Developing accident frequency prediction models for urban roads: A case study in São Paulo, Brazil. *IATSS Research*, 48(3), 378–392. <https://doi.org/10.1016/j.iatssr.2024.07.002>
6. Nanjunda, D. C. (2021). Impact of socio-economic profiles on public health crisis of road traffic accidents: A qualitative study from South India. *Clinical Epidemiology and Global Health*, 9, 7–11. <https://doi.org/10.1016/j.cegh.2020.06.002>

**Social Factors Influencing People's Participation in Contributing to the
Behzisti of Khuzestan Province**

DOI: [10.71854/soc.2025-1207267](https://doi.org/10.71854/soc.2025-1207267)

Fatemeh Dosti Irani [0000-0002-9473-1773](https://orcid.org/0000-0002-9473-1773) 

PhD Candidate of Sociology, Faculty of Humanities, Dehaqan Branch, Islamic Azad University,
Isfahan, Iran

Reza Esmaili¹ [0000-0001-2345-6789](https://orcid.org/0000-0001-2345-6789) 

Faculty of Educational Sciences, Psychology and Foreign Languages, Khorasgan Branch, Islamic
Azad University, Isfahan, Iran

Asghar Mohammadi [0000-0002-8419-6594](https://orcid.org/0000-0002-8419-6594) 

Faculty of Humanities, Dehaqan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Abstract:

Today, people's participation in human societies has a special place. Long-term involvement in social activities and decision-making deepens relationships between community members and enhances the sense of oneness. In this study, to investigate the ways of attracting and attracting popular contributions to the well-being of Khuzestan province (providing a desirable model based on cultural models) and discovering the relationship between independent variables and dependent variables, survey method (quantitative) and collecting Information was collected using a questionnaire accompanying the interview. The statistical population in this study was classified into three groups: first, people and citizens. Secondly, groups and individuals are good, and in the third stage are managers and officials of charity organizations and those involved in good affairs. People and charities were questioned using the Cochran formula, quotas, and random sampling, and relevant authorities used the census. Reliability coefficients were calculated for the questionnaire on the attraction of popular participation in welfare and their dimensions, which was confirmed as 0.9. The results showed that among the scores of respondents about the variables of adopting the method of increasing people's awareness and informing about well-being activities, embracing the process of development of media knowledge management and communication, establishing, expanding, and developing local and regional organizations, personal motivation, social status, belonging Citizenship commitment, voluntary participation and charity activities, effective communication with public and private institutions and organizations, the performance and effectiveness of officials and welfare forces, the performance and effectiveness of officials and other organizations and attraction of popular contributions based on population variables. Cognitive c There is a significant difference.

Key words: Social factors, participation, Khuzestan province, welfare, popular participation

. Corresponding Author: esmaili40@yahoo.com.¹

.... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در کمک به بهزیستی استان خوزستان

فاطمه دوستی ایرانی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

رضا اسماعیلی^۲

استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

اصغر محمدی

استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۱/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

چکیده

مشارکت مردمی امروزه در اجتماعات بشری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حضور افراد در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی در بلندمدت موجب تعمیق روابط بین اعضای جامعه و افزایش احساس یگانگی می‌شود. در این مطالعه به‌منظور بررسی شیوه‌های جلب و جذب مشارکت‌های مردمی در بهزیستی استان خوزستان، (ارائه الگوی مطلوب با تکیه بر الگوهای فرهنگی) و کشف رابطه میان متغیر مستقل و متغیرهای وابسته، از روش پیمایشی (کمی) و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه همراه مصاحبه استفاده شده است. جامعه آماری موردمطالعه در این پژوهش در سه گروه طبقه‌بندی شدند: نخست مردم و شهروندان می‌باشند. در مرحله دوم: گروه‌ها و اشخاص خیر می‌باشند و در مرحله سوم: مدیران و مسئولان سازمان‌های خیریه و دست‌اندرکارانی که در امور خیر مشارکت دارند. مردم و خیرین با استفاده از فرمول کوکران و نمونه‌گیری سهمیه‌ای و تصادفی مورد پرسش قرار گرفته و مسئولین مرتبط را با استفاده از سرشماری مورد پرسش قرار گرفتند. ضرایب پایایی برای پرسشنامه جذب مشارکت‌های مردمی در بهزیستی و ابعاد آن‌ها محاسبه گردید که برابر با ۰/۹ تأیید شد. نتایج نشان داد بین نمرات پاسخگویان در خصوص متغیرهای اتخاذ شیوه افزایش آگاهی مردم و اطلاع‌رسانی از فعالیت‌های بهزیستی، اتخاذ شیوه توسعه مدیریت دانش رسانه‌ای و ارتباطاتی جامعه، ایجاد، بسط و توسعه تشکل‌های محلی و منطقه‌ای، انگیزه‌های شخصی، پایگاه اجتماعی، تعلق و تعهد شهروندی، اتخاذ شیوه مشارکت‌جویانه داوطلبانه و فعالیت‌های خیریه، ارتباط مؤثر با سازمان‌ها و نهادهای عمومی و دولتی و خصوصی، عملکرد و کارایی مسئولان و نیروهای بهزیستی، عملکرد و کارایی مسئولان و نیروهای سایر سازمان‌ها و جلب و جذب مشارکت‌های مردمی بر اساس متغیر جمعیت شناختی جایگاه تفاوت معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: عوامل اجتماعی، مشارکت، استان خوزستان، بهزیستی، مشارکت‌های مردمی.

^۲. نویسنده مسئول: esmaili40@yahoo.com

عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در کمک به بهزیستی استان خوزستان

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و بر همین اساس، نیازهای گوناگون خود را با کمک اعضای اجتماع برطرف می‌کند. هرچند در مورد زندگی اجتماعی انسان و سرمنشأ آن، اندیشمندان اجتماعی نظرات متفاوتی ابراز کرده‌اند. بعضی معتقدند، که چون انسان اساساً تمایل به همزیستی با دیگران دارد، به حیات اجتماعی روی آورده‌است. اما، بعضی دیگر بر این موضع هستند، که چون انسان در اجتماع متولد می‌شود و در ابتدا زندگی خود را در گروه شروع می‌کند و در محیط اجتماعی به رشد و نمو می‌رسد، تمایل به زندگی اجتماعی پیدا می‌کند (Hyyp, 2007: 390). چه ما با اندیشه گروه اول موافق باشیم و چه با اندیشه گروه دوم، طبعاً مهم‌ترین مطلب در رابطه با حیات اجتماعی انسان، چگونگی زیست او در اجتماع و مشارکت^۳ وی در امور آن است.

حیات اجتماعی و زندگی جمعی زمانی می‌تواند معنا پیدا کند که افراد جامعه، در هماهنگی با یکدیگر، به تعامل، تعاون و در حقیقت به همکاری متقابل و همراه با تفاهم بپردازند و امورات اجتماع خویش را مدیریت کنند. برای بروز چنین رفتاری، افراد اجتماع باید دارای اعتماد و نگرش مثبت به یکدیگر باشند، تا بتوانند با سهولت بیشتری به زیست خود در جامعه ادامه دهند.

«مشارکت اگرچه به معنای عام آن از دیرباز بازندگی انسان پیوند داشته، اما به معنای جدید از عرصه سیاست و پس از جنگ جهانی دوم آغاز شده‌است. این نوع مشارکت در برخی از کشورهای صنعتی جهان (به‌ویژه آن‌ها که در جنگ شکست خورده بودند)، در قلمرو اقتصادی و صنعتی آغاز شد تا مردم را در مالکیت شریک سازد و پایه‌های پایدار و تداوم صنعت و اقتصاد را مستحکم سازد. با گسترش معنای مشارکت و راه یافتن آن به تمام عرصه‌های زندگی، امروزه سخن از شرایط است که همه مردم در تعیین سرنوشت خویش دخالت آگاهانه و واقعی پیدا کنند» (علوی تبار ۱۳۷۹: ۱۳).

بدین ترتیب، لازمه جامعه‌ای سالم و توسعه یافته در دنیای کنونی، استفاده بهینه از تمامی ظرفیت‌های اجتماعی و فردی موجود در آن است. یکی از راه کارهای اجرای این سیاست تشویق مردم به مشارکت در امور مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره می‌باشد.

³. Participation

.... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

در حقیقت مشارکت افراد جامعه، یکی از معیارها و نشانه‌های سلامت اجتماعی (تعادل) سیستم است. چرا که این واقعیت اجتماعی، نشان‌دهنده اعتماد اجتماعی افراد جامعه به یکدیگر و انسجام اجتماعی است. این امر به نوبت خود منجر به افزایش سرمایه اجتماعی و در نتیجه کاهش هزینه‌های سیستم اجتماعی می‌شود (Cicognani, 2007: 98). به بیانی دیگر، می‌توان با ایجاد همدلی و وفاق و افزایش آن در جامعه، شهروندان را به مشارکت در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشاند. و با این کار موجبات پیشرفت هرچه بیشتر را فراهم نمود. بنابراین مشارکت اجتماعی^۴ به معنی تعلق فرد در گروه و سهمی که در آن دارد؛ تلقی می‌گردد و همچنین به معنی شرکت فعالانه در گروه در جهت به ثمر رسانیدن یک فعالیت اجتماعی است.

در باب مسئله بودن مشارکت اجتماعی، می‌توان گفت که، با توجه به ایده‌های مطرح شده توسط نظریات مشارکت و توسعه، درباره مفهوم مشارکت اجتماعی، که بیان می‌کند مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های مهم و حساس در ساختار یک سیستم اجتماعی و دارای کارکردهای مثبت در روند اداره و پیشرفت آن است، اما نتایج بسیاری از تحقیقات دانشگاهی نشان می‌دهند که میزان و کیفیت مشارکت در کشورمان، در سطح نگران‌کننده‌ای قرار دارد. یافته‌های این تحقیقات به وضوح نشان می‌دهند که، میانگین مشارکت شهروندان در امور مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی رقم پایینی را به خود اختصاص می‌دهد (شادی طلب، ۱۳۸۲: ۱۵؛ دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۱۱۵؛ موسوی، ۱۳۸۵: ۴۱؛ یزدان پناه، ۲۵۱۳۸۷؛ سفیری، ۱۳۹۰: ۷۴). در حالی که یکی از نیازهای اصلی کشورمان در جهت توسعه همه‌جانبه و بسط ایده دموکراسی توجه به مفهوم مشارکت اجتماعی است.

سازمان بهزیستی از مهم‌ترین نهادهای حمایتی دولتی است که از طریق بودجه عمومی به افراد معلول و محروم جامعه کمک می‌نماید. پس از پیروزی انقلاب، سازمان بهزیستی کشور از ادغام سازمان‌های خیریه و حمایتی که در این بخش فعالیت می‌کردند، آغاز به کار کرد. سازمان بهزیستی استان خوزستان با هدف خدمت‌رسانی به قشر ناتوان و معلول جامعه، درصد قابل توجهی از افراد ناشنوا، ناتوانی‌های جسمی و حرکتی، عقب‌مانده‌های ذهنی، زنان بی‌سرپرست، کودکان خیابانی و کار، سالمندان

4. Social participation

عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در کمک به بهزیستی استان خوزستان

و غیره را سروسامان می دهد، که بیشتر هزینه های آنان از طریق مشارکت های مردمی (کمک های مردمی، خیرین و غیره) تأمین می شود.

از آنجایی که کمک های انسان دوستانه به هم نوعان می تواند گره از کار بسیاری بگشاید، تبلیغات و دانش و آگاهی رساندن به مردم در این زمینه می تواند راهکاری برای جذب و جلب مشارکت های مردمی در حوزه بهزیستی باشد. بنابراین تعامل اعضای جامعه در یاری رساندن به قشر آسیب پذیر جامعه می تواند فاصله و شکاف اجتماعی موجود در جامعه را کاهش دهد.

لذا با عنایت به این امر، پژوهش حاضر در پی بررسی میزان مشارکت های رسمی و نهادمند افراد در زمینه های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی عوامل مؤثر بر گرایش افراد به مشارکت در جامعه (کمک های مردمی بهزیستی)، به عنوان یک مسئله اجتماعی می باشد.

در این تحقیق شیوه های جامعه شناختی به عنوان متغیر مستقل و روش های جلب و جذب مشارکت های مردمی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می شود. پرسش و مسئله اصلی در این پژوهش، شیوه های جلب و جذب مشارکت های مردمی در بهزیستی استان خوزستان می باشد. اهداف تحقیق نیز عبارت اند از:

هدف کلی:

بررسی شیوه های جلب و جذب مشارکت های مردمی در بهزیستی استان خوزستان، (ارائه الگوی مطلوب با تکیه بر الگوهای فرهنگی)

اهداف جزئی:

- شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر جلب و جذب مشارکت های مردمی استان خوزستان
- شناخت عوامل فرهنگی مؤثر بر جلب و جذب مشارکت های مردمی استان خوزستان
- شناخت عوامل شخصیتی مؤثر بر جلب و جذب مشارکت های مردمی استان خوزستان
- شناخت عوامل مذهبی مؤثر بر جلب و جذب مشارکت های مردمی استان خوزستان
- شناخت عوامل اقتصادی مؤثر بر جلب و جذب مشارکت های مردمی استان خوزستان
- شناخت عوامل سازمانی مؤثر بر جلب و جذب مشارکت های مردمی استان خوزستان

.... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

پیشینه تحقیق

مراد پور و همکاران (۱۴۰۳) پژوهشی با عنوان «بررسی نقش مشارکت اجتماعی و فرهنگی شهروندان در توسعه پایدار شهرهای جدید با تأکید بر ارتقاء امنیت اجتماعی» به نگارش درآورده‌اند، بر اساس یافته‌های تحقیق بین مشارکت رسمی شهروندان در حوزه اجتماعی و توسعه پایدار شهرهای جدید با تأکید بر ارتقاء امنیت اجتماعی همبستگی متوسطی وجود دارد. ۲۶/۳ درصد از کل تغییرات توسعه پایدار شهرهای جدید وابسته به مشارکت رسمی شهروندان در حوزه اجتماعی با تأکید بر ارتقاء امنیت اجتماعی می‌باشد. بین مشارکت رسمی شهروندان در حوزه فرهنگی و توسعه پایدار شهرهای جدید با تأکید بر ارتقاء امنیت اجتماعی همبستگی متوسطی وجود دارد.

جمینی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و تبیین تعیین‌کننده‌های آن (مورد مطالعه: شهر ایلام)» می‌نویسند: مشارکت شهروندان در امور مختلف فضاهای شهری یکی از مهم‌ترین ارکان دستیابی به توسعه پایدار شهری بوده و رسیدن به سطح قابل قبولی از آن، از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری است. در راستای نیل به توسعه پایدار شهر ایلام (به عنوان یکی از شهرهای مرزی ایران) بررسی وضعیت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

نتایج تحقیق سبزه‌ای و رحیمی (۱۳۹۲) با عنوان بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین شهروندان نورآباد دلفان (استان لرستان) نشان می‌دهد، بین متغیرهای اعتماد فردی، اعتماد نهادی، جنس و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. بیشترین میزان مشارکت مربوط به مردان و شاغلین است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که اعتمادی نهادی و جنس بیشترین میزان تأثیر را بر مشارکت اجتماعی دارد. احسانی‌راد (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی علل و انگیزه‌های مردم از مشارکت در امور خیریه و وقف در شهر کاشان» به این نتیجه رسیده‌اند که: رابطه معنادار بین متغیرهای دین‌داری، عدالت‌خواهی، همبستگی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعلق و تعهد شهروندی با مشارکت در امور خیریه را نشان داده‌است. تاجیک و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «نقش مدیریت محله در جلب مشارکت اجتماعی» نشان دادند بین دو متغیر تأثیر مدیریت محله در مشارکت اجتماعی شهروندان

عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در کمک به بهزیستی استان خوزستان

رابطه معنی داری وجود داشته این رابطه بین مولفه های عمرانی، برنامه های ایمنی، رفاه اجتماعی و نظارتی با مدیریت محله در سطح آلفای کمتر از ۰.۰۱ معنادار می باشد ولی بین مؤلفه زیست محیطی با مدیریت محله در سطح آلفای کمتر از ۰.۰۵ رابطه معنادار وجود دارد.

کای و کوی^۵ (۲۰۱۸) به بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی افراد میانسال و بزرگسال در چین پرداختند. نتایج نشان داد که زنان بیشتر از مردان تمایل به شرکت در فعالیت های اجتماعی دارند و تحصیلات و تعامل با دوستان نقش مؤثری در میزان مشارکت افراد در فعالیت های اجتماعی دارد.

در مطالعه قینگ ون خو^۶ و دیگران (۲۰۱۰)، «احساس تعلق اجتماعی،^۷ همسایگی،^۸ و سرمایه اجتماعی به عنوان پیش بینی کننده مشارکت سیاسی محلی در چین»، آنان به تبیین حالت احساس تعلق اجتماعی، رفتار همسایگی، و سرمایه اجتماعی در مردم جمهوری چین و توانایی این عوامل در پیش بینی مشارکت سیاسی محلی در شکل رأی دادن ساکنان شهر در انتخابات و روستائیان در کمیته های روستایی و آن هایی که دارای تحصیلات ابتدایی یا دبیرستان بودند و پایگاه اجتماعی - اقتصادی مشاهده شده بالاتری داشتند بیشتر رفتار مشارکتی از خود نشان می دهند در مناطق روستایی مردان بیشتر از زنان رأی می دهند. ملانی لواس^۹ و دیگران (۲۰۱۰)، در تحقیقی با عنوان «سطح پیشرفت^{۱۰} و رضایتمندی با مشارکت اجتماعی سالمندان در ارتباط با کیفیت زندگی و بهترین همبستگی ها» به این نتیجه رسیدند که: همبستگی های بین کیفیت زندگی و سطح پیشرفت و رضایتمندی با مشارکت اجتماعی تفاوتی نشان ندادند.

وانگ و گرادی (۲۰۰۸) پژوهشی تحت عنوان «بررسی روابط میان کنش داوطلبانه، سرمایه ی اجتماعی و کمک های خیریه» انجام داده اند. یافته های پژوهش نشان می دهد که اعتماد اجتماعی حاصل

⁵ . Cai & Cui

⁶ Qingwen Xu

⁷ Sense of Community

⁸ Neighboring

⁹ Melanie Levasseur

¹⁰ Accomplishment

... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

پل زدن میان شبکه‌های اجتماعی و مشارکت مدنی در دو گروه مذهبی و غیرمذهبی است. فعالیت‌های داوطلبانه و سرمایه‌ی اقتصادی تأثیر مهمی بر کمک‌های این دو گروه مذهبی و غیرمذهبی دارد و درنهایت کسانی که مذهبی هستند، بیش‌تر به‌طرف این کمک‌ها می‌روند.

نوآوری پژوهش: تحقیقات انجام‌شده داخلی و خارجی بیشتر بر رابطه‌ی مشارکت اجتماعی با متغیرهای دیگر نظیر اعتماد اجتماعی، رفاه اجتماعی، سرمایه اجتماعی و غیره تأکید داشته‌اند. بعضی تحقیقات نیز به عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی پرداخته‌اند، بررسی علل و انگیزه‌های مردم در مشارکت اجتماعی نیز محتوای برخی دیگر از تحقیقات را دربر می‌گیرد. نکات مشترک این پژوهش با پژوهش‌های انجام‌شده پرداختن به عوامل اجتماعی مشارکت اجتماعی می‌باشد. اما نکته اصلی در تحقیق حاضر بررسی مشارکت مردمی با رویکرد مردمی می‌باشد که این مطلب می‌تواند از تفاوت‌های بارز این پژوهش با دیگر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه باشد.

تعریف مشارکت

پدیده مشارکت اولین رفتار اجتماعی است که برای انسان رخ داده است (عیوضی و همکاران، ۱۳۹۱). مفهوم مشارکت، در ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی، به‌عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده‌است.

از نظر لغوی مشارکت به معنی شرکت کردن و انبازی کردن (فرهنگ فارسی معین ج ۳) یعنی شریک شدن یک فرد در سرمایه یا امور مربوط به یک فرد دیگر.

مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه اقتصادی - اجتماعی است (Levecque, 2017: 221). برخی مشارکت اجتماعی را ایجاد فرصت‌هایی برای توانمندسازی همه اعضای جامعه برای همکاری فعال، تأثیرگذاری بر روند توسعه و مشارکت در مزایای توسعه می‌دانند (به نقل از اسدپور و همکاران، ۱۳۹۷). مشارکت اجتماعی به‌عنوان شاخص سلامت، رفاه اجتماعی و رفتارهای مثبت اجتماعی مطرح شده است. مشارکت اجتماعی را می‌توان مشارکت افراد در فعالیت‌هایی دانست که تعامل با دیگران را در جامعه یا محله فراهم می‌کند.

عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در کمک به بهزیستی استان خوزستان

مشارکت اجتماعی به عنوان مشارکت فرد در فعالیت های اجتماعی تعریف می شود که تعامل با دیگران را در جامعه فراهم می کند (Levecque, 2017: 223). اندرسون، مشارکت اجتماعی را امری مربوط به خانواده تلقی کرده و بیان می کند که اگر خانواده روحیه مشارکت داشته باشد، فرزندان آن ها نیز از مشارکت اجتماعی بالایی برخوردار خواهند بود. بالدوین همچنین معتقد است که دیدگاه های قابل قبول و دموکراتیک والدین توانایی رشد فرزندان را به حداکثر می رساند. بنابراین، فرزندان چنین والدینی رشد فکری، ابتکار عمل و امنیت عاطفی بیشتری را نشان می دهند. در مقابل، فرزندان والدین طردشده و سلطه جو متزلزل، عصیانگر، پرخاشگر و مبارز هستند.

در جامعه امروز، مشارکت اجتماعی را می توان در قالب پنج بعد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فیزیکی و فرهنگی تقسیم کرد و نقش و حضور مردم و جوامع محلی در هر یک از سطوح آن بسیار مهم است (قیصری، ۱۳۹۸: ۳۳). بارزترین مزیت مشارکت اجتماعی، که در منابع مختلف مورد توجه قرار گرفته است، بهبود احساس مسئولیت و آگاهی مردم نسبت به سلامت فردی و جمعی است (Beth et al, 2019: 112).

مشارکت اجتماعی تحت تأثیر محیط اجتماعی است که توسط سه بعد گسترده تعریف می شود: روابط بین فردی (به عنوان مثال حمایت اجتماعی و شبکه اجتماعی) نابرابری های اجتماعی (به عنوان مثال موقعیت اقتصادی و نابرابری درآمد، تبعیض نژادی) و ویژگی های محیطی و جامعه (به عنوان مثال انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی، عوامل محیطی) (Naud et al, 2019: 324). در واقع، این مشارکت اجتماعی به وجود آمدن جامعه واقعی را محقق ساخته و مفهوم انسجام اجتماعی را برمی سازد (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۰). رسانه های اجتماعی برای طیف گسترده ای از نتایج (مانند افزایش اعتماد) برجسته است که به نوبه خود ممکن است منجر به نتایج بیشتری شود (حمایت عاطفی، جسمی یا مالی).

مبانی نظری

دیدگاه جامعه شناختی مشارکت

... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

در دیدگاه جامعه‌شناختی مشارکت، بر فرایندهای اجتماعی-اقتصادی، نهادهای خانوادگی و نظام تعلیم و تربیت تأکید می‌شود. این رویکرد، بر عوامل بیرونی و محیطی تأکید داشته و عوامل اجتماعی را در شکل‌گیری مشارکت مفید و مؤثر می‌داند. از نظر طرفداران این دیدگاه، زمانی مشارکت در جامعه تحقق می‌یابد که «افراد بتوانند از قیدوبندهای فکری، از طریق آموزش و پرورش، سواد و رسانه‌های جمعی رهایی یابند و این خود باعث می‌شود افراد به گونه‌ای دیگر به جهان بنگرند و به اصطلاح آگاهانه انتخاب کنند» (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۷). در دیدگاه جامعه‌شناختی مشارکت رویکردهای مختلفی وجود دارد که هر کدام از آن‌ها با توجه به چشم‌اندازهای خود تعابیر مختلفی از مشارکت ارائه کرده‌اند:

رویکرد کارکردگرایی: تبیین کارکردگرایانه عمده تأکید را بر نتایج و پیامدهای واقعیت‌ها و فرایندهای اجتماعی می‌نهد. به عبارتی تبیین‌های کارکردی شئون مختلف جامعه را برحسب پیامدهای سودمندی که برای نظام بزرگ‌تر اجتماعی دارند، تبیین می‌کنند (صادقی فسایی و خادمی، ۱۳۹۵: ۴۵). در توجه این رویکرد به مشارکت، آنچه اهمیت دارد نقش و کارکردهای مشارکت است که افراد جامعه با مشارکت خود آن‌ها را به وجود می‌آورند. یک نظام اجتماعی برای آنکه به حیات خود ادامه دهد باید مشارکت کافی اعضایش را برانگیزاند.

رویکرد ساخت‌گرایی: در تبیین ساختارگرایانه توجه به ساختارها در اشکال اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی‌شان نقش اساسی دارند. از نظر ساختارگرایان، ساختارهای اجتماعی، نظام‌هایی هستند که رفتارهای مشارکتی را هدایت یا محدود می‌کنند.

در حقیقت ساختارها با فراهم کردن جوی از منع و ترغیب بر فاعلان درون سیستم اثر می‌گذارند. این رویکرد تحقق و تقویت مشارکت را در گرو تغییر و تحولات ساختاری می‌داند. «رویکرد ساخت‌گرایی معتقد است که مشارکت اجتماعی مردم جزئی از ساخت اجتماعی هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد. از نظر صاحب‌نظران این مکتب، روابط پایدار نهادینه‌شده در جامعه‌اند که میزان مشارکت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مشارکت اجتماعی توده مردم، ساخت‌های جامعه را حفظ می‌کند و موجب بقا و ادامه حیات آن‌ها می‌شود. از منظر این مکتب، برای بالا بردن مشارکت افراد یا گروه‌ها در جامعه باید تغییراتی

عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در کمک به بهزیستی استان خوزستان

اساسی در ساخت‌های گوناگون جامعه ایجاد شوند. باینکه جامعه دارای ساخت‌هایی است که پایدار و نهاده شده‌اند، ولی ساخت اجتماعی نیز تغییر می‌کند» (صادقی فسایی و خادمی، ۱۳۹۵: ۴۰).

رویکرد تضاد: این دیدگاه، بر عوامل انگیزه و ویژگی‌های شخصیتی به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده کنش‌های فرد در مبادرت به کنش‌های اجتماعی تأکید می‌کند. «در این نظریه‌ها مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی فی‌نفسه هدف محسوب می‌شود و از طریق آن توانایی‌ها و خلاقیت‌های انسان به‌عنوان موجودی عقلانی و ارتباط جو فعلیت می‌یابد. در این نظریه‌ها مشارکت در سیاست و فعالیت سازمان‌های اجتماعی وظیفه‌ی شهروند فعال است و به صرفاً وسیله‌ای برای تأمین نیازها و منافع شخصی یا کسب فایده، فعالیت اجتماعی و سیاسی فی‌نفسه فضیلت است و متمایزکننده حیات انسانی از سایر اشکال حیات» (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴). در این دیدگاه، مسئله اصلی این است که فرد با عضویت در تشکلهای اجتماعی و فعالیت در این تشکلهای، احساس توانائی و مؤثر بودن (قدرت) می‌کند (پیران، ۱۳۸۳: ۵۴۰).

رویکرد کنش متقابل نمادین: رویکرد کنش متقابل نمادین بر نقش عاملان کنش در فرایندهای اجتماعی تأکید فراوان دارد. این رویکرد برای فهم و تفسیر پدیده‌های اجتماعی شناسایی ویژگی‌های کنشگران را مهم ارزیابی می‌کند و برای تبیین مشارکت اجتماعی به زمینه‌های شناختی، نظام معانی، گرایش و تمایلات افراد توجه کرده و سطح مشاهده و تحلیل را فرد قرار می‌دهد. تبیین در قالب نظریه کنش متقابل اجتماعی مبتنی بر مفروضاتی است که با این مفروضات می‌توان به تحلیل را هر نوع کنش اجتماعی همچون مشارکت پرداخت. ۱- کنشگر موجودی هدفمند است که در جهت تحقق اهداف معین تلاش می‌کند به گونه‌ای که هر حرکت و تحرکی معطوف به هدف یا اهدافی است. ۲- کنشگر برای نیل به اهداف، اقدام به انتخاب وسایل و شیوه‌هایی می‌نماید. ۳- هر کنشگری برخوردار از اهداف متنوعی است که بین اهداف مختلف نوعی رابطه متعامل وجود دارد.

چارچوب نظری

در رویکرد کارکردگرایی مشارکت آگاهانه، داوطلبانه، مؤثر و عملکردی افراد در نظام اجتماعی حائز اهمیت است (صادقی فسایی و خادمی، ۱۳۹۵: ۳۸). همچنین در این رویکرد کسب منزلت و پایگاه اجتماعی در مشارکت اعضاء مدنظر قرار گرفته است. در ارتباط با توسعه تشکلهای محلی و منطقه‌ای

.... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

جهت جلب و جذب مشارکت‌های مردمی، دورکیم معتقد به ایجاد اتحادیه‌های صنفی است و در پی یکپارچگی مجدد اجتماعات انسانی بر محور سازمان‌های صنفی است که در محل‌های کار شکل می‌گیرد، دورکیم معتقد است گروه‌هایی می‌توانند به عنوان واسطه روابط بین دولت و فرد را تنظیم کنند و در نتیجه افراد جامعه را به مشارکت در نظام اجتماعی وادارند.

هرچند از دیدگاه ماکس وبر داشتن انگیزه در کنشگران می‌تواند منجر به افزایش میزان مشارکت در بین اعضای نظام اجتماعی شود (Giddens, 2000: 54). بنابراین برحسب نظر وبر می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر مشارکت را هدف فرض کنیم، کنش فردی که مشارکت می‌کند کنش عقلانی معطوف به هدف است و اگر مشارکت را وسیله رسیدن به هدف فرض کنیم، کنش فرد در این صورت کنش عقلانی معطوف به ارزش است اگر فرد مشارکت را وسیله خوبی برای دستیابی به هدف خود بداند، به مشارکت روی خواهد آورد.

هانتینگتون و نلسون، داشتن مشارکت اجتماعی و سیاسی افراد اجتماع را منوط به کسب منزلت اجتماعی بالاتر می‌دانند که حتی این امر موجب ایجاد تأثیر بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه‌های عمومی شده و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در سیاست و فعالیت اجتماعی باشد. از نظر ایشان از میان متغیرهای منزلتی، میزان سواد و تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را بر مشارکت دارد. همچنین از نظر این نویسندگان عضویت فرد در گروه‌ها و تشکلهای سازمان‌های اجتماعی خود مشوقی در جهت افزایش مشارکت بیشتر اجتماعی و سیاسی است.

لرنر نیز با تفکیک سبک مشارکت در جامعه مدرن و امروزی نقش دانش رسانه‌ای را در مشارکت افراد مهم تلقی کرده (Lerner, 1964: 57) و به نقش شهرنشینی، سواد، مشارکت رسانه‌ای و مشارکت سیاسی - اجتماعی در تکامل یک جامعه‌ی مشارکتی تأکید کرده است.

مشارکت نقش اساسی و تعیین‌کننده در هویت‌یابی فرد و تبدیل آن به شهروند دارد (حسین زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۰)؛ آلموند و وربا نیز معتقدند برای شکل‌گیری همیاری مدنی در سطح اجتماعی، لازم است شهروندان یکدیگر را با صفاتی دوستانه، مشارکت‌جو، همیار، مفید، با اعتماد، سخاوتمند و باملاحظه ارزیابی کنند (یعنی نگرشی مثبت به شهروندان داشته باشند). آن‌ها باید محیط اجتماعی خود را

عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در کمک به بهزیستی استان خوزستان

امن و با تفاهم تلقی کنند. در چنین فضایی اختیاری کنش متقابل بر دوری از یکدیگر ترجیح داده می شود. گروه جهت حل مشکلات و مسائل، مهم و باارزش شمرده می شود، چراکه اعتماد به دیگران، مستقل از اعتماد به عملکرد دیگران نیست. در چنین محیط انتظار می رود مشارکت اجتماعی شکل گیرد و راه برای جهت گیری همیارانه هموارتر گردد (Almond and Verbena, 1972: 289)

فرضیات تحقیق

- بین اتخاذ شیوه افزایش آگاهی مردم و اطلاع رسانی از فعالیت های بهزیستی و ضرورت مشارکت آنان به منزله یک وظیفه انسانی، دینی، عاطفی و اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین اتخاذ شیوه توسعه مدیریت دانش رسانه ای و ارتباطاتی جامعه و جلب و جذب مشارکت های مردمی در بهزیستی رابطه وجود دارد.
- بین ایجاد، بسط و توسعه تشکلهای محلی و منطقه ای و جلب و جذب مشارکت های مردمی در بهزیستی رابطه وجود دارد.
- بین انگیزه های شخصی و جلب و جذب مشارکت های مردمی در بهزیستی رابطه وجود دارد.
- بین ارزش های اعتقادی و جلب و جذب مشارکت های مردمی در بهزیستی رابطه وجود دارد.
- بین پایگاه اجتماعی و جلب و جذب مشارکت های مردمی در بهزیستی رابطه وجود دارد.
- بین تعلق و تعهد شهروندی و جلب و جذب مشارکت های مردمی در بهزیستی رابطه وجود دارد.
- بین اتخاذ شیوه مشارکت جویانه داوطلبانه و فعالیت های خیریه جلب و جذب مشارکت های مردمی در بهزیستی رابطه وجود دارد.
- بین ارتباط مؤثر با سازمان ها و نهادهای عمومی و دولتی و خصوصی و جلب و جذب مشارکت های مردمی در بهزیستی رابطه وجود دارد.
- بین عملکرد و کارایی مسئولان و نیروهای بهزیستی و جلب و جذب مشارکت های مردمی در بهزیستی رابطه وجود دارد.
- بین عملکرد و کارایی مسئولان و نیروهای سایر سازمان ها و جلب و جذب مشارکت های مردمی در بهزیستی رابطه وجود دارد.

.... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

روش تحقیق

این تحقیق از نوع پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری ما در این تحقیق عبارت است کلیه ساکنین زن و مرد استان خوزستان که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه را به دست آورده و از طریق پرسشنامه سؤالات مربوطه به صورت مصاحبه پرسش خواهد شد. و با استفاده از نرم‌افزار ایموس به تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیات دست می‌یابیم.

جامعه آماری مورد مطالعه در سه گروه طبقه‌بندی می‌شوند: نخست مردم و شهروندان می‌باشند. در مرحله دوم: گروه‌ها و اشخاص خیر می‌باشند و در مرحله سوم: مدیران و مسئولان سازمان‌های خیریه و دست‌اندرکارانی که در امور خیر مشارکت دارند. مردم و خیرین را با استفاده از نمونه‌گیری سهمیه‌ای و تصادفی مورد پرسش قرار گرفتند. و مسئولین مرتبط را با استفاده از سرشماری مورد پرسش قرار دادیم. از آنجایی که جامعه آماری ما سه بخش مردم، خیرین و مدیران بهزیستی را در برمی‌گیرد، در بخش مردم و شهروندان تعداد جمعیت بالای ۲۰ سال استان خوزستان در سرشماری سال ۱۴۰۰ برابر با ۳۷۱۵۵۳۱ نفر بود که با استفاده از فرمول حجم نمونه تعداد ۳۸۴ نفر از ۱۵ شهرستان به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند.

جدول (۱) تعیین حجم نمونه بر اساس جمعیت شهرستان‌های مورد مصاحبه در تحقیق

نام شهرستان	جمعیت	حجم نمونه
آبادان	280200	29
اندیمشک	141460	16
اهواز	1330562	139
ایذه	176291	18
باغملک	110512	12
بند ماهشهر	199435	21
بهبهان	160513	17
خرمشهر	168479	18
دزفول	431358	45
دشت آزادگان	101754	11
رامهرمز	75521	8
شادگان	129567	15

عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در کمک به بهزیستی استان خوزستان

شوش	179546	19
شوشتر	127941	14
مسجد سلیمان	102392	12
جمع	3715531	384

در بخش مدیران بهزیستی به صورت سرشماری کلیه ۳۱ نفر مدیران بهزیستی استان مورد پرسش قرار گرفتند و در بخش خیرین از تعداد ۱۶۲ نفری که به عنوان خیر با بهزیستی همکاری داشتند از تعداد ۱۱۴ نفر آمار به دست آمد.

برای تعیین روایی پرسشنامه روش های متعددی وجود دارد، در این پژوهش از دو روش ۱- روایی محتوا و ۲- روایی صوری استفاده شد. روایی محتوا از طریق مراجعه به متخصصین موضوعی مورد تأیید قرار گرفت. روایی صوری پرسشنامه جذب مشارکت های مردمی در بهزیستی توسط چند نفر از پاسخگویان مورد تأیید قرار گرفت.

تعاریف عملیاتی

۱. آگاهی مردم و اطلاع رسانی از فعالیت های بهزیستی

مفهوم آگاهی پیوندی و چندرگه است. واژه آگاهی به طور ضمنی بر مفاهیم متعددی دلالت دارد و پدیدارهای متفاوتی را مشخص می کند (غیاثوند، ۱۳۸۹: ۱۵۲). در این پژوهش آگاهی مردم و اطلاع رسانی از فعالیت های بهزیستی با ۵ گویه مورد بررسی قرار گرفته است.

الف. مشارکت مردم در کمک های مردمی بهزیستی نمادی از کرامت انسانی است.

ب. برنامه های صدا و سیما مرتبط با کمک های مردمی حس عاطفی و انسان دوستی را در مردم برمی انگیزد.

ج. آگاهی مردم از طرح ها و فعالیت های بهزیستی می تواند انگیزه ی محکمی در کمک رسانی آنان باشد.
د. توزیع فرم های اعلام همکاری داوطلبانه افراد با بهزیستی راهکار خوبی برای آگاهی یافتن مردم از کمک رسانی به نیازمندان است.

.... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

ه. هدایت نظام وقف و استفاده از موقوفه‌های خاص برای کمک به جلب و جذب مشارکت‌های مردمی در بهزیستی موثر است.

۲. توسعه مدیریت دانش رسانه‌ای

سواد رسانه‌ای توانایی و قدرت دسترسی، تحلیل، ارزیابی و انتقال اطلاعات و پیام‌های رسانه‌ای است. این موارد را می‌توان در چارچوب‌های مختلف چاپی و غیرچاپی عرضه کرد (Considine. 2000: 14). در این پژوهش توسعه مدیریت دانش رسانه‌ای با ۵ گویه بررسی شد.

الف. جامعه می‌تواند محیطی به وجود آورد که افراد را به ایجاد فرصت‌های مشارکت ترغیب کند.

ب. شخصیت اجتماعی افراد، تعیین‌کننده نوع دید آنها به مشارکت‌های مردمی است.

پ. معرفی خیرین و نیکوکاران و اهداف آنان می‌تواند انگیزه‌ای در جلب و جذب مشارکت‌های مردمی در بهزیستی باشد.

ج. وسایل ارتباط جمعی از جمله عوامل مهمی است که می‌توانند بر کم و کیف مشارکت اثر (مثبت یا منفی) بگذارند.

د. تشویق مردم از سوی نخبگان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به سمت مشارکت‌های مردمی کمک موثری در این راه است.

۳. بسط و توسعه تشکل‌های محلی

تشکل‌های محلی که با نام سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) نیز نامیده می‌شوند، نظام پنهان ارتقای سلامت جامعه هستند. این سازمان‌های داوطلب، مستقل از دولت بوده و در عین غیرانتفاعی بودن، در خدمت مردم هستند و به همین دلیل، صدای مردم نامیده می‌شوند. سمن‌ها، نماد و واسطه مشارکت مردم هستند و مشارکت مردم نیز یکی از بازوهای اصلی ارتقای سلامت، کاهش فقر و بی‌عدالتی در سلامت جوامع است (دماری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). در این پژوهش بسط و توسعه تشکل‌های محلی با ۲ گویه موردبررسی قرار گرفته‌اند.

عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در کمک به بهزیستی استان خوزستان

الف. خدمات داوطلبانه افراد خیر و مردم نیکوکار در تشکلهای محلی و منطقه‌ای نماد جذب و جلب مشارکت‌های مردمی به‌شمار می‌آید. ب. جذب افراد و گروه‌های داوطلب همکاری با سازمان بهزیستی و سازماندهی آنان براساس تخصص و توانایی و بهره‌گیری برای جلب و جذب مشارکت‌های مردمی مؤثر است. .

۴. انگیزه‌های شخصی

واژه‌ی انگیزه به عواملی برمی‌گردد که رفتارهای هدفمند فرد را تعیین و آن‌ها را آغاز و درطول مسیر هدایت می‌کند و به آن‌ها تداوم می‌بخشد. انگیزه درواقع چرایی رفتار است. یعنی همان نیازها یا خواسته‌هایی است که رفتار ما را هدایت می‌کنند و آنچه را انجام می‌دهیم توضیح می‌دهند. انگیزه سه جزء اصلی دارد: اقدام^{۱۱}، پشتکار^{۱۲} و توان^{۱۳}. در پژوهش حاضر انگیزه‌های شخصی با ۴ گویه موردبررسی قرار گرفته‌اند.

- الف. با مشارکت در کمک و مساعدت به نیازمندان احساس نشاط و شادابی در من به‌وجود می‌آید.
- ب. عقیده دارم هیچ چیز به اندازه کمک به هم‌نوع و مشارکت در کار خیر به من آرامش نمی‌دهد.
- ج. هر ساله به‌دلیل نذر مبلغی را برای کمک به نیازمندان بهزیستی کنار می‌گذارم.
- د. بهتر است که کمک‌های مردمی به‌صورت مخفیانه انجام شود؛ زیرا ثواب بیشتری خواهد داشت.

۵. ارزش‌های اعتقادی

ارزش‌های اعتقادی زیربنای هنجارها، نهادها و ساخت اجتماعی را تشکیل می‌دهند. چارچوبه‌ای هستند برای مشروع ساختن رفتارهای انسانی، ارزش‌ها به فرهنگ کلی و جامعه مفهوم و معنی می‌بخشند و وقتی مسئله «قضاوت ارزشی» یا «ارزشیابی اجتماعی» مطرح می‌شوند، عملاً مقایسه میان بهتر و بدتر صورت می‌گیرد. در پژوهش حاضر ارزش‌های اعتقادی با ۸ گویه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

¹¹ .Activation

¹² .persistence

¹³ .intensity

... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

- الف. چون می‌دانم که خداوند منشا همه خوبی‌های زندگی‌ام است، غالباً بخشی از درآمد خود را برای کمک به هموعان نیازمند کنار می‌گذارم.
- ب. معتقدم که خدا مرا در زندگی‌ام به دلیل مشارکت در کارهای خیر، به خصوص کمک به نیازمندان و معلولین حمایت می‌کند.
- ج. ترویج فرهنگ اتفاق، احسان، ایثار، اکرام یتیم، و سنت‌های حسنه اسلامی موجب توجه مردم به مشارکت‌های اجتماعی در بهزیستی می‌شود.
- د. یکی از دلایل اصلی و مهم میزان مشارکت‌های اجتماعی مردمی تعالیم دینی و سنتی در مورد رسیدگی و کمک به یکدیگر، به‌ویژه فقرار، ایتم و نیازمندان است.
- ه. هدایت نظام صدقات، زکات، فطریه، وقف عام و نذورات برای کمک به نیازمندان، از پارامترهای مهم و اساسی جلب و جذب مشارکت‌های مردمی در بهزیستی است.
- و. اخذ فتاوی مراجع عظام می‌تواند به جلب و جذب مشارکت‌های مردمی کمک کند.
- ز. پیوندهای خویشاوندی و وابستگی بهتر می‌تواند افراد را به مشارکت‌های مردمی وادار سازد.

۶- پایگاه اجتماعی

- پایگاه اجتماعی در اصطلاح مشخص‌کننده: (۱) وضع فرد یا گروه در یک نظام اجتماعی است، با انتظار متقابل عمل از دارندگان وضعی دیگر در چارچوب یک ساخت واحد (۲) مقام فرد یا گروه است با توجه به توزیع‌شان در یک نظام اجتماعی و در مواردی تلویحاً با در نظر گرفتن چگونگی توزیع حقوق، مسئولیت‌ها، قدرت و اقتدار در چارچوب همان نظام، نظیر اصطلاحاتی چون پایگاه بالا، پایین و غیره (۳) مقام بلند جستن با در نظر گرفتن توزیع‌شان در یک نظام اجتماعی. (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۷۶۰). در پژوهش حاضر پایگاه اجتماعی با ۴ گویه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.
- الف. افرادی که درآمد بالایی دارند، بهتر می‌توانند مشارکت‌های مردمی در مساعدت به نیازمندان انجام دهند.
- ب. افراد با تحصیلات بالا به واسطه آگاهی و دانشی که در اجتماع به دست می‌آورند، انگیزه بیشتری برای مشارکت مردمی از خود نشان می‌دهند.

عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در کمک به بهزیستی استان خوزستان

- ج. نوع شغل افراد نماد بارزی از میزان گرایش آنان به مشارکت‌های مردمی است.
- د. نوع محل مسکونی و اقامت افراد می‌تواند در میزان مشارکت یا عدم مشارکت آنان مؤثر باشد.

۷. تعلق و تعهد شهروندی

- تعلق اجتماعی می‌تواند به عنوان یک مشارکت اجتماعی و ادغام، در زندگی اجتماعی مورد توجه قرار بگیرد و یک پیوند مؤثر یا یک ارتباط عاطفی بین یک اجتماع منفرد خاص یا ویژه ایجاد کند. در پژوهش حاضر تعلق و تعهد شهروندی با ۷۴ گویه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.
- الف. توجه به تعهدات شهروندی و استفاده از منابع عظیم مردم برای مبارزه با فقر و محرومیت می‌تواند به جلب مشارکت‌های مردمی در بهزیستی کمک کند.
- ب. مشارکت همگانی شهروندان در امور اجتماعی احساس مسئولیت و تعلق به جامعه را تقویت می‌کند.
- ج. تبدیل مشارکت اجتماعی به یک هنجار اجتماعی و ارزش، می‌تواند افراد بیشتری را درگیر خود سازد.
- د. داشتن روحیه نیکی کردن و مهربانی و دلسوزی به یکدیگر، می‌تواند در گرایش افراد به مشارکت مؤثر باشد.
- ه. همبستگی و ارتباط نزدیک ساکنان یک منطقه در سوق افراد به سمت و سوی مشارکت مؤثر است.
- و. احساس تعلق اجتماعی مثبت، به افزایش ارتباطات و مشارکت مدنی در جامعه منجر می‌شود.
- ز. ایجاد شرایط مناسب، زمینه گسترش و تعمیق فرهنگ خیر جمعی و مشارکت‌های مردم را فراهم می‌سازد.

۸. اتخاذ شیوه مشارکت جویانه داوطلبانه

مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به هدف‌های معین و از پیش تعیین شده تعریف کرده‌اند، فرایندی که افراد جامعه به صورت جمعی، آگاهانه، داوطلبانه و با در نظر گرفتن اهداف معین و مشخص که منجر به سهم شدن آن‌ها در منافع اجتماعی می‌شود، در آن شرکت می‌کنند و نمود عینی آن را در نهادهای مشارکتی همچون انجمن‌ها، گروه‌ها،

... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

- سازمان‌های غیردولتی و نظایر آن می‌توان دید (غفاری، ۱۳۸۳: ۷۰). در پژوهش حاضر اتخاذ شیوه مشارکت جویانه داوطلبانه با ۵ گویه موردبررسی قرار گرفته‌اند.
- الف. مشارکت و یاری‌گری داوطلبانه در فرهنگی ایرانی و اسلامی با تاکید بر جنبه‌های روانی و معنوی و رشد شخصیت باعث پیدایش و آفرینش دانش و آگاهی شده‌است.
- ب. جامعه‌ای که در آن امکانات و تسهیلات بیشتری برای سعادت، شادکامی، صلح و همبستگی همگان فراهم باشد، میزان مشارکت مردمی هم بالا است.
- ج. اگر در جامع‌ای روحیه تعاون، همیاری و همکاری تقویت و نهادینه شود، شاهد جامعه‌ای یکدست، یکپارچه و منسجم خواهیم بود.
- د. برانگیختن احساسات مردم عامل مهمی در ایجاد فرصت‌های مشارکت در بین آنان باشد.
- ه. افزایش درک و توان مردم را می‌توان در مشارکت مردمی آنان موثر دانست.

۹. ارتباط مؤثر با نهادهای عمومی و دولتی

- «ارتباط» جریانی است که در طی آن دو یا چند نفر به تبادل افکار، نظرات، احساسات و حقایق می‌پردازند و از طریق به‌کار بردن پیام‌هایی که معنایش برای کلیه آنان یکسان است به انجام این امر مبادرت می‌ورزند. بدون آن، زندگی اجتماعی قابل‌دوام نخواهد بود. در پژوهش حاضر اتخاذ شیوه مشارکت جویانه داوطلبانه با ۳ گویه موردبررسی قرار گرفت.
- الف. همکاری و ارتباط نهادها و شرکت‌های خصوصی و دولتی، راهی مؤثر در ایجاد راهی برای کمک‌های مردمی است.
- ب. روابط صحیح میان فرد و دولت، به درونی کردن برخی ارزش‌ها از جمله مشارکت مردمی کمک می‌رساند.
- ج. توسعه و گسترش رفاه اجتماعی در بین اقشار نیازمند و آسیب‌پذیر، می‌تواند به جلب و جذب مشارکت‌های مردمی کمک کند.

عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در کمک به بهزیستی استان خوزستان

۱۰. عملکرد مسئولان بهزیستی

عملکرد عبارت است از مجموعه‌ای از تلاش‌ها و اقداماتی که کارکنان در مسیر رسیدن به هدف و اجرای برنامه‌ها انجام می‌دهند. به علاوه نتایج ملموس و قابل اندازه‌گیری که در اثر و به دنبال این رفتارها و تلاش‌ها حاصل می‌شود (ابوالعالی، ۱۴۰۰: ۵۹). این تعریف از عملکرد به این نتیجه منجر می‌شود که به هنگام اندازه‌گیری عملکرد هم رفتارها و هم نتایج باید مورد بررسی قرار داده شود. در پژوهش حاضر عملکرد مسئولان بهزیستی با ۴ گویه مورد بررسی قرار گرفت.

الف. مأموریت‌های مدیران بهزیستی و بازدید از محیط‌های تعبیه شده جلب و جذب مشارکت‌های، مردمی می‌تواند موجب کارآیی بهتر شود. ب. طرز ارتباط با ارباب رجوع از سوی مدیران و مسئولین می‌تواند عاملی مهم در تشویق آنان به کمک باشد.

ج. بررسی اهداف سازمان و بازنویسی آنها برای دستورالعمل جلب و جذب مشارکت‌های مردمی، می‌تواند موجب کارآیی بهتر شود.

د. شبکه‌های مشارکت مدنی ارتباطات را تسهیل می‌کنند و جریان اطلاعات را در مورد قابل اعتماد بودن افراد، بهبود می‌بخشند.

۱۱. عملکرد مسئولان سایر سازمان‌ها

عملکرد سازمانی به چگونگی انجام مأموریت‌ها و وظایف و فعالیت‌های سازمانی و نتایج حاصله از انجام آن‌ها اطلاق می‌گردد. پروفیسور سینک (۱۹۸۵) عملکرد سازمان‌ها را تابعی از هفت معیار مرتبط باهم می‌داند که عبارت‌اند از: اثربخشی، کارآیی، کیفیت، بهره‌وری، کیفیت زندگی کاری، نوآوری، قابلیت سوددهی و بودجه‌بندی. در پژوهش حاضر عملکرد مسئولان سایر سازمان‌ها با ۳ گویه مورد بررسی قرار گرفت.

الف. توجه مدیران و مسئولین سازمان‌ها به کمک به نیازمندان، می‌تواند الگویی برای سایر کارمندان به شمار آید. ب. برگزاری کنفرانس‌ها و نشست‌ها از طرف مدیران و مسئولین سایر سازمان‌ها گام موثری برای جلب و جذب مشارکت‌های مردمی در بهزیستی است.

.... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

د. عملکرد سازمان‌های دیگر می‌تواند کمک موثری برای جلب و جذب مشارکت‌های مردمی در بهزیستی باشد.

۱۲. مشارکت مردمی

مشارکت مردمی به معنای کوشش و تلاش جمعی در یک زمینه‌سازمانی است که اعضا با ائتلاف منابع درصدد دستیابی به هدف‌هایشان هستند در نتیجه مشارکت یک فرایند فعال است که هر یک از مشارکت‌کنندگان به واسطه‌ی اندیشه، تأمل، نظارت فعالیت‌هایشان به اقدام و عمل مشارکتی ترغیب می‌شوند. در پژوهش حاضر مشارکت مردمی با ۵ گویه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

الف. جلب مشارکت مالی و غیرمالی مردم به منظور رفع نیازهای جامعه، هدف مشارکت مردمی در بهزیستی است. ب. مشارکت مردمی با نیروهای بهزیستی یکی از بهترین روش‌های خدمت‌رسانی به نیازمندان و معلولین است.

ج. مشارکت مردمی باعث خواهد شد تا بی‌تفاوتی، از خودبیگانگی اجتماعی و فرهنگی در جامعه رخ ندهد.

د. مشارکت از طریق بسیج نیروهای سازمان‌یافته مردمی، باعث توانمندی افراد خواهد شد.

ه. سازمان بهزیستی توسعه دهنده شبکه ارتباطی و حمایتی مردمی کارآمد برای انجام کارهای عمیق، ماندگار، زودبازده و اثربخشی در میان اقشار آسیب‌پذیر جامعه با رعایت اصول کفایت، جامعیت و مطلوبیت است.

نتایج و یافته‌های تحقیق

در جدول شماره ۲ اطلاعات جمعیت‌شناختی جامعه مورد مطالعه آمده است.

جدول ۲ توزیع فراوانی نمونه‌ها بر حسب خصوصیات جمعیت‌شناختی

متغیر	تعداد	درصد	متغیر	تعداد	درصد
جنسیت	زن	202	محل سکونت	شهر	368
	مرد	327		روستا	161
گروه سنی (سال)	20 تا 24 سال	54	شغل	کارمند	36
	25 تا 29 سال	52		دانشجو	38
	30 تا 34 سال	45		فرهنگی	54

عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در کمک به بهزیستی استان خوزستان

6/2	32	کارگر	11/7	62	35 تا 39 سال
32/7	169	آزاد	14/2	75	40 تا 44 سال
13/7	71	خانه دار	12/3	65	45 تا 49 سال
16/4	85	بیکار	13/0	69	50 تا 54 سال
6/2	32	مدیر	10/4	55	55 تا 59 سال
6/2	12	بدون پاسخ	9/8	52	60 به بالا
72/6	384	مردم	15/7	83	مجرد
5/9	31	مدیر بهزیستی	75/0	397	متاهل
21/6	114	خیر	9/3	49	مطلقه
73/0	386	بلی	60/5	320	بلی
27/0	143	خیر	39/5	209	خیر
14/7	78	کمتر از 1 سال	17/7	87	کمتر از 1 سال
17/0	90	1 تا 3 سال	24/6	121	1 تا 3 سال
19/7	104	3 تا 5 سال	36/4	179	3 تا 5 سال
20/4	108	بیشتر از 5 سال	21/3	105	بیشتر از 5 سال
28/2	149	بدون سابقه	-	37	بدون پاسخ
11/0	58	بی سواد	6/2	33	بی سواد
1/5	8	نهیض	6/2	33	ابتدایی
5/9	31	ابتدایی	14/7	78	سیکل
13/8	73	سیکل	14/9	79	دیپلم
18/9	100	دیپلم	35/2	186	فوق دیپلم و لیسانس
30/8	163	فوق دیپلم و لیسانس	22/7	120	فوق لیسانس و بالاتر
18/1	96	فوق لیسانس و بالاتر			

بر اساس یافته‌های تحقیق ۷۲/۶ درصد از شرکت کنندگان در پژوهش مردم، ۵/۹ درصد از شرکت کنندگان در پژوهش مدیر بهزیستی و ۲۱/۶ درصد از شرکت کنندگان در پژوهش از خیرین هستند. ۳۸/۲ درصد از شرکت کنندگان در پژوهش زن و ۶۱/۸ درصد مرد هستند. نتایج متغیر سن نشان می‌دهد ۱۰/۲ درصد از شرکت کنندگان دارای فاصله سنی ۲۰ تا ۲۴ سال، ۹/۸ درصد از شرکت کنندگان

.... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

دارای فاصله سنی ۲۵ تا ۲۹ سال، ۸/۵ درصد از شرکت‌کنندگان دارای فاصله سنی ۳۰ تا ۳۴ سال، ۱۱/۷ درصد از شرکت‌کنندگان دارای فاصله سنی ۳۵ تا ۳۹ سال، ۱۴/۲ درصد از شرکت‌کنندگان دارای فاصله سنی ۴۰ تا ۴۴ سال، ۱۲/۳ درصد از شرکت‌کنندگان دارای فاصله سنی ۴۵ تا ۴۹ سال، ۱۳/۰ درصد از شرکت‌کنندگان دارای فاصله سنی ۵۰ تا ۵۴ سال، ۱۰/۴ درصد از شرکت‌کنندگان دارای فاصله سنی ۵۵ تا ۵۹ سال و ۹/۸ درصد از شرکت‌کنندگان دارای فاصله سنی ۶۰ سال به بالا هستند. همچنین ۱۵/۷ درصد از شرکت‌کنندگان مجرد، ۷۵/۰ درصد از شرکت‌کنندگان متأهل و ۹/۳ درصد از شرکت‌کنندگان مطلقه هستند.

در بخش توص

جدول (۳) میانگین متغیرهای اصلی پژوهش در حجم نمونه مورد مطالعه

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
افزایش آگاهی مردم و اطلاع‌رسانی	2/56	1/35	1/00	5/00
توسعه مدیریت دانش رسانه‌ای	2/62	1/35	1/00	5/00
ایجاد، بسط و توسعه تشکل‌های محلی	2/42	1/31	1/00	5/00
انگیزه‌های شخصی	2/21	1/21	1/00	5/00
ارزش‌های اعتقادی	2/56	1/28	1/00	5/00
پایگاه اجتماعی	2/48	1/26	1/00	5/00
تعلق و تعهد شهروندی	2/36	1/20	1/00	4/88
اتخاذ شیوه مشارکت جوانه داوطلبانه	2/34	1/12	1/00	4/86
ارتباط مؤثر با نهادهای عمومی و دولتی	2/25	1/17	1/00	5/00
عملکرد مسئول‌های بهزیستی	2/28	1/09	1/00	5/00
عملکرد مسئول‌های سایر سازمان‌ها	2/37	1/14	1/00	5/00
مشارکت مردمی	2/40	1/14	1/00	4/80

جدول (۴) نتایج آزمون همبستگی (آزمون فرضیات)

متغیر ملاک		
مشارکت مردمی		
متغیر پیش‌بین		
ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	سطح معناداری

عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در کمک به بهزیستی استان خوزستان

0/000	0/918	*0/959	افزایش آگاهی مردم و اطلاع رسانی
0/000	0/906	*0/952	توسعه مدیریت دانش رسانه‌ای
0/000	0/839	*0/916	ایجاد، بسط و توسعه تشکل‌های محلی
0/000	0/894	*0/946	انگیزه‌های شخصی
0/000	0/925	*0/962	ارزش‌های اعتقادی
0/000	0/884	*0/940	پایگاه اجتماعی
0/000	0/958	*0/979	تعلق و تعهد شهروندی
0/000	0/966	*0/983	اتخاذ شیوه مشارکت جویان داوطلبانه
0/000	0/914	*0/956	ارتباط مؤثر با نهادهای عمومی و دولتی
0/000	0/914	*0/956	ارتباط مؤثر با نهادهای عمومی و دولتی
0/000	0/948	*0/974	عملکرد مسئولین بهزیستی

$P < 0/05^*$

ضریب همبستگی بین افزایش آگاهی مردم و اطلاع رسانی و مشارکت مردمی

ضریب همبستگی بین افزایش آگاهی مردم و اطلاع رسانی و مشارکت مردمی معنادار است. یعنی بین افزایش آگاهی مردم و اطلاع رسانی و مشارکت مردمی ($r=0/959$) رابطه مثبت و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. بر اساس ضریب تعیین (r^2) ۹۱/۸ درصد از واریانس بین افزایش آگاهی مردم و اطلاع رسانی و مشارکت مردمی مشترک بوده است که نشان‌دهنده همبستگی بالای بین افزایش آگاهی مردم و اطلاع رسانی از فعالیت‌های بهزیستی و ضرورت مشارکت آنان به منزله یک وظیفه انسانی، دینی، عاطفی و اجتماعی است.

بین توسعه مدیریت دانش رسانه‌ای و مشارکت مردمی ($r=0/952$) رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. بر اساس ضریب تعیین (r^2) ۹۰/۶ درصد از واریانس بین توسعه مدیریت دانش رسانه‌ای و مشارکت مردمی مشترک بوده است که نشان‌دهنده همبستگی بالای بین توسعه مدیریت دانش رسانه‌ای و ارتباطاتی جامعه و جلب و جذب مشارکت‌های مردمی در بهزیستی است.

یافته‌ها نشان می‌دهد ضریب همبستگی ایجاد، بسط و توسعه تشکل‌های محلی و مشارکت مردمی معنادار است. یعنی بین ایجاد، بسط و توسعه تشکل‌های محلی و مشارکت مردمی ($r=0/916$) رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. بر اساس ضریب تعیین (r^2) ۸۳/۹ درصد از

... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

واریانس بین ایجاد، بسط و توسعه تشکلهای محلی و مشارکت مردمی مشترک بوده است که نشان‌دهنده همبستگی بالای بین ایجاد، بسط و توسعه تشکلهای محلی و منطقه‌ای و جلب و جذب مشارکت‌های مردمی در بهزیستی است.

بین انگیزه‌های شخصی و مشارکت مردمی ($r=0/946$) رابطه مثبت و معناداری در سطح اطمینان 95 درصد وجود دارد. بر اساس ضریب تعیین (r^2) 89/4 درصد از واریانس بین انگیزه‌های شخصی و مشارکت مردمی مشترک بوده است که نشان‌دهنده همبستگی بالای بین انگیزه‌های شخصی و جلب و جذب مشارکت‌های مردمی در بهزیستی است. بین ارزش‌های اعتقادی و مشارکت مردمی ($r=0/962$) رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح اطمینان 95 درصد وجود دارد. بر اساس ضریب تعیین (r^2) 92/5 درصد از واریانس بین ارزش‌های اعتقادی و مشارکت مردمی مشترک بوده است که نشان‌دهنده همبستگی بالای بین ارزش‌های اعتقادی و جلب و جذب مشارکت‌های مردمی در بهزیستی است. یافته‌ها نشان می‌دهد ضریب همبستگی پایگاه اجتماعی و مشارکت مردمی معنادار است. یعنی بین پایگاه اجتماعی و مشارکت مردمی ($r=0/940$) رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح اطمینان 95 درصد وجود دارد. بر اساس ضریب تعیین (r^2) 88/4 درصد از واریانس بین پایگاه اجتماعی و مشارکت مردمی مشترک بوده است که نشان‌دهنده همبستگی بالای بین پایگاه اجتماعی و جلب و جذب مشارکت‌های مردمی در بهزیستی است. بین تعلق و تعهد شهروندی و مشارکت مردمی ($r=0/979$) رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح اطمینان 95 درصد وجود دارد. بر اساس ضریب تعیین (r^2) 95/8 درصد از واریانس بین تعلق و تعهد شهروندی و مشارکت مردمی مشترک بوده است که نشان‌دهنده همبستگی بالای بین تعلق و تعهد شهروندی و جلب و جذب مشارکت‌های مردمی در بهزیستی است. بین اتخاذ شیوه مشارکت‌جویانه داوطلبانه و مشارکت مردمی ($r=0/983$) رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح اطمینان 95 درصد وجود دارد. بر اساس ضریب تعیین (r^2) 96/6 درصد از واریانس بین اتخاذ شیوه مشارکت‌جویانه داوطلبانه و مشارکت مردمی مشترک بوده است که نشان‌دهنده همبستگی بالای بین اتخاذ شیوه مشارکت‌جویانه داوطلبانه و جلب و جذب مشارکت‌های مردمی در بهزیستی است.

عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در کمک به بهزیستی استان خوزستان

بین ارتباط مؤثر با نهادهای عمومی و دولتی و مشارکت مردمی ($r=0/956$) رابطه مثبت و معنی داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. بر اساس ضریب تعیین (r^2) ۹۱/۴ درصد از واریانس بین ارتباط مؤثر با نهادهای عمومی و دولتی و مشارکت مردمی مشترک بوده است که نشان دهنده همبستگی بالای بین ارتباط مؤثر با نهادهای عمومی و دولتی و جلب و جذب مشارکت های مردمی در بهزیستی است. یافته ها نشان می دهد ضریب همبستگی عملکرد مسئول ها بهزیستی و مشارکت مردمی معنادار است. یعنی بین عملکرد مسئول ها بهزیستی و مشارکت مردمی ($r=0/974$) رابطه مثبت و معنی داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. بر اساس ضریب تعیین (r^2) ۹۴/۸ درصد از واریانس بین عملکرد مسئول ها بهزیستی و مشارکت مردمی مشترک بوده است که نشان دهنده همبستگی بالای عملکرد مسئول ها بهزیستی و جلب و جذب مشارکت های مردمی در بهزیستی است.

نتیجه گیری

نتایج نشان داد که بین نمرات پاسخگویان در خصوص متغیرهای اتخاذ شیوه افزایش آگاهی مردم و اطلاع رسانی از فعالیت های بهزیستی، (همگام با نظریات هانتینگتون و نلسون، آگاهی گروهی موجب تسریع در روند مشارکت های مردمی می شود) اتخاذ شیوه توسعه مدیریت دانش رسانه ای و ارتباطاتی جامعه، (همگام با پژوهش نوروژی و بختیاری، ۱۳۸۸)؛ ایجاد، بسط و توسعه تشکلهای محلی و منطقه ای، (همگام با نتایج پژوهش تاجیک و همکاران (۱۳۹۱) که دریافتند بین متغیر مدیریت محله و بعد مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد؛ انگیزه های شخصی، (در راستای تئوری های صاحب نظرانی چون فریر (۱۹۷۵)، ویکناراجا (۱۹۹۱)، بورکلی (۱۹۹۳) و چمبرز (۱۹۹۶) که از جمله علمایی بودند که سهم به سزایی در شکل گیری این رویکرد داشتند. این علما بر این باورند که مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی، یک هدف محسوب می شود و از طریق آن، توانایی ها و خلاقیت های انسانی تحقق پیدا می کند.

در این دیدگاه مشارکت در فعالیت سازمان های اجتماعی به خودی خود، به عنوان فضیلت و وظیفه تلقی می شود، نه صرفاً ابزاری برای تأمین منافع شخصی، پایگاه اجتماعی، (همگام با نتایج پژوهش قبادی (۱۳۹۱) که در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بین رضایتمندی اجتماعی و سیاسی، دینداری، رسانه ها

.... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با مشارکت مورد بررسی قرار گرفت. و مارشال (۲۰۰۴) در تحقیقی درباره‌ی سازمان‌های محله‌ای، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی دریافته است که مدیران محلی می‌توانند مشارکت شهروندان را با ایجاد ساختارهای مشارکتی مانند سازمان‌های محله‌ای افزایش دهند. پایگاه اجتماعی - اقتصادی (درآمد، تحصیلات و سوگیری مدنی) با سطح مشارکت رابطه عمیقی دارد؛ یافته‌های مطالعاتی لیست در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که به‌طور کلی مشارکت در بین کسانی که تعلیم و تربیت بهتری یافته‌اند، اعضای گروه‌های شغلی و درآمدی بالاتر، سنین متوسط، گروه‌های مذهبی و نژادی مسلط، مردان در مقابل زنان، ساکنین یک محل شهرنشینان و اعضای انجمن‌ها و مؤسسات اداری؛ گرایش به فزونی دارد. تعلق و تعهد شهروندی، (همگام با نظریات قیگ و ون خو^{۱۴} و دیگران، ۲۰۱۰، مک کول و مارتین، ۱۹۹۴ که معتقد است: تعلق اجتماعی می‌تواند به‌عنوان یک مشارکت اجتماعی و ادغام، در زندگی اجتماعی مورد توجه قرار بگیرد و یک پیوند مؤثر یا یک ارتباط عاطفی بین یک اجتماع منفرد خاص یا ویژه ایجاد کند. تحقیق سیونانی و دیگران در سال ۲۰۰۷ نیز مشارکت اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی و بهزیستی اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است)؛ اتخاذ شیوه مشارکت جویانه داوطلبانه و فعالیت‌های خیریه، (همگام با پژوهش احسانی راد، ۱۳۹۲، و نظریات دورکیم با طرح تئوری همبستگی اجتماعی و نظریه وجدان جمعی و فردی)؛ ارتباط مؤثر با سازمان‌ها و نهادهای عمومی و دولتی و خصوصی، عملکرد و کارایی مسئولان و نیروهای بهزیستی، عملکرد و کارایی مسئولان و نیروهای سایر سازمان‌ها و جلب و جذب مشارکت‌های مردمی بر اساس متغیر جمعیت‌شناختی جایگاه تفاوت معناداری وجود دارد.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی، قربانعلی، بابازاده بانی، علی و ابراهیمی گنابی، حسین (1390). بررسی تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی: مطالعه دانشجویان عضو تشکلهای انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی دانشگاههای مازندران و صنعتی نوشیروانی بابل، مطالعات جوانان، سال دوم، شماره چهارم صص 82-63
- ابوالعلائی، بهزاد (1400). مدیریت عملکرد، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی

¹⁴ Qingwen Xu

عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در کمک به بهزیستی استان خوزستان

- احسانی راد، فاطمه (1392). بررسی علل و انگیزه‌های مردم از مشارکت در امور خیریه و وقف در شهر کاشان، پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، رشته علوم اجتماعی گرایش مطالعات فرهنگی، دانشگاه کاشان
- ادیسی، افسانه و شجاعی، مرجان (1391). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی ساکنین در تحقق طرحهای توسعه شهری نمونه موردی: پیاده راهسازی حوزه تاریخی شهر تهران منطقه، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره 4، شماره 13، صص 1-28
- اسدپور، عهدیه؛ علی انتظاری و کاظم احمدی اهنگ (1397). مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهرستان آمل)، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره 29، شماره 3، صص 68-86
- امام جمعه زاده، سیدجواد، رهبرقاضی، محمودرضا، عیسی‌زاد، امید و مرندی، زهره (1391). بررسی رابطه میان احساس محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی، سال هشتم، شماره اول، صص 37-68
- پیران پرویز (1383). مشارکت اجتماعی در ایران؛ تناقضی ریشه‌دار، مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران، جمال رئیسی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- تاجیک محمدرضا، تیمورزاد کاوه، مسایلی فاطمه (1392). نقش مدیریت محله در جلب مشارکت اجتماعی، مطالعات مدیریت شهری، دوره 5، شماره 14، صص 15-25
- جمینی، داود، علی شمس‌الدینی و علیرضا جمشیدی (1402). مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و تبیین تعیین‌کننده‌های آن (مورد مطالعه: شهر ایلام)، فصلنامه مطالعات شهری، دوره 12، شماره 45، صص 19-30
- حسین‌زاده، علی حسین، ایدر، نبی اکبر، عباسی، الهام (1391). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی در بین شهروندان شهر خرم‌آباد، مطالعات شهری، سال دوم، صص 59-82
- دمازی، بهزاد، حیدرنیا، محمدعلی، رهبری بناب، مریم (1393). نقش و عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در حفظ و ارتقای سلامت جامعه، فصلنامه پایش، سال سیزدهم، شماره پنجم، صص 541-550
- دهقان، علیرضا و غلامرضا غفاری (1384)، تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره 1
- ساروخانی، باقر؛ (1380). درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان، چاپ سوم، جلد 2.
- سبزه‌ای، محمدتقی و پرویز رحیمی (1392)، بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین شهروندان نورآباد دلفان، فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، شماره 20
- سفیری، خدیجه، رقیه تمیز (1390)، فرا تحلیل مطالعات مشارکت اجتماعی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سوم، شماره سوم
- شادی طلاب ژاله، افسانه کمالی (1382). مشارکت اجتماعی زنان، پژوهش زنان، سال اول، شماره 4

.... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

- صادقی فسایی، سهیلا و خادمی، عاطفه (1395). فراتحلیل 4 دهه پژوهش در حوزه مشارکت زنان، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان (مطالعات زنان سابق)، دوره چهاردهم، شماره 2، صص 62-35
- علوی تبار، علیرضا (1379) مشارکت در اداره امور شهرها، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها (جلد اول) تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور
- عیوضی، محمدرحیم و کریمی، غلامرضا (1391). مشارکت اجتماعی زنان؛ رویکردی اسلامی، دانش سیاسی، سال هفتم، شماره 2، صص 166-133
- غفاری غلامرضا، محسن نیازی (1386)، جامعه‌شناسی مشارکت، تهران: نزدیک.
- قیصری، نوراله (1398). مشارکت اجتماعی؛ معناکاوی یک مفهوم راهبردی، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال چهارم، شماره 11، صص 59-31
- کانسیداین، دیوید (1379). درآمدی بر سواد رسانه‌ای، ناصر بلیغ، تهران، اداره کل تحقیق و توسعه صدا
- مرادپور، فریبا؛ رحیمی، محمود؛ محسنی، رضا علی (1403). بررسی نقش مشارکت اجتماعی و فرهنگی شهروندان در توسعه پایدار شهرهای جدید با تأکید بر ارتقاء امنیت اجتماعی، مجله امنیت ملی، شماره 52، صص 69 تا 96
- معین، محمد، (1388). فرهنگ فارسی معین، به اهتمام عزیرالله علیزاده، اشجع، تهران، بیجا
- موسوی، میرطاهر (1385) مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره 23
- یزدان پناه لیلا، فاطمه صمدیان (1387)، تأثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمانی، فصلنامه مطالعات زنان، سال 6، شماره 2
- Almond, Gabriel & sindney verba, the civic culture, boston, little brown & company.
- Basu, R., & Thomas, M. D. (2019). What Makes College Students Happy? A Day Reconstruction Study. In Perspectives on Happiness (pp. 29-40). Brill Rodopi.
- Cai. Y, Cui. D (2018), "FACTORS ASSOCIATED WITH SOCIAL PARTICIPATION AMONG CHINESE MIDDLE-AGED AND OLDER ADULTS POST-STROKE", Innov Aging, vol 11, pp 734-735.
- Giddens, A.(1990), The Consequences of Modernity, Stanford, Clif, Stanford University Press
- Hyppa, M.and Maki.J. (2007) 'Why do Swedish-speaking Finns have a longer active life? An area for social capital research', Health Promotion International, 16, i, 55-64.
- Lerner , DaniaL. (1964). the passing of traditional socioty modernizeing thy middle east. new york : free press.
- Levecque, K., Anseel, F., De Beuckelaer, A., Van der Heyden, J., & Gisle, L. (2017). Work organization and mental health problems in PhD students. Research Policy. 46(4): 868-879.

عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در کمک به بهزیستی استان خوزستان

- Naud, D., G  n  reux, M., Bruneau, JF. (2019). Social participation in older women and men: differences in community activities and barriers according to region and population size in Canada. BMC Public Health 19, 1124. <https://doi.org/10.1186/s12889-019-7462-1>
- Wang, H., Yang, Z., Chen, L., Yang, J., & Li, R. (2010). Minority Community Participation in Tourism: a Case of Kanas Tuva villages in Xinjiang, China. Tourism Management, 31(6): 759-764.

Contents

<i>Designing a strategic model for sustainable rural development (Case of study: Villages of Khalkhal city)</i>	1
<i>Behrad Azizi, Valiollah Rostamalizadeh*, Nader Motie Haqshenas</i>	
<i>Sociological analysis of religious neo-thinking discourse in Iran: Case of study; Ali Shariati, Seid Mahmood Taleghani, and Mehdi Mehdi Bazargan</i>	30
<i>Kazem Moradi, Mehrdad Navabakhsh*, Soroush Fathi</i>	
<i>A Sociological Study of Social Acceptance of Afghan Refugees (Case Study: Citizens of Shiraz)</i>	67
<i>Ahmad Palizdan, Saeed Maadani*, Iraj Saei Arasi</i>	
<i>Explaining the cultural and social indicators affecting tourism development in the industrial city of Asaluyeh</i>	98
<i>Hossein Ahmadi, Gholamreza Jafarinia*, Ali Shams al-Dini</i>	
<i>Pathological analysis of crisis management of road accidents in Khorasan Razavi province</i>	126
<i>Alireza Sanatkhan*, Abass Babaei nejad</i>	
<i>Social Factors Influencing People's Participation in Contributing to the Behzisti of Khuzestan Province</i>	155
<i>Fatemeh Dosti Irani, Reza Esmaili*, Asghar Mohammadi</i>	

DOI: [10.71854/soc.2025-1207235](https://doi.org/10.71854/soc.2025-1207235)

**Designing a strategic model for sustainable rural development
(Case of study: Villages of Khalkhal city)**

Behrad Azizi [0009-0009-1710-1645](#) 

*PhD Candidate in Economic Sociology and Development, Department of Khalkhal Branch,
Islamic Azad University, Khalkha, Iran*

Valiollah Rostamalizadeh¹ [0000-0001-5688-1941](#) 

*Associate Professor of Development Sociology. National Institute for Population Research.
Iran.*

Nader Motie Haqshenas [0000-0002-3646-5745](#) 

Assistant Professor of Demography. National Institute for Population Research. Iran

Detailed Abstract:

Introduction

In recent decades, discussions on the key axis of development have focused on sustainable rural development. In our country's programs, after half a century of applying various rural development models, poverty still casts a shadow over the country's rural communities, and problems such as a lack of social facilities, including health and educational services, a lack of income, and excessive migration to cities are evident. Like most villages in Iran, these programs also affect the towns of Khalkhal County. In recent years, even though the face of the villages of Khalkhal County has changed with the introduction of electricity, gas, telephones, agriculture using tractors, the reconstruction of rural settlements, and the implementation of guiding projects, the fundamental issues and problems in the economic, social, and environmental fields persist. According to data from the Statistical Center of Iran, during the five years (2011-2016), out of 86,731 people in Khalkhal County, 10,290 people have migrated. Also, according to information obtained from the Khalkhal County Civil Registry Office, in 1401, the number of registered divorces was 187, an increase of 5.3 percent compared to the previous year. In the form of a long-term program, sustainable rural development seeks to resolve economic, social, and environmental issues in villages. The first step to achieving such a goal is understanding the current state of sustainable rural development issues (ontology) and assessing their limitations and possibilities (feasibility). This research aimed to draw a strategic model for realizing sustainable rural development in Khalkhal County.

Literature Review

The development concept has undergone many changes after World War II and during its formation as an independent discipline. According to the first generation of development scholars and within the neoclassical paradigm's mechanical framework, development's goal was to increase real per capita income and, consequently, purchasing power through gross national product growth. The second generation of development thinkers examined the requirements of economic transformation and

¹. Corresponding author: v.rostamalizadeh@gmail.com

development more closely. It gradually paid attention to issues beyond gross national product, such as individual capabilities, health, and education. The third approach to development has been formed in scientific fields and at the policy and operational levels, in which social institutions and arrangements that had been neglected for a long time and were referred to as general assumptions with fixed conditions were taken into account (Zubiri, 2013: 10-11). Classical sociologists have considered the development of societies in the form of macro theories of social change. In his famous work called "The Division of Social Labor," the French sociologist Durkheim considers development to be the disappearance of old bonds based on mechanical cohesion and the emergence of organic bonds. (Ezkie, 2009: 136), The German Max Weber emphasizes rationality in the development of societies; he considers the crystallization of the bureaucratic system and formal organizations arising from rationality as a sign of the development of societies (Kozer, 1400: 68). Recent sociologists have also considered the issue of development. Each of the contemporary sociologists has emphasized some indicators of social development. Parsons (social community), Coleman (social capital), Bourdieu (social action), Habermas (public scope and social communication and rationality of communication), Giddens (personal identity and social capital), Jenkins (social identity), and Burke (trust, commitment, and self-esteem). (Abdollahy, 1384: 14).

Method

The research method is based on purpose, applied, and qualitative data collection and analysis, and the grounded theory technique was used. A purposive sampling method was used to select the statistical sample, in such a way that those people who had information on the subject of this research (rural councils, village heads, district governors, experts from the Housing Foundation, Jihad Keshavarzi, etc.) were selected and then, based on the snowball sampling method, each interviewee was asked to introduce other people who could provide information in response to the questions of this research. Therefore, semi-structured interviews were conducted with 12 experts until theoretical saturation was reached. The coding process for the collected data was carried out using MAXQDA software. The data analysis method was carried out by entering text data into MAXQDA software based on a systematic plan (Strauss and Corbin) in three stages: 1- open coding, 2- axial coding, and 3- selective coding. To determine the accuracy of the named criteria and indicators, the degree of agreement of the judges was measured with the Kappa test, and the agreement coefficient (85%) was obtained, which indicates a high level of agreement among the judges.

Findings

The analysis of the interview coding operations showed that 249 events were identified in open coding. In the axial coding stage, similar cases were merged at a more abstract level according to their similarity in content and organized around 63 subcategories and five major categories. The elements of the paradigmatic model of sustainable rural development include; causal conditions (economic issues, social issues, environmental issues, institutional issues, and physical issues), contexts (distance of the village to the city center and geographical location of the town), intervening conditions (urbanization, migration and disregard for the village's capabilities), measures and strategies (educational, supportive, encouraging and developmental), consequences (reducing the class gap, creating employment,

sustainable lifestyle, optimal water management, infrastructure development and sustainable conservation of biological resources).

Conclusion

According to the results obtained in this research, the development and use of strategic models for realizing sustainable rural development can act as a factor and driver of the country's development, especially the sustainable development of rural areas. According to the results obtained in this research, sustainable rural development in Khalkhal County is an achievable matter that, if realized, will have consequences such as (reduction of class gap, employment creation, sustainable lifestyle, optimal water management, infrastructure development, and sustainable conservation of biological resources). Therefore, based on the research findings, it is suggested that researchers interested in rural development conduct their research work on entrepreneurship development, creating incentives for investors in villages, life skills, paying attention to environmental capabilities, attracting elite participation in the rural guide plan, infrastructure development, raising awareness about rural ecological protection, and reverse migration.

Keywords: Rural Development Issues, Sustainable Development, Strategic Model, Deprivation.

DOI: DOI: [10.71854/soc.2025-1207240](https://doi.org/10.71854/soc.2025-1207240)

Sociological Analysis of Religious Neo-Thinking Discourse in Iran: Case of study; Ali Shariati, Seid Mahmood Taleghani, and Mehdi Bazargan

Kazem Moradi [0009-0003-6116-325X](https://orcid.org/0009-0003-6116-325X) 

PhD Candidate in Cultural Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mehrdad Navabakhsh¹ [0000-0002-3028-7458](https://orcid.org/0000-0002-3028-7458) 

Professor of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Soroush Fathi [0000-0002-4673-9594](https://orcid.org/0000-0002-4673-9594) 

Associate Professor of Sociology, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Extended Abstract

Introduction

The last two decades leading up to the Islamic Revolution of 1979 are particularly noteworthy regarding the conflict of political and social ideas in Iran. This conflict in the realm of thought vividly reflects the social upheaval that culminated in the Islamic Revolution 1979. Religious neo-thinking is one of the intellectual currents designated as a school of thought during this period. Prominent figures such as Ali Shariati, Ayatollah Taleghani, and Engineer Mehdi Bazargan were among the religious reformists who played a significant role in intellectual discourse and social and political action, much like their predecessors. Although this study is not a historical research project and aims to provide a sociological analysis of the discourse of religious neo-thinking, the personalities of reformists and religious intellectuals are an integral part of this discourse and warrant attention. Examining these figures is essential both for their roles during the historical period in which they lived and for their impact on the discourse of religious neo-thinking, as well as the long-term effects of their lives and thoughts on social life. This research investigates explicitly a turbulent and significant period in the intellectual life of religious reformists and analyzes the sociological discourse of religious reformists from this era.

Method

This study is theoretical and fundamentally research-oriented in its objectives. The research philosophy is based on rationalistic studies, grounded in the power of thought and analysis, with the fundamental assumption being that reason can understand all phenomena. In terms of strategy, this study is descriptive-analytical. Regarding the nature of the research data, it is a qualitative study conducted through library-documentary methods. Finally, the research techniques used for data analysis fall under discourse analysis studies. Specifically, this research employs the critical discourse analysis approach of Laclau and Mouffe. Considering the vast amount of textual data from the three examined reformists, purposeful sampling was conducted, selecting more prominent texts about the research topic for analysis. The validity and reliability of the research were ensured through the accessibility of the analysis process for other researchers and through the coherence and usefulness of the findings,

¹ Corresponding Author: navabakhsh@srbiau.ac.ir

which are methods for determining the credibility of results in discourse analysis research.

Results

During this period, religious reformists such as Shariati, Bazargan, and Taleghani had a simplistic interpretation of religion. From their perspective, Islam provided solutions to all social and political problems in Iranian society. They believed Islam could establish a religious government to promote justice in Iranian society. Furthermore, they held a backward-looking view, primarily addressing the masses. They believed that many manifestations of modernity, which were solidified in rival discourses such as Marxist and liberal discourses through the signifiers of justice and freedom, had been fundamentally present in Islam long before the modern era. The dominance of strategic reformism over the current religious neo-thinking during this period reflects the reality that, although there was a serious conflict with the absolute modernist discourse of the second Pahlavi Shah, which was dominated by ancient nationalism, this conflict also represented a discursive struggle among rival sub-discourses that sought to present their formulations of social and political issues and draw the system of knowledge into their epistemological sphere.

In simple terms, the religious reformists of this period faced more than just an oppressive regime or the threat of colonialism, as their predecessors did. They encountered a profound intellectual divergence that seemed to replace religion and its epistemological sphere with intellectual and doctrinal pluralism, which had been prevalent until the Constitutional Revolution but was undermined by its occurrence. Although religious neo-thinking was not aligned with traditionalism, it could not tolerate movements that aimed to oppose religious knowledge completely. Most prominently, it reinterpreted religion as an alternative epistemological system to modern schools of thought. For example, Abrahamian believes that "Shariati had an affectionate relationship with Marxism and, although he considered Marxism a suitable perspective for understanding the social transformations of his time, he believed that the struggle was not over material means of production but over political power, stating that 'since the time of Abel and Cain, humanity has been divided into two opposing factions: the oppressed (the people) and the oppressors (the rulers)'" (Abrahamian, 2020: 575). Shariati was greatly indebted to the religious reformists before him, such as his father, Mohammad Taghi Shariati, and the God-worshipping socialists and Nakhshab.

Conclusion

The actions of these religious reformists ultimately aimed at establishing a kind of intellectual school that could enable religion to compete with the great ideologies of the time. In an era when Marxist ideology was gaining popularity among educated youth, they sought to create a doctrinal interpretation of religion that could compete with such enthusiasm and attract social forces, especially the youth, the urban middle class, and intellectuals, to religion. The continuity of the religious reformist movement between traditional and radical interpretations of religion provides a more solid epistemological and knowledge-based foundation for social development in the modern era. It is important to note that religion is a significant cultural and historical element of Islamic societies, and no development program can be envisioned without considering this foundation and cultural tradition. Therefore, a reformist reading of

religion more aligned with development can serve as an essential epistemological basis for advancing these societies.

Keywords: Discourse, Critical Discourse Analysis, Religious Neo-Thinking, Islamic Revolution, Strategic Neo-Thinking, Epistemic Neo-Thinking

DOI: [10.71854/soc.2025-1207242](https://doi.org/10.71854/soc.2025-1207242)

A Sociological Study of Social Acceptance of Afghan Refugees (Case Study : Citizens of Shiraz)

Ahmad Palizdan [000900003690187X](https://orcid.org/000900003690187X) 

PhD Candidate in Political Sociology, Department of Social Sciences, Connections and Media Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Dr. Saeed Maadani¹ [0009-0001-5071-0970](https://orcid.org/0009-0001-5071-0970) 

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Connections and Media Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

Dr. Iraj Saei Arasi [0009-0009-9929-522](https://orcid.org/0009-0009-9929-522) 

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Abhar Branch, Iran

Detailed Abstract

Introduction

The presence of Afghan immigrants in Iran, as the largest immigrant population in Iran, requires further studies in social and cultural dimensions. Therefore, this study aims to investigate the social acceptance of citizens of Shiraz towards Afghan immigrants.

This research investigates the sociological study of social acceptance of citizens towards Afghan immigrants in Shiraz.

Methodology

This research is a survey type. The present study's statistical population consists of all Shiraz citizens, 1955500 people in 2025. By the convenient sampling method, three hundred forty-eight citizens of Shiraz were selected using the Cochran formula as the sample size. The data collection tool in this study was a 26-question researcher-made questionnaire. Cronbach's alpha method was used to determine the reliability of this questionnaire. Cronbach's alpha was 0.76. Statistical

Findings

The results of the findings, statistically analyzed using SPSS software, indicate that there is a significant relationship between the variables of literacy level, type of religion, economic status, existing crimes and social harms, sense of security, and the variable of social acceptance of Shiraz citizens towards Afghan immigrants. The results of the regression table also indicate a good correlation between the set of independent variables and the dependent variable. Conclusion: In this article, the results of a sociological study of the social acceptance of citizens (low and high) towards Afghan immigrants in the city of Shiraz have shown that the level of literacy, type of religion, economic status, existing crimes and social harms, and sense of

¹ Maadani25@yahoo.com

security have an impact on the social acceptance (low and high) of citizens of the city of Shiraz towards Afghan immigrants.

Keywords: Immigrants, Social Acceptance, Crimes and Social Harms, Afghans

DOI: [10.71854/soc.2025-1207254](https://doi.org/10.71854/soc.2025-1207254)

Explaining the cultural and social indicators affecting tourism development in the industrial city of Asaluyeh

Hossein Ahmadi [۲۵۴۹-۲۳۴۸-۰۰۰۰-۰۰۰۰۹](#) 

*PhD Candidate, Department of Sociology, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Iran
Bushehr,*

Gholamreza Jafarinia¹ [0000-0002-4858-1399](#) 

*Associate Professor, Department of Sociology, Bushehr Branch, Islamic Azad University,
Bushehr, Iran*

Ali Shams al-Dini [0000-0001-9757-4331](#) 

*Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Shiraz Branch, Azad
Islamic Institute, Shiraz, Iran*

Extended Abstract

Introduction

The industry is one of the most profitable industries for the economy of any country. The prosperity of tourism in a country indicates its political, economic, social, and cultural stability. A country's policies at the national and global levels are for the supply and demand of tourism in that country. The tourism industry creates new opportunities for many countries, cities, and urban and rural areas, as well as numerous employment opportunities for local entrepreneurs. Excellent opportunities for hotel construction and construction and expansion of food varieties, the prosperity of cafes, clinics, health centers, medical services, the improvement and repair of infrastructure and infrastructure such as roads, streets, alleys and passages, structures such as water, electricity, telephone, gas, etc. are in a better condition. In the present study, an attempt has been made to address the issue of tourism in industrial areas from a different perspective. In this research, cultural indicators, including language, customs and festivals, literature and mythical characters, architecture, ethnic diversity, religions and rituals, development and promotion of growth, and social indicators, including quality of life, development facilities and opportunities, local community participation, crowding and congestion, social support, solidarity, and social cohesion. Asaluyeh has been addressed. This research aims to explain cultural and social indicators for tourism development in the industrial city of Asaluyeh.

Method

This research is applied in terms of purpose and survey regarding the data collection method. The data collection tool is a questionnaire. The statistical population in this research includes all tourism experts in Asaluyeh city, hoteliers, tourists in Asaluyeh, marketers, etc. The age range is 18 to 60 years, equal to 5742 people. The sample size equals 360 people, which is obtained as a statistical population by simple probability.

After conducting initial studies in a small part of the statistical population and determining the standard deviation, the sample size was estimated using the Cochran

¹ Corresponding Author: Jafarinia_reza@yahoo.com

formula at an error level of 0.05 percent and an accuracy of 0.5 times the sample size. In this research, the available sampling method was used, which was carried out by referring to the organization and its employees, who were randomly sampled.

Results

The cultural indicators and dimensions of Assaluyeh city significantly impact tourism development. The hypothesis test results showed that the value of the t-statistic and the path coefficient for the primary variable (relevant cultural dimensions) were estimated to be 434.75 and 0.904, respectively. Therefore, given that the value of the significant number (t-value) was greater than 1.96 and the significance level (0.000) was less than 0.05, it can be concluded that this path coefficient is significant at the 0.05 error level. Therefore, according to the collected data, the above hypothesis can be confirmed with a probability of 95%. Social indicators and dimensions of Assaluyeh city have a significant impact on the development of tourism. The above hypothesis test results showed that the t-statistic and the relevant path coefficient values were estimated to be 697.59 and 0.886, respectively. Therefore, given that the significant number (t-value) was greater than 1.96 and the significance level (0.000) was less than 0.05, it can be concluded that this path coefficient is significant at the 0.05 error level. Therefore, based on the collected data, the above research hypothesis can be confirmed with a probability 95%.probability of 95%.

Conclusion

Developing countries are more sensitive to tourism's social and cultural dimensions, and the volume of foreign tourist arrivals, primarily from industrialized countries, may cause tension due to cultural and lifestyle differences. Travel and tourism create connections with peers and other ethnicities and nations, and help consolidate and strengthen the foundations of social life. The macro-management and tourism industry experts have the first say. They must identify the opportunities available in the country, include them in the comprehensive tourism plan, and provide the basis for private investment in complex infrastructure such as hotels, restaurants, and attractions. The government must also expand the field to develop the country's soft infrastructure, such as education, culture, and security. Finally, Assaluyeh County is in a good position regarding sustainable tourism development categories, including tourism infrastructure, economic capacity, natural capacity, demographic and social capacity, and tourism facilities. Tourism development in Assaluyeh is considered an effective factor in combating poverty. It leads to economic prosperity, which improves the people's quality of life and increases social welfare. It also familiarizes other communities with the culture and values of Assaluyeh. Good cultural and social relations and connections are established.

Keywords: Culture, Society, Development, Sustainable Tourism Development, Asaluyeh City

DOI: [10.71854/soc.2025-1207260](https://doi.org/10.71854/soc.2025-1207260)

**Pathological analysis of crisis management of road accidents in Khorasan
Razavi province**

Alireza Sanatkah¹ [0000-0002-6663-7317](https://orcid.org/0000-0002-6663-7317) 

*Assistant professor, Department of sociology, Kerman Branch, Islamic Azad University,
Kerman, Iran,*

Abbass Babaei nejad [0000-0003-3090-7589](https://orcid.org/0000-0003-3090-7589) 

*Assistant professor, Department of management, Kerman Branch, Islamic Azad University,
Kerman, Iran,*

Detailed Abstract

Introduction

One of the social issues can be considered road accidents, which is one of the leading causes of mortality worldwide, and crisis management in all countries makes significant efforts to control it. The present research aims to perform a pathological analysis and examine the lived experiences of Red Crescent personnel regarding the strengths and weaknesses of crisis management strategies for road accidents, taking into account climatic conditions. In the field of research innovation, according to the National Crisis Management Program (approved in 2019), there has been an emphasis on the provincial disaster risk reduction program. Based on this program, the Provincial Disaster Management Office, in compliance with laws and regulations, and with the participation of all responsible agencies mentioned in Article 2 of this law, must prepare the national disaster risk reduction program and prioritize the identification of hazards, vulnerabilities, capacities, and risk reduction strategies in the province. Additionally, the program emphasizes enhancing the ability to identify hazards and understand the risks of disasters in the country, including preparing a national natural hazard atlas and developing provincial disaster risk reduction programs for approval by the National Headquarters. Therefore, the innovation of this research lies in conducting a practical study that aims, first, to investigate the most critical issues and problems in rescue and relief operations based on the lived experiences of the personnel and officials of the Red Crescent. It will also identify strengths and weaknesses related to service quality and strategies employed by the Red Crescent forces. Ultimately, based on existing problems and issues, it will forecast the necessary equipment and facilities to manage road accident risks effectively. The main research question is: What challenges (strengths and

¹ Corresponding Author: asanatkah@yahoo.com

weaknesses) does efficient management of road accident crises (considering climatic and weather conditions on the roads of Khorasan Razavi province) face?

Literature review

Ehsan Pour et al. (2023: 61) in evaluating the impact of urban planning management methods on improving traffic discipline conclude that managerial solutions include: using the capacity of surveillance cameras and smart recording of violations, public transportation with an innovative approach involving advanced traffic management systems, geometric modifications, and enhancing the safety of roadways, which includes allocating sufficient budget to address accident-prone areas and improving urban infrastructure in the traffic domain, as well as educating safety regulations using the capacity of cyberspace to enhance proper driving culture, all having the most significant impact. Goharpour et al. (2021: 135) in their investigation of access performance in road accidents (case study of Isfahan province) conclude that the existence of improper access points and the establishment of non-standard access points lead to numerous accidents on the country's roads. Bahtu'i et al. (2020: 127) in a data mining analysis of road accidents in northwest Tehran demonstrate that the leading cause of road accidents is human factors and lack of attention, while weather conditions are not considered the primary cause of accidents but do exacerbate them. The characteristics of roads significantly influence both the occurrence and severity of accidents.

Methodology

This research is qualitative and based on phenomenology. Therefore, using deep and open-ended interview techniques along with purposive sampling, necessary data were gathered and organized from 20 officials and personnel of the Red Crescent in Khorasan Razavi province, who have direct experience in assisting in road accidents. A semi-structured interview was used as the data collection tool. Three methods were utilized to achieve reliability criteria: member checking, analytical comparisons, and auditing techniques. Coding was conducted in three stages: open, axial, and selective coding.

Research findings

Regarding the strategies employed in managing road traffic accidents, education and swift action emerge as a primary category, characterized by subcategories such as volunteer spirit, personnel training, and rapid responses. These are identified as the most essential strategies in crisis management. Participants noted that utilizing young Red Crescent volunteers can lead to a high level of empathy and synergy in management. Emergency response teams can provide essential training to individuals, and with rapid action from the police, Red Crescent, emergency services, and other organizations, effective management of road traffic accidents can be achieved. The Red Crescent has implemented these strategies.

However, these strategies' weaknesses include issues such as outdated equipment, problems with road distances, inadequate team collaboration, negligence towards scientific approaches, deficits in training, and a lack of understanding of climatic issues. Many participants expressed concerns about worn-out equipment. Additionally, the long distances between roadside bases and the high volume of missions can sometimes be overwhelming. The lack of scientific evaluation of the measures taken and learning from past experiences is also a weakness.

Participants mentioned that strengths include specialized training for personnel, the large number of volunteers available within the Red Crescent, and the formation of emergency working groups. A significant strength in this context is the empathy and collaboration observed within the community being studied. Managers in police forces, the Red Crescent, road maintenance, and crisis management perform all possible actions with compassion during road traffic crises. As for the impacts of climate crises on effective crisis management, an increase in incidents and the difficulties in response are highlighted as the primary issues, associated with subcategories such as: the higher frequency of climate-related incidents / excessive occurrences of accidents/challenges in swift response to emergencies/managers focusing on response rather than prevention / and a lack of foresight influenced by insufficient awareness.

Conclusion

Based on the experiences of Red Crescent personnel, the study identified the role of managers, management models, and the interactions between managers and personnel as crucial elements influencing handling road incidents and their impact on preventing road accident crises.

Keywords: road accidents, crisis management strategies, climate change, assessment of actions

Social Factors Influencing People's Participation in Contributing to the Behzisti of Khuzestan Province

Fatemeh Dosti Irani [0000-0002-9473-1773](#) 

PhD Candidate of Sociology of Iranian Social Issues, Faculty of Humanities, Dehaqan Azad University, Isfahan, Iran

Reza Esmaili¹ [0000-0001-2345-6789](#) 

Assistant Professor, Faculty of Educational Sciences, Psychology and Foreign Languages, Khorasgan Azad University, Isfahan, Iran

Asghar Mohammadi [0000-0002-8419-6594](#) 

Assistant Professor, Faculty of Humanities, Dehaqan Azad University, Isfahan, Iran

Detailed Abstract

Introduction

The meaning of social participation is that it is situated within a social context, where people engage in social activities in formal and informal social networks. Forms of participation are determined by discourses that arise from within society, including culture, norms, values, and institutions (Sivani, 2007: 98). Thus, participation means participating in a life situation. Participation in society involves fulfilling an individual role or sharing a group situation. A life situation implies a person's interaction and participation in broad aspects and areas of everyday life with social life (Van Brakel, 2010: 1). Social participation shows how a person actively participates in formal and informal activities of groups and other social activities. Types of participation are covered by questions about involvement in clubs and voluntary groups, attendance at sports and cultural venues, group activities, outdoor and productive activities, favorite activities, reading and learning, and artistic interests. This study's central question and issue are: What are the methods of attracting public participation to the welfare of Khuzestan Province?

Research Method

This research is a survey type, and the data collection tool is a questionnaire. Our statistical population in this research is all male and female residents of Khuzestan province. The sample size was obtained using the Cochran formula, and the relevant questions will be asked through the questionnaire as an interview. And we will analyze and test the hypotheses using the IMOS software. The statistical population under study is classified into three groups: first, people and citizens. In the second stage, groups and individuals are benefactors, and in the third stage, managers and officials of charitable organizations and those involved with the benefactors are involved. People and benefactors were questioned using a quota and random sampling. We also asked the relevant officials about the census. Since our statistical population includes three segments: people, donors, and welfare managers, in the segment of people and citizens, the number of people over 20 years of age in Khuzestan Province in the 1400

¹. Corresponding Author: esmaili40@yahoo.com.

census was 3,715,531 people, and using the sample size formula, 384 people from 15 counties were selected as the sample size.

Findings

The correlation coefficient between increasing public awareness, public information, and participation is significant. A positive and significant relationship exists between increasing public awareness, public information, and participation ($r=0.958$) at a confidence level of 95%. Based on the determination coefficient ($2r$), 91.8% of the variance between increasing public awareness and public information and participation was shared, which indicates a high correlation between increasing public awareness and public information and participation in welfare activities and the necessity of their participation as a human, religious, emotional and social duty. There is a positive and significant relationship between the development of media knowledge management and public involvement ($r=0.952$) at a confidence level of 95%. Based on the determination coefficient ($2r$), 90.6% of the variance between the development of media knowledge management and public participation was shared. This indicates a high correlation between developing media knowledge management, community communication, and attracting and absorbing public participation in welfare.

A positive and significant relationship exists between the creation, expansion, and development of local organizations and public participation ($r=0.916$) at a confidence level of 95%. Based on the determination coefficient ($2r$), 83.9% of the variance between the creation, expansion, and development of local organizations and public participation was shared, which indicates a high correlation between the creation, expansion, and development of local and regional organizations and attracting public participation in welfare. There is a positive and significant relationship between personal motivations and public participation ($r=0.946$) at a confidence level of 95%. Based on the determination coefficient ($2r$), 89.4% of the variance between personal motivations and public participation was shared, which indicates a high correlation between individual motivations and attracting public participation in welfare. Based on the coefficient of determination (R^2), 92.5% of the variance between religious values and public participation was shared, which indicates a high correlation between spiritual values and attracting and absorbing public participation in welfare. The findings show a significant correlation coefficient between social base and public participation. A positive and significant relationship exists between civic belonging, commitment, and public participation ($r=0.979$) at a 95% confidence level. Based on the coefficient of determination (r^2), 95.8% of the variance was shared between civic belonging and commitment and public participation, which indicates a high correlation between civic belonging and commitment and attracting and absorbing public participation in welfare. There is a positive and significant relationship at a 95% confidence level between adopting a voluntary participatory approach and public participation ($r=0.983$). Based on the coefficient of determination (r^2), 96.6% of the variance was shared between adopting a voluntary participatory approach and public participation. This indicates a high correlation between adopting a voluntary participatory approach and attracting and absorbing public participation in welfare.

Conclusion

The results showed: between the respondents' scores regarding the variables of adopting the method of increasing public awareness and informing about welfare

activities, (in line with Huntington and Nelson's theories, group awareness accelerates the process of public participation) and adopting the method of developing media and community communication knowledge management, in line with the research of Norouzi and Bakhtiari,;

Creation, expansion and development of local and regional organizations, (in line with the results of Tajik et al. who found that there is a significant relationship between the neighborhood management variable and the dimension of citizens' social participation); personal motivations, (in line with the theories of experts such as Freer , Wickramaraja, Berkeley and Chambers, who were among the scholars who made a significant contribution to the formation of this approach. These scholars believe that participation in social and political activities is a goal, and human abilities and creativity are realized through it. In this view, participation in the activities of social organizations is considered a virtue and duty in itself, not merely a means to secure personal interests); social base, (in line with the results of Ghobadi who concluded in his research that social and political satisfaction, religiosity, media and socioeconomic base were examined with participation. And Marshall, in a study of neighborhood organizations, socioeconomic status, and its impact on social participation, found that local leaders can increase citizen participation by creating participatory structures such as neighborhood organizations. Socioeconomic status (income, education, and civic engagement) is strongly related to the level of participation; Lippist's findings from studies in different countries show that participation generally tends to increase among those who are better educated, members of higher income and occupational groups, middle-aged, dominant religious and ethnic groups, men versus women, urban dwellers, and members of associations and administrative institutions.

Key words: Social factors, participation, Khuzestan province, welfare, popular participation

Journal of Sociological Researches

2025 (Spring), Vol. 19, No.1

License: Islamic Azad University, Garmsar Branch

Director: Dr. Soheila Alirezanejad

Chief Editor: Dr. Seyed Mohammad Sadegh Mahdavi

Executive Director: Dr. Soroush Fathi

Editorial Board:

Dr. Bagher Saroukhani, Professor, Tehran University, Tehran, Iran

Dr. Ali Akbar Farhangi, Professor, Tehran University, Tehran, Iran

Dr. Mehrdad Navabakhsh, Professor, Islamic Azad University science & Research Branch, Tehran, Iran

Dr. Seyed Mohammad Sadegh Mahdavi, Professor, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Dr. Khadijeh Safiri, Professor, Alzahra University, Tehran, Iran

Dr. Mansour Vosoughi, Professor, Tehran University, Tehran, Iran

Dr. Ali Reza Mohseni Tabrizi, Professor, Tehran University, Tehran, Iran

Dr. Soheila Alirezanejad, Professor, Islamic Azad University Garmsar Branch, Garmsar, Semnan, Iran

Dr. Tahereh Mirsardoo, Associate Professor, Islamic Azad University Garmsar Branch, Garmsar, Semnan, Iran

Dr. Soroush Fathi, Associate Professor, Islamic Azad University, West Tehran Branch, Tehran, Iran

ISSN: 1735-5516

This Magazine will be published in according to the 16th examination and approval commission of scientific magazines of Islamic Azad University, with the authority No 87/162342 dated 2004

Published by: Islamic Azad University, Garmsar Branch

Address: P.O. Box 35818/144 Garmar, Semnan, Iran, Tel: 0098232-4225009-12

Journal of Sociological Researches

Islamic Azad University, Garmsar Branch

2025 (Spring), Vol. 19, No.1